

- جدال عقاب و خرس پیش چشم یوز: تشکیل میز روسیه در گزاته ی ارس
- آمار به زبان رحمانی
- وزن کشی اقتصاد آذربایجان

ماهنامه اقتصادی شمال غرب

کارایی

سال پنجم، دوره جدید
شماره ۸، آگوست ۱۳۹۳
۶۸ صفحه، قیمت ۳۰۰۰ تومان

هوای تغییر

برونده ای درباره اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز و انتخابات پیش روی آن





 **HOFMANN**

تولیدکننده پروفیل یوپی‌وی‌سی

هافمن 

گروه صنعتی میراب پروفیل

دفتر مرکزی: تهران، بلوار آیت... کاشانی
تهران خیابان رامین شمالی، پلاک ۴۶۶، واحد ۴

Tel : (021) 88 600 671 - 3

www.hofmannprofile.com info@hofmannprofile.com



**CINCINNATI
EXTRUSION**



EXTRUSION



 **OFMANN**

تولیدکننده پروفیل یوپی‌وی‌سی

هافمن 

گروه صنعتی میراب پروفیل

نشانی دفتر مرکزی: تهران، بلوار آیت‌الله کاشانی
 نبش خیابان رامین شمالی، پلاک ۴۶۶، واحد ۴

Tel : (021) 88 600 671 - 3

www.hofmannprofile.com info@hofmannprofile.com



**CINCINNATI
 EXTRUSION**



ALUMINACIO



imiazar.ir



مرکز آموزش های تخصصی
فناوری اطلاعات و ارتباطات

041-33333600

کاربری کامپیوتر (ICDL)

شبکه های مبتنی بر Microsoft

شبکه های مبتنی بر CISCO

شبکه های Wireless (بی سیم)

امنیت شبکه

برنامه نویسی، وب، مالتی مدیا و تجارت الکترونیک

نرم افزارهای تخصصی: گرافیک، انیمیشن، معماری، فنی،
مهندسی، صنایع، مکانیک، عمران، ریاضی، آمار، نفت، گاز و برق



سازمان مدیریت صنعتی

تعاونت علمی و فناوری استان قدس

دفتر آموزش های تخصصی

سازمان مدیریت صنعتی

آدرس: جنب هتل تبریز کوچه پناهی

نگاه شما را به دنیای کسب و کار تغییر می دهد



دوره های عالی مدیریت
سازمان مدیریت صنعتی

۰۰۶۳۳۳۳۳۳۳ 

www.imiazar.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست

گزیده بیانات مقام معظم رهبری

« البته امر به معروف و نهی از منکر حوزه‌های گوناگونی دارد که باز مهمترین اش حوزه مسؤولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسؤولان، کار خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آنها بخواهند. این مهمترین حوزه است. البته فقط این حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد»
 خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۵ آذرماه سال ۱۳۷۹

مباحثه آقایان ژانله، محمد زاده و علیزاده هوشیار درمورد اتاق بازرگانی و انتخابات آن



۱۴

گفتگوی اختصاصی با نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی آذربایجان شرقی



۲۲

| | |
|--|----|
| مقام معظم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان | ۶ |
| رئیس جمهوری در همایش روز ملی مهندسی | ۷ |
| پرفروش‌ترین شرکت‌های ایرانی اعلام شد | ۸ |
| توسعه پایدار مبتنی بر توسعه همه جانبه است | ۹ |
| آمار به زبان رحمانی | ۱۰ |
| هوای تغییر | ۱۴ |
| اتاقی برای همه...! | ۱۵ |
| تبدیل بخش دولتی به بخش فرا دولتی نتیجه‌ی خصوصی‌سازی! | ۲۲ |
| از خود گذشتگی لازمه نمایندگی | ۲۵ |
| قوانین نادرست اتاق را تضعیف کرده است | ۲۷ |
| اتاق بدون تشکل هایش بال پرواز ندارد | ۲۹ |
| امید به صنعت با کاهش قیمت نفت | ۳۱ |
| انتخابات اتاق بازرگانی از منظر نخبه گرایی | ۳۲ |
| سخنرانی دکتر محمود سریع القم در سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی | ۳۴ |
| جدال عقاب و خرس پیش چشم بوز | ۳۸ |
| گفتگو با دکتر صادق زیبا کلام | ۳۹ |
| میز روسیه در منطقه آزاد ارس | ۴۰ |
| چرا غرب مقصر بحران اوکراین به شمار می آید | ۴۴ |
| وزن کشی اقتصاد آذربایجان | ۵۱ |
| به تبریز که نگاه می کنیم کلاهمان می افتد | ۵۴ |
| تولید و صنعت یک ارزش اجتماعی | ۵۵ |
| نیروی انسانی متعهد، نعمت است | ۵۹ |
| تعیین قیمت قیر در منطقه | ۶۱ |
| آرد سالم، نان سالم، زندگی سالم | ۶۳ |

ماهنامه کارایی. سال ششم. دوره جدید. شماره ۸. اسفند ۱۳۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: توفیق رسولی مجارشین
 سر دبیر: محمد حسن خیرآور

دبیر اجرایی: آراز ادوای

دبیر تحریریه: الناز علیزاده اشرفی

تحریریه: دکترمجید باقرزاده خواجه، دکترعلیرضا بافنده زنده، دکترمحمدباقر بهشتی، دکترصمد عالی، دکترفرزادستاری اردبیلی، حمیده علیزاده اشرفی، محسن افسر قره باغ، حسام الدین قندهاری، جواد جهانگیر

امور فنی و هنری: ساسان رسولیان

همکاران این شماره: شهروزتهامی نسب، صادق پورصادق، مختارخوش پیمان
 با سپاس از همکاری: علی اکبرافتخار، علی نیک رزم، سونیا خامنه

دفتر مرکزی: تبریز، خیابان سعدی، کدپستی ۵۱۷۳۹-۵۳۸۳۹
 دفتر نشریه: تبریز، ولیعصر، خیابان نظامی، خیابان قطران، کوچه شبنم، روبروی
 درب مجتمع ورزشی برق، پلاک ۵ تلفن: ۳۲۹۷۳۷۷-۴۱۳۰

پست الکترونیک: karamag.azd@gmail.com

۱- کارایی آمادگی دارد تا پذیرای نقطه نظرات همه صاحب نظران باشد.
 ۲- مطالب منتشر شده لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این نشریه نمی باشد.
 ۳- کارایی در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی با نظر صاحبان اثر آزاد است.

سخنرانی دکتر محمود
سریع القم در سازمان
مدیریت صنعتی
آذربایجان شرقی



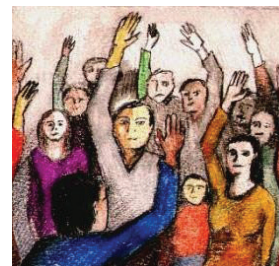
۳۴

IRANTAC
برگزاری سومین دوره
طرح معرفی برترین
شرکت‌های منطقه‌ی
آذربایجان ۱۳۹۴



۵۱

انتخابات اتاق
بازرگانی از منظر
نخبه‌گرایی



۳۲

گفتگوی اختصاصی با
دکتر صادق زیبا کلام



۳۸

درسال‌های نه‌چندان دور، نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیستی دو سوی یک طیف رادر جهان واقعی اقتصاد تشکیل می‌دادند. با گذر زمان کشورهای نزدیک به طیف سوسیالیست نتوانستند شرایطی مناسب برای مردم خود رقم زنند که وضعیت اقتصادی معدود کشورهای باقی مانده از طیف مذکور همچون کره شمالی و کوبا مؤید این موضوع می‌باشد. به هرروی، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، «اقتصاد آزاد» به نظام اقتصادی رایج دنیا تبدیل گردید و غالب کشورهای دنیا اصول و موازین این تفکر اقتصادی و عوامل موفقیت آن را درکانون توجه خود قرار دادند. رکن اصلی اقتصاد آزاد، بخش خصوصی است و به همین دلیل امروزه جهت حرکت در جهان به سمت تقویت بخش خصوصی است. باید دانست بخش خصوصی، متشکل از سرمایه‌گذارانی است که به شیوه علمی به دنبال حداکثر سود از طریق تولید با رعایت حقوق شاغلان و مصرف‌کنندگان هستند و ماهیت آن با رانت خواران و ویژه خواران که از راه خرید و فروش زمین و ارز و جواهرات به ثروت اندوزی می‌پردازند، کاملاً متفاوت است. نظام اقتصادی سرمایه‌داری در قرن ۱۸ به وجود آمد و ثروت اندوزی از طریق خرید و فروش زمین و جواهرات به سال‌های قبل از قرن ۱۸ مربوط است.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی نمادی از پارلمان بخش خصوصی و به عنوان نماینده‌ی تمام شکل‌های صنعتی، معدنی، تجاری و کشاورزی به شمار می‌رود. البته لازم به گفتن نیست که چنین نهادی در قرن بیست و یکم و سال ۲۰۱۵، باید بخش خصوصی سرمایه‌گذار را نمایندگی نماید تا این بخش نقش مؤثر در اقتصاد داشته باشد.

اعضاء هیئت نمایندگان اتاقی که نماینده‌ی واقعی بخش خصوصی باشند، تمام تلاش خود را باید برای تقویت بخش خصوصی حقیقی به کار برد تا از این رهگذر نقش بزرگی در اقتصاد ایفاء نماید. بدیهی است که اگر چنین نباشد نتیجه قابل توجهی حاصل نخواهد شد. البته در این مسیر همیشه مشکلاتی وجود داشته و خواهد داشت. قدمت هر نهاد ارتباطی مستقیم با عمر و عمق مشکلاتش دارد. این به این معنی است که اتاق تبریز با قدمتی ۱۳۰ ساله، با مشکلاتی بسیار بیشتر از اتاق استان‌هایی که به تازگی تشکیل شده است، مواجه است. در سیستم‌های اداری هم این موضوع صادق است. به عنوان مثال مشکلات شهرداری تبریز که قدمتی ۱۰۸ ساله دارد، بسیار بیش از دیگر شهرداری‌های جوان تر است.

اولین گام در تحقق این هدف، پایبندی عملی به اصول و تمرین دموکراسی در اتاق است که این امر به نوبه خود، بسیاری از مسائل را رفع خواهد نمود. هیأت نمایندگان باید به جای منافع خود به منافع رأی‌دهندگان بپردازد و این همان چیزی است که از عبارت «پارلمان بخش خصوصی» انتظار می‌رود.

همچنین اتاق بازرگانی لازم است در کنار وظایف قانونی خود به ترویج مفاهیم، ارزش‌های اخلاقی و روش‌های صحیح کسب سود در عرصه کسب و کار، در بالاترین سطوح متعهد باشد. امروزه شرایط حاکم در کشور به گونه‌ای است که برخی از بنگاه‌های اقتصادی، حداقل حقوق قانونی کارکنان و مشتریان‌شان را به عنوان ذینفعان اصلی خود رعایت نمی‌کنند. وقتی حقوق این ذینفعان تامین نگردد، سودی پایدار حاصل نخواهد گردید. اتاق باید معتقد و تبیین‌کننده این موضوع باشد که سرمایه‌گذار واقعی هزینه‌هایش را با روش‌های علمی و حفظ حقوق انسانی کاهش می‌دهد همچنین از طریق رعایت کیفیت و تولید استاندارد حق مصرف‌کننده را رعایت می‌کند. با تجهیز خود به علم روز مدیریت، به فروش محصولات در سطح جهان می‌اندیشد که لازمه‌ی فعالیت در این سطح تولید با کیفیت بالا و قیمت در سطح رقابتی می‌باشد و اگر اتاق چنین مسیری را طی کند در راستای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که درونزایی و برونگرایی از تأکیدات آن است، گام بر خواهد داشت.

دکتر محمد باقر بهشتی عضو هیات علمی دانشگاه تبریز

مقام معظم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان:

با مردم کارها پیش خواهد رفت

برنامه‌ریزی عمومی قدرت‌های استکباری وجود داشت برای اینکه نگذارند ایران اسلامی تبدیل بشود به یک قدرت اثرگذار اقتصادی در منطقه؛ سعی کردند، روی این کار کردند. خب، جنگ که تمام شد، ما شروع کردیم به برنامه‌ریزی برای مسائل اقتصادی و پیشرفت‌ها؛ مشغول برنامه‌ریزی شدیم؛ این‌ها فهمیدند که اگر جلوی ایران را نگیرند، اگر چنانچه اخلال‌گری نکنند، دخالت نکنند، مزاحمت نکنند، ایران اسلامی با توانایی‌های خود - که آن روز سایه‌ی وجود شریف امام بزرگوار هم بر سر ما بود و حیات مبارک ایشان ادامه داشت - با تکیه‌ی به اسلام، با تکیه‌ی به مردم، تبدیل خواهد شد به یک قطب اقتصادی منطقه‌ای و روی اقتصاد منطقه و اقتصاد بین‌الملل اثر خواهد گذاشت، لذا برنامه‌ریزی شد برای اینکه نگذارند. این‌ها مربوط به مسائل هسته‌ای نیست؛ پیش از قضایای هسته‌ای - مسائل هسته‌ای مثلاً فرض کنید ده‌سال، دوازده سال است که پیش آمده؛ اینها مربوط به قبل از مسائل هسته‌ای است - مربوط به سال ۶۷ و ۶۸ و آن سال‌ها است؛ دشمنان ما از آن روز شروع کردند به تلاش. کسانی که اهل اطلاع اند، می‌دانند که برنامه‌های غربی‌ها و عمدتاً آمریکا شروع شد برای دور زدن ایران؛ در خطوط انتقال نفت و گاز، ایران را دور بزنند؛ در خطوط انتقال شبکه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، ایران را دور بزنند؛ یک نوع تحریم بی‌سروصدا؛ هر فعالیت اقتصادی مهمی که ایران می‌خواهد انجام بدهد، طرف‌ها را بترسانند. این‌ها اتفاقاتی است که در این کشور افتاده است. افراد مدعی و بی‌اطلاع نیابند حرف بزنند و خیال کنند که خب هیچ‌کاری کسی انجام نداده است؛ نه، خیلی تلاش شده است. دشمن برنامه داشت در این زمینه، و برنامه‌ی خودش را قدم‌به‌قدم تا امروز پیش برده است و عمل کرده است.

رهبر معظم انقلاب در بیاناتی که به مناسبت سالگرد بیست و نهم بهمن ماه در حسینیه امام خمینی رحمه‌الله در جمع مردم آذربایجان ایراد کردند، فرمودند: بنده درباره‌ی مناقب آذربایجان و تبریز تا حالا مطالب زیادی عرض کرده‌ام که واقعاً به آنها از بن دندان معتقدم. این جمله را فقط عرض بکنم که مردم آذربایجان و مردم تبریز نشان دادند که هم پیشرو هستند، هم موقع‌شناسند و به هنگام عمل می‌کنند، هم دلیر و شجاعند و از مشکلات هراسی به دل راه نمی‌دهند، هم به معنای واقعی کلمه با ایمان اند.

رهبری در ادامه با اشاره به هوشیاری مردم آذربایجان در مقاطع حساس ادامه دادند: در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند - [نه] آدمهای بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره‌ی شخصی، آن‌ها نه - هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت.

من امروز می‌خواهم یک مقداری راجع به اقتصاد صحبت بکنم؛ اقتصاد کشور. بنده چند سال است که در اول هر سال، راجع به مسائل اقتصادی تأکید می‌کنم، تکیه می‌کنم؛ این کشور، کشور بزرگی است، پهناور است، پرجمعیت است؛ بازار داخلی این کشور یک بازار هفتادوچند میلیونی است، این‌ها خیلی بااهمیت است، خیلی باعظمت است. شما نگاه کنید به امکانات و توانایی‌های ما، چه توانایی‌های انسانی‌مان - خیل عظیم جوان این کشور؛ کاربلد، تحصیل کرده، پُرانگیزه، پُرشور، آماده به کار - چه ثروت‌های طبیعی این کشور، اما در عین حال مشکل اقتصادی داریم؛ مشکل کجا است؟ راه حل چیست؟ چه کار باید کرد؟

این را من به شما عرض بکنم: از بعد از تمام شدن جنگ، یعنی از سال ۶۷ که هشت سال دفاع مقدس تمام شد، یک



رهبر معظم انقلاب در دیدار با مهندسان:

ما می‌توانیم را در عمل به مردم نشان دهید

گفتند: امروز فشار واردات، کشور را دارد از پا درمی‌آورد و در خصوص میزان واردات قاچاق به کشور نیز ارقام بسیار عجیبی مطرح است، اما این هم یک توجیه منطقی نیست که به بهانه جلوگیری از قاچاق و دریافت سود گمرکی، راه واردات انبوه به کشور به صورت رسمی باز شود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به اظهارات دبیر همایش درباره اقتصاد مقاومتی، و تکرار فراوان این عنوان در سخنان مسئولان و فعالان بخش‌های مختلف کشور، افزودند: البته با تکرار زبانی هیچ اتفاقی نمی‌افتد، بلکه باید این مسئله در مجلس و دولت به طور جدی بررسی شود که برای اقتصاد مقاومتی به مفهوم حقیقی، چه کارهایی انجام گرفته و چه کارهایی باید انجام بگیرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت روز ملی مهندس، با اشاره به دامنه‌ی گسترده کار مهندسی و نقش مؤثر مجموعه‌های جوان مهندسی در مقاطع مختلف از جمله در مبارزات انقلابی و دوران دفاع مقدس، گفتند: مهندسین ما در دفاع مقدس سربازان ازجان‌گذشته‌ای بودند که تمام نیرو، هنر و نبوغ خود را به کار گرفتند و هر روز یک پدیده‌ی نو از این جوان‌های با استعداد بروز می‌یافت.

ایشان، تلاش‌ها و دستاوردهای علمی مهندسین پس از دفاع مقدس و حضور در مسئولیت‌های اساسی را نیز مهم برشمردند و تأکید کردند: باید تلاش کنید در بخش‌های مختلف کشور مسئله «ما می‌توانیم» را در عمل به مردم نشان دهید و با شناخت خلأها و نیازهای کشور، به سمت انجام کارهای نکرده و زمین مانده بروید.

رهبر انقلاب در ادامه با اشاره به ضربه واردات بی‌رویه و قاچاق به کشور،

رئیس جمهوری در همایش روز ملی مهندسی :

مردم بهتر از دولت کار می کنند



صحبت می کنند و تاریخ شهادت خواهد داد که ما دست کمی از آنها نداریم.

رئیس جمهوری با بیان اینکه دیپلمات‌های ایران هم‌اورد خوبی در میدان مذاکرات بوده‌اند، افزود: آنها در میدان رقابت و در مسیر راه هستند. ما چه به توافق نهایی موفق بشویم و چه ناموفق، آنها افتخار تاریخ و کشور ما هستند همانطور که مهندسان ما در اصفهان، نطنز و فردو و در رشته‌های مختلف افتخار ایران هستند.

دکتر روحانی با اشاره رتبه قابل قبول کشور در علم و فناوری بر رقابتی بودن تولیدات جدید کشور، تأکید کرد و گفت: دولت یازدهم تا امروز هر کجا که موفق بوده به دلیل حمایت، حضور و تلاش مردم و فرهیختگان و رهنمودها و حمایت رهبر معظم انقلاب بوده است.

رئیس جمهوری با اشاره به آمار مرکز آمار مبنی بر تورم صفر در بهمن‌ماه سال جاری گفت: این کار عظیم و بزرگ بدون حضور و حمایت مردم نمی‌توانست محقق شود و دولت قدردان همه مردم است

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در همایش روز ملی مهندسی با تأکید بر اینکه دولت آماده واگذاری کارها به انجمن‌های مختلف از جمله جمع‌های مهندسی است، گفت: تردیدی ندارم که مردم بهتر از دولت کار می‌کنند و باید در شرایطی که برنامه‌ها و مشکلات مهمی پیش رو داریم وارد عمل شوند.

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنانش روند حرکت کشور برای دستیابی به غنی‌سازی با اهداف صلح‌آمیز را یاد آور شد و تأکید کرد: ایران هیچ‌گاه برای غنی‌سازی مخفی کاری نکرده است و اینکه می‌گویند ایران به دنبال مخفی کاری است دروغ بزرگی است چرا که ما در ابتدا به سراغ اروپایی‌ها رفتیم و بعد به سمت روسیه و چین و همه مذاکرات ما برای اینکه به انرژی نوین هسته‌ای با اهداف صلح‌آمیز دست یابیم، آشکار بود، اما آنها ما را به بهانه‌های واهی معطل کردند و در نهایت حاضر نشدند این فناوری را به ما بدهند.

دکتر روحانی با اشاره به نقش دانشمندان کشور در ساخت سانتریفیوژ و ایجاد نسل جدید سانتریفیوژهای پیشرفته، گفت: بخش بزرگی از اختراعات مادر فناوری‌های نوین مرسوم تلاش آنهاست. در علوم فضایی گام‌های بلندی برداشته‌ایم، چنانچه ماهواره جدیدی که سال گذشته طراحی شد و امسال پرتاب گردید گام افتخارآمیز جدیدی در مسیر هوافضا بود.

رئیس جمهوری تأکید کرد: در مسایلی که مربوط به منافع ملی کشور است، باید اختلافات سیاسی را کنار گذاشت. در علم، فناوری و اختراعات ملی، این خط، آن خط و این جناح و آن جناح فرقی نمی‌کند، مهندس راست و چپ در کنار هم سانتریفیوژ راه انداختند.

دکتر روحانی گفت: ما برای فرهیختگان کشور و مهندسیین عزیز و سربازان خط مقدم دیپلماسی کشور ارزش بسیاری قابل است. امروز دیپلمات‌های ما در میدان بزرگ رقابت با کشورهای جهان حضور دارند و در خصوص مسایل فنی، حقوقی و سیاسی

رئیس جمهوری در اجلاس وزرای علوم، فناوری و نوآوری

کشورهای عضو جنبش عدم تعهد

سلطه‌گری مدرن تبعیض علمی است

هستند و بدین ترتیب هزینه‌های صرف شده برای آموزش و تربیت نیروی انسانی، به نحو مطلوب تبدیل به ثروت نمی‌شود. کشورهای صنعتی نیز با استفاده از این خلاء، زمینه‌های جذب نیروهای علمی و تربیت شده کشورهای در حال توسعه را فراهم می‌آورند. لذا تا هنگامی که ما سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه قادر به اصلاح وضعیت و برقراری حلقه مفقوده میان علوم و صنایع نشویم، فرار مغزها همچنان ادامه خواهد یافت.

یکی از نشانه‌های سلطه‌گری مدرن در دنیای امروز تحمیل تبعیض علمی بر کشورهای جهان است. این در حالی است که دسترسی به علوم از حقوق اولیه افراد و کشورها بوده و دولت و یا شهروندان هیچ کشوری را نباید به بهانه‌های واهی از دسترسی به دانش محروم ساخت

رئیس جمهور: سلطه‌گری مدرن تبعیض علمی است
رئیس جمهوری در اجلاس وزرای علوم، فناوری و نوآوری کشورهای عضو جنبش عدم تعهد گفت: گسترش فقر و بیکاری در کشورهای در حال توسعه ذیل یک نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی ناکارآمد، زمینه‌های مساعد و بستر گسترش افراط‌گرایی و خشونت را فراهم آورده است. اصلاح این مناسبات و حرکت بسوی توسعه پایدار در سطح جهان و ایجاد جوامع دانش محور، کاهش تمایل به سلطه‌گری، افراط‌گری و خشونت را در پی خواهد داشت؛ لذا علم و فناوری با همه ابعاد جانبی مثبت آن، زمینه‌ساز صلح و امنیت خواهد بود.

متأسفانه بسیاری از کشورهای عضو جنبش عدم تعهد با وجود در اختیار داشتن بنیة علمی قابل قبول فاقد حلقه ارتباطی میان صنعت و علوم

پرفروش ترین شرکت های ایرانی اعلام شدند

رجب بیگی با بیان این که در سال ۱۳۹۲ مانند سال های پیشین بیشترین دارایی ها، در اختیار بانک ها بوده است، اظهار کرد: در بخش بیشترین دارایی ها بانک ملت با دارایی یک میلیون و ۳۹۰ هزار میلیارد ریال در رتبه اول قرار گرفته و پس از آن بانک تجارت، بانک پارسیان، بانک پاسارگاد، بانک مهر اقتصاد، صنایع پتروشیمی خلیج فارس، بانک قوامین و بانک اقتصاد نوین در رتبه های بعدی قرار گرفتند.

وی با بیان این که بیشترین اشتغال زایی در سال گذشته مربوط به شرکت ایران خودرو با ۵۰ هزار و ۹۲۱ نفر بوده است، گفت: شرکت های سایپا با بیش از ۳۶ هزار نفر، بانک صادرات با ۳۲ هزار و ۷۰۰ نفر، شرکت مخابرات ایران با ۳۱ هزار و ۵۰۰ نفر و بانک ملت با ۲۷ هزار و ۸۰۰ نفر بیشترین اشتغال زایی را در میان شرکت ها داشته اند.

مدیر عامل سازمان مدیریت صنعتی با اشاره به شرکت های با سودآوری بالا در سال گذشته اظهار کرد: بیشترین سودآوری در این سال مربوط به صنایع پتروشیمی خلیج فارس، سرمایه گذاری نفت، گاز و پتروشیمی تامین، سرمایه گذاری غدیر، پالایش نفت بندرعباس و فولاد مبارکه اصفهان بوده است.

صنایع پتروشیمی صدرنشین صادرات

رجب بیگی با بیان این که از نظر صادرات، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با حدود سه میلیارد دلار در صدر قرار گرفته است، گفت: شرکت های سرمایه گذاری غدیر، گسترش نفت و گاز پارسیان، سرمایه گذاری نفت، گاز و پتروشیمی تامین و پتروشیمی مارون رتبه های بعدی از نظر صادرات را در اختیار دارند.

وی با بیان این که جمع فروش ۱۰۰ شرکت برتر در سال گذشته ۵۲۸ هزار و ۲۳۰ میلیارد تومان بوده است، از رشد ۴۹/۴ درصدی جمع فروش شرکت های برتر نسبت به سال ۹۱ خبر داد و اظهار کرد: میزان فروش صدمین شرکت نسبت به رتبه بندی قبلی رشد ۵۳ درصدی داشته و فروش شرکت اول ۳۸ برابر شرکت صدم است. از سوی دیگر جمع فروش ۱۰ شرکت اول ۱۹ برابر ۱۰ شرکت انتهایی رتبه بندی است. جمع فروش ۱۵ شرکت ابتدایی جدول ۵۰ درصد از فروش ۱۰۰ شرکت برتر را به خود اختصاص می دهد.

سازمان مدیریت صنعتی اسامی شرکت های برتر کشور در زمینه های مختلف را اعلام کرد که در این میان شرکت های پالایش نفت و پتروشیمی، رتبه های اول بالاترین فروش را به خود اختصاص داده اند و بیشترین رشد فروش در اختیار بانک دی بوده است.

مدیر عامل سازمان مدیریت صنعتی در همایش ۱۰۰ شرکت برتر کشور با اشاره به شرکت های برتر از لحاظ بالاترین میزان فروش در سال ۱۳۹۲ گفت: در زمینه فروش، شرکت پالایش نفت بندرعباس با ۴۰ هزار میلیارد تومان در رتبه اول است که پس از آن شرکت های پالایش نفت اصفهان، صنایع پتروشیمی خلیج فارس، سرمایه گذاری غدیر، گروه گسترش نفت و گاز پارسیان، بانک ملت، سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی کارکنان، بانک تجارت، بانک پارسیان و ایران خودرو در رتبه های بعدی قرار گرفتند.

مجتبی رجیبیگی افزود: از نظر بالاترین میزان ارزش افزوده، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با ۶۹ هزار و ۵۲۹ میلیارد ریال در رتبه اول و شرکت های سرمایه گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تامین، سرمایه گذاری غدیر، فولاد مبارکه اصفهان، بانک ملت، شرکت مخابرات ایران، پالایش نفت بندرعباس، سرمایه گذاری نفت و گاز پارسیان، گروه پتروشیمی مارون و شرکت ارتباطات سیار ایران رتبه های بعدی را به خود اختصاص داده اند.



دستورالعمل قیمت گذاری خودروهای وارداتی ابلاغ شد

وزارت صنعت، معدن و تجارت بالاخره به دعوای قیمت گذاری خودروهای وارداتی خود با شورای رقابت پایان داد و سرانجام ضوابط جدید قیمت گذاری خودروهای

وارداتی را ابلاغ کرد. براساس ابلاغیهی وزارت صنعت واردکنندگان خودرو از ابتدای اسفندماه نود و سه ملزم به قیمت گذاری خودروهای وارداتی براساس این دستورالعمل ۱۴ بندی شدند.

در این ابلاغیه قیمت تمام شدهی خودروها شامل موارد زیر اعلام شده است: ۱- ارزش خودرو، ۲- حقوق ورودی شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی، ۳- مابه التفاوت مالیات بر ارزش افزوده دریافتی و پرداختی، ۴- عوارض هلال احمر، ۵- عوارض مندرج در بودجه سنواتی، ۶- هزینه انبارداری، تخلیه و بارگیری و عوارض بندری، ۷- هزینه ثبت سفارش، ۸- هزینه بازرسی فنی، ۹-

هزینه استاندارد، ۱۰- عوارض وزارت راه و شهرسازی در صورت حمل با ناوگان خارجی، ۱۱- کلیه مالیات ها و عوارض شماره گذاری، ۱۲- هزینه بیمه شخص ثالث، ۱۳- هزینه اسقاط خودروهای فرسوده، ۱۴- هزینه بانکی شامل کارمزد بدون احتساب سود و خسارت تاخیر تادیه دیون.

قیمت نهایی فروش نقدی به خریداران (بدون احتساب مبلغ ارزش افزوده دریافتی از خریدار) عبارت است از مبلغ قیمت تمام شده فوق به علاوه ۷ درصد مبلغ قیمت تمام شده که شامل سایر هزینه ها و سود نمایندگی و وارد کننده و ۳ درصد ارزش خودرو بابت گارانتی و ارائه خدمات پس از فروش می باشد. بدیهی است در صورت پیش فروش نمودن یا فروش اقساطی مابه التفاوت برابر دستورالعمل مصوب خواهد شد.



معاون برنامه ریزی استاندار آذربایجان شرقی:

توسعه پایدار مبتنی بر توسعه همزمان اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است



بهبودی گفت: سند تدبیر توسعه نقشه راه و موتور محرک توسعه استان برای رسیدن به هدف ترسیمی در سند است.

سند تدبیر توسعه آذربایجان شرقی در ۱۲ کارگروه تخصصی فضای کسب و کار، مدیریت بهره وری و اشتغال، فناوری های نوین، امور زیربنایی، صنعت، معدن و بازرگانی، محیط زیست، اجتماعی فرهنگی، گردشگری، سلامت، آب، کشاورزی، منطقه آزاد ارس و شهرستان ها تهیه و تدوین شده که در سفر معاون اول رییس جمهوری به تبریز رونمایی شد.

آذربایجان شرقی با ۴۵ هزار و ۴۹۱ کیلومتر مربع وسعت و سه میلیون و ۷۲۴ هزار و ۶۲۰ نفر جمعیت، یکی از استان های ۳۱ گانه جمهوری اسلامی و بزرگ ترین و پرجمعیت ترین استان ناحیه شمال غربی ایران محسوب می شود. مرکز این استان کلان شهر تبریز است و در سرشماری همین سال با یک میلیون و ۶۹۵ هزار و ۹۴ نفر پرجمعیت ترین شهر استان آذربایجان شرقی بوده است.

ایرنا: معاون برنامه ریزی استاندار آذربایجان شرقی گفت: توسعه پایدار مبتنی بر توسعه همزمان اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است.

داود بهبودی در همایش یک روزه هم اندیشی سند تدبیر توسعه استان آذربایجان شرقی اظهار کرد: اگر این سه بعد توسعه در کنار هم باشند، توسعه پایدار اتفاق خواهد افتاد اما در صورتی که شاخصی بیش از شاخص دیگر رشد کند و یا مورد توجه نباشد در افق بلند مدت، شاهد رشد پایدار استان نخواهیم بود.

وی افزود: برای در کنار هم قرار دادن سه وجه توسعه پایدار و همچنین تأکیدات رهبر معظم انقلاب در خصوص اقتصاد مقاومتی، سند تدبیر توسعه آذربایجان شرقی را برای استان و ۲۱ شهرستان آن تدوین کردیم که با اجرایی شدن آن از سوی دستگاه ها و فرمانداری ها، شاهد رشد و توسعه پایدار استان خواهیم بود.

بهبودی گفت: معاونت برنامه ریزی با کمک دانشگاهیان و صاحب نظران اقتصادی این برنامه را برای استان تدوین کرده که مورد استقبال ملی قرار گرفت و به عنوان سند الگو، در دیگر استان های کشور نیز تدوین و اجرایی خواهد شد.

وی خاطرنشان کرد: ساختار چند مرحله ای را برای تدوین این سند در استان و شهرستان ها طی کرده ایم و معاونت برنامه ریزی با مشخص کردن هسته های کلیدی، ارایه سند و تکمیل آن را به دانشگاهیان و خود شهرستان ها واگذار کرد که در سند نهایی به تمام جنبه ها و ظرفیت های توسعه تأکید شده است.

وی افزود: به طور قطع سندی که تدوین شده دارای نواقصی هم است که انتظار داریم صاحبان نظر در این خصوص با ارایه دیدگاه ها و نظرات خود، در تکمیل آن، معاونت برنامه ریزی را یاری کنند.

تراکتورسازی ایران در رتبه اول ۵۰۰ شرکت برتر کشور



موفق ترین بنگاه های تجاری و صنعتی در قالب ۵۰۰ شرکت برتر و بزرگ ایران، در هفدهمین سال رتبه بندی شرکت ها و با احتساب حجم فروش معرفی شدند.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز به نقل از روابط عمومی و امور بین الملل گروه صنعتی تراکتورسازی ایران، این مجموعه صنعتی توانست در گروه ماشین آلات، تجهیزات و صنایع فلزی عنوان رتبه اول را به خود اختصاص دهد.

ابوالفتح ابراهیمی مدیرعامل گروه صنعتی تراکتورسازی ایران در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شد، لوح تقدیر رتبه برتر را دریافت کرد.

این همایش به تدوین سیاست های صنعتی کشور با استفاده از تجزیه و تحلیل نتایج رتبه بندی صورت

گرفته، تأکید دارد.

با توجه به آمار ارائه شده از سوی سازمان مدیریت صنعتی، حجم فروش ۱۰۰ شرکت اول سال ۹۳ بر اساس اطلاعات مالی سال گذشته، معادل ۵۲۸ هزار و ۲۳۰ میلیارد تومان بوده که در مقایسه با حجم فروش ۱۰۰ شرکت برتر سال پیش از آن، بیش از ۴۹ درصد رشد داشته است.

مجمع تراکتورسازی ایران یکی از بزرگ ترین واحدهای صنعتی استان است که از افتخارات صنعت کشور و آذربایجان محسوب شده و در اقتصاد تبریز و آذربایجان شرقی جایگاه ویژه ای دارد. در این میان امید است که در سال های آینده شرکت های بخش خصوصی نیز به چنین جایگاهی دست یابند.

آمار به زبان رحمانی

رضا رحمانی نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی در نشست خبری که به میزبانی خبرگزاری ایسنا برگزار شد به تشریح مسائل مهم روز استان و کشور پرداخت و در این میان به برخی سوالاتی که سال‌هاست ذهن بسیاری از مردم و مطبوعات استان را به خود مشغول ساخته‌اند، به صورت مستند و آماری پاسخ داد. وی در این نشست که با دعوت از اصحاب رسانه‌ی استان برنامه‌ریزی شده بود، به عنوان رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی ضمن ارائه‌ی تحلیلی جامع از مشکلات صنایع استان و کشور به بررسی مسائل مختلف استانی از دریاچه‌ی ارومیه گرفته تا بیمارستان جدید تأمین اجتماعی در تبریز پرداخت. متن سخنان آقای رحمانی در این نشست خبری را ذیلا می‌خوانید.

گروه توسعه



تفاوت استان اصفهان با ما در تصمیم‌گیری‌هایی است که شده است

استان ما واقعا می‌تواند از برخی موقعیت‌ها استفاده کند. به عنوان مثال استان ما می‌توانست از فرصت پیش آمده در پی تحریم‌های روسیه توسط غرب استفاده کند. تصور نکنید که تنها صادرات محصولات داخلی مد نظر است. ما حتی می‌توانستیم با واردات محصولات مورد نیاز روسیه و صادر کردن دوباره‌ی این محصولات به این کشور سود فراوانی به استان و کشور برسانیم. در واقع در شرایط سخت تحریم‌ها و محدودیت واردات ارز، این امر می‌توانست فرصت مناسبی برای کشور باشد. اما متأسفانه تصمیمات ما به هیچ عنوان نشان از درک فرصت و موقعیت ندارد. مثال دیگر این امر روابط ترکیه و عراق است. با اینکه ترکیه روابط چندانی خوبی با عراق ندارد اما صادراتش به این کشور چند برابر صادرات ماست. این در حالی است که جمیع شرایط برای صادرات کشور ما به عراق کاملا فراهم است. طبیعی است که در صورتی که تصمیمات درستی گرفته می‌شد استان ما نیز از این امر چندانی بهره نمی‌ماند.

اول و آخر بودجه‌ی آذربایجان شرقی مشخص و محدود است

در مورد مباحثی که در مورد بودجه‌بندی در کشور می‌شود و صحبت از این است که بودجه‌ی استان ما در بودجه‌ی کل کشور چقدر است و چگونه تعیین می‌شود باید بگویم که تا به امروز معمولا اجازه ندادیم که سهم بودجه‌ی استان از کل بودجه‌ی کشور کاهش پیدا کند و یا به استان دیگری اختصاص پیدا کند. منتها مساله در اینجاست که اصلا کل بودجه‌ی استان میزان مشخصی است. تازه معلوم نیست که چقدر از این بودجه‌ی تصویری در عالم واقع تحقق پیدا کند. همه‌ی محل‌های درآمدی بر این بودجه تاثیر می‌گذارند، از قیمت نفت بگیرد تا میزان مالیات‌های تحقق یافته. در مجموع می‌توان گفت که بودجه‌ی عمرانی استان ما حدود دویست میلیارد تومان است. کل بودجه‌های سرمایه‌ای استان هم در حدود هزار میلیارد تومان است. یعنی هر دو با هم در حدود هزار و دویست میلیارد تومان است. تمامی دستگاه‌ها، ذی‌حساب‌ها و دیوان محاسبات مأمور هزینه کردن همان دویست میلیارد تومان هستند که با هزار میلیارد تومان بودجه‌ای که با دخالت وزارتخانه‌ها هزینه می‌شوند همان هزار و دویست میلیارد می‌شود. این در حالی است که دویست و بیست و چهار میلیارد تومان از این بودجه مربوط به بودجه‌ی عمومی دولت است. ششصد و اندی هم بودجه‌ی شرکت‌هاست. تا همینجا که نگاه کنیم بودجه‌ی عمومی دولت یک سوم بودجه‌ی شرکت‌هاست. تازه بخش دیگری از این بودجه‌ی عمومی هم هست که به صورت کلی در اختیار وزارتخانه‌هاست و ما باید برویم و آن بودجه‌ها را از وزارتخانه‌ها بیرون بکشیم. این در حالی است که اگر فقط به بودجه‌ی معدن مس سونگون نگاه کنیم، قرار است در این معدن حدود سه هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری انجام شود. یعنی با در نظر گرفتن اینکه بودجه‌ی استانی دویست میلیارد تومان است، سرمایه‌گذاری لازم برای معدن مس سونگون به اندازه‌ی پانزده سال بودجه‌ی استانی کشور است.

فولاد مبارک ریشه‌ی اقتصاد استان اصفهان را به آب رسانده است

بعضی‌ها می‌گویند که بودجه‌ی اصفهان بیشتر از استان ماست. این در حالی است

که اگر در لایحه‌ی بودجه‌ی امسال نگاه کنید بودجه‌ی اصفهان بیشتر از استان ما نیست. افزایش بودجه‌ی شان هم کمتر از ماست. حتی پرداخت‌های مالیاتی آنها سه برابر ماست. یعنی دولت از این استان برای تأمین بودجه‌ی ملی سه برابر استان ما مالیات دریافت می‌کند. خوب پس قضیه از چه قرار است که ما تصورمان بر این است که بودجه‌ی آنها بیشتر از ماست؟ مساله در اینجاست که آنها در زمان‌های قبل توانسته‌اند ریشه ببندازند و اقتصاد استان‌شان را بیمه کنند. آنها توانسته‌اند تصمیمی درست بگیرند و فولاد مبارک‌های را که در اوائل انقلاب قرار بوده در سواحل خلیج فارس احداث شود، در اصفهان بسازند. امروز گردش مالی این مجموعه‌ی صنعتی به تنهایی بیشتر از گردش مالی کل صنعت استان ماست. یعنی چیزی در حدود ده تا دوازده هزار میلیارد تومان. حالا شما ببینید این مبلغ کلان فقط در بانک‌های آن استان چه تاثیری می‌گذارد. این واقعا در سایه‌ی تصمیم بزرگ و به موقعی است که مسئولان اصفهان توانسته‌اند بگیرند. ما هم از این امر مستثنی نیستیم. ما هم می‌توانیم تصمیمات بزرگ و مناسبی بگیریم که اقتصاد استان‌مان متحول شود.

سی هزار میلیارد تومان پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام در استان وجود دارد

استان میراث دار سی هزار میلیارد تومان پروژه‌های نیمه‌تمام است که معادل پانزده سال بودجه‌ی عمرانی کشور است. پروژه‌های کلنگ‌زنی شده در زمان دولت قبل حدود چهارصد هزار میلیارد تومان است. به عنوان مثال در حال حاضر بزرگراه تبریز اهر یکی از پروژه‌های عمرانی استان است. به فرض هزار میلیارد تومان لازم است که این پروژه به اتمام برسد. این در حالی است که بودجه‌ی این بزرگراه امسال بیست و پنج میلیارد تومان است. در واقع در این شرایط پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام یکی از تهدیدات آینده‌ی کشور است. دولتی که از این پس روی کار می‌آید هر چند سال هم که کار کند این پروژه‌ها به اتمام نخواهد رسید. کل بودجه‌ی عمرانی کشور سی و هشت تا چهل هزار میلیارد تومان بسته می‌شود که آنچه که در عمل تخصیص می‌یابد



بسیست درصد دولت که در همان ابتدا منتفی شد و از سی درصد تولید حتی یک ریال هم که تا به امروز پرداخت نشده است. ما در گذشته‌ی نه چندان دور می‌گفتیم که مزیت تولید در ایران انرژی ارزان است. قانون هدفمندی اجرائی شد و این انرژی ارزان از تولید گرفته شد، در حالی که سهم تولید از محل یارانه‌ها پرداخت نشد و تکنولوژی نیز جایگزین نشد تا تولید با شرایط فعلی به صرفه شود. برای حل مشکل بالاخره باید در جایی، ضمن ادامه‌ی حمایت از چهار پنج دهک آسیب‌پذیر جامعه، یارانه‌ی افرادی که از تمکن مالی کافی برخوردارند، قطع شود. بسیاری از این افراد هیچ آسیبی از قطع یارانه‌ها نخواهند دید و حتی کسانی هستند که در خارج از کشور ساکنند. در زمان دولت قبل در جلسه‌ی کارگروه اقتصادی مشترک دولت و مجلس از آقای احمدی‌نژاد سوال کردم که چطور دولت به کارخانه‌داران و واردکنندگان و صادرکنندگان بزرگ هم یارانه می‌پردازد. ایشان جواب دادند که این افراد قابل شناسایی نیستند. در همین جلسه در دولت جدید هم از آقای روحانی همین سوال را کردم که ایشان قرار بود طبق وعده‌ی انتخاباتی‌شان این مساله را حل کنند، پس چرا اجرا نشد. ما در مجلس به دولت این اختیار را داده ایم که این کار را انجام بدهد. اولاً یارانه‌ی افراد متمکن را قطع کند و دوم اینکه بودجه‌ی حاصل از قطع این یارانه‌ها را به خود استان‌ها و حتی استانداران واگذار کند. البته تمام این مسائل در حد پیشنهاد است و باید در اجرای این طرح‌ها با دقت نظر بسیار عمل کرد. این گونه مسائل اگر با دقت انجام نشود ممکن است در میان مردم تشویش و نگرانی ایجاد کند و نگرانی دولت در این زمینه نیز قابل درک است. در هر حال در اینکه مقداری از منابع ما همانند گذشته به هدر می‌رود شکی نیست.

زمین‌خواری، شهرک‌های صنعتی را تهدید می‌کند

در صحبتی که با آقای سیف رئیس کل بانک مرکزی داشتیم می‌گفتند که سهم تولید کننده‌ی بخش خصوصی از معوقات بانکی چهارده و نیم درصد است و سهم دولت از معوقات بانکی بیش از این هاست. بانک مرکزی همین چند ماه پیش از بانک‌ها خواست تا لیستی از شرکت‌های‌شان را به بانک مرکزی ارائه کنند و هنوز هم دقیقاً معلوم نیست که این لیست را دقیقاً تحویل بانک مرکزی داده‌اند یا نه؟ در واقع بقیه‌ی معوقات مربوط به دولت و بخش خصوصی غیر تولیدی است. مساله‌ی دیگر این است که دولت در مورد تولیدکنندگان باید تصمیمات اساسی بگیرد و

قضیه را روشن کند. یعنی وضع آنها را دقیقاً بررسی کند و تصمیم بگیرد که این تولیدکننده‌ها در شرایطی که برایشان پیش آمده مقصرند یا نه؟ اگر مقصر بودند که طبیعتاً نیاز به برخورد مناسب دارد، اما اگر مقصر نبودند نه تنها معوقات‌شان باید بخشوده شود، بلکه باید دولت دست‌شان را هم بگیرد. دولت باید به واحدهایی که در نتیجه‌ی جنگ اقتصادی و تحریم و نوسان قیمت ارز آسیب دیده‌اند کمک کند. البته مساله‌ی اقتصاد کشور تنها با حل معضلات تولید حل نمی‌شود. باید تورم و فساد را کنترل کرد. ناتوانی در عدم کنترل این دو مساله هم ریشه در عدم شفافیت اطلاعات دارد. ما آمده‌ایم جریان نقدینگی به تولید را کلاً مسدود کرده‌ایم. در حالی که کسانی

به زحمت به بیست هزار میلیارد تومان می‌رسد. تازه این رقمی است که در آن مبلغ تعدیل قراردادهای اعمال شده در این پروژه‌ها لحاظ نشده است. سرمایه‌هایی که بدین گونه هزینه شده است خوب سرمایه را در پی دارد که خودش تورم‌زاست چراکه ما پول‌مان را داده‌ایم بدون اینکه منجر به تولید کالا و خدمات شود. از طرف دیگر چنین اتفاقی مردم را نسبت به دولت و تصمیم‌گیران کشور بدبین می‌کند و اعتماد اجتماعی را کاهش می‌دهد. بسیاری از پروژه‌هایی را هم اصلاً از توجیه می‌اندازد. مثالی برای تان بزنم از همین چند سال پیش که قرار بود که کارخانه‌ی تولید لامپ تصویر در تبریز به نام عالم‌آرا زده شود که آنقدر اتمام این پروژه طول کشید که با ورود تلویزیون‌های جدید اصلاً دیگری دلیلی برای تولید آن نوع لامپ‌های تصویر نماند. راهکاری که در مجلس برای این پروژه‌های نیمه‌تمام پیش‌بینی شد این بود که پروژه‌هایی را که بیش از پنجاه درصد پیشرفت داشته‌باشند به بخش خصوصی واگذار کنیم. به عنوان مثال یکی از مهمترین پروژه‌هایی که در استان داریم پروژه‌ی آزادراه تبریز بازرگان است. این مسیری است که در این دوران تحریم برای ما بسیار اهمیت دارد چراکه از این طریق می‌توانیم روابط تجاری‌مان را با کشورهای همجوار و به ویژه ترکیه و اروپا گسترش دهیم. بخش خصوصی می‌تواند اتمام پروژه‌هایی این چنینی را به عهده بگیرد و هزینه‌هایش را در سال‌های بعد از عوارضی که دریافت می‌کند جبران کند. البته در حال حاضر شرکت‌های ترکیه‌ای آمده‌اند و در حال نهایی شدن است که این آزادراه هم به زودی افتتاح شود.

هفتاد و دو هزار پروژه‌ی صنعتی نیمه تمام در کشور وجود دارد

در کل کشور هفتاد و دو هزار پروژه‌ی صنعتی نیمه‌تمام صنعتی نیز وجود دارد که برای اتمام‌شان شصت هزار میلیارد تومان بودجه نیاز است. برای اتمام این پروژه‌ها من در مجمع نمایندگان استان مطرح کردم که ما بیاییم حداقل پروژه‌های نیمه‌تمام استان خودمان را از نظر اهمیت رتبه‌بندی کنیم و به جای تقسیم سالانه‌ی بودجه‌ی این پروژه‌ها بین همه‌ی‌شان، که عملاً هر یک از آنها را به میزان ناچیزی پیش می‌برد، بر حسب اولویت هر ساله یک یا چند تا از این پروژه‌ها را به اتمام برسانیم. به این ترتیب ارزش افزوده‌ی پروژه‌های خاتمه یافته می‌تواند در اتمام پروژه‌های نیمه‌تمام بعدی نیز به کمک ما بیاید. البته متأسفانه تا امروز ما نه تنها چنین کاری را انجام نداده‌ایم بلکه بعضاً کاملاً بی برنامه هم داریم کار را ادامه می‌دهیم. اصلاً این مساله که چطور شده است هفتاد و دو هزار پروژه‌ی صنعتی نیمه تمام در کشور به وجود آمده است خودش سوال بسیار بزرگی است. آیا واقعا ما به این تعداد پروژه‌های صنعتی واقعا نیاز داریم؟! منابع ملی دارد هدر می‌رود. خوب سرمایه ایجاد شده است و این در حالی است که مهمترین مشکل صنعت که نقدینگی است بدون راه‌حل مانده است. در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه دولت تکلیف داشته است که استراتژی‌های صنعتی و معدنی کشور را تدوین کند که تا به امروز چنین اتفاقی رخ نداده است. در واقع در حال حاضر

ما جهت حرکت را نمی‌دانیم. ما بیش از نیاز منطقه تولید گوجه‌فرنگی، رب، مویز و فرش ماشینی ایجاد کرده‌ایم. ما به اندازه‌ی سه برابر نیاز کشور کارخانه‌ی کاشی و سرامیک در کشور داریم. در جلسه‌ی آقای روحانی عرض کردم که آپادانا سرام که متعلق به وزارت تعاون است با هزار و پانصد میلیارد تومان زیان‌دهی تعطیل شده است و ما همچنان به صدور مجوز کارخانه‌های کاشی و سرامیک و دادن وام برای ایجاد این کارخانه‌ها ادامه می‌دهیم. هشتاد و چند فرودگاه در کشور ساخته‌ایم که پنجاه تایش تعطیل است، و ما باز هم در حال ساخت فرودگاه هستیم. تاکید مقام معظم رهبری هم همواره بر حرکت بابرنامه بوده است.

در اینکه مقداری از منابع ما همانند گذشته به هدر می‌رود شکی نیست

کل بودجه‌ی هدفمندی امسال چهل و هشت هزار میلیارد تومان است. بودجه‌ی سال آینده نیز همین رقم است. در قانون هدفمندی یارانه‌ها که به تصویب مجلس رسیده است قرار بر این شده است که منابع هدفمندی باید سی درصد به تولید اختصاص داده شود. بیست درصد برای جبران هزینه‌های دولت در اختیار دولت قرار می‌گیرد. پنجاه درصد هم باید به صورت یارانه‌ی نقدی و یا حمایت‌های بیمه‌ای و تامین اجتماعی میان مردم بازتوزیع شود. آقای احمدی‌نژاد به هنگام اجرای این قانون، آن را طوری اجرا کرد که به جای بازتوزیع پنجاه درصدی، صد درصد این بودجه میان مردم توزیع شد.

تا به امروز معمولاً اجازه نداده‌ایم که سهم بودجه‌ی استان از کل بودجه‌ی کشور کاهش پیدا کند و یا به استان دیگری اختصاص پیدا کند. منتها مساله در اینجا است که اصلاً کل بودجه‌ی استان میزان مشخصی است. تازه معلوم نیست که چقدر از این بودجه‌ی تصویری در عالم واقع تحقق پیدا کند.

که از تولید کنندگان تخلفاتی داشته‌اند تعداد بسیار قلیلی هستند. خوب بیايند با آن تعداد قلیل برخورد کنند و ما هم از این اقدامات کاملا حمایت می‌کنیم. این نباید به معنای بستن مسیر نقدینگی به سوی تولید و گرفتن نفس تولید کنندگانی که فعالیت قانونی و صحیح داشته‌اند باشد. مگر با تخلف یک پزشک مجوز طبابت تمام پزشکان را لغو می‌کنیم که با تخلف یک تولیدکننده بر سر راه تمام تولیدکنندگان مانع ایجاد کنیم؟! دولت باید مسائل را شفاف کند و به عنوان مثال زمین‌هایی را که برای احداث کارخانه در اختیار سرمایه‌گذاران گذاشته است، در صورت عدم اجرای طرح، پس بگیرد. نه اینکه فردی که زمین را گرفته است پس از مدتی که قیمت زمین در شهرک صنعتی بالا رفت آن را به دیگری واگذار کند و بدون اینکه تولیدی بکند منتفع شود. واقعا زمین‌خواری شهرک‌های صنعتی را تهدید می‌کند. متاسفانه این مسائل در بعضی موارد حتی رنگ سیاسی هم به خودش می‌گیرد که این اصلا درست نیست. اقتصاد نباید با سیاست در آمیزد.

کد ملی نباید به کارت ملی مبدل می‌شد

به طور کلی در نتیجه‌ی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، هزینه‌ی واحدهای تولیدی سی و شش درصد افزایش یافته است. بیشترین تاثیر در این مورد مربوط به صنایع سیمان و فولاد که انرژی برند می‌باشد و کمترین تاثیر را صنایعی مثل قطعه‌سازی و کارخانه‌های تولید مواد شوینده گرفته‌اند. متاسفانه برای تعداد و ریز واحدهایی که به دلیل اجرای این قانون آسیب دیده‌اند هیچ آمار و اطلاعات دقیقی در دست نیست. این هم نتیجه‌ی همان عدم شفافیت اطلاعات است. در زمان آقای خاتمی قرار بر این شد که کد ملی برای همه‌ی مردم اختصاص داده شود اما متاسفانه بعدا این کد تبدیل به کارت ملی شد. اگر ما می‌توانستیم کد ملی را اجرایی کنیم تمام مشکلات ما در مورد فساد و آمار تولید و مالیات و هر مساله‌ی دیگر حل می‌شد چرا که اطلاعات هر شخصی تحت آن کد همیشه در دسترس می‌شد که متاسفانه مقاومت شد و اجرایی نشد.

دولت بیش از هشت هزار میلیارد تومان کسری دارد

مشکل اساسی‌ای که ما در کشورمان داریم این است که مسئولیت هر کاری به عهده‌ی انجام دهنده‌ی آن نیست. یعنی اصل هماهنگی مسئولیت با اختیار به درستی اجرا نمی‌شود. به شکل دقیق‌تر بگویم که کسی که تصمیمی را می‌گیرد و کاری را انجام می‌دهد تبعاتش را در انتخابات نمی‌پذیرد. مشکل قانون هدفمندی هم همین بود. قانون هدفمندی در قانونی که به تصویب مجلس رسیده بود مشکل چندانی نداشت،

اما در اجرا دچار مشکلات فراوانی شد و کسی هم مسئولیت آن را به عهده نگرفت. حالا هم دولت نباید تردید کند و یا دلش بلرزد. اصلاح نحوه‌ی توزیع یارانه‌ها به ضرر دولت نخواهد بود. البته من تمام ملاحظات دولت را درک می‌کنم اما به نظرم در حذف یارانه‌ی دهک‌های بالا ملاحظات غیر ضروری را مد نظر قرار می‌دهند. این را هم بگویم که میزان پولی که دولت به عنوان یارانه‌ی نقدی به مردم پرداخت کرده است بیش از درآمدهای دولت از محل اجرای هدفمندی یارانه‌ها بوده است. در سال گذشته حدود شش هزار میلیارد تومان اضافه بر درآمدها از محل هدفمندی برای پرداخت یارانه‌ی نقدی اختصاص یافته است و امسال نیز سه تا چهار هزار میلیارد تومان. به طور کلی هم دولت کسری بودجه دارد. امسال چهل و هشت هزار میلیارد تومان بودجه‌ی کشور است.

چهل و دو هزار میلیارد تومان وصولی دولت است. ده هزار میلیارد تومان هم قرار بر این است که به بهداشت و درمان اختصاص پیدا کند. پنج هزار و دویست میلیارد هم به تولید اختصاص خواهد یافت. تا همینجا دولت بیش از هشت هزار میلیارد تومان کسری دارد.

مانع اصلی خصوصی‌سازی، واگذاری‌های غیر مرتبط و غیر تخصصی است
مسئله مهمی که در مورد خصوصی‌سازی باید در نظر گرفت این است که نود درصد از واگذاری انجام شده در سال‌های گذشته، برای رد دیون دولت بوده است، و این اجرای سیاست‌های اصل چهل و چهار قانون اساسی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. در حالی که قرار بوده است با اجرای این اصل امور به مردم واگذار شده و از تمام پتانسیل‌های موجود در کشور در فضای غیررانتی و ویژه‌خواری استفاده شود، واگذاری‌های غیر مرتبط، اقتصاد ملی را با چالش مواجه کرده است. ماشین‌سازی تبریز، که خود زاینده‌ی بسیاری از واحدهای تولیدی بوده است، از همین واحدهایی

است که به صورت غیر تخصصی و غیر مرتبط به بانک صادرات ایران واگذار شده است. انصافا ماشین‌سازی و ساختار آن به سازمان گسترش و نوسازی صنایع نزدیک‌تر است یا بانک صادرات. اصولا یکی از پایه‌های توسعه‌ی هر کشوری ماشین‌افزار است. دولت قبل به عنوان رد دیون ماشین‌سازی را به بانک صادرات واگذار کرده بود. در حالی که من با مدیرعامل بانک صادرات در مورد وضع نابه‌سامان ماشین‌سازی که صحبت کردم به من گفت که ما این کارخانه را اطلا نمی‌خواهیم. بالاخره بانک صادرات کارخانه‌دار نیست و این طبیعی است. بنده پس از این ملاقات انتقال ماشین‌سازی به این بانک را پیگیری کرده و واگذاری را لغو کردم و این شرکت به سازمان گسترش بازگردانده شد. اخیرا باز هم بدون اطلاع ما، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران دوباره از طریق سازمان خصوصی‌سازی آگهی واگذاری را منتشر کرده است. نکته‌ی بدترش این است که این بار زمینی را که شرکت ماشین‌سازی در جاده ائل‌گلی دارد به طور جداگانه آگهی کرده‌اند، و این یعنی اینکه زمین به فروش خواهد رفت اما ماشین‌سازی به فروش نخواهد رفت، چراکه بدون آن زمین دیگر خرید ماشین‌سازی چندان توجیهی نخواهد داشت. حتی واگذاری پالایشگاه تبریز به وزارت دفاع هم از همین نوع واگذاری‌ها بوده است. با این نوع خصوصی‌سازی ما واقعا تیر خلاص را بر پیکر خصوصی‌سازی زده‌ایم. البته درست است که این اقدامات در دولت قبل انجام شده است اما انتظار ما این است که مسیر را در دولت جدید تصحیح کنیم. متاسفانه این دولت هم در بازگرداندن امور به کاتال درست تعلل می‌کند که ما دلیلش را نمی‌دانیم. انتظار ما این بود که این امور اصلاح شود نه اینکه زمین را هم از ماشین‌سازی جدا کرده و به فروش بگذارند!

دویست و شش چگونگی پراید شد؟

کارخانه‌ی ایران خودروی آذربایجان در ابتدای تاسیس با اختلافاتی بین سرمایه‌گذارانش روبه‌رو شد. روند حل و فصل این اختلافات و در واقع جدایی این شرکت یک و نیم سال به طول انجامید که در همین مدت صنعت خودروی کشور تحریم شد. یعنی دیگر دویست و ششی وجود نداشت که ایران خودروی آذربایجان آن را تولید بکند یا نکند. از نظر سرمایه‌گذاری هم کارخانه‌ی ایران خودروی آذربایجان برخلاف ایران خودروی تبریز که پنجاه و یک درصد متعلق به ایران خودروی تهران است، تنها چهل درصد سهامش در اختیار ایران خودروی تهران بود که آن هم واگذار شده است و ایران خودروی تهران دیگر سهمی در ایران خودروی آذربایجان ندارد. به جهت همین جدایی در سرمایه و مالکیت است که شرکت‌های خودروساز اروپایی و یا چینی که با آنها مذاکره شد دیگر شرکت ایران خودروی آذربایجان را به عنوان خودروساز نپذیرفتند. به همین جهت این شرکت باید می‌توانست ابتدای امر خط تولید خودرویش را راه‌اندازی کند تا شرکت‌های خارجی آن را به عنوان خودروساز پذیرفته و قبول کنند که در ساخت خودرو مشارکت کنند. به همین خاطر با شرکت سایپا توافق کردند که به طور موقت چند هزار خودروی پراید به شکل حق‌الزحمه‌ای در این خط تولید شود تا مشکلات راه‌اندازی خط تولید جدید حل شود. من و مسئولین استان هم در حال حاضر پیگیر هستیم که این مرحله هر چه سریع‌تر حل شود و خط تولید خودروی اصلی‌ای که قرار است تولید شود در ایران خودروی آذربایجان برقرار شود.

شرکت مس آذربایجان از مس کرمان استقلال یافت

شرکت مس آذربایجان امسال تشکیل شد. قبلا سوالی برای مردم مطرح بود که چرا کنسالت‌ها از آذربایجان به کرمان می‌رود؟ نگرانی ما برای استقلال مس آذربایجان این بود که درآمد در شرکت مس سرچشمه بود و سرمایه‌گذاری در اینجا از طریق آنها انجام می‌گرفت. از این به بعد به خاطر افزایش میزان تولید نگرانی از بابت درآمد‌ها کمتر شده است. علاوه بر این چون همچنان این شرکت تحت یک هولدینگ است امکان سرمایه‌گذاری مس کرمان در این شرکت نیز وجود دارد. در این مورد آخرین وضعیت این است که قرار بر این شد که صد هزار تن مس خالص کاتودی تولید شود. البته این کارخانه به تنهایی نمی‌تواند منابع مالی استان را تقویت کند. خودروسازی بخش دیگری از این منابع را تشکیل می‌دهد که آقای سبحان‌اللهی که استاندار بودند زحمت زیادی برای راه‌اندازی ایران خودرو کشیدند. ما هم در آن زمان نماینده بودیم و من توانستم ایران خودرو را برای سرمایه‌گذاری قانع کنم. اما به طور کلی اگر ما

ما در مجلس به دولت این اختیار را دادیم که
اولا یارانه‌ی افراد متمکن را قطع کند و دوم
اینکه بودجه‌ی حاصل از قطع این یارانه‌ها را به
خود استان‌ها و حتی استانداران واگذار کند.
در هر حال در اینکه مقداری از منابع ما همانند
گذشته به هدر می‌رود شکی نیست.

بتوانیم سالانه پانصد هزار دستگاه خودرو تولید کنیم با احتساب میانگین چهار میلیون تومان می‌توانیم درآمد بسیار خوبی برای استان به دست آوریم. ما می‌توانیم از این محل دو هزار میلیارد تومان بودجه داشته باشیم. تراکتورسازی را هم هزار میلیارد تومان در نظر داشته باشیم، و مس را هم سه هزار میلیارد تومان فرض کنیم، با مجموع پنج هزار میلیارد تومان می‌توانیم تولید استان را به حد قابل قبولی برسانیم. این در حالی است که استان اصفهان سال‌ها قبل از ما تنها با تاسیس کارخانه فولادش به درآمد سالیانه‌ای ده هزار میلیارد تومان رسیده است و این همان طور که گفتیم حاصل تصمیم‌گیری صحیح آن‌هاست. آلودگی‌های سراب هم البته از همین دست طرح‌هاست که من تنها به اهم آنها اشاره کردم. البته حسن اصلی این گونه پروژه‌های صنعتی به جز درآمدشان در اینجاست که به بسیاری از واحدهای تولیدی کوچک و متوسط نیز خوراک می‌رسانند. به عنوان مثال در مورد همان کارخانه فولاد اصفهان پنج هزار واحد تولیدی پایین‌دستی در حال حاضر فعال اند. اصلاً صنعت خودرو چندین سود قابل توجهی ندارد اما زنجیره‌های پسمین و پیشین بسیاری را شامل می‌شود و تأثیرات اجتماعی بسیاری دارد و گردش مالی کلانی را ایجاد می‌کند. به طور کلی معتقدم که جهت‌گیری ما در هدایت اقتصاد استان درست است. فقط نباید این مسائل را به مسائل سیاسی و اغراض شخصی آلوده کنیم. اگر بتوانیم رفتارها را اصلاح کنیم بسیاری از مسائل مان در استان حل می‌شود.

شهر صنعتی بعثت، محور توسعه‌ی تبریز است

اما یکی دیگر از تکه‌هایی که در پازل توسعه‌ی استان در نظر داشته و داریم مساله‌ی شهر صنعتی بعثت است که حاصل مباحثاتی است که در زمان استانداری آقای سبحان‌اللهی در مورد تاسیس شهرک سرمایه‌گذاری خارجی داشتیم. در آن زمان به این نتیجه رسیدیم که پارک صنعت تبریز را تاسیس کنیم که پایه‌اش تولید صادرات محور باشد. ما این طرح را پیگیری کردیم و با زحمات بسیاری از آقایان از جمله جناب آقای دکتر فرخ مسجیدی این طرح در دولت مصوب شد. جمع مساحت پیشنهادی این طرح بیست هزار هکتار بوده است که در دولت ده هزار و هشتصد هکتار آن مصوب شده است. در شرایطی که کل دشت تبریز صد هزار هکتار است. تمام شهرک‌ها و نواحی صنعتی آذربایجان شرقی از ابتدا تا سال گذشته پنج هزار و هشتصد هکتار است. تمام شهرک‌های صنعتی استان اصفهان ده هزار هکتار است. تمام شهرک‌های صنعتی مازندران هزار و هشتصد هکتار است. بعداً به خاطر نا مانوس بودن عنوان پارک صنعت نام آن را به شهر صنعتی بعثت تغییر دادیم. تأکید می‌کنم که شهر و نه شهرک. از ده هزار هکتار وسعت شهر هم هشت هزار هکتار زمین‌های منابع طبیعی است. محل این شهرک هم بسیار استثنائی است. زمین کشاورزی که نیست، مشکلات زیست‌محیطی ندارد، خط راه‌آهن از کنارش می‌گذرد، بزرگراه تبریز بازرگان و اتوبان تبریز صوفیان از کنارش می‌گذرد و خط گاز از داخلش می‌گذرد. ما پیگیری کرده‌ایم که خط گاز از جنوب به ترکیه زودتر راه‌اندازی شود تا خط لوله‌ی گاز برای شهرک بعثت آزاد شود و شرایط برای زون شیمیایی این شهرک فراهم شود.

دولت متناسب با اهمیت دریاچه‌ی ارومیه با آن برخورد نمی‌کند

در اولین ملاقاتی که در دولت جدید با آقای چیتچیان به عنوان وزیر نیرو داشتیم، گفتیم که ما هنوز نمی‌دانیم چرا دریاچه‌ی ارومیه خشک شده است و چه راهکاری برای آن وجود دارد. در این زمینه این دولت خوب عمل کرده و مطالعات و جلسات خوبی انجام داده است اما از نظر اجرایی عملکرد قابل قبولی ندارد. به عنوان مثال آب رودخانه‌های ما به خاطر خشک شدن دریاچه با آن فاصله گرفته بود و در بستر خشک شده‌ی دریا پخش می‌شد و قبل از رسیدن به آب موجود دریاچه بخار می‌شد. با پیگیری‌های ما قرار بر این شد که سیمین‌رود به زرينه رود بپیوندد و آب آن به دریاچه برسد که برای این کار بیست میلیارد ریال اختصاص پیدا کرد. اما چون این اعتبار در سال گذشته داده نشد و امسال پرداخت شد، فصل بارندگی گذشت و نشد که کاری عملی برای دریاچه‌ی ارومیه انجام شود. در واقع با تصویب اعتبار و درک مشکل

توسط دولت امیدواری‌هایی ایجاد می‌شود که با عدم اختصاص به موقع اعتبارات همان امیدواری‌ها را بین می‌رود. آنچه که مشخص است این است که دولت متناسب با اهمیت دریاچه‌ی ارومیه با آن برخورد نمی‌کند و عواقب و آثار این مساله را در آینده با هزینه‌های بسیار بیشتر از بیست میلیارد تومان هم نخواهیم توانست جمع کنیم.

تجار، خریداران کارخانه‌های اصل ۴۴ هستند

زمانی که مقام معظم رهبری سیاست‌های اصل چهل و چهار قانون اساسی را ابلاغ کردند تمامی اقتصاددانان اعتقاد داشتند که انگار یک موتور نو در سیستم اقتصاد کشور راه‌اندازی شده است. در واقع ما می‌خواستیم از اقتصاد دولتی خارج شویم و همه خوشبین بودند. اما چون در کشور ما بخش خصوصی چندان قوی نبود و این حرکت نیز حرکت تازه‌ای بود به زمان بیشتری نیاز بود که این امر دقیقاً سر جایش بنشیند. ما به تدریج قانون خصوصی‌سازی را اصلاح کرده‌ایم و یک اصلاحیه‌ی کلی نیز در آن اعمال خواهیم کرد. در این اصلاحات اهلیت به شرایط خریداران اضافه شده است. متأسفانه بیشتر خریداران کارخانه‌های این اصل در تبریز تجار و بازرگانان بوده‌اند که کارخانه‌داری، کار اصلی‌شان نبود و نتوانستیم به این هدف برسیم که مشکلات این صنایع حل شود.

بیمارستان جدید تامین اجتماعی در غرب و نزدیک شهرک سهند احداث می‌شود

تامین اجتماعی بعد از مدت‌ها بحث بالاخره پذیرفت که بیمارستانی به جز بیمارستان عالی‌نسب در تبریز احداث شود. تنها مساله‌ای که در این میان مورد بررسی و اختلاف استانداری و تامین اجتماعی بود محل بیمارستان بود که تامین اجتماعی می‌خواست آن را در شرق تبریز و یا به جای بیمارستان ۲۹ بهمین احداث کند که استانداری با این امر مخالف بود و معتقد بود که این بیمارستان باید در غرب تبریز و نزدیکی شهرک سهند ساخته شود. در نهایت تامین اجتماعی راضی شده است که در غرب و زمینی که به مساحت پانزده هکتار از طرف استانداری در اختیارش قرار داده می‌شود این بیمارستان را بزند. واقعیت هم این است که غرب تبریز بیشتر به این بیمارستان نیاز دارد و بیمارستان ۲۹ بهمین هم که در حال حاضر در حال خدمات‌دهی است، و ساخت جایگزینی یک بیمارستان جدید به جای یک بیمارستان فعال چندان عاقلانه به نظر نمی‌رسد.

مصرف گاز خانگی در کشور ما تا ده برابر استانداردهای جهانی است

در مساله‌ی هوای پاک تبریز هم، مثل همان قضیه‌ی دریاچه، اول باید منبع آلودگی را تشخیص داده و حل کنیم. یکی از اصلی‌ترین منابع آلودگی در شهر ما و اصلاً در کل کشور وسائط نقلیه است. غیر استاندارد بودن سوخت‌ها، مصرف بالای ماشین‌ها به خصوص ماشین‌های گازوئیلی که دوبرابر میانگین دنیا مصرف دارند. گازوئیل‌های مصرفی در کشورمان هم تقریباً پنجاه برابر استانداردهای جهانی آلوده‌اند. مصرف گاز خانگی در کشور هم تا ده برابر استانداردهای جهانی می‌رسد. ما صد میلیارد دلار برای کم کردن مصرف در لایحه‌ی بودجه‌ی امسال اختصاص داده‌ایم که وزارت نفت هم از این امر بسیار استقبال کرده است. در همین چارچوب وزارت نفت با وزارت صنعت، معدن و تجارت قراردادی منعقد کرده‌اند که امسال بیست میلیون عدد بخاری کم مصرف تولید شود و همین‌طور با خودروسازان هم مشغول مذاکره برای توافق هستند که با کمک وزارت نفت موتورهای کم‌مصرف تولید کنند. در هر حال باید در نظر داشت که موضوع محیط زیست، بحثی بخشی نیست و همه باید برای حل مشکلات در این زمینه همکاری کنند. اما آنچه در مورد صنعت باید گفت این است که صنعت اگر آلوده هم هست، راهکار این آلودگی هم در داخل آن هست. اما مساله در جایی پیش می‌آید که ما پول مان کم می‌آید و با مشکلات محیط زیستی صنعت‌مان به عنوان یک چیز زینتی برخورد می‌کنیم. در مورد نیروگاه تبریز هم بیشتر مشکل زمانی پیش می‌آید که گاز به عنوان سوخت کافی نمی‌شود و از مازوت برای تامین سوخت آن استفاده می‌شود. به هر حال ما از آن دسته کشورهایی هستیم که





هوای تغییر

یوسف حاجوی - کارشناس تاریخ

پرونده: آراز ادوای

این اتاق را نیز از همان ابتدا خود تجار پرداخت می کردند. بعد از جنگ بین الملل دوم در سال ۱۳۲۱، قانون دیگری به تصویب رسید و مدت اجلاس به دو سال تقلیل پیدا کرد که البته در سال ۱۳۳۲ دوباره به سه سال افزایش یافت. محل اتاق بازرگانی تبریز تا سال ۱۳۳۵ شمسی استیجاری بود و بازرگانان شریف تبریزی تا سالها در آرزوی یک محل مناسب و مرکز و ساختمان دائمی برای آن بودند و هم ایشان بودند که در نهایت محل فعلی اتاق بازرگانی را با همت و خودیاری تجاری کردند و در دو مرحله به شکل فعلی ساختند. اکنون اتاق بازرگانی تبریز بیش از صد سال است که برای هماهنگ ساختن فعالیت های تجار و بازرگانان به ارائه خدمات و معرفی روش های صحیح پرداخته و همیشه کم و بیش طرف مشورت بخش های دولتی و خصوصی بوده است. از جمله فعالیت های اتاق در طول این عمر نسبتا طولانی، که در کمتر نهاد مدنی کشورمان می توان یافت، آموزش کادر و پرسنل برای بازاریابی در کشورهای خارجی، تشکیل کمیته های صادراتی در اتاق صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی، و همچنین ایجاد تسهیلات بازرگانی است که از دیرباز تا کنون همراه با فراز و فرودهایی سعی در انجامشان داشته است.

در دوره قاجاریه، حکومت اشخاص نیکنام و قابل اطمینان در امور تجارت را به عنوان ملک التجار، معین التجار، و رئیس التجار در شهر تبریز انتخاب می نمود و این افراد قوانین، مقررات و رویه های بازرگانی را انتخاب و به اجرا می گذاشتند. بعد از سال سیصد شمسی کم کم فکر ایجاد یک سازمان و تشکیلاتی بر ای انجام این امور به نام اتاق بازرگانی یا اتاق تجارت قوت گرفت و در سال ۱۳۰۳ شمسی برای اولین بار تجار مورد اعتماد و دلسوز تبریزی دور هم جمع شده و بنای این اتاق تجار را پی ریزی کردند و اولین هیات رئیسه اتاق تجارت که در ایران نظیری نداشت انتخاب و رسماً در سال ۱۳۰۷ شمسی اتاق بازرگانی تاسیس شد. در سال ۱۳۰۹ شمسی برای نخستین بار قانونی برای تشکیل اتاق های بازرگانی به تصویب مجلس رسید که بر اساس آن مدت قانونی اعتبار انتخابات اتاق سه سال و اعضای آن ۱۵ نفر بودند. در سال ۱۳۱۳ شمسی آقایان حاج میرزا علی اکبر صدقیانی، غلامحسین فرشی، میرزا خلیل نوبری، احد وهاب زاده، حاج زین العابدین رحیم زاده ی خویی، خسرو آواکیان، حاج محمد رضا چایچی و چند تن دیگر با عضویت خودمدیریت اتاق بازرگانی تبریز را به عهده گرفتند. مخارج

مباحثه آقایان ژائله، محمد زاده و علیزاده هوشیار درمور اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی و انتخابات پیش روی آن

اتاقی برای همه...!

نقش و جایگاه اتاق بازرگانی همواره با فراز و فرودهایی مورد توجه تجار، فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران و مدیران حاکمیتی بوده است. نقشی که به نظر می‌رسد متعاقب تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهه‌های اخیر و با ارتقاء جایگاه بخش خصوصی در کشور که هر چند بیشتر در اسناد و گفتار حاکمیتی نمایان گردیده، اهمیت فزاینده‌ای به خود گرفته است. تصویب و ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز قانون بهبود فضای کسب و کار کشور در سال‌های اخیر و تأکیدات مکرر عالی‌رتبه‌ترین مقامات کشور و همچنین توجه بیش از پیش فعالان اقتصادی و مطبوعات، همگی نشانه‌هایی از صحت این مدعا است.

از همین رو نشریه‌ی اقتصادی کارایی در آستانه‌ی انتخابات این تشکل مهم اقتصادی، با دعوت از آقایان صمد حسن زاده، محمد محمدزاده و یونس ژائله، از اعضای پیشین هیات نمایندگان اتاق تبریز و جواد علیزاده‌ی هوشیار فعال جوان اقتصادی و دبیر انجمن قطعه‌سازان و خودروسازان، میزگردی را با هدف تبیین موضوع فوق‌الذکر بررسی تحولات پیش‌روی اتاق تبریز ترتیب داده است. جمله‌ی مدعوبین به عنوان کارآفرینان سرشناس استان و کشور افتخارات بسیاری کسب نموده‌اند و مجموعه‌ی تحت مدیریت‌شان به تنهایی توانسته است نام و آوازه‌ی استان و آذربایجان را در سطح اقتصاد ملی و بین‌المللی، از خاورمیانه گرفته تا اروپا، آفریقا، چین و آسیای جنوب‌شرقی مطرح نمایند. افرادی تأثیرگذار که همتایان‌شان در کشورهای توسعه‌یافته دارای بالاترین احترام بوده و از افتخارات یک ملت‌اند. البته آقای حسن‌زاده در آخرین لحظات از میزگرد بازماندند تا تحلیل‌های‌شان طی مصاحبه‌ای اختصاصی در کنار نظرات ارزشمند آقایان کلینی و صدقی‌نسب، از دیگر اعضاء فعلی و تأثیرگذار هیات نمایندگان اتاق تبریز اخذ شود.

در این میزگرد الناز علیزاده اشرفی، محمدحسن خیرآور، آراز ادوای و شهروز تهمی نسب از نشریه کارایی، جعفر محرم‌پور از نشریه رزق و امیر کریم زاد شریفی از پایگاه خبری تحلیلی نصرنیوز نیز حضور داشتند.

کارایی: آقای ژائله تا جایی که مشهور است اتاق بازرگانی پل میان دولت و بخش خصوصی است. تحلیل شما در این خصوص به عنوان عضو هیات نمایندگان اتاق تبریز و کارآفرین نمونه جهان اسلام چیست؟

ژائله: برای پاسخ به این سوال اول باید به فلسفه‌ی وجودی اتاق بازرگانی بپردازیم چرا که در تمام کشورهای موفق دنیا تجربیات موفق در هر زمینه‌ای وجود دارد. این کشورها برای بسترسازی بهتر برای تجارت‌شان سعی کرده‌اند که اتاق‌های بازرگانی را راه‌اندازی کنند. کشورهایی مانند بلژیک، فرانسه و آلمان که اولین آن‌ها اتاق بازرگانی پاریس بوده است. این اتاق‌ها در اصل برای انتقال عوامل موفقیت بخش خصوصی به دولت تشکیل شده‌اند تا بتوانند به وسیله‌ی نمایندگانی که در نهادهای دولتی دارند حرف بخش خصوصی را بزنند و راه را برای لغو قوانین ضد تولید و وضع قوانین به نفع تولید هموار کنند و کمک کنند که بخش خصوصی به سلامت به کار خود ادامه دهد و چرخ اقتصاد به خوبی بگردد. نقش اتاق‌های بازرگانی در دنیا معلوم است. اهمیت این نهاد در کشورهایی که دارای اقتصادی موفق هستند غیر قابل انکار است. به عنوان مثال می‌توان به ترکیه اشاره کرد که در این زمینه بسیار موفق عمل کرده است. در برخی از این کشورها اهمیت اتاق بازرگانی به اندازه‌ای است که روسای دولت باید مورد تأیید اتاق‌های بازرگانی باشند. در این اتاق‌ها چند شرکت بزرگ وجود دارند که گرداننده‌ی آن‌ها هستند. اتاق در این کشورها مشاور واقعی و عملی دولت است و بدون هیچ ملاحظاتی تعیین می‌کند که با کدام کشورها باید تجارت شود.

کارایی: در کشورمان این جایگاه چگونه است؟

ژائله: از سال ۱۲۸۹ اینجا در تبریز اتاق تجارت تشکیل شده است. مردم آذربایجان هم از همان ابتدا و به طور تاریخی تاجر منش بوده‌اند. وجود بزرگترین بازار در تبریز هم این را نشان می‌دهد که ما در شهرمان به خوبی تجارت می‌کردیم. همین مساله هم باعث شده بود که تبریز نوعی مرکزیت تجاری پیدا کند. به تدریج این اتاق تبدیل به اتاق بازرگانی و صنایع شد و بعد به بازرگانی، صنایع و معادن تغییر کرد و در نهایت در سال‌های اخیر به بازرگانی، و صنایع، معادن و کشاورزی تبدیل شد. به این ترتیب با این شرایط اتاق به یک تشکل جامع تبدیل شده است که می‌تواند به شکل زنده و پویا دولت را در تمامی عرصه‌های اقتصادی راهنمایی کند تا بتواند بر مشکلات غلبه کند. در تجارت تبریز که هم که بیشتر کاشش کنیم می‌بینیم که بازاریابی که در بازار تبریز فعال بوده‌اند، و بیشتر هم پیش زمینه‌های مذهبی داشتند، بسیار در تجارت فعال بوده‌اند و به صادرات و واردات می‌پرداخته‌اند. تجاری که بیشتر در صادرات اقلامی چون فرش و ابریشم فعال بودند. اما امروزه شکل تجارت بسیار تغییر کرده است. ما دیگر نمی‌توانیم با روش‌های سنتی تجارت موفق داشته باشیم. در دنیای تجارت امروز روش‌های بازاریابی نوین حاکم است. این تغییرات به صورت طبیعی تغییراتی را در اتاق بازرگانی تبریز ضروری می‌سازد. تغییراتی که باید با نوعی جوان‌گرایی همراه باشد.

کارایی: آیا هنوز هم بازار تبریز آن نقش بایسته و شایسته‌ای را که در گذشته در اتاق بازرگانی داشته است حفظ نموده است؟ ضمناً در دوره‌ای که گذشت آیا برای اعضای اتاق در زمینه‌ی روش‌های جدید بازاریابی راهنمایی‌ها و خدماتی ارائه شده است؟

محمدزاده: اینکه واقعا آیا اتاق توانسته است رسالتش را در برابر اعضا انجام دهد یا نه بنده به عنوان یکی از اعضای هیات نمایندگان اتاق در دو دوره‌ی اخیر عرض می‌کنم واقعا آنچه که نیت اعضای این هیات بود نتوانست به اجرا در آید. این هم امری است که حاصل حاکمیت دیدگاه‌های سنتی بر اتاق است و وقتی این دیدگاه‌ها بر اتاق حاکم شد بسیاری از موانع در برابر شما برای تغییرات صف می‌بندند. ما به این دوره‌ی جدید اتاق امیدواریم که مطالبی که حضرتعالی سوال کردید در این دوره اتفاق بیفتد. چه با ما و چه بدون حضور ما این اتفاق خواهد افتاد چرا که زحماتی که اعضای اتاق فعلی کشیدند بستر مناسب را برای ورود و عمل اعضای جدید فراهم آورده است. همینجا عرض می‌کنم که تمامی کلیدها در دست انتخاب‌کنندگان است. اگر افرادی انتخاب شوند که خروجی آن مطالبی باشد که حضرتعالی فرمودید این اتفاقات خواهد افتاد و یعنی این افراد خواهند توانست اتاق را به سمت نوآوری و سیستم مدرن سوق دهند. به هر حال





اتاق فعلی تلاش کرد که کاری کند که اختیار در دست انتخاب کنندگان باشد.

کارایی: این کار با چه راه‌کارهایی ممکن شده است؟

محمدزاده: این که با کدام روش‌ها و اتفاقاتی به این نتایج رسیده‌ایم که اجازه بدید هم بماند، اما شرایط طوری فراهم شده است که حتی آنهایی که پس از این دوره هم خواهند آمد دیگر به گذشته باز نخواهند گشت. اینجا جایگاه امین‌التجار است. امین‌التجار از قدیم تعریف مشخصی دارد. خود تجار از امین‌ترین افراد جامعه محسوب می‌شدند. حالا توجه کنید که امین این تاجران که خوشان امین بودند چه کسی بوده است. اینها کسانی بودند که چون دنیا را به خاطر تجارت می‌گشتند، همیشه به روز هم بودند و می‌توانستند تجربیاتشان را به فضای تجارت کشور و اتاق منتقل کنند. اما بدون غیبت بگویم که سوالی که در اینجا مطرح است این است که وقتی افرادی چون آقای ژانله که توانسته‌اند چندین شرکت را به همراه همکارانشان راه‌اندازی کنند، چگونه است که در کنار چهارده نفر دیگر اعضای هیات نمایندگان اتاق نمی‌توانند تحولاتی بنیادین را ایجاد کنند. خوب معلوم است که در اینجا کسی می‌خواسته حرکت کند و آن دیگری جلوی او را گرفته است که تحولی رخ نداده است. به همین جهات است که ما بسیار امیدواریم که این اتفاقات در این دوره بیفتد و ما دارای یک اتاق کارآمد باشیم و امید داریم که این اتاق بتواند به انتظاراتی که به ویژه از اتاق آذربایجان، که همواره نقش بسیار مهمی در اتاق ایران داشته است، در جامعه وجود دارد پاسخ دهد.

کارایی: فکر می‌کنید گذشته از نقش اعضا مسائل کلان ساختاری و قانونی و حقوقی و دولتی چه نقشی در کاهش سرعت توسعه‌ی اتاق داشته است؟

محمدزاده: بالاخره قانون اتاق چیز مشخصی است. قانون تدوین شده است و ما در چارچوب آن کار می‌کنیم. اما در مورد اجرای قانون این ما هستیم که باید قانون‌گرا باشیم و قانون را به عمل درآوریم. به عنوان مثال در ماده‌ی بیست و دوم قانون صراحتاً بر تصویب هرگونه هزینه در اتاق بازرگانی در هیات نمایندگان تأکید شده است. این حداقل رعایت قانون در بین اعضای اتاق است. اگر شما در یک اتاق بازرگانی دیدید که این ماده به درستی اجرا می‌شود بدانید که بقیه‌ی قوانین هم در آنجا به درستی اجرا می‌شود.

کارایی: آقای ژانله نظر شما در این مورد چیست؟

من در بخش ساختاری هیچ مشکلی نمی‌بینم. قانون به خوبی تدوین شده است و چارچوب‌های مشخصی را دارد. تکلیف بودجه‌ها مشخص است و هر باکس سر جای خودش تعریف شده است. قانون چه مشکلی می‌تواند داشته باشد، مشکل در مجری قانون است. اگر قانون مشکل داشت که اتاق اصفهان نمی‌توانست در این سطح کار کند. اولین باری که بنده به اتاق آمدم هم اعتراض به همین بود که ما قادریم شرکت‌های موفق‌ی ایجاد کنیم و آنها را در سطح جهانی معرفی کنیم چرا نمی‌توانیم در کنار هم به درستی کارها را پیش ببریم. فکر می‌کنم که باید از ساختارها و کسانی که در برابر شرایط جدید به جهت به روز نبودنشان مقاومت دارند گذر کنیم. البته این افراد کسانی هستند که از بزرگان شهرمان هستند و احترام ویژه‌ای

دارند. به همین جهت تمام تلاش مان این بوده است که با تعامل این دوره را به اتمام برسانیم و وارد مرحله‌ی جدیدی در حیات اتاق بشویم. باید کارنامه‌ی اقتصادی را ملاک قرار داد و دید که امروز که به اسفند ماه نود و سه نزدیک می‌شویم چه تغییراتی در اتاق رخ داده است. ما نمی‌توانیم کارنامه‌ی سیاسی را بررسی کنیم چرا که این وظیفه‌ی نمایندگان مجلس است که در این موارد کار کنند. ما امروز باید کارنامه‌ی اقتصادی استان را پیش رویمان بگذاریم و ببینیم که چه اتفاقاتی افتاده است. اینجاست که کارنامه‌ی اتاق هم در قالب کارنامه‌ی اقتصادی استان قابل بررسی خواهد بود. اگر اتاق درست کار می‌کرد، به طور طبیعی چرخ اقتصاد استان هم درست کار می‌کرد. امروز در اعلام نتایج طرح پیش این نتیجه حاصل شده است که پنجاه و دو درصد واحدهای تولیدی استان تعطیل شده‌اند. البته ما شنیده‌ایم که شصت و پنج درصد تعطیل شده‌اند. البته بدیهی است که درستی و غلطی آمار داده شده هم بر عهده‌ی کسی است که آن را تهیه کرده است. بیشتر واحدهایی هم که تعطیل نیستند با بیست درصد ظرفیت تولیدشان کار می‌کنند. این کارنامه را چه کسی ایجاد کرده است. از این بحران‌ها و رکودها و تحریم‌ها در جاهای دیگر دنیا هم بسیار اتفاق افتاده است. در هلند، آلمان، ترکیه و دیگر کشورهای جهان هم چنین اتفاقاتی افتاده است. باید بررسی کرد که آن کشورها چطور با این بحران‌ها مقابله کرده‌اند که اتفاق ناگوار اساسی‌ای در اقتصادشان رخ نداده است. باید دید امین‌التجار در آنجا برای درآمدن از آن بحران‌ها چه برنامه‌هایی ارائه کرده است. ما نباید به دولت امید بندیم. دولت آنقدر مشکلات فراوانی دارد که اگر از پس مشکلات خودش بر بیاید کارستان کرده است. ما باید به عنوان بخش خصوصی امیدمان را از دولت قطع کنیم و محیطی برای کار خودمان فراهم کنیم که در آن بتوانیم مشکلاتمان را رفع کنیم. مسائل ما قابل حل است و امروز ظرفیت‌های بسیار بزرگی در بازارهای جهانی برای کالاهای ما وجود دارد. یکی از مدیرانمان در چین گزارشی را به من داد که چه ظرفیت بزرگی در چین برای کالاهای ما وجود دارد. ما نباید فکر کنیم که نمی‌توانیم به چینی‌ها کالا بفروشیم. مگر جاده‌ی ابریشم از ایران نمی‌گذشته است و ما از طریق همین جاده به چین ابریشم صادر نمی‌کرده‌ایم؟ در حالی که حالا همه چیز را به نام خودشان تمام کرده‌اند. امروز هم ما می‌توانیم این روندها را برعکس کنیم و صادرات مان را به چین توسعه دهیم.

ما از شرکت‌هایی هستیم که افتخار می‌کنیم که به چین صادرات داریم. مسائلی که این کار را ممکن کرده است در بسیاری از موارد اصلاً مربوط به دولت نیست. قیمت و کیفیت را در حوزه‌ی بسیار وسیعی توسط خود ما تعیین می‌شود و دولت دخالتی در آن ندارد. دولت اگر وظایف حاکمیتی خودش را انجام دهد کار بزرگی کرده است. بخش خصوصی هم این طور باقی نخواهد ماند و بسیار بزرگتر خواهد شد و اتاق باید محور رشد بخش خصوصی و در نهایت توسعه‌ی کشور باشد. ما می‌گوییم اتاق کارآمد محور توسعه است و روی حرف مان ایستاده‌ایم. ما می‌گوییم که به دور از جنجال‌های سیاسی و هیاهوهایی که در سطح جامعه وجود دارد باید بتوانیم خودمان به ارزیابی عملکردمان بپردازیم و به کار و مالیات و صادرات و کارآفرینی خودمان نمره بدهیم و از کسانی که نمره‌ی خوبی داشته باشند بخواهیم که در هیات نمایندگان قرار بگیرند تا بقیه هم از آنها پیروی کرده و در مسیر آنها

محمدزاده: ما حرفمان این بود که عده‌ای می‌خواستند اتاق را به پیش ببرند و عده‌ای دیگر می‌خواستند آن را نگه دارند. کسی هم که می‌خواهد در چنین تشکیلاتی عضو شود اوضاع را می‌بیند و می‌گوید که در چنین تشکیلاتی من هر موقع که خواستم کارت بازرگانی بگیرم و نیاز به آن داشتم عضو می‌شوم. تا وقتی که کارش نیفتاده باشد دلیلی برای عضویت نمی‌بیند.

گام بردارند. این طور نشود که کسانی با روش‌های خاص در این کرسی قرار بگیرند و امروز ما شاهد آسیب فضای اقتصادی در نتیجه عملکرد آنها باشیم.

کارایی: آقای ژائله، فرمودید که اتاق اصفهان موفق است. با چه شاخص‌هایی چنین ارزیابی‌ای را ارائه می‌کنید؟

ژائله: اتاق ایران را که نگاه کنید می‌بینید که از هفت عضو هیات رئیسه‌ی آن چهار نفر از اتاق اصفهان است. جایگاه آذربایجان در اتاق ایران کجاست؟ آنها از این طریق سیاستی را که می‌خواهند به اجرا در می‌آورند. حالا من در اینجا از بررسی ماهیت درست و غلط آن سیاست‌ها صرف‌نظر می‌کنم. نکته در اینجا است که اعضای اتاق بازرگانی اصفهان به هنگام انتخاب هیات نمایندگان‌شان مطالعه شده رای داده‌اند.

کارایی: برخی از اعضای کمیسیون صنعت اتاق ایران معتقدند که به جهت مسائل ساختاری، قانونی و به خصوص این امر که مصوبات کمیسیون‌های اتاق ضمانت اجرایی ندارند، امکان هیچ‌گونه تحولی در اتاق‌ها وجود ندارد. حالا در صورت صحت این تحلیل، ما در اتاق تبریز هم ممکن است چند قدمی از اتاق ایران عقب‌تر باشیم. ایشان به عنوان مثال هم می‌گویند که در شورای پول و اعتبار و شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی و سایر نهادهایی که به جهت قانونی مجوز حضور در آن را دارند در نهایت حداقل نظرات اتاق ایران اعمال می‌شود. ایشان معتقدند در اتاق ایران بیشتر لابی‌اتفاقی می‌افتد و کسانی که در اتاق ایران مسئولیت می‌گیرند بیشتر از آن جایگاه برای ایجاد ارتباطات‌شان استفاده می‌کنند. حالا هر قدر این ارتباطات قوی‌تر باشد خواهد توانست در حل مشکلات یک بخش و یک طیف خاص موفق‌تر باشد. شما تا چه اندازه با این تحلیل موافقت می‌کنید؟

ژائله: ما اگر از ظرفیت‌های همین قانون استفاده کنیم به نتیجه خواهیم رسید. در دوره‌های گذشته‌ی اتاق ایران همواره گلایه از نداشتن بودجه و اعتبار کافی برای پیشبرد کارها بود. دولت قانونی را به مجلس پیشنهاد کرد تا این اعتبارات از طریق اختصاص یک در هزار فروش تامین شود. اما چون در اتاق ایران تدبیر وجود ندارد اصلاً نمی‌دانند باید این پول‌ها را چطور خرج کنند. پیشنهاد خریدن برج و افکار عجیب و غریب دیگر می‌کنند. کسی که در این مورد قانون‌گذاری کرده، خوب عمل کرده است. در اینجا اجرای درست آن قانون است که اشکال دارد. قانون می‌گوید من یک در هزار فروش را به تو می‌دهم و تو هم در مقابل باید برای من خدمات ارائه کنی. به عنوان مثال امروز در کشور رکود وجود دارد. راه برون‌رفت از رکود چیست؟ صادرات. برای صادرات چه کاری باید کرد؟ باید بسترهای صادراتی درست کرد. راه درست کردن این بسترهای صادراتی چیست؟ باید در اتاق بازرگانی اقدام شود. این در حالی است که در همین نزدیکی خودمان نخجوان در یک بن‌بست قرار گرفته و ما نمی‌توانیم کالاها را به صد و پنجاه کیلومتر آن سوتر برسانیم! با این همه صنایعی که در استان داریم این‌ها برای ما نقطه ضعف نیستند؟ ساختن این بسترها در اختیار و امکان اتاق بازرگانی

است. ژائله هر قدر هم تلاش کند نمی‌تواند این بسترها را فراهم کند. اتاق آذربایجان است که می‌تواند از طریق اتاق ایران به دولت فشار بیاورد که تعرفه‌های ترجیحی میان کشورهای دیگر به امضا برسد و به فرض جلوی تعطیلی پنجاه واحد تولیدی در تبریز گرفته شود و صادرات در منطقه رونق پیدا کند...

کارایی: آقای ژائله منظور تان این است که افراد در اتاق توانمند نیستند و یا این که تمهیدات چندین کارهایی را انجام می‌دهند؟

ژائله: ببینید اتاق در اصل اتاق واردات بود و در دست یک تعداد واردکننده. این تجار بودند که واردات و صادرات انجام می‌دادند. زمانی که دلار برای سال‌ها ثابت ماند این صادرات هم که به وجود آمده بود از بین رفت و منافع به واردات منتقل شد. تاجر هم بالاخره تیزهوش است و در هر جایی که منافعی تامین شود متمرکز

می‌شود. هر جایی که ارز مناسب در اختیارش قرار دهند با آنجا کار می‌کند. در حال حاضر اتاق به دنبال واردات است و نه صادرات. صادرات کار پرزحمتی است. باید برایش بازار پیدا کرد و ساخت. پی این‌ها در اتاق به دنبال آن نیستند. اگر در آینده این افراد تغییر کنند و کسانی بیایند که عشق و علاقه به کسب و کارشان و کشور داشته باشند بیایند و کار کنند و صادرات را رونق بدهند و بازارهای جدیدی پیدا کنند، اتاق موفق خواهد شد و هر بازار جدید خواهد توانست جلوی تعطیلی پنجاه کارخانه را بگیرد. اتاق بازرگانی باید در آموزش نقش داشته باشد. امروز ما در یک مرکز علمی هستیم. دانشگاه ما کدام دانشجو را به من صنعتگر داده است که دارای توانایی در امر صادرات باشد. اتاق بازرگانی باید بیاید و در این مرکز بگوید که به عنوان مثال صد نفر فارغ‌التحصیل نیاز دارد برای اعزام به صد کشور جهان با فلان مشخصات. این افراد خواهند توانست بعد از اتمام تحصیلات‌شان در بازار سنگال، آفریقای جنوبی یا آلمان حضور پیدا کرده و از طریق اتاق بازرگانی صادرات را تسهیل کنند. این کار را باید اتاق بازرگانی و شما به اجرا در آورید تا همه ببینند که چنین امری هم ممکن بوده است. باید روی فرهنگ کسب و کار کار کرد. امروز پای عمل که می‌رسد هیچ‌کس نمی‌خواهد کار کند. این همه فساد اقتصادی از کجا ایجاد می‌شود؟ از همین فرهنگ نادرست کار نکردن.

کارایی: آقای ژائله آیا جایگاهی که در حال حاضر دولت برای بخش خصوصی و اتاق بازرگانی قائل است حاصل فشارها و تحریم‌های خارجی نیست؟ فکر نمی‌کنید پس از اتمام احتمالی تحریم‌ها این جایگاه در نظر دولت کاهش پیدا کند؟

من فکر می‌کنم نظام جمهوری اسلامی پس از تجربه‌ی سی و شش سال اقتصاد دولتی تصمیم به تغییر گرفته است. دولت پی برده است که روش‌هایی که در گذشته بوده در نهایت به شکست منجر شده است و پذیرفته است که بخش خصوصی ضعیفی که در اقتصاد کشور حضور دارد باید تقویت شود. دولت بالاخره باید به بخش خصوصی در اداره‌ی اقتصاد کشور اعتماد کند. اما دولت کسانی را که بیایند این کارها را عملاً انجام دهند در اختیار ندارد. همه می‌خواهند بروند و در پشت یک میز دولتی قرار بگیرند و از دولت حقوق بگیرند و همه برای حل مشکل‌شان جلوی میزشان صف ببندند. هیچ‌کس راضی نمی‌شود کار کند و زحمت بکشد.

کارایی: فکر می‌کنید ویژگی‌های اتاق مطلوب و عضو هیات نمایندگان مطلوب چیست؟ کارکردهایی که این اتاق در سطح استان و در نهایت کشور باید بتواند ارائه کند چیست؟

موضوع دقیقاً همین است. برای اینکه دولت بتواند تصمیمات درستی بگیرد باید بتواند دیدگاهی فراتر از هر نهاد و سازمان و فرد دیگری به دست بیاورد. دانشگاه هم به عنوان یکی از منابع اصلی دولت در به دست آوردن این دید دولت است که مورد کم توجهی قرار گرفته است و همین امر باعث از دست رفتن دیدگاه جامع‌شده شده است.

کارایی: فکر می‌کنید ویژگی‌های اتاق مطلوب و عضو هیات نمایندگان مطلوب چیست؟ کارکردهایی که این اتاق در سطح استان و در نهایت کشور باید بتواند ارائه کند چیست؟

محمدزاده: آنچه که مسلم است در حال حاضر بستر برای انتخاب افراد مناسب برای اتاق فراهم شده است. حال کسی که نقش اصلی را به عهده دارد انتخاب‌کننده است. اوست که باید تشخیص دهد که آیا افرادی که به آنها رای می‌دهد نمایندگان عضو خواهند بود و یا پس از انتخاب شدن اعضا را از یاد خواهند برد. بالاخره انتخاب‌کنندگان کاندیداها را می‌شناسند و اینجا مثل انتخابات شورای شهر نیست که نتوان آنها را شناخت. اینجا هشتصد تا هزار نفر اعضا هستند که جمع می‌شوند و برای خودشان نمایندگانی را انتخاب می‌کنند. حتی اگر کسی یک یا چند کاندیدا را هم نشناسد می‌تواند از همکارانی که دارد سوال کند و تا شجره‌ی آنها را مطلع شود و کل کارنامه‌ی هر فرد را بررسی کند.



ژائله: دولت اگر وظایف حاکمیتی خودش را انجام دهد کار بزرگی کرده است. بخش خصوصی هم اینطور باقی نخواهد ماند و بسیار بزرگ‌تر از اینها خواهد شد و اتاق باید محور رشد بخش خصوصی و در نهایت توسعه‌ی کشور باشد.

اما در مورد کسانی که انتخاب می‌شوند باید بگوییم که باید برای خودشان معلوم کنند که آیا می‌خواهند دفتر کارشان را به اتاق‌های بازرگانی ببرند و یا کارها و برنامه‌هایی برای توسعه دارند. یعنی باید اول بتوانند هدفشان را از حضور در اتاق‌های بازرگانی معلوم کنند. باید معلوم کنند که آیا خودشان برای خودشان قانون‌مدارند که در اتاق هم قانون‌مدار باشند یا نه. باید توجه کرد که حرف کسی که از جایگاه اتاق بازرگانی به دستگاه دولتی مراجعه می‌کند و مشکل خودش را طرح می‌کند خریدار نخواهد داشت و در نتیجه کاری برای اعضا انجام نخواهد داد. منظور من این نیست که کسی برای حل مشکلات خودش اقدام نکند، بلکه منظورم این است که وقتی از جایگاه اتاق بازرگانی و برای حل مشکل اعضا اقدام می‌کند این کار را نکند. وگرنه هر کسی می‌تواند جداگانه برای حل مشکلیش وقتی بگیرد و مساله‌ی شخصی اش را حل کند. هر کاری را باید سر جایش انجام داد. اطمینان داشته باشید که از رئیس جمهور تا استانداران گرفته تا تمامی مسئولان دیگر به جایگاه اتاق واقف اند. اگر قوانین کار ما درست تنظیم نشده بود اتاق ما را در کنوانسیون جهانی اتاق‌ها می‌پذیرفتند؟ پس قوانین ما هر قدر هم مشکل داشته باشند از حدی از استاندارد برخوردارند که در کنوانسیون جهانی هم پذیرفته شده‌اند. سوال اینجاست که در چنین شرایطی چرا خروجی اتاق‌های ما قابل رقابت با اتاق‌های موفق جهانی نیست؟ این مطلب به افراد بازمی‌گردد. به من و شما که چطور این قوانین را به اجرا در می‌آوریم. وقتی به ترکیب اتاقی که ما در آن فعال هستیم نگاه می‌کنیم از جوانان خبری نیست. البته که این عزیزان همگی از افتخارات کشور و شهر ما هستند اما واقعا کسی که در جایگاه نماینده‌ی

بخش خصوصی در اتاق قرار می‌گیرد باید بتواند از عهده‌ی مسئولیت سنگین آن هم برآید. نباید اتاق تبدیل به جایی گردد که پس از بازنشستگی به آن منتقل شوند. البته تجربه مهم است اما اکثریت نباید متعلق به این گروه باشد. در آن صورت بر سر میز نهار و به جای صحبت در مورد اقتصاد و افکار نو در مورد داروهایی که استفاده می‌کنند حرف خواهند زد. با این روند هیچ اتفاق تازه‌ای در اتاق نخواهد افتاد. عزیزان به ترکیب گروه‌هایی که در انتخابات شرکت می‌کنند دقت کنند اگر دیدند که در صدر لیست، مدیران با تجربه قرار دارند و کمی پائین‌تر از آن مدیران جوان‌تر و با اثری‌تر قرار دارند بدانند که با لیستی مناسب و با آدم‌هایی معتقد طرف هستند چرا که منظور این افراد از چنین لیستی این است که جوانان را آموزش بدهند تا در دوره‌های بتوانند به جای ایشان امور اتاق را بگردانند.

کارایی: شما معیارهای مربوط به اعضای اتاق را فرمودید. اگر فرض را بر این بگذاریم که چنین افرادی که اشاره کردید به عضویت هیات نمایندگان اتاق در بیایند این به این معنا خواهد بود که اتاق موفق‌تری تشکیل خواهد شد؟ ضمناً معیار موفقیت اتاق چه خواهد بود؟ مثلاً اگر چهار سال بعد ما آقای ژانله را در کسوت نایب‌رئیس اتاق ایران ببینیم این به معنی موفقیت اتاق خواهد بود؟

ژانله: اولاً که من اصلاً با این مطلب که حضور جوانان در اتاق معیار است موافق نیستم. از نظر من در اینجا سن اهمیت ندارد. عملکرد ما باید اینگونه باشد که بدون در نظر گرفتن سن و سال افراد، امور اقتصادی آذربایجان را به پانزده بخش تقسیم کنیم و برای هر یک مسئولی تعیین کنیم و تابلوی توسعه‌ی استان را به این ترتیب به وسیله‌ی این افراد ترسیم کنیم. یک زمینه را برای توسعه‌ی تجارت بین‌الملل استان تعریف کنیم و بگردیم به دنبال کسی که بتواند این مورد را به درستی به سرانجام برساند. همه‌ی این‌ها در قانون پایه ریزی شده است و فقط کافی است که ما افراد درست را در جایگاه درست‌شان قرار دهیم.

کارایی: آقای ژانله از بودن چنین افرادی در منطقه مطمئنید؟

ژانله: بالاخره باید در همکاری با هم این افراد را پیدا کنیم. باید کسانی را پیدا کنیم که در هر بخشی متخصص باشند و کسی نتواند در برابر حرف علمی و دانائی‌شان شک کند. این‌ها باید کسانی باشند که حتی مسئولان هم از صحبت آنها استفاده کنند و به علم‌شان و تخصص‌شان ایمان داشته و یا ایمان پیدا کنند. اگر اینگونه به اتاق نگاه کنیم یک اتاق موفق خواهیم داشت. خوب اگر ما افرادی را در این سمت‌ها داشته باشیم که در مذاکرات خواب‌شان بگیرد و هیچ اطلاع کافی و به روزی از موضوع نداشته باشند بدیهی است که هیچ اتفاقی در اتاق نخواهد افتاد. اگر معیار را تنها بر اساس این که سن چه کسی بیشتر یا کمتر است یا این که چه کسی پول بیشتری دارد و یا اینکه چه کسی کارگر بیشتری دارد و چنین مواردی بگذاریم اتفاق مناسب و خوبی رخ خواهد داد.

کارایی: خود اتاقی که تحت نظر این افراد تشکیل می‌شود باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟ اصل مطلب این است که یا باید این مساله حل شود و یا در صورت پذیرش و ادامه‌ی روند فعلی ممکن است در آینده در منطقه پدیده‌ی مهاجرت یا خدای نکرده شیوع برخی بیماری‌ها پیش بیاید.

در صورت افزایش یا کاهش صادرات در کشور ما، آیا حقوق رئیس محترم سازمان تجارت کاهش می‌یابد؟ اما در صورتی که در اتاق انسان‌های مسئولی وجود داشته باشد خود را موظف می‌داند که تلاش کند تا جلوی کاهش صادرات گرفته شود

کارایی: خوب راه حل عملی در این مورد چیست؟

ژانله: اخیراً لیستی در این مورد تهیه شده بود که چندین شاخص را برای تشخیص این افراد برشمرده بود. در این جدول مواردی چون میزان سرمایه‌گذاری در استان، میزان صادرات از استان، میزان مالیات پرداختی، میزان اشتغال ایجاد شده در استان و چند شاخص دیگر وجود داشت که با جمع‌بندی تمامی این‌ها می‌توان افراد شایسته را برای اتاق انتخاب کرد.

محمدزاده: چیزی که در اینجا مهم است مثل تفاوتی است که بین خلبان و لوکوموتوربان وجود دارد. لوکوموتوربان با میزان خاصی از آموزش می‌تواند قطار را روی ریلی که از قبل مستقر است هدایت کند اما کار خلبان به کل متفاوت است. خلبان باید آموزش‌های بسیار بیشتری را پشت سر بگذارد و از علم و بهره‌ی هوشی بسیار بالایی برخوردار باشد که بتواند تمامی محاسبات را در میان انبوه دستگاه‌هایی که روبه‌رویش قرار دارد تشخیص داده و از آنها در هدایت هواپیما استفاده کند. یعنی ما جایگاه را داریم و تنها کافی است که خلبان را برای پروازی درست پیدا کنیم.

کارایی: این امر با انتخابات دموکراتیک ممکن می‌شود؟

ژانله: کافی است اطلاع‌رسانی شود.

علیزاده‌ی هوشیار: ببینید این که شاخص‌های اندازه‌گیری عملکرد اتاق چه می‌تواند باشد تنها با در نظر گرفتن اتاق تعیین نمی‌شود. اتاق تنها یکی از عوامل توسعه‌ی اقتصاد استان است بنابراین میزان توسعه‌ی استان نمی‌تواند شاخص مناسبی در سنجش عملکرد اتاق باشد. اول باید شاخص‌های توسعه‌ی استان را اندازه‌گیری کنیم و بعد بتوانیم میزان تاثیر تمامی عوامل دخیل در آن مثل آقای استاندار، نمایندگان مجلس، اتاق بازرگانی و سایر عوامل را از هم جدا کنیم و بعد ببینیم که کدامیک از این عوامل بر توسعه‌ی استان چه تاثیری داشته‌اند. اگر شما بخواهید خود اتاق را بررسی کنید باید بتوانید در یک دوره‌ی مشخص به شاخص‌هایی چون تعداد اعضای که اتاق جذب کرده است، میزان مشارکت در اتاق چقدر بوده است، چند کنفرانس توسط اتاق برگزار شده است، چند تور توسط اتاق انجام شده است و شاخص‌های دیگر اینچنینی مراجعه کنید. این‌ها می‌شود عملکرد اتاق بازرگانی استان و نتیجه‌ی آن در شاخص‌های توسعه‌ی استان دیده می‌شود. اما چیزی که مهم است این است که تنها بازیگر شاخص‌های توسعه‌ی استان اتاق نیست



محمدزاده: البته در مورد صادرات، اتاق نقش اساسی به عهده دارد. دقت بفرمائید که در صورت افزایش یا کاهش صادرات در کشور ما آیا حقوق رئیس محترم سازمان تجارت کاهش یا افزایش نمی یابد؟ اما در صورتی که در اتاق انسان‌های مسئولی وجود داشته باشد، خود را موظف می‌داند که تلاش کند تا جلوی کاهش صادرات گرفته شود.

علیزاده هوشیار: ما از دو دیدگاه بحث می‌کنیم. فکر می‌کنم بهتر است از سه دیدگاه بحث کنیم. یکی از این دیدگاه‌ها توسعه است که اعضا باید در مورد آن فعالیت کنند و خودشان هم بخواهند که صادرات کنند. اتاق باید در این جهت کمک‌های مادی و معنوی به اعضا ارائه کند، اما خود اعضا نیز باید به این کار پر زحمت تن بدهند. پس بخشی از داستان اعضا هستند. بخش دیگر داستان خود اتاق است و رسالتی که برای پیشرفت دارد. اما بخش دیگر داستان هم حل مشکلات است. اگر به اتاق تبریز پنج انتقاد وارد باشد به معاون وزیری که مرز ترکیه را به هم ریخته است پنجاه ایراد وارد است. ما در بیشتر مواقع در آن جی‌ا‌ها برای حل مشکلاتی تلاش می‌کنیم که برای ما ایجاد کرده‌اند. به این ترتیب در بیشتر موارد در آن جی‌ا‌ها ما برای این وارد عمل می‌شویم که به عنوان مثال کسانی در یک کمیسیون رفته‌اند و تعدادی از اصول دیپلماتیک را رعایت نکرده‌اند و در سرفه‌هایی درست کرده‌اند که باید حل شوند.

ژائله: روزی در حضور آقای احمدی‌نژاد بودیم که بنده مسائلی را که لازم بود به اطلاع ایشان و دولت برسد، گفتم. ایشان عصبانی شد و گفت که ببینید این دارد چه می‌گوید. کسی جوابش را داد و گفت که فلانی راست می‌گوید و حرفش حق است. همین شد که آقای احمدی‌نژاد گفت که خوب همین کاری را که گفت انجام بدهید. این وظیفه‌ی اتاق و اعضای است. نماینده‌ی بخش خصوصی باید شجاع باشد و بتواند حرف بخش خصوصی را بزند. من کسانی را می‌شناسم که به اتاق آمده‌اند و در بیش از چهار جلسه‌ی اتاق در تهران حضور ندارند. کسانی را داریم که در چهل و هشت جلسه‌ی گذشته در دوره‌ی جاری اتاق تبریز چهل و هشت کلمه بر زبان نیاورده است. حالا شما فکر می‌کنید که این آدم می‌خواهد در مقابل فلان وزیر و وکیل از منافع بخش خصوصی دفاع کند؟

محمدزاده: توصیه‌ی بنده این است که آقایانی که در انتخابات دوره قبل رای داده‌اند استعلام کنند که نمایندگان‌شان در طول این چهار سال چند کلمه در جلسات اتاق صحبت کرده‌اند که بتوانند در مورد تاثیرگذاری منتخبان‌شان واقع‌بین باشند. باید تحقیق کنند که عملکرد کسانی که انتخاب کرده‌اند چطور بوده است.

کارایی: فکر می‌کنید که چه تعداد از هشتصد و پنجاه نفری که حق رای دارند در انتخابات مشارکت خواهند داشت؟

محمدزاده: به نظرم شصت درصد به انتخابات خواهند آمد.

ژائله: بله خواهند آمد و مشارکت بالایی خواهند داشت. مردم به دنبال نقطه‌ی امید می‌گردند و حتی کمک‌های کوچک نیز تاثیر می‌گذارند. نقش اتاق در آینده نقش بسیار مهم و قابل اعتنایی خواهد بود. با بزرگان هم که صحبت می‌کنیم همین طور فکر می‌کنند. برداشت ما این است که برای آینده‌ی اتاق فکرها بسیار خوبی شده‌است. به همین دلیل است که باید کشتی اتاق را به دست ناخدای ماهری بسپارند. این ناخدای ماهر هر اشتباهی هم مرتکب بشود خسارت چندان بزرگی به بار نخواهد آمد. ببینید امروز در تبریز چند واحد زودبازده ایجاد شده است. تعداد ششصد هفتصد واحد از این‌ها به حالت تعطیل در آمده‌اند. چرا این اتفاق برای این واحدها افتاده است؟ چون مشاوره‌ی درست و خوبی به موسسان‌شان داده نشده است. اتاق در هیات‌های رسیدگی کننده به این مسائل دارای نماینده است و می‌تواند اثرگذاری مناسب را داشته باشد. کسانی که از طرف اتاق در این موارد به عنوان نماینده انتخاب می‌شوند باید بتوانند از توانایی کافی برای دفاع از حقوق بخش خصوصی برخوردار باشند.

محمدزاده: آقای ژائله اشاره به افرادی داشتند که از طرف اتاق در جلسات

مختلف شرکت می‌کنند. مسئله انتخاب این افراد بسیار مهم است. مگر می‌شود از کارمند قبلی اداره‌ی دارائی که سی سال از واحدهای تولیدی مالیات می‌گرفته است بخواهید از حق بخش خصوصی در برابر اداره‌ی مالیات دفاع کند؟! این آدم سی سال است در اداره‌ی دارائی برای خودش وجهه‌ی دارد که حالا باید بر خلاف آن عمل کند. کدام حساب و کتاب چنین انتصابی را تایید می‌کند؟! این کار اصلا شدنی نیست. باید برای هر جایی و هر جلسه‌ی فرد درست و مناسبش را فرستاد، نه این که معیار موافقت یا مخالفت فلان آقا با من باشد. اعضاء هیئت نمایندگان بایستی در این موارد پاسخگو باشند.

کارایی: فکر می‌کنید واقعا کسانی که برای رای دادن می‌آیند تا این حدود در انتخاب‌شان دقت خواهند کرد؟

محمدزاده: واقعیت این است که در استان ما انسان‌های بسیار بزرگی وجود دارند که پا پیش نمی‌گذارند. نباید فکر کنیم که این افرادی که برای اتاق کاندیدا می‌شوند اول و آخر این کار هستند. مطمئن باشید که کسانی بسیار بزرگتر از من در این استان زندگی می‌کنند که ثبت نام نمی‌کنند. بنا به دلایلی که برای خودشان دارند اقدام نمی‌کنند و اگر چنین افراد بزرگی وارد شوند بودن بنده در این سمت دیگر درست نخواهد بود.

کارایی: در حال حاضر تعداد اعضای اتاق چند نفر است؟

محمدزاده: طبق آخرین آماري که در جلسه‌ی اخیر هیات نمایندگان به ما داده‌اند در حدود هفتصد و نود و چند کارت بازرگانی از کل هزار و سیصد کارت بازرگانی واجد شرایط هستند و سی و نه عدد کارت عضویت هم وجود دارد.

کارایی: یکی از مهمترین شاخصه‌های یک اتاق سالم شفافیت است. اصولا باید فهرست این افراد بتواند انتشار پیدا کند و در اختیار تمامی کاندیداها قرار بگیرد. آیا چنین اتفاقی افتاده است، یا قرار است که بیفتد. اصلا شما به عنوان اعضای هیات نمایندگان فعلی و یا آینده چنین مطالبه‌ای دارید؟ مطلب بعدی در این است که ما در استان پنج هزار واحد تولیدی، هزاران واحد معدنی و کشاورزی و سی هزار تاجر داریم که هیچکدام عضو اتاق بازرگانی نیستند. آیا با این تعداد عضویت ما خواهیم توانست ادعا کنیم که اتاقی که حداکثر هزار و دویست عضو دارد نماینده‌ی بخش خصوصی است؟ البته این مساله در شرایطی است که در کشورهای پیشرو داشتن کارت بازرگانی دیگر منسوخ شده است و هرکسی که فعالیت بازرگانی و صنعتی کند عضو اتاق محسوب می‌شود.

محمدزاده: این افرادی که انتخاب می‌شوند نمایندگان دارندگان کارت بازرگانی هستند.

علیزاده هوشیار: نمایندگان دارندگان کارت بازرگانی‌ای که کارت‌شان بیش از یک سال است اعتبار دارد و به دارائی و بیمه بدهی ندارند.

کارایی: خوب چرا تعداد این کارت‌ها کم است آقای ژائله؟

ژائله: اولاً مهم این است که این شخصی که خود را به عنوان فعال اقتصادی نامیده است در جامعه چقدر مفید و تاثیرگذار است. معیار این مفید بودن این است که مالیاتش را به موقع داده باشد. حق کارگش را داده باشد و مشکل بیمه‌ای نداشته باشد. اگر کسی این موارد اولیه را تامین نکند نشانگر این است که تجارتش از پایه غلط است. بالاخره همه در این کشور زندگی می‌کنیم و باید به قوانین آن احترام بگذاریم. برخی از افراد حتی این موارد ساده‌ی قانونی را هم نمی‌پذیرند و از کارت‌های بازرگانی‌ای استفاده می‌کنند که برای تعدادی افراد غیر تاجر گرفته شده است و بعداً هم قابل پیگیری درستی نیست. یعنی با تکیه بر اقتصاد زیرزمینی مالیات و بیمه و قانون و در نهایت دولت را دور می‌زنند. این افراد مسلماً بودن‌شان در بدنه‌ی اتاق بازرگانی و استفاده‌ی‌شان از اعتبار آن درست نیست.

کارایی: یعنی آیا می‌توان بخش خصوصی را به بخش خصوصی سالم و ناسالم تقسیم کرد و اتاق را نماینده‌ی بخش خصوصی سالم نامید؟

ژائله: من فکر نمی‌کنم چنین تفکیکی را بتوان انجام داد.

محمدزاده: اصلا سوال اساسی در اینجاست که این افراد چطور وارد اتاق شده‌اند



و به عنوان مثال کسی که در یکی از شهرستان‌ها یک کشاورز معمولی بوده است از چه طریقی برای خودش بدهکاری سه میلیاردی درست کرده است.

کارایی: و این آقا می‌تواند این بار هم بیاید و رای بدهد؟

ژانله: نه دیگر نمی‌تواند چون تخلف کرده است. تنها کسانی می‌توانند رای بدهند که تمام مدارک لازم را تحویل اتاق داده باشند که در این صورت هیچ تخلف مالیاتی و بیمه‌ای نخواهند داشت.

کارایی: تکلیف کسانی که در بخش خصوصی هستند اما اصلا کارت بازرگانی نگرفته‌اند چیست؟

محمدزاده: خوب آن فرد نیاز به کارت بازرگانی نداشته است.

کارایی: انتظار ما از پارلمان بخش خصوصی این است که نماینده‌ی تمامی اقشار بخش خصوصی باشد. به نظر می‌رسد که با توجه به عدم عضویت بخش بزرگی از بخش خصوصی در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، اتاق نخواهد توانست از جایگاه این نمایندگی از حقوق این بخش به درستی دفاع کند. نظرتان در این مورد چیست؟

علیزاده هوشیار: در مورد اصطلاح پارلمان بخش خصوصی بحث زیاد است. باید گفت که اتاق بازرگانی نماینده‌ی آن بخش خصوصی‌ای است که علاقه دارد با شفافیت فعالیت کند. هر کسی می‌تواند تجارت بزرگی در تبریز انجام دهد و کسی هم از فعالیتش مطلع نشود. این کار می‌تواند از طریق ترخیص کاری انجام شود و یا از طریق استفاده از افراد دیگر.

ژانله: این اصلا نمی‌تواند عادلانه باشد که به خاطر عدم شفافیت فعالیت‌های اقتصادی تنها کسانی که فعالیت شفاف دارند مالیات را بپردازند.

کارایی: البته در اینجا نکته‌ای هم در مورد نمایندگی اتاق از بخش خصوصی وجود دارد آن هم این که بالاخره آنهایی که به عضویت اتاق در نیامده‌اند خودشان نخواسته‌اند این کار را بکنند، حتی اگر حساب و کتاب‌شان درست هم باشد.

علیزاده هوشیار: ببینید شما زمانی موظفید در

اتاق عضو شوید که بخواهید صادرات و واردات کنید. برای صرف فعالیت اقتصادی در دنیا الزامی برای عضویت در اتاق بازرگانی وجود ندارد. چه دلیلی دارد که تمام کسبه و تولید کنندگان و افرادی که کار اقتصادی می‌کنند عضو اتاق بازرگانی باشند؟

محمدزاده: دلیل اصلی عدم عضویت فعالان اقتصادی در اتاق بازرگانی عدم نیاز به کارت بازرگانی نیست. مساله این است که اتاق نمی‌تواند خدمات مناسبی را که در شان نامش است به اعضا ارائه دهد و در نتیجه طوری بشود که فعالان اقتصادی واقعا به کارکرد و حضور اتاق در عرصه‌های اقتصادی ایمان داشته باشند حتی اگر نیازی به کارت بازرگانی هم نداشته باشند کارت عضویت می‌گیرند. اتاق حتی نمی‌تواند پارکینگ برای کسانی که در جلسات شرکت می‌کنند فراهم کند. ما نتوانسته‌ایم حتی

چنین مسائل ساده‌ای را برای اعضا حل کنیم. اطمینان داشته باشید که اگر عمل اتاق شایسته‌ی نامش باشد مردم هم از عضویت در آن استقبال کرده و به آن افتخار خواهند کرد.

کارایی: آیا مفهوم این است که اتاق نتوانسته است با تشکلهایش رابطه‌ی درستی برقرار کند؟

ژانله: بله با هیچ تشکل زیر مجموعه‌اش رابطه‌ی درستی برقرار نکرده است. شرایطی که در ساختارش این رابطه دیده شده است.

محمدزاده: این در حالی است که اتاق بازرگانی کمیسیون تشکلهایی دارد که بنده هم رئیس آن هستم و این کمیسیون از بدو تشکیل اتاق تا امروز سه جلسه برگزار کرده است که به امید خدا قرار است بعد از ما هم این جلسات ادامه پیدا کند. حالا چرا جلسه نمی‌شده است؟ به خاطر این که ممکن بوده است کسی برود و مسئولیتی در این تشکل‌ها بگیرد و فردا روزی برای خودش طرفدارانی پیدا کند. آقای ژانله اولین باری که وارد اتاق شدند اولین حرفی که گفتند شفاف‌سازی حساب‌ها بود. من هم اولین کسی بودم که به ایشان گفتم که آقای ژانله این حرف‌ها زشت است، از امین‌التجاری که خودش باید از همه حساب بخواهد حساب بخواهیم؟! و چه خطایی کردیم. مطلب دوم ایشان هم این بود که کمیسیون‌ها به راه بیفتند. همه‌ی مان هم موافق بودیم اما اراده‌ای برای انجامش وجود نداشت همان طوری که تا امروز بر تغییر مکان اتاق اراده‌ای وجود ندارد. اتاق ارومیه را ببینید که

چندین سال پس از اتاق تبریز تاسیس شده است. انسان وقتی از درش وارد می‌شود تصور می‌کند که به یک وزارتخانه وارد می‌شود. من نمی‌خواهم کسی را مقصر بدانم و یا کسی را تبرئه کنم. بنده هم در این مسائل به سهم خود سهم دارم. اما این سهم درصدهای مختلف دارد. ما حرفمان این بود که عده‌ای می‌خواستند اتاق را به پیش ببرند و عده‌ای دیگر می‌خواستند آن را نگه دارند. کسی هم که می‌خواهد در چنین تشکیلاتی عضو شود اوضاع را می‌بیند و می‌گوید که در چنین تشکیلاتی من هر موقع که خواستم کارت بازرگانی بگیرم و نیاز به آن داشتم عضو می‌شوم. تا وقتی که کارش نیفتاده باشد دلیلی برای عضویت نمی‌بیند.

کارایی: چه اتفاقاتی افتاده است که احساس می‌کنید امیدواری‌های بیشتری در انتخابات آینده وجود دارد؟

محمدزاده: شفاف‌سازی در کارت‌های عضویت و بازرگانی، اصلاح نحوه‌ی انتخاب هیات نمایندگان، وارد کردن سیستم‌های انتخابات به سامانه‌ی رایانه‌ای، و نظارت عالی‌ی استانداری، سازمان صنعت، معدن و تجارت به عنوان نماینده‌ی وزارت، و حضور هیات نظارت، من می‌توانم این اطمینان را بدهم که نود درصد این انتخابات شفاف و درست انجام خواهد گرفت.

کارایی: این تحولات در نتیجه‌ی تغییر قانون رخ داده است؟

محمدزاده: خیر. قانون همان است. فقط شیوه‌ی اجرا تغییر یافته است. کارایی: آیا اطمینان را هم می‌دهید که لیست اعضا قبل از انتخابات در سایت اتاق منتشر شود؟

محمدزاده: این مساله از اختیارات رئیس اتاق است. تا به حال این لیست به ما هم داده نشده است. شما به عنوان رسانه این لیست را مطالبه کنید.

ژانله: من به سهم خودم این امر را می‌گویم که اگر در این دوره‌ی اتاق باز هم یک تعداد افراد ناصالح بیایند و حاکمیت را در دست بگیرند از عضویت در اتاق صرف‌نظر خواهیم کرد. بالاترین چیزی که برای انسان ارزش دارد وقت و عمرش است. اما اگر از آن بهره‌ای نشود برد و اگر چهار سال به اتاق بیایید و بروید و در

تبریز و تهران در جلسات شرکت کنید و به این و آن نامه بنویسید و مسائل را منتقل کنید و در نهایت یک نفر تمام کارهای شما را خنثی کند دیگر دلیلی برای ادامه‌ی عضویت در اتاق وجود نخواهد داشت. باید همه دست در دست هم بدهیم تا کسانی که اتاق کارآمدی با حضور کسانی که علاقه به توسعه و آذربایجان دارند سر کار بیایند و کارها را به پیش ببرند. حالا فرقی نمی‌کند که این افراد چه کسانی باشند.

محمدزاده: البته در این میان شما مطبوعاتی‌ها هم نقش مهمی دارید. در شورای گفت‌وگو یکی از خبرنگارانی که مشکلی در مساله‌ی جایگاه خبرنگاران دیده بود گفت که من حتما این مساله را خواهم نوشت. سوال اینجاست که چرا در طول این چهار سال دوره‌ی اتاق هیچ چیز ننوشتید؟ چرا نقدش نکرده‌اید؟ خبرنگاران در روند اصلاح می‌توانستند بسیار کمک کنند و از این به بعد هم بسیار کمک خواهند کرد.

علیزاده هوشیار: اجازه بدهید من در کنار عبارت اتاق کارآمد کلمه‌های اضافه کنم و بگویم اتاق هارمونیک کارآمد. کسانی که برای اتاق انتخاب می‌شوند اگر تک به تک امین‌التجار باشند کافی نخواهد بود. باید در کنار یکدیگر با یک هارمونی هماهنگ بتوانند کار کنند.

کارایی: تا جایی که ما اطلاع داریم در حال حاضر سه دیدگاه برای شرکت در انتخابات اتاق وجود دارد. مرزبندی این سه دیدگاه هم بر اساس برنامه‌هایی که برای چهار ساله‌ی آینده‌ی اتاق دارند نیست و بیشتر روی نقدهای فردی است. اگر ما وجود چنین لیست‌هایی را بپذیریم شما تفاوت این لیست‌ها را در چه می‌دانید؟

ژانله: از کدام لیست صحبت می‌کنید؟

کارایی: در این گفتگو بارها تاکید بر افراد این لیست‌ها شده است. فردی که می‌خواهد رای بدهد احتمالا به دنبال این لیست‌ها و اصول، موازین و برنامه‌های آن‌ها خواهد بود. بدون لیست، دررای دادن بایستی به سوابق بنگاه‌داری و ویژگی‌های شخصی افراد تمرکز کرد. آیا کسی که در بنگاه‌داری موفق عمل کرده است در سیاست‌گذاری کلان نیز موفق عمل می‌کند. البته ما فکر می‌کنیم که در بخش خصوصی بنگاه‌دار قوی اصولا

من به سهم خودم این امر را می‌گویم که اگر در این دوره‌ی اتاق باز هم یک تعداد افراد ناصالح بیایند و حاکمیت را در دست بگیرند از عضویت در اتاق صرف‌نظر خواهیم کرد. بالاترین چیزی که برای انسان ارزش دارد وقت و عمرش است. اما اگر چهار سال به اتاق بیایید و بروید و در تبریز و تهران در جلسات شرکت کنید و به این و آن نامه بنویسید و مسائل را منتقل کنید و در نهایت یک نفر تمام کارهای شما را خنثی کند دیگر دلیلی برای ادامه‌ی عضویت در اتاق وجود نخواهد داشت.

سیاست‌گذاری توانمند نیز هست.

محمدزاده: فرمایش شما کاملا درست است. بنده تنها به عنوان رای دهنده، و نه کاندیدا، اطلاع دارم که گروه‌هایی تشکیل شده است. آقایان هم بالاخره در این گروه‌ها هستند. اما علت این که اعلام نمی‌شود این است که افراد دوازده همیشه در انتخابات شرکت می‌کنند و به انتخابات نرسیده پشیمان می‌شوند. به همین دلیل و بر حسب تجربه باید صبر کرد تا چهره‌ی دقیق گروه‌ها بعد از ثبت‌نام و تعیین صلاحیت‌ها معین شود. این که پانزده نفر منفرد وجود داشته باشد که در هیچ گروهی نباشند و بخواهند در اتاق فعالیت کنند نمی‌تواند نتیجه‌ی خوبی داشته باشد. آقایان هم بالاخره ممکن است جزء سرگروه‌ها باشند.

ژانله: اول اینکه من در هیچ گروهی وارد نخواهم شد. اما برنامه‌ای دارم که آن را با همراهی اعضای جدید اتاق به اجرا در خواهم آورد. یعنی در نقش یک رهبر ارکستر سعی خواهم کرد که افراد را هماهنگ کنم و با اشاره‌ی دست یک صدای واحد را در انجام برنامه‌ها و رسیدن به اهداف هماهنگ کنم. این افراد اگر تک تک بنوازند صدای گوش خراشی ایجاد خواهد شد. البته در یک اجرای خوب هم رهبر ارکستر نقش اساسی دارد و هم نوازندگان آن. اگر نوازندگان نباشند اصلا موسیقی‌ای وجود نخواهد داشت.

کارایی: شما الان برنامه‌ای دارید؟

ژانله: بله من برنامه دارم.

محمدزاده: شما در هیچ گروهی نیستید و

برنامه هم دارید؟!

ژانله: البته من نوازنده نخواهم بود اما ارکستر را رهبری خواهم کرد.

محمدزاده: من هم بگویم که به کسی که در لیست نباشد رای نخواهم داد، چون اول می‌خواهم بدانم که این فرد کار گروهی را بلد است یا نه؟ بنا بر این اگر رای من را بخواهید باید بروید در داخل یک گروه.

کارایی: البته آقای ژانله نگفتند که با گروه نیستند. گفتند با گروه همراهند.

ژانله: من در حال حاضر در هیچ گروهی نیستم

کارایی: بالاخره این گروه‌ها برنامه خواهند داشت؟

ژانله: خوب ممکن است گروهی باشد که از تمام گروه‌ها افراد اصلاح را انتخاب کرده باشد.

محمدزاده: من بدون هرگونه سیاست به شما بگویم که این افرادی که کاندیدا می‌شوند هیچ

کدام سرگروه نمی‌پذیرند. در ابتدا از سرگروه حمایت می‌کنند و پس از انتخاب شدن در ابتدا به سرگروه حمله می‌کنند. انتخاب افراد از گروه‌های مختلف کار خطرناکی است. ما به دنبال پانزده نفر می‌گردیم که افکارشان به هم نزدیک باشد. نه اینکه عین هم فکر کنند اما بتوانند در قالب یک گروه با هم کار کنند. هدف را در قالب یک برنامه بپذیرند و روی آنها تا آخر تاکید کنند. بعد از این که این‌ها توانستند به این تفاهم فکری برسند اسم‌هایشان را کنار هم قرار خواهند داد تا آن گروه پانزده نفره تشکیل شود. بعد از آن است که ما رای دهندگان نگاه می‌کنیم به این گروه‌ها و گروهی را که افراد صالح، با اخلاق، انهایی که منافع جمع را به منافع خودشان ترجیح می‌دهند در کدام گروه‌ها بیشتر دیده می‌شوند و به آن‌ها رای می‌دهیم.

علیزاده هوشیار: باید به دو نکته توجه داشته باشید. اول اینکه وقتی که پانزده نفر در یک گروه قرار می‌گیرند مطمئنا برای انتخابشان بر اساس یک برنامه عمل شده است. دوم این که کسی هم که در این گروه‌ها قرار می‌گیرد هم برنامه‌های آن گروه را مطالعه می‌کند و می‌بیند که آیا می‌تواند در آن گروه قرار بگیرد یا نه. کارایی: متأسفانه تاریخ ما نشان می‌دهد که در فعالیت‌های گروهی ایران برنامه محوری چندانی نداشته است و یا دست کم در طول زمان از اولویت خارج شده است. اگر دقت کنید کم نیستند مثال‌هایی که پس از پیروزی یک لیست خاص و هم فکر در ورود به مجموعه‌ای انتخابی، بدترین ناهماهنگی‌ها صورت پذیرفته است.

محمدزاده: به هر حال این حالت هم از بی‌برنامگی بهتر است. اینجا حداقل یک چیزهایی وجود دارد که قسمتی از آن انجام بشود اما در حالتی که اصلا گروهی

وجود نداشته باشد اتفاقی نخواهد افتاد. این بهتر از بی‌برنامگی است.

ژانله: در انتخابات‌های ایران معمولا قبل از انتخابات برنامه‌های بسیار خوبی ارائه می‌شود که هر کسی به آن نگاه می‌کند، می‌گوید که اگر ده درصد این برنامه‌ها هم به اجرا در بیاید شهر و کشورمان گلستان می‌شود. مشکل در اینجاست که برنامه‌ها به اجرا در نمی‌آیند.

علیزاده هوشیار: در مورد مساله‌ی پارلمان بودن اتاق و تحریم‌ها می‌خواهم توضیح بدهم که دولت‌هایی همچون دولت ما از سفرای اقتصادی غافل می‌شوند. من فکر می‌کنم ایران تحریم می‌شود چون تحریم پذیر است. این نتیجه‌ی یک نقص تاریخی است که به اینجا می‌رسد که پرنده‌ای که بال و پرش چیده شود نخواهد توانست پرواز کند. بال پرواز اقتصاد، بخش خصوصی است و شاهپر آن هم اتاق است. اگر تعداد اعضای اتاق به حدی باشد که اکثریت اعضای جامعه‌ی صنعت و معدن و تجارت و کشاورزی را پوشش دهد، مشارکت این افراد هم به حداکثر برسد، تاثیرگذاری بخش خصوصی در فضای اقتصاد کشور به حداکثر می‌رسد. دولت هم این افراد را به عنوان ابزار اعمال سیاست‌های درست توسعه، بپذیرد. راهبران دوره‌ی آینده‌ی اتاق باید بتوانند بخش خصوصی را به یک مشارکت حداکثری برسانند و در این صورت در دوره‌های آینده‌ی هیات نمایندگان تعداد اعضای اتاق به حدی خواهد رسید که اغلب فعالان اقتصادی استان را در برگیرد. البته باید در برابر این مشارکت به این افراد خدمات ارائه شود. اگر از این افراد دویست هزار تومان دریافت کنید و دویست و یک هزار تومان خدمات ارائه کنید آنها را نگه خواهید داشت. اما اگر هزار تومان بگیرید و هیچ خدماتی ارائه نکنید مشارکت نخواهند کرد. امر مهم دیگر این است که اتاق در حال حاضر رسانه ندارد. اتاق باید زبان صحبت داشته باشد.

ژانله: در تکمیل صحبت‌های آقای علیزاده بگویم که اگر بخش خصوصی کارش را درست انجام بدهد می‌تواند در تمامی زمینه‌ها رشد ایجاد کند. و این اتاق است که باید در این جهت به بخش خصوصی جهت بدهد. اتاق بستر را آماده می‌کند و جوانان مستعد را آموزش داده و برای یافتن راه‌های جدید توسعه فعال می‌کند. همچنین از کمک‌های دولتی برای توسعه‌ی یافته‌ها و تکنولوژی‌ها و راه‌های جدیدی که این جوانان یافته‌اند، استفاده کند. منابع در کشور بسیار است. پول از بین نمی‌رود فقط جایش عوض می‌شود. اتاق می‌تواند این منابع فراوان را به سمت درست هدایت کند. این کارها به تجربه نیاز دارد. اگر کسانی که تجربه دارند دور هم بنشینند و به کار بپردازند اتاق تبریز و صنعت و آینده‌ی آذربایجان متحول می‌شود. اما با این روش‌ها، این افراد و این صحبت‌های دوره‌ی فعلی به جایی نمی‌رسیم و باز هم چهار سال بعد باید بنشینیم و همین نقدها را دوباره مطرح کنیم.

محمدزاده: در این دوره به امید خدا تمام برنامه‌ها را انجام خواهید داد و از این میزگردها تشکیل خواهیم داد تا کارنامه‌ی شما را بررسی کنیم و انشالله کارآمدی را هم در آن خواهیم دید.

ژانله: انشالله که کارآمدی زیر کارنامه نوشته می‌شود.

محمدزاده: اما در آخر بحث یک مطلبی را بیان کنم که در دوره‌ی صد ساله‌ی اتاق خوش شانس‌ترین هیات نمایندگان در این دوره خواهند بود، چرا که در دوره‌های قبل طوری عمل شده است که اگر این‌ها چهل پنجاه درصد بهتر از آن‌ها کار کنند همه تحسین‌شان خواهند کرد.

کارایی: البته یک مطلب دیگر هم وجود دارد و آن این که قیمت نفت پائین است. هر قدر قراردادهای نفتی بیشتر شوند بخش خصوصی به حاشیه می‌رود.

محمدزاده: البته امیدواریم که قیمت نفت افزایش پیدا کند اما باید دولت آگاه، دولت تدبیر و دولت امید کاری کند که بخش خصوصی تقویت شود تا بتواند سود بیشتری به دست آورد و برای دولت مالیات بیاورد. اگر دولت این کار را نکند دستش به جیب مردم می‌رود و در این جیب هم تا حدی پول وجود دارد و در نهایت هم دولت فقیر خواهد بود و هم ملت. البته خوشبختانه دولت در حال حاضر روش اول



بال پرواز اقتصاد بخش خصوصی است و شاهپر آن هم اتاق است. اگر تعداد اعضای اتاق به حدی باشد که اکثریت اعضای جامعه‌ی صنعت و معدن و تجارت و کشاورزی را پوشش دهد، مشارکت این افراد هم به حداکثر برسد، تاثیرگذاری بخش خصوصی در فضای اقتصاد کشور به حداکثر می‌رسد. دولت هم این افراد را به عنوان ابزار اعمال سیاست‌های درست توسعه بپذیرد.

تبدیل بخش دولتی به بخش فرا دولتی نتیجه‌ی خصوصی سازی!

وقتی به چهره‌ی آقای کلینی، نایب رئیس اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی تبریز، به دقت می‌نگرید، انگار که تاریخچه‌ی پیوند بازار را با اتاق بازرگانی تبریز مرور می‌کنید. خودش را یک علاقمند به اقتصاد کشور می‌داند که پدرش بازاری بوده و یادش می‌آید که حتی وقتی مدرسه می‌رفته است، باید به هنگام نهار پیش پدر در بازار برمی‌گشته است. آقای کلینی پس از انقلاب و بعد از اتمام تحصیلاتش در زمینه‌ی مدیریت، به فعالیت اقتصادی می‌پردازد و به رغم بحران‌های دشوار می‌تواند سه واحد تولیدی صنایع غذایی را به گفته‌ی خود بدون هیچ بدهی بانکی راه‌اندازی و اداره کند. آنچه در ذیل می‌آید نظرات این فعال اقتصادی درباره‌ی اتاق‌های بازرگانی ایران و تبریزی می‌باشد.



آقای کلینی جایگاه اتاق بازرگانی را در شرایط حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اتاق‌های بازرگانی که به عنوان پارلمان بخش خصوصی مطرح است در تمام دنیا حمایت کننده و مرکز فعالیت بخش خصوصی، تجارت و بازرگانی است. در کشور ما هم اتاق بازرگانی سابقه‌ی بیش از یکصد سال دارد که اتاق بازرگانی تبریز به عنوان اولین اتاق بازرگانی ایران، در زمانی که تجارت در این شهر نهادینه بود و تبریز به عنوان مرکز ثقل تجارت ایران محسوب می‌شد، توسط بازرگانانی که به کشورهای خارجی رفت و آمد داشتند تاسیس می‌گردد. اما اتاق بازرگانی تبریز در شرایط فعلی اهداف و فعالیت‌های قابل توجهی دارد که به طور کلی به دو بخش تقسیم می‌شود. اول فعالیت‌های عمومی اتاق است که مهم‌ترین این فعالیت‌ها صدور کارت بازرگانی است، که مطابق قوانین جاریه کشور - برای هر تاجر و بازرگانی که بخواهد به فعالیتی در ارتباط با خارج از کشور بپردازد ضروری است. اما برای اتاق یک نقش خاص هم وجود دارد که می‌توان گفت این بخش در درون و نهاد اتاق نهفته است که آن حمایت از توانمندی‌های بخش خصوصی در راستای توسعه‌ی کشور است.

اگر ظرفیت‌های اتاق بازرگانی را در سال‌های پس از انقلاب بررسی کنیم متوجه می‌شویم که در طول این سال‌ها فراز و فرود بسیاری داشته است. متأسفانه در طی این مدت اتاق بازرگانی نتوانسته است نقش واقعی خودش را در اقتصاد ملی و منطقه‌ای و همین‌طور از جنبه‌ی نهادی ایفا کند که این بیش از همه به خاطر ملت‌هپ بودن اقتصاد کشور بوده است و همین مسائل باعث شده است که ما نتوانیم به رغم تمام تلاش‌های مان به سر منزل مقصود برسیم. طبیعی است که این آشفتگی اقتصادی تاثیر مستقیمی بر فعالیت‌های اتاق بازرگانی گذاشته است و این در حالی است که همین اتاق از سوی دیگر می‌توانسته است نقشی در سامان دادن به آشفتگی اقتصادی به عهده بگیرد.

به رغم تمام مسائلی که طرح شد به نظر جنابعالی موفقیت‌های اتاق در این سال‌ها چه بوده است؟

یکی از موفقیت‌های اتاق بازرگانی در سال‌های اخیر تلاش برای تدوین قانون کسب و کار بوده است. قانون کسب و کار پس از سالیان دراز اولین بار با دقت تدوین شد تا موانعی را که به نوعی همیشه در راه رشد تجارت و کسب و کار کشور بود از بین ببرد. متأسفانه این قانون بعد از تدوین و تصویب به خوبی به اجرا در نیامده است. نهادهایی که بر سر این کار مانع بودند مثل قبل با قدرت بر سر جای خودشان هستند و هیچ حرکت نوینی در اجرای این قانون شکل نگرفته است. اگر ما به موقعیت اتاق بازرگانی در کشور نگاهی بیندازیم، ملاحظه می‌کنیم که اتاق در بیش از شصت نهاد کشور نماینده دارد. اتاق بازرگانی در ساختارهای دارای کمیسیون‌هایی است که هر یک در حوزه‌های مربوط به خودشان تجربه و تحلیل کننده‌ی مسائل خاص خود هستند، مثل کمیسیون حمل و نقل، صنعت، مالیات، گردشگری و سایر کمیسیون‌ها. به جهت همین ویژگی‌هاست که ما وقتی فاصله دولت با قوانین مصوب را در مسیر پیشبرد اقتصاد کشور مشاهده می‌کنیم، و نگاهی کلی به مشکلات بخش خصوصی می‌اندازیم که در نتیجه‌ی دیدگاه‌های تنگ نظرانه‌ی پیش گفته به وجود آمده‌اند، می‌بینیم که این فاصله‌ها و خلاها را اتاق بازرگانی می‌تواند پر کند. در سال‌های اخیر باید گفت که توجه به اتاق بازرگانی زیاد شده است و نباید از حق گذشت که دولت جدید از همان ابتدای شروع به کارش بر تقویت بخش خصوصی تاکید داشته است و اصرار داشته که بخش خصوصی باید در صدر فعالیت‌های اقتصادی کشور قرار گیرد و حاکم بر سرنوشت خودش باشد. اما اینکه تا چه اندازه موفق به اجرای این شعار شده‌ایم خودش جای سوال است که البته چندان هم جواب پیچیده‌ای ندارد. بالاخره موانع بزرگی مثل تحریم، تورم، رکود و آخرین مانع هم که سقوط قیمت جهانی نفت بوده است در سیر حرکت اقتصاد کشور تاثیرات اساسی گذاشته است.

آیا اتاق بازرگانی با تمام تاثیراتی که از این موانع و مشکلات گرفته است

اتاق بازرگانی به عنوان پل میان بخش خصوصی و دولت عمل می‌کند. اتاق نهادی است که هم به واسطه‌ی قانون قدرت گرفته است و در همین حال مورد حمایت بخش خصوصی کشور نیز هست. بر همین اساس است که ما باید بتوانیم حضور قدرتمند این نهاد را در عرصه‌ی اقتصاد کشور به عیان ببینیم. اما من می‌گویم که اتاق نتوانسته است این نقش را ایفا کند. چرا؟ اول اینکه در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی و نیز سال‌های پس از آن، اصلاً عده‌ای نقشی برای این تشکل در اقتصاد کشور قائل نبودند و اتاق بازرگانی را مورد حمله‌های گوناگون قرار دادند. البته در این سال‌ها اصلاً بخش خصوصی چندان مورد حمایت بخش دولتی نبوده است. در نتیجه اتاق به عنوان مظهر تجلی توان بخش خصوصی که به عنوان پارلمان بخش خصوصی نامیده شده است چندان مورد توجه قرار نگرفته است. دومین مساله در اینجا بوده است که بیشتر، نهادهای دولتی حاکم بر اراده‌ی اتاق بازرگانی بوده‌اند، و این مساله‌ای بوده است که پشتوانه‌ی قانونی نیز به خود گرفته است و نقش دولت در اداره‌ی اتاق بازرگانی بیش از بخش خصوصی دیده شده است. در نتیجه خواست‌های دولت با حضور نمایندگان که در اتاق بازرگانی از طرف دولت برای اداره‌ی اتاق تعیین می‌شدند در اتاق بازرگانی تجلی می‌یافت. خود این مساله هم مولود مساله‌ی سوم بود و آن این بود که هنوز بخش خصوصی، توانایی لازم را در ایفای نقش خودش در اقتصاد کشور پیدا نکرده بود. به زعم من هنوز که هنوز است این عدم توانایی در بخش

فکر می‌کنید نقش اتاق در اقتصاد کشور چطور تعریف می‌شود؟

اتاق بازرگانی به عنوان پل میان بخش خصوصی و دولت عمل می‌کند. اتاق نهادی است که هم به واسطه‌ی قانون قدرت گرفته است و در همین حال مورد حمایت بخش خصوصی کشور نیز هست. بر همین اساس است که ما باید بتوانیم حضور قدرتمند این نهاد را در عرصه‌ی اقتصاد کشور به عیان ببینیم. اما من می‌گویم که اتاق نتوانسته است این نقش را ایفا کند. چرا؟ اول اینکه در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی و نیز سال‌های پس از آن، اصلاً عده‌ای نقشی برای این تشکل در اقتصاد کشور قائل نبودند و اتاق بازرگانی را مورد حمله‌های گوناگون قرار دادند. البته در این سال‌ها اصلاً بخش خصوصی چندان مورد حمایت بخش دولتی نبوده است. در نتیجه اتاق به عنوان مظهر تجلی توان بخش خصوصی که به عنوان پارلمان بخش خصوصی نامیده شده است چندان مورد توجه قرار نگرفته است. دومین مساله در اینجا بوده است که بیشتر، نهادهای دولتی حاکم بر اراده‌ی اتاق بازرگانی بوده‌اند، و این مساله‌ای بوده است که پشتوانه‌ی قانونی نیز به خود گرفته است و نقش دولت در اداره‌ی اتاق بازرگانی بیش از بخش خصوصی دیده شده است. در نتیجه خواست‌های دولت با حضور نمایندگان که در اتاق بازرگانی از طرف دولت برای اداره‌ی اتاق تعیین می‌شدند در اتاق بازرگانی تجلی می‌یافت. خود این مساله هم مولود مساله‌ی سوم بود و آن این بود که هنوز بخش خصوصی، توانایی لازم را در ایفای نقش خودش در اقتصاد کشور پیدا نکرده بود. به زعم من هنوز که هنوز است این عدم توانایی در بخش

می‌تواند بر این اصلاح روند تاثیر مثبت بگذارد؟

اتاق بازرگانی پلی است میان کشورمان و دیگر کشورهای جهان. اتاق بازرگانی به عنوان محل تجلی بخش خصوصی و نخبه عنوان یکی از مظاهر و نمادهای هر کشوری به حساب می‌آید. اعتبار و احترامی که نهاد اتاق بازرگانی در کشورهای پیشرفته دارد با هیچ نهاد دیگری قابل مقایسه نیست. اتاق بازرگانی در این کشورها تاثیر مستقیمی در شکل‌گیری قوانین و شرایط اقتصادی دارند. دلیل این امر هم این است که دولت‌ها در این کشورها متوجه شده‌اند که بخش خصوصی، آن بخش از اقتصاد است که مسائل و مشکلات را در عمل تجربه می‌کند و می‌تواند برای آن راه‌کارهای اجرایی ارائه کند. بخش خصوصی است که می‌تواند با انتقال تجربیاتش به دولت آنها را در از بین بردن تشتت‌هایی که مانع توسعه است یاری کند. متأسفانه در کشور ما این اتفاقات رخ نمی‌دهد و فاصله‌ی بخش خصوصی با بخش دولتی بسیار زیاد است.

جایگاه شورای گفت‌وگو را در این میان چطور ارزیابی می‌کنید؟

بالاخره ما باید از یک جایی شروع بکنیم. در شرایطی که فرصت بسیار کمی برای تعامل بخش خصوصی و دولت وجود دارد شورای گفت‌وگو واقعا یک نوید و یک فرصت است. همین امر که بالاترین مسئول اجرایی استان ماهانه یک بار برای حل مشکلات بخش خصوصی با نمایندگان این بخش بر سر یک میز می‌نشینند گام بسیار بسیار بزرگی در کاهش فاصله‌ی بخش خصوصی و دولت است. به نظر می‌شود با تکیه بر شورای گفت‌وگو قدم‌های موثری در رفع موانع کسب و کار برداشت. ما محکوم هستیم به عنوان یک کشور در حال توسعه‌ی جوان که به بازارهای کار جدید نیاز دارد

با هم کار کنیم و کشورمان را توسعه بدهیم و در این توسعه باید الزامات توسعه را در نظر بگیریم. تجربیات کشورهایی که دارای اقتصاد کاملا دولتی بوده‌اند به شکست انجامیده و کشورهایی مانند کشور ما که اقتصاد نیمه دولتی داشته‌اند نیز تجربه‌ی چندان خوبی از این نوع اقتصاد نداشته‌اند. ما در کشورمان در عرصه‌ی اقتصاد دولتی شکست‌های قابل توجهی داشته‌ایم. یک مقدار تجربیات دیر حصول شده اما به هر حال این تجربیات به دست آمده است. الان اقتصاددانان و دولتیان و مجلسیان ما همگی یک‌صدا به این نتیجه رسیده‌اند که تصدی‌گری دولت در اقتصاد نتایج مطلوبی نداشته است و بهتر است که دولت با تقویت بخش خصوصی کارها را به این بخش بسپارد و بر حرکت اقتصاد با محوریت این بخش نظارت کند.

آقای کلینی این واگذاری امور به بخش خصوصی از دو دیدگاه قابل بررسی است. اول از نظر انجام واگذاری‌ها در قالب اصل چهل و چهار قانون اساسی که چگونه انجام شده و چه تاثیری بر بخش خصوصی و حتی اعضای اتاق بازرگانی داشته است؟ و دوم این که آیا دولت واقعا به نقش بخش خصوصی در اقتصاد پی برده است و یا فقط تحت فشارهای موجود بر اقتصاد کشور در حال حاضر بر نقش بخش خصوصی در اقتصاد تاکید دارد و ممکن است پس از رفع فشارها از این امر صرف نظر کند. نظر تان در این موارد چیست؟

در مورد اصل چهل و چهارم قانون اساسی باید توجه‌تان را به این مساله جلب کنم که اتاق بازرگانی به هیچ عنوان کار اجرایی انجام نمی‌دهد. اتاق بازرگانی نقش مشاور سه قوه را دارد. اما اجرای اصل چهل و چهارم قانون اساسی و خصوصی‌سازی یکی از بزرگترین گام‌هایی بوده است در جهت شکوفایی اقتصاد کشور باید برداشته می‌شده است. اما تحقیقات اتاق بازرگانی نشان می‌دهد که کارخانه‌هایی که در عمل به بخش شبه دولتی واگذار شده‌اند و اتفاقا در اوج شکوفایی هم بوده‌اند، پس از این واگذاری‌ها به ورشکستگی و زیان‌دهی رسیده‌اند. متأسفانه اجرای این اصل با کاستی‌های فراوانی روبرو شد و این اصل را بسیار بد اجرا کردند. در واقع واگذاری‌ها را مثل گوشت قربانی سلاخی کردند و بخش خصوصی بهره‌ای از این روند نبرد. در نهایت کار به اینجا رسید که بخش دولتی تبدیل شد به بخش فرا دولتی.

آیا این روند به جهت ایجاد رقاباتی که دارای رانتهایی هم بودند به ضرر بخش خصوصی تمام نشد؟

ما ضرر را به بخش خصوصی و دولتی تقسیم نمی‌کنیم. حرف ما این است که اقتصاد کشور در این میان منضر شده است. ما بخش خصوصی را نافته‌ی جدا بافته از اقتصاد کشور نمی‌دانیم. بخش خصوصی به دلیل توانائیش در اقتصاد مورد توجه

است. ما می‌گوییم که دولت می‌تواند بخش خصوصی را هدایت کند، از او مالیات بگیرد، ایجاد اشتغال کند و بسیاری از مسائل اقتصاد کشور را از این طریق حل کند و کشور را در مسیر توسعه قرار دهد. اما برای انجام این کار نیاز به اهرم‌هایی است. باید کارخانه‌هایی که از جریان تولید خارج شده‌اند به نوعی احیا شوند و در مسیر توسعه قرار بگیرند و آثار روانی‌ای که در نتیجه‌ی خصوصی‌سازی نادرست در فضای اقتصاد کشور ایجاد شده است از بین برود. باید در راستای جذب سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور اقدامات اساسی صورت گیرد که به رغم تمام سمینارها و کنفرانس‌هایی که در این زمینه انجام یافته است هنوز این کار اجرایی نشده است. بالاخره کسی که می‌خواهد در ایران سرمایه‌گذاری کند محاسبات اقتصادی انجام می‌دهد و برای این کار دقیقاً اقتصاد کشور را رصد می‌کند. وقتی که می‌بیند فضای کسب و کار در کشور مناسب نیست برای سرمایه‌گذاری اقدام نمی‌کنند. سرمایه‌گذاری نیازمند امنیت و قوانین بسیار محکم است. در نهایت باید گفت که با عدم اجرای درست اصل چهل و چهارم قانون اساسی و خصوصی‌سازی نادرست همه چیز در صنایع به ظاهر خصوصی شده و اتفاقاً شرایط بدتر از قبل شد. اقتصاد ما در چند دهه‌ی گذشته دچار تلاطم بوده و در یک خط مستقیم حرکت نکرده است. هر دولتی که آمده برای خودش مسیر مستقلی در پیش گرفته است. بدیهی است که وقتی فضای اقتصاد کشور این گونه باشد اتاق بازرگانی هم از آن متأثر می‌شود.

از نظر شما ریشه‌های این مشکلات در کجاست؟ چرا ما نتوانسته‌ایم و

یا نمی‌توانیم موقعیت را به درستی مدیریت کنیم؟

بخشی از این مشکلات به مسائل خارجی برمی‌گردد که مهم‌ترین نمونه‌ی آن تحریم‌ها هستند. بخش دیگر این مشکلات هم در داخل ریشه دارند که به عنوان نمونه می‌توان به قوانین، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای داخلی اشاره کرد. تمامی این مشکلات هم در نهایت تاثیر مستقیم بر مسائل اتاق دارند. مسائل بیرونی را طبیعی است که دولتمردان باید در اولویت قرار داده و حل کنند. اما مسائل داخلی بیشتر به دیدگاه‌ها و حتی سلیقه‌ها مربوط می‌شود. ما هنوز یاد نگرفته‌ایم که اغراض و دیدگاه‌های شخصی و گروهی‌مان را در مورد مسائل تعمیم ندهیم. همین امر است که باعث می‌شود گسیختگی در اقتصاد کشور به این وسعت پیدا شود. منظورمان از تحریم‌های داخلی که در اتاق مطرح می‌کنیم همین نوع دیدگاه‌هاست. در نتیجه‌ی همین دیدگاه‌هاست که قوانین نامناسب تصویب می‌شود، قوانین خوب بد اجرا می‌شود و فضای نامناسب اقتصادی ایجاد می‌شود و چوب لای چرخ اقتصاد کشور گذاشته می‌شود. اما با تمام این احوال من فکر می‌کنم در آینده هم نقش اتاق در اقتصاد کشور قابل توجه خواهد بود و اگر بخواهند چرخ توسعه بهتر بگردد باید بخش خصوصی را جدی بگیرند.

فکر می‌کنید در شرایط لغو تحریم‌ها اتاق بازرگانی به آن درجه از بلوغ رسیده است که از ظرفیت‌های لازم برای به عهده گرفتن بخش بزرگی از مسئولیت توسعه‌ی کشور برخوردار باشد؟

نباید فراموش کرد که همانطور که متأسفانه در تمامی بخش‌های اقتصاد کشور تناقضات جدی وجود دارد در اتاق نیز می‌توان این تناقضات را دید. اتاق هنوز نتوانسته است اعتماد کلیه‌ی بخش‌های فعال در کل کشور را به خودش جلب کند. اتاق هنوز نتوانسته است نقش خودش را به عنوان مشاور سه قوه به خوبی ایفا کند. اتاق بازرگانی با تمام قدمتش هنوز راه بسیاری در پیش دارد که به جایی برسد که بتواند نقش حقیقی خودش را در اقتصاد کشور به درستی بازی کند. متأسفانه امروز اتاق در جلب اعتماد اعضا با چالش‌های اساسی‌ای روبروست. هنوز اتاق بازرگانی نتوانسته است تمامی آنچه را که در نهادش برای تاثیر در مسیر توسعه‌ی کشور قرار داده شده است را به طور کامل به اجرا درآورد.

آقای کلینی همانگونه که مستحضر هستید انتخابات اتاق در پیش است و تعداد اعضای اتاق که کارتهای فعال دارند و می‌توانند در انتخابات رای بدهند بسیار کم است. در این شرایط انتخابات اتاق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در مورد اینکه بسیاری از عضویت‌های قبلی لغو شده و یا تمدید نشده است باید بگوییم که اتاق هرگز اجباری برای عضویت و یا تمدید کارت اعضا نداشته است. این بستگی به نیاز افراد دارد. طبیعی است که وقتی اقتصاد در رکود و سکون است فعال اقتصادی نمی‌تواند کار بکند و وقتی نیازی به تمدید کارت نباشد طبیعی است که کسی این کار را انجام نمی‌دهد. این زنگ خطری است برای اتاق. نه از این بابت که تعداد اعضایش کم شده است، بلکه به این دلیل که این امر نشانه‌ی رکود کامل اقتصادی در کشور است و اتاق وظیفه دارد این امر را در حد خودش اعلام و پیگیری کند. اما در مورد انتخابات باید بگوییم که در حال حاضر اهرم‌های کنترل صدور کارت و عضویت بسیار تقویت شده است و به صورت کشوری و دیجیتال انجام می‌پذیرد. به طور کلی انتخابات این دوره‌ی اتاق بازرگانی در کل کشور از سلامت بسیار بالایی برخوردار خواهد بود. اما به جز این موارد باید تاکید کنم که خود رای دهندگان هم باید دقت عمل داشته باشند. باید به کسانی رای داده شود که از توانمندی و تسلط کافی بر امور برخوردار باشند. ما باید کسانی را انتخاب کنیم که از نظر اقتصادی انسان مثبت و فعالی باشند، از نظر کارنامه‌ی اقتصادی سالم باشند، رانت‌خوار نباشند، کسانی باشند که نسبت به تحولات جهانی و اقتصاد مطلع باشند، کسانی باشند که محیط اقتصادی خودشان را به طور کامل بشناسند، و به خاطر منافع شخصی وارد انتخابات نشده باشند.

با توجه به اینکه اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، حقوقی دریافت نمی‌کنند منظور تان از منافع شخصی چیست؟

دقیقا درست است. در اتاق بازرگانی منافع مادی مستقیمی وجود ندارد. تنها مساله ایجاد روابطی است که به واسطه‌ی قرار گرفتن در هیات نمایندگان اتاق ایجاد می‌شود. این در حالی است که کسی که به عنوان نماینده‌ی بخش خصوصی در جایگاه هیات نمایندگان اتاق بازرگانی قرار می‌گیرد باید به عنوان انجام وظیفه و دینی که نسبت به اتاق، اقتصاد کشور و بخش خصوصی دارد در انتخابات شرکت کند. اما ممکن است کسانی که از آب ماست می‌گیرند تلاش کنند که در تشکلی مثل اتاق بازرگانی نفوذ کنند و به دنبال برآوردن منافع شخصی‌شان باشند. ما باید به عنوان بخش خصوصی حاکم بر سرنوشت خودمان باشیم. شعار دادن خیلی آسان است اما عمل به آن شعارها بسیار دشوار است. ما باید خواهیم که کار خودمان به دست خودمان رو به راه شود و برای این کار باید افراد صالحی را انتخاب کنیم. خیلی باید در امری که سرنوشت ما را به عنوان اعضای اتاق و در نهایت بخش خصوصی تعیین می‌کند دقت داشته باشیم. این به این معناست که نباید بی‌تفاوت از انتخابات اتاق بگذریم. اینجا جایی است که دولت هیچ دخالت مستقیمی ندارد و ما هستیم که انتخاب‌ها را تعیین می‌کنیم.

باید بتوانیم کسانی را برای اتاق انتخاب کنیم که در این شرایط نامناسب اقتصادی بتوانند از منافع‌مان دفاع کنند و بتوانند برای آیندگان و مملکتی با این همه امکانات کاری بکنند که کشور برخوردار داشته باشیم. این حرکتی است که از همان اتاق بازرگانی‌ای آغاز می‌شود که منتخبین صالحی داشته باشد. بسیاری از افراد هستند که ظاهری موجه دارند. اما یک صنعتگر، یک تاجر و یک فعال اقتصادی باید تیزبین و هوشمند باشد و فریب این مسائل را نخورد. باید در این مورد عمیقا مطالعه کرد و افراد حقیقتا سالم را انتخاب کرد.

در مورد انتخاب شوندگان چه نظری دارید؟

برای کسانی که واقعا صالح هستند و علاقمند به کشور و اقتصاد آن هستند واقعا قرار گرفتن در جایگاه هیات نمایندگان اتاق کار دشواری است. زیرا که باید وقت بگذارند و از خودگذشتگی داشته باشند. برای پذیرش چنین مسئولیت بزرگی باید از زندگی‌شان مایه بگذارند. اما این روندی است که خاص کشور ما نیست و در دنیا هم همین طور است که باید برای زندگی جمعی هزینه‌هایی داد و در برابر جمع مسئولیت‌پذیر بود.

آقای کلینی در حال حاضر مشخص است که اعضای اتاق بازرگانی چند نفر است؟

از هزار و هشتصد کارت بازرگانی‌ای که وجود دارد، تنها هشتصد کارت واجد شرایط رای دادن هستند. پنجاه عدد کارت عضویت هم داریم که امکان رای دادن دارند. البته فکر می‌کنم که امسال تعداد آرای انتخابات اتاق کمتر از قبل خواهد بود. یکی از دلایل این امر این است که قبلا برای دادن رای وکالت پذیرفته می‌شد اما امسال چنین امری پذیرفته نیست. تاجر هم اغلب در مسافرت هستند و یا به خاطر مشغله‌ی زیاد شاید امکان شرکت پیدا نکنند.

ارتباط بین داشتن کارت بازرگانی با کارت عضویت چطور است؟

کسانی که کارت بازرگانی دارند لزوما کارت عضویت هم دارند چرا که برای گرفتن کارت بازرگانی باید ابتدا عضو اتاق باشند. اما حدود پنجاه شخص هم داریم که کارت بازرگانی ندارند و فقط عضو اتاق بازرگانی تبریز هستند. در حال حاضر هرکسی که عضو اتاق بازرگانی باشد امکان رای دادن دارد. البته الان میزان عضویت بدون کارت بازرگانی بسیار کم است و بیشتر از چهل، پنجاه تا نیست چرا که شرایط عضویت بسیار سخت شده است. در واقع باید بگوییم که انتخابات بسیار شفاف و سالم خواهد بود.



از خود گذشتگی لازمه نمایندگی

اولین رئیس خانه‌ی صنعت استان و متعاقب آن اولین رئیس خانه‌ی صنعت کشور است. خانه‌ای که امروز در تمامی استان‌های کشور وجود دارد و حتی در شهرستان‌های برخی از استان‌ها نیز این نهاد تاسیس شده است. امروزه صدای شورای مرکزی خانه‌های صنعت تا حدود زیادی صدای صنعت کشور است. کانون کارفرمایان استان را هم برای اولین بار با همکاری دیگر صنعتگران استان بنیان نهاده است. دو دوره در هیات نمایندگان اتاق بازرگانی حاضر بوده و اتاق بازرگانی را مادر تمامی تشکلهای و انجمن‌های صنفی می‌داند و در توجیه این نظر اختیارات قانونی این نهاد و جایگاه و قدمت آن را پیش می‌کشد. تولیدکننده و صنعتگر و بازرگانی با این همه تجربه تاکیداً مطرح می‌سازد که یک دست صدا ندارد و اگر همه دست در دست هم ندهند مشکلات حل نخواهد شد.

که حافظ منافع کشور متبوع‌شان باشند. پس عزیزان در موقع رای دادن دقت کنند که به چه کسی رای می‌دهند. طبیعی است که معلوم نیست چنین افرادی به هنگام دشواری‌ها میان منافع دو کشور کدام را انتخاب خواهند کرد. توصیه می‌کنم عزیزان به کسانی رای بدهند که ریشه‌های‌شان، پی‌شان، خانواده‌ی‌شان، آینده‌ی‌شان و همه‌چیزشان به این کشور وابسته است. نه اینکه در زمان آرامش در کشورمان باشند و در زمان دشواری‌ها به کشور دیگر پناه ببرند. رای دهندگان باید تحقیق کنند و به عنوان امین‌التجار به افراد رای دهند. اینها کسانی هستند که پس از انتخاب‌شان به عنوان عصاره‌ی صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی کشور در برابر هر کسی که از هر جای جهان با تبریز و ایران رابطه داشته باشد، شناخته خواهند شد. نحوه‌ی برخورد، مذاکره، تجارب و دانش این افراد نشانه‌ای خواهد بود از سطح کسانی که آنها را انتخاب کرده‌اند. پس عزیزان در انتخاب‌شان دقت کنند.

اینها توصیه‌هایی بود برای انتخاب

کندگان. در مورد انتخاب شونده‌گان چه نظرانی دارید؟
با تجربه‌ی بیست ساله‌ای که در تشکلهای مردم نهاد دارم این را به طور قاطع می‌گویم که کسی که از خودش نگذرد نمی‌تواند در این تشکلهای فعالیت کند. درست از زمانی که این نمایندگان رای کافی را گرفتند دیگر فرقی نمی‌کند که از چه کسی رای گرفته یا ننگرفته‌اند. آنها نماینده‌ی تمامی رای دهندگان و حتی آنان که رای نداده‌اند هستند. ضمن داشتن این روحیه این عزیزان باید روحیه‌ی کار تیمی نیز داشته باشند. باید وقتی پای منافع‌شان به میان می‌آید بتوانند منافع رای دهندگان را به منافع شخصی‌شان ترجیح دهند. این نکته‌ی بسیار مهمی برای رای دادن به افراد است. ما در اتاق کسانی را داشته‌ایم که به مراسم خیر فرزندشان به خاطر شرکت در جلسه‌ای که به منافع رای دهندگان اتاق مربوط بوده است نرفته‌اند. ما به چنین افرادی در اتاق نیاز داریم. متأسفانه این چنین افرادی هرگز روحیه‌ی تبلیغ ندارند و همین امر باعث می‌شود که ما از حضورشان در اتاق محروم شویم. اینها معمولاً معتقدند که انجام وظیفه‌ی نیازی به تبلیغ ندارد و همین مسأله مسئولیت رای دهندگان را برای انتخاب افراد واقعا‌صالح سخت می‌کند. دقیقاً به همین دلایل است که کارهای درست و غلط کسانی بیشتر به چشم می‌آید که خواسته یا ناخواسته به دنبال منافع خودشان هستند و در نتیجه فکر تبلیغ خود را هم که بر حسب عملکردشان تاثیر خوب و بد در افکار عمومی می‌گذارد را می‌کنند و همین تشخیص را برای رای دادن سخت می‌کند. البته اینجا جایی است که خواص باید دست به انتخاب بزنند و دیگر هیچ بهانه‌ای برای رای بدون مطالعه و دقت پذیرفته نیست. اینجا افرادی رای می‌دهند که می‌دانند و باید این دانستن از رای‌شان کاملاً احساس شود. آیا انتخابات اتاق بازرگانی آذربایجان شرقی تفاوتی با دیگر اتاق‌ها دارد؟



آقای محمدزاده جایگاه اتاق بازرگانی را در میان تشکلهای اقتصادی کشور چطور ارزیابی می‌کنید؟

تمام تشکلهای وظایفی دارند. خانه‌های صنعت، انجمن مدیران، کانون کارفرمایان و تمامی تشکلهای دیگر، هر یک وظایفی بر عهده دارند اما اتاق بازرگانی از هر نظر، مادر تمام این تشکلهاست و هیچ‌کس نمی‌تواند این مسأله را انکار کند. بنابراین ضمن این که تمامی تشکلهای در جای خود لازم اند و حتماً باید حضور داشته باشند، نقش کلیدی اتاق بازرگانی را نباید از یاد برد. بدیهی است که سرنوشت صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی کشور وابسته به قوانینی است که در کشور تصویب می‌شود. درست در همین جاست که نقش تشکلهای صنفی در تصویب این قوانین و در نتیجه تعیین سرنوشت فعالان اقتصادی حساسیت پیدا می‌کند. به همین دلیل است که اتاق بازرگانی به جهت دادن مشاوره به سه قوه از طریق شورای گفت‌وگو، جایگاه ویژه‌ای برای تاثیرگذاری بر قوانین مصوب پیدا می‌کند. همین امور است که اهمیت انتخابات

اتاق بازرگانی را کاملاً روشن می‌کند. اگر کسی در مورد انتخابات اتاق کنار بکشد و بگوید که برای من چه فرقی می‌کند که چه کسی در هیات نمایندگان اتاق بنشیند، او فقط به سرنوشت خودش بی‌توجهی کرده است. حق شهروندی اعضای اتاق است که در انتخاباتی که به طور مستقیم در سرنوشت‌شان موثر است شرکت کنند. فقط در نتیجه‌ی چنین تصمیمی است که افراد صالح خواهند توانست نمایندگی آنها را در اتاق به عهده بگیرند. وقتی از اتاق به عنوان پارلمان بخش خصوصی یاد می‌کنیم این یک حرف نیست بلکه یک واقعیت است. اگر بنا باشد خود بخش خصوصی نسبت به انتخابات پارلمان اش بی تفاوت باشد پس می‌خواهد نسبت به چه چیز حساس شود. به همین دلایل است که من به عنوان یک سرباز سی ساله‌ی صنعت تقاضا دارم که عزیزان تمام قد ورود کنند و در انتخابات اتاق شرکت کنند. این دوره‌ی اتاق بازرگانی دوره‌ی دیگری است. تحولی در راه است که باید توسط اعضا ایجاد شود. هر رای نشانه‌ای خواهد بود از خواستی که برای تغییر در اتاق وجود دارد. از سوی دیگر هم آقایانی که برای عضویت در هیات نمایندگان انتخاب می‌شوند مسئولیت بزرگی بر گردن‌شان خواهد بود. این آقایان همین که اعتبارنامه‌ی‌شان را دریافت کنند نماینده‌ی بخش خصوصی در کل ایرانند و بلافاصله عضو اتاق ایران محسوب می‌شوند و به عضویت یکی از کمیسیون‌های اتاق ایران در می‌آیند. به همین دلایل است که وقتی ما به فردی رای می‌دهیم باید تاثیر این رای‌مان را در اقتصاد کلان کشور ببینیم و نه در سطح استان یا منطقه. نماینده‌ای که انتخاب می‌کنیم باید بتواند در جایگاه اتاق ایران نیز از حقوق ما و بخش خصوصی به درستی دفاع کند و در حد و اندازه‌ی اتاق ایران باشد. بنده در اینجا تاکید می‌کنم که افرادی که دارای تابعیت غیر ایرانی نیز هستند، در زمان دریافت تابعیت دوم قسم خورده‌اند

انتخابات اتاق آذربایجان شرقی دارای ویژگی‌های خاصی است که دلیل اصلی آن هم جایگاه خود اتاق آذربایجان شرقی است به جهت قدمتش و تأثیری که همواره در اتاق ایران داشته و دارد. ما باید آنچه را که در تئوری و از روی داشته‌های تاریخی ادعا داریم را اثبات کنیم و این با انتخاب درست ممکن خواهد شد. باید کسانی را انتخاب کنیم که بتوانند این کارها را انجام دهند و اتاق تبریز را به اندازه‌ی جایگاهی که دارد رشد دهند. باید کسانی را انتخاب کنیم که بتوانند صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی آذربایجان را به نحو شایسته نمایندگی کنند. درخواست ما این است که دست در دست هم بدهیم تا این کار انجام بشود چراکه زمینه و بستر این کار هم اینک فراهم است و اگر این فرصت را از دست بدهیم، معلوم نیست که دوباره در چه زمانی چنین فرصتی به دست بیاید. یک عده‌ای آمده‌اند و از خود گذشتگی کرده‌اند و این جاده را صاف کرده‌اند و آماده کرده‌اند برای عبور نمایندگان این دوره. حالا باید افراد صالح و شایسته‌ای انتخاب شوند و بار این امانت را بدون منت بپذیرند و به مقصد برسانند. اما باید بدانیم کسانی که با منت این مسئولیت را بپذیرند، نمی‌توانند گزینه‌های مناسبی برای قبول این آن باشند. کسی که این مسئولیت را می‌پذیرد باید قدر این نعمت را بداند که مردم به ایشان اعتماد می‌کنند. شما می‌توانید میلیاردها ثروت داشته باشید اما این دلیل نمی‌شود که مورد اعتماد مردم باشید. ممکن است شما سن و سال زیادی داشته باشید اما این دلیلی نمی‌شود برای اینکه مورد اعتماد مردم قرار بگیرید. این یک نعمت الهی است که به شما ارزانی شده است که باید روزانه ده‌ها بار شکر آن را به جا بیاوریم.

در مورد رای دادن به فهرست‌ها چه نظری دارید؟

من معتقدم که اگر گروه‌هایی تشکیل شود، افرادی که در این گروه‌ها قرار می‌گیرند این پیام را به رای دهندگان می‌دهند که ما می‌توانیم باهم کار کنیم. البته هیچ لزومی ندارد که به همه‌ی افراد یک گروه رای دهند اما اگر بیشترین رای‌شان را به افراد یک گروه بدهند این افراد با هم هماهنگ‌تر کار خواهند کرد. توصیه‌ی من این است که به گروهی رای داده شود که بیشترین افراد سالم در آن حضور داشته باشند تا آنها هم هماهنگ با هم بتوانند کار کنند. منظورتان از هموار شدن مسیر برای آمدن افراد جدید را روشن‌تر توضیح می‌دهید؟ در حال حاضر با تلاش‌هایی که صورت گرفته است سلامت انتخابات کاملا تضمین شده است. در حال حاضر باید یک فرد بیش از یک سال سابقه‌ی عضویت داشته باشد که بتواند رای بدهد و بیش از سه سال سابقه‌ی عضویت داشته باشد که بتواند کاندیدا شود. کارت‌های عضویت هم الکترونیکی شده است. خلاصه که انتخابات از سلامت بالایی برخوردار خواهد بود.

در مورد فعالیت کمیسیون تشکل‌های اتاق و ارتباط آن با اتاق چه نظری دارید؟

کمیسیون تشکل‌ها بعد از سال‌ها تشکیل شد و تا کنون سه یا چهار جلسه هم برگزار کرده است. من رسالت کمیسیون تشکل‌ها را همصدا کردن کل تشکل‌ها می‌دانم. سعی داریم با دعوت از آقایانی که در تشکل‌ها حضور دارند مسائل و مشکلاتی را که به طور مشترک برای این تشکل‌ها وجود دارد یافته و راه‌حلهایی را از طریق کمیسیون برای آنها پیدا کنیم. وظیفه‌ی دیگر این کمیسیون هم تأیید صلاحیت تشکل‌های صنفی‌ای است که قصد عضویت در اتاق بازرگانی را دارند.

ارزیابی‌تان از شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی چیست؟

تشکیل این شورا هم حدود دو سال بود که به تصویب رسیده بود اما اجرایی نشده بود. این شورا با همت دیگر دوستان دخیل در اتاق و سایر مجموعه‌های اقتصادی استان و همینطور مدیریت عالی استان امسال تشکیل شد. دبیرخانه‌ی این شورا هم قانوناً در اتاق بازرگانی است. ببینید که قانون‌گذار تا چه اندازه برای اتاق اعتبار قائل شده است که باوجودحضور آقای استاندار و معاونین‌شان، رئیس تشکیلات قضائی و دادستان، و همین‌طور چهار نماینده‌ی مجلس و روسای بسیاری از ادارات اجرائی، در غیاب استاندار ریاست جلسه را بر عهده‌ی دبیر شورا که همان رئیس اتاق بازرگانی است گذاشته است. در اینجا می‌بینید که قانون‌گذار کارش را درست انجام داده است و این ما هستیم که باید بتوانیم از این موقعیت پیش آمده به درستی بهره ببریم.

در جلسات اخیر شورای گفت‌وگو مطالبات بخش خصوصی به شکل

شفاف‌تری مطرح شده و به جواب‌های مشخص و ملموسی رسیده است که این بسیار قابل تقدیر و تحسین است. اما به نظر می‌رسد که افتی کیفی در مباحث شورا پیش آمده است و مسائل مورد بررسی بسیار جزئی شده‌اند؟ در این مورد تحلیلی دارید؟

شورای گفت‌وگو اختیارات قانونی خاص خودش را دارد. بسیاری از موضوعاتی که برای طرح در شورا به دست ما می‌رسد قانوناً قابلیت طرح در شورا را ندارند و در کمیته‌ی حقوقی قبل از رسیدن به جلسات شورا به دلیل نداشتن صلاحیت رد می‌شوند. از آنجا که تصمیمات شورای گفت‌وگو لازم‌الاجراست باید دقت کافی داشت که مصوبات آن بر خلاف قانون نباشد. بعد از این که مسائلی که در اختیارات شوراست تعیین شد باید تعیین شود که چه مسائلی در صلاحیت شورای استان است و کدامیک در صلاحیت شورای کشور.

اجازه بدهید برگردیم به بحث تشکل‌های صنفی. از شورای گفت‌وگو و اتاق بازرگانی که مورد حمایت قانون قرار گرفته‌اند که بگذریم می‌رسیم به تشکل‌های صنفی. فکر می‌کنید این تشکل‌ها چرا نمی‌توانند صورت اتحادیه‌های کشوری را به خود بگیرند و مانند جزایری به دور از هم در شهرهای گوناگون عمل می‌کنند؟ باید ببینیم میزان باوری که یک تشکل به خودش دارد چقدر است؟ آیا تعداد کارت‌های عضویتی که در اتاق بازرگانی به هفتصد و پنجاه کارت می‌رسد بوی شما عجیب نیست؟ این مساله ریشه در این دارد که اعتقاد به کار تشکل در ما هنوز شکل نگرفته است و این امر زمانی ایجاد می‌شود که اداره‌ی تشکل‌ها از صورت محفلی خارج شود. اگر یک تشکل عضوگرا باشد و خود را در اداره‌ی آن دخیل بداند مسلماً اعتقاد به تشکل هم تقویت خواهد شد. باید یک رابطه‌ی دوسویه برقرار باشد تا بتوان یک تشکل را فراگیر کرد و ما هنوز در حال تمرین تشکیل و اداره‌ی آن جی اوها هستیم. صندوق مستمندان تبریز را ببینید که بیش از پنجاه سال است در حال فعالیت است. آیا کسی تا به حال پیدا شده است

آقایانی که برای عضویت در هیات نمایندگان انتخاب می‌شوند مسئولیت بزرگی بر گردن‌شان خواهد بود. این آقایان همین که اعتبارنامه‌ی‌شان را دریافت کنند نماینده‌ی بخش خصوصی در کل ایرانند و بلافاصله عضو اتاق ایران محسوب می‌شوند

که به این تشکل از بابت سوء استفاده اعتراضی داشته باشد؟ انسان‌هایی که یک تشکل را نیم قرن اداره کنند و هیچ خبر سوء استفاده‌ی از آن نرسد مشخص است که مورد اطمینان مردم و اعضایش خواهد بود و به آن کمک‌های مالی هم خواهد شد و کارهای آن هم خوب پیش خواهد رفت و برای من و شما شهر بدون گدا خواهد ساخت. پس وقتی توسعه‌ی تشکیلاتی را نمی‌بینید، این دو رابطه‌ای که گفتم به درستی شکل نگرفته است. اطمینان داشته باشید که ملت ایران ملت قدر شناسی است و افرادی را که قدر رای آنان را بدانند، نه کارهای‌شان را، نه حضورشان را، و نه خاطره‌ی‌شان را از یاد نخواهند برد و از آنها حتی پس از اتمام مسئولیت‌شان و تا پایان عمرشان پشتیبانی کامل خواهند کرد.

به عنوان یک فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی شرایط اقتصاد کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روی صحبت من بیشتر با جوانان است. این شرایط اقتصادی دشوار گذراست. ما هشت سال جنگ را پشت سر گذاشتیم اما بالاخره یک روز این جنگ پایان یافت. تحریم‌ها هم روزی پایان پیدا می‌کند اما کسب و کار همیشه باقی خواهد ماند. به کسب و کار به دید یک منبع سود نگاه نکنند. کسب و کار یعنی عزت انسان. همانطور که به هنگام مریضی یک مادر باید به او رسیدگی کرد تا کسالتش برطرف شود. کسب و کار هم مانند مادری است که ما مدیون اویم و باید حواسمان به او باشد که دوره‌ی بحران را پشت سر بگذارد. او از عزت ما و همکاران و خانواده‌های ما حفاظت کرده است و امروز بیمار شده است. امروز نوبت ماست که صبر پیش بگیریم و به او رسیدگی کنیم. کسانی که مقاومت کنند بدانند که برندگان آینده‌اند. البته من توصیه نمی‌کنم که به کار زیان‌ده ادامه دهند اما اگر حاشیه‌ی سود کمتری دارند تا نقطه‌ی سر به سر حتماً به کارشان ادامه دهند. هزینه‌ها را پائین بیاورند و با تلاش بیشتر سودشان را افزایش دهند. کاهش حاشیه‌ی سود در زمان رکود کاملاً طبیعی است. پس این هم طبیعی است که سود به هزینه نزدیک شود. نباید اینگونه قضاوت کرد که این کار به ما سود نمی‌دهد پس باید تعطیل شود. باید در زمان رکود و بحران به کسب و کار رسیدگی کرد. اگر در این مورد غفلت کنند ضرر و زیانش حتی برای نسل‌های آینده نیز خواهد بود. باید در نظر داشت که همان طوری که مادر قیمت ندارد کسب و کار نیز قیمت ندارد. باید برای روزهای خوب و بدش ایستاد و عقب ننشست تا رکود و بحران کم‌کم برطرف شود.

قوانین نادرست اتاق را تضعیف کرده است

از در مجموعه‌ی تولیدی آقای صدقی نسب که وارد می‌شوید از همان ابتدا نظم و خوش‌روئی را می‌توانید ببینید. مجموعه‌ای است مرتب و سازمان‌یافته که همه چیز در خود دارد. از اولین مرحله‌ی تولید بگیرد تا آخرین مرحله‌ی فروش مستقیم به مشتریان. همین ترتیب درست است که من را به راحتی به دفتر مدیریت می‌رساند. آنجا هم آرامش تمام فضا را پر کرده است. وارد اتاق که می‌شوم دلیل اینهمه سکون و سکوت چنین مجموعه‌ی فعالی را بهتر می‌فهمم. آرامش از تمام حرکات آقای صدقی نسب عیان است. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی است و اتاق بازرگانی را هنوز هم امین‌التجار می‌داند. امین‌التجاری که قرار است اقتصاد آذربایجان را به سمت توسعه ببرد. این شما و این گفت‌وگویی دقیق و آرام با آقای محسن صدقی نسب.

کردند و برای افرادی که قهرمانان ملی کشور بودند نقشه‌هایی طرح کردند. من اعتقاد کامل دارم که اگر کسی مرتکب خطایی شده است باید بازخواست شود. اما مساله در اینجا است که چگونه می‌شود که کسانی را که قهرمان ملی بودند و بر جایگاه امین‌التجاری تکیه زده بودند در یک شب بی اعتبار کرد. پس تکلیف زحماتی که این افراد برای اتاق کشیده‌اند چه می‌شود؟ با کدام معیارهای اخلاقی می‌توان بعد از چند دهه خدمت با این افراد این گونه رفتار کرد؟ در چنین شرایطی چطور می‌شود از جوانان انتظار داشت که ریسک قبول مسئولیت را بپذیرند. به کارگیری این نوع ادبیات در اتاقی که به عنوان اولین اتاق ایران شروع به کار کرده است و بیش از یکصد سال از سابقه‌اش می‌گذرد ابداع مناسب و شایسته نیست.

نظرتان در مورد آینده‌ی اتاق تبریز چیست؟

من اطمینان دارم اتاق تبریز با ورود افراد جدید و اصلاح حتی بیش از گذشته دارای شان و منزلت خواهد بود و به یک اتاق به روز در سطح اول جهان تبدیل خواهد شد. این کاملا درست است که کسانی که در گذشته در اتاق بوده‌اند با علم روز دنیا چندان آشنائی نداشته‌اند، اما اتاق را خوب اداره کرده‌اند. همین طور می‌دانم که با ورود نیروهای علمی و خلاق در آینده این اتاق خواهد توانست بسیار قوی‌تر از گذشته به راهش ادامه دهد و با استفاده از تجربیات به دست آمده در هیات‌های قبل، اتاق را به یک سکوی پرتاب برسانند.

به نظر شما دلیل عدم استقبال فعالان اقتصادی از عضویت در اتاق تبریز چیست؟

بخش بزرگی از این مساله به موانع قانونی برمی‌گردد. در حال حاضر موانع بسیار زیادی بر سر راه عضویت در اتاق وجود دارد که در گذشته وجود نداشت. من تاثیر این موانع قانونی را بیشتر از مسائل منفی‌ای می‌دانم که اکنون متأسفانه در افکار عمومی طرح شده است. همین حالا من خودم برای تمدید کارت بازرگانی اقدام کرده‌ام که در طول دو ماه هنوز هم نتوانسته‌ام مراحل قانونی را به اتمام برسانم. این در حالی است که سابقه‌ی عضویت در اتاق بازرگانی به بیش از بیست سال می‌رسد.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کسی که در اتاق بازرگانی برای سال‌ها عضویت کاملأ سالم داشته است و در حال حاضر دچار مشکلاتی شده است که شاید حتی تحت کنترل او نبوده و در نتیجه‌ی بحران‌های اقتصادی کشور ایجاد شده است تکلیفش چیست؟ آیا چنین شخصی لزوماً ناسالم است و باید از عضویت و حمایت‌های اتاق محروم شود؟

قطعا چنین افرادی شایستگی دارند و هنوز هم جزء افتخارات ملی و اقتصادی این کشورند. ما نباید این اشخاص را به سادگی از یاد ببریم. امروز در میان این افراد کسانی قرار دارند که اداره‌ی دارائی استان همواره معتقد بود که دفاتر ایشان آن قدر سالم است که نیازی به کنترل آن نیست. این افراد همان افرادند. آن‌ها که عوض نشده‌اند. شرایط امروز آنها را در چنین حالی قرار داده است.

آقای صدقی نسب نسبت اتاق بازرگانی امروز را با بازار تبریز چگونه می‌بینید؟

همانطور که مستحضرد شروع کار اتاق بازرگانی با بازرگانان بوده است. در زمان پایه‌گذاری اتاق تقریباً هنوز صنعتی در کشورمان پانگرفته بود و آقای خسروشاهی و همراهان‌شان از تجارت آمدند و اتاق بازرگانی را شکل دادند. در آن زمان اقتصاد کشور به طور سنتی توسط بازار اداره می‌شد تا این که در سال‌های بعد با ورود صنعت به عرصه‌ی اقتصاد، اتاق بازرگانی هم جایی برای صنعتگران در کنار بازاریان در دل خود باز کرد. در واقع صنعت و معدن در ابتدا و در سال‌های اخیر کشاورزی هم به مجموعه‌ی اتاق اضافه شد و اتاق بازرگانی از لحاظ قانونی حالتی فراگیرتر به خود گرفت. اما به نظر من اتاق بازرگانی همچنان قربانش را با بازار حفظ کرده است. درست است که طی سال‌های اخیر حضور صنعتگران در اتاق بیشتر شده است اما این صرفاً به این دلیل است که افراد تحصیل کرده بیشتری در صنعت هستند که با بازارهای جهانی در ارتباط

اند. البته با تمام این تفاسیل باید پذیرفت که بازاریان در حال حاضر هم سهم بزرگی در اقتصاد دارد. در هیات نمایندگان اتاق بازرگانی فعلی تبریز هم از بازاریان دو یا سه نفر حاضر هستند. به خصوص از بازار فرش تبریز همواره در اتاق تبریز نماینده حضور داشته است و امروز نیز همچنان حضور دارند.

جایگاه فعلی اتاق بازرگانی را چطور می‌بینید؟

من فکر می‌کنم اتاق متعلق به چهار بخش صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی است. اولین مساله این است که دولت نباید در مسائل اتاق بازرگانی ورود کند. دلیل این امر هم این است که اینجا پارلمان بخش خصوصی است و بخش دولتی در اینجا حق و سهمی ندارد. درست است که سهم بخش خصوصی از اقتصاد کشور بسیار کم و شاید در حدود بیست درصد است، که صد البته این یک فاجعه‌ی اقتصادی است و باید این سهم به هشتاد درصد برسد و تنها در این شرایط است که مردم کاملاً برای‌شان روشن می‌شود که دارند برای خودشان کار می‌کنند.

برخی چنین طرح می‌کنند که اتاق تبریز در سال‌های اخیر با روزهای اوج خودش فاصله داشته است. در صورت تایید موضوع به نظرتان دلیل آن چیست؟

متأسفانه در این سال‌ها توجه لازم به اتاق بازرگانی نشده است. حتی زمان‌هایی پیش آمد که اتاق بازرگانی به عمد به حاشیه رانده شد. ولی تلاش و ایستادگی مدیران این سال‌های اتاق باعث شد که این اتفاق نیفتد. در اوایل انقلاب می‌توان گفت که اصلاً نشانی از اتاق بازرگانی نمانده بود. خدا رحمت‌شان کند، حاج آقا میلانی خیلی در این مورد زحمت کشیدند و توانستند اتاق را حفظ کنند. اما در سال‌های اخیر نوعی اختلافات خانوادگی در اتاق تبریز شکل گرفت و اتاق را از رسالت اصلی خود دور کرد که این اختلافات هم ریشه در داخل و هم ریشه در خارج از اتاق داشت. کسانی که در بخش‌های دیگر اقتصاد کشور دارای منافع بودند پیشرفت سریع پارلمان بخش خصوصی را می‌دیدند و در کار آن کارشکنی



ما باید قدر این سرمایه‌ها را بدانیم. من معتقد نیستم که اصلحیت و اهلیت در آوردن آن مدارک و ارائه‌ی شان به اتاق است. مبنای تعیین این قوانین این بوده است که این فکر تقویت شده که در گذشته کارت‌های بازرگانی و عضویت به راحتی صادر می‌شده است و در نتیجه آرائی از پیش تعیین شده وجود داشته است.

آیا این امر به این معنی است که قوانین خاصی به نوعی از قدرت اتاق کاسته‌اند؟

بله. همینطور است. نمونه‌ی بارزتر این موانع قانونی را در ترکیب اتاق ایران می‌بینیم که نمایندگان اتاق‌های کل ایران به همراه نمایندگان وزارتخانه‌های دولتی در آن هستند. تمامی نمایندگان بخش خصوصی مجبورند به نوعی با دولتیان که در بیرون از اتاق با آنان مراوداتی دارند همکاری و به نوعی همراهی کنند. پس این پارلمان نمی‌تواند صددرصد خصوصی باشد.

پس در واقع شرایط دولتی برای انتخاب اعضای اتاقی که باید مدافع منافع بخش خصوصی باشد ملاک قرار داده شده است.

بله همینطور است. و این کار را فقط برای این انجام داده‌ایم که روند عضویت را کندتر و سخت‌تر کنیم. می‌توان در آینده به عنوان مثال از گمرک و شهرداری و جاهای دیگر هم استعلام‌هایی انجام داد و موانع بیشتری ایجاد کرد تا تعداد افراد کمتری هم امکان و هم رغبت عضویت در اتاق را داشته باشند.

آقای صدقی نسب به نظر شما این مطلب که اگر برای اعضای اتاق به میزانی بیش از حق عضویت‌شان خدمات ارائه شود این اعضا برای عضویت راغب می‌شوند چقدر صادق است؟
من فکر نمی‌کنم که مساله‌ی کسی که با این همه در دسر عضو اتاق بازرگانی می‌شود دویست هزار یا پانصد هزار تومان باشد. توانایی مالی این افراد به مراتب بیشتر از این ارقام است که این مسائل برای‌شان مهم باشد. اساسا اتاقی که سالم و فعال باشد و اجازه بدهند کارش را درست انجام دهد بیش از این‌ها می‌تواند خدمات ارائه کند. بالاخص اتاقی باشد که مدرن باشد و جهانی، و حداقل بتواند با اتاق ترکیه وارد رقابت

شود، مطمئنا می‌تواند اعضای بیش از امروز را به خود جلب کند و با تمام دشواری‌های قانونی افراد را به عضویت در اتاق تشویق کند. فکر می‌کنم با توجه به ترکیب افرادی که دارند برای ورود به اتاق آینده آماده می‌شوند حتما اتفاقاتی که اشاره شد در اتاق خواهد افتاد.

این مطلب که اتاق بتواند به ابزارهایی مسلح شود که از علم و تکنولوژی روز دنیا برخوردار شود کاملا درست است. اما به نظر می‌رسد که بخش بزرگی از مشکلات نه در این بخش، که در بخش فرهنگی قضیه است. با توجه به برنامه‌هایی که جریان‌های مختلف کاندیدای اتاق ارائه کرده‌اند اختلاف دیدگاه‌ها بسیار زیاد است. در چنین اتاقی در صورت یکدست بودن اعضای اتاق صلاحیت اخلاقی اعضا بسیار مهم خواهد بود و در صورت یکدست نبودن ترکیب هم احتمال توافق سخت خواهد شد. این موارد را در ارتباط با اتاق آینده چطور ارزیابی می‌کنید؟

به هر حال این یک اصل اساسی است که باید به عقاید همه احترام گذاشت. اما باید حواس‌مان در آرائی که می‌دهیم به این باشد که به کسانی رای ندهیم که به جای منافع جمعی اقتصادی به منافع شخصی تاکید کنند. اگر چنین اتفاقی بیفتد قطعاً وضعیت اتاق تبریز بد خواهد شد و با حسرت به روزهای امروزمان خواهیم نگریست. عده‌ای هستند که همواره به منافع شخصی فکر می‌کنند و ما امیدواریم نظرشان عوض بشود و به منافع ملی فکر کنند.

آیا در سطحی کلان‌تر شما این عزم را در دولت می‌بینید که بتواند و بخواهد برای بخش خصوصی نه تنها در حال که در آینده‌ی کشور هم سهمی قابل توجه قائل باشد؟

من فکر می‌کنم ما باید به یک باور ملی برسیم که ما می‌خواهیم بخش خصوصی اقتصاد کشور را اداره کند. اگر به این باور رسیدیم باید محور اقتصاد کشورمان را از واردات و مصرف به تولید و صادرات تغییر دهیم. برای تغییر این محور هم باید بسیاری از قوانین را تغییر دهیم. قوانین کار و بانک و گمرک و غیره در کشور ما به نفع واردات و مصرف طراحی شده است. واقعا در کشورمان هزاران دلیل می‌توان یافت که همه چیز بر علیه تولید و صادرات است اما

ما باورمان نمی‌شود! کشوری که تولید را بخواهد آن را در این حال زار رها نمی‌کند. مگر ما نمی‌دانیم که با افزایش هر چه بیشتر اشتغال فقر و فحشا و دیگر مفاسد کمتر خواهد شد؟! پس چرا اجازه می‌دهیم دلال بازی حکومت کند؟! چرا اجازه‌ی واردات و قاچاق را می‌دهیم؟! پس ما چندان علاقه‌ای به تولید و صادرات از خودمان نشان نمی‌دهیم. آماری که وجود دارد این است که سی و هفت درصد واردات کشور از راه قاچاق انجام می‌شود. این رقم بسیار کلانی است. این یعنی بیش از یک سوم واردات. این یک فاجعه است.

ما باید باور ملی را عوض کنیم. قوانین را به نفع تولید و صادرات اصلاح کنیم. بعد می‌توانیم بگوییم که در طول مدت زمانی البته طولانی کشور در مسیر رشد قرار خواهد گرفت. همان طور که این کار را در ترکیه، مالزی، کره و اندونزی انجام دادند. ما هم می‌توانیم به این نتایج برسیم و نیازی نیست برای رسیدن به این مراحل سر جنگ با جهان را پیش بگیریم.

چطور است که ما همیشه در این تحولات نوگرایانه همیشه در ته صف قرار می‌گیریم؟

از ماست که بر ماست. ما همواره فکر کرده‌ایم که همه چیز را می‌دانیم در حالی که هیچ چیز نمی‌دانسته‌ایم.

از نظر شما در اتاق آینده شاهد فردمحوری خواهیم بود؟

من این طور فکر نمی‌کنم. شرایط با گذشته تغییرات اساسی داشته است. اما باید بپذیریم که، مثل فضای سیاسی و اجتماعی که بدون تشکیل احزاب گرفتار دیکتاتوری می‌شود، در فضای اقتصادی و اتاق بازرگانی هم همین امر حاکم خواهد بود و تا وقتی شرایطی روشن در رقابت وجود نداشته باشد، فرد محوری همواره به عنوان خطر وجود خواهد داشت. اگر در انتخابات دارای چند گروه با دیدگاه‌ها و برنامه‌های کاملا مشخص بودیم در آن گروه‌ها نظر جمع حاکم می‌شد و رهبر گروه هم نماینده‌ی نظرات افراد آن گروه می‌بود. این در حالی است که وقتی پانزده نفر هیات نمایندگان نظرات گوناگونی دارند هر یک از آنها برای خود مانند یک گروه یا حزب رفتار می‌کند و راجع به یک مساله پانزده

من فکر می‌کنم ما باید به یک باور ملی برسیم که ما می‌خواهیم بخش خصوصی، اقتصاد کشور را اداره کند. اگر به این باور رسیدیم باید محور اقتصاد کشورمان را از واردات و مصرف به تولید و صادرات تغییر دهیم. برای تغییر این محور هم باید بسیاری از قوانین را تغییر دهیم. قوانین کار و بانک و گمرک و غیره در کشور ما به نفع واردات و مصرف طراحی شده است.

نظر گوناگون وجود دارد. البته در این مورد من اطمینان دارم که اتاق بعدی از اتاق قبلی بهتر خواهد بود.

در حال حاضر لابی‌هایی در مورد انتخابات اتاق شکل گرفته است. از سوی دیگر می‌دانیم که اتاق در زیرمجموعه‌اش دارای تشکلهای صنفی است. نسبت این لابی‌ها با آن تشکلهای صنفی در انتخابات اتاق چیست؟ در واقع من فکر می‌کنم که هیات نمایندگان فرضی تشکیل شده در لابی‌ها ارتباط مستقیمی با تشکلهای صنفی زیرمجموعه‌ی اتاق ندارند. تعداد و توان تشکلهای صنفی هم طوری نیست که چندان بتوان روی آنها مانور داد. تکلیف قطع ارتباطی که سال‌هاست بین هیات نمایندگان و تشکلهای زیرمجموعه‌ی اتاق وجود دارد چیست؟ آیا چنین هیات نمایندگانی خواهد خواست و خواهد توانست در جهت تقویت و از آن مهم‌تر گسترش تشکلهای صنفی اتاق اقدام کند؟

همانطور که گفتید تشکلهای ضعیف بوده‌اند. باید این تشکلهای عضو هیات نمایندگان باشند. اتاق باید آنها را تقویت کند و به آنها بها بدهد. تشکلهای صنفی هم سعی کنند در هیات نمایندگان حاضر باشند. چه در این دوره و چه در دوره‌های بعد. اگر آنها در هیات نمایندگان حاضر نباشند مسلماً اختلافاتی پیش خواهد آمد و یا در یک جدائی کامل از اتاق در گوشه‌ای مشغول کارهای خودشان خواهند شد. چرا باید این تشکلهای در هیات نمایندگان و هیات رئیسه حضور نداشته باشند؟! بودن این تشکلهای می‌توانست و می‌تواند به پیشرفت اتاق کمک شایانی بکند. اتاق آینده هم نباید تشکلهای را از یاد ببرد و باید حتی اگر آنها ضعف‌هایی دارند در جهت تقویت آنها گام بردارد.

پیش‌بینی شما در مورد انتخابات اتاق چیست؟

من فکر می‌کنم با توجه به جمیع جهات چیزی بیش از سیصد رای در انتخابات داده خواهد شد. بنا بر این از اعضای محترم می‌خواهم با حداکثر قوا در انتخابات شرکت کنند و افراد اصلی را که در شان اقتصاد و فعالان اقتصادی استان باشند را انتخاب کنند و بازم چون همیشه به اولین اتاق کشور چون همیشه افتخار کنند.

اتاق بدون تشکلهایش بال پرواز ندارد

از خود آقای امیر میران که پرسید می‌گوید آن قدرها هم اهل تجارت نبوده است و بیشتر به عنوان جانشین پدر عهده‌دار مسئولیت شده است. اما راستش را بخواهید آدم از در منزل‌شان که وارد می‌شود به نوعی بوی تجار قدیم تبریز را می‌شنود. من را که به اتاق‌شان دعوت می‌کنند عطر مشام نواز دیگری هم اضافه می‌شود. از کتاب‌های کتابخانه و عکس‌هایی که بعداً می‌فهمم خودشان عکاس‌شان بوده‌اند می‌فهمم که قرار است که با تاجری که به قول خودش باید سنتی مدرن باشد گفت‌وگویی فرهنگی - تجاری - تاریخی داشته باشم. گفت‌وگویی که چندان طولی نمی‌کشد اما می‌تواند برخی مسائل را در تاریخ تبریز و تجارتش روشن یا ثبت کند، که همین کافی برای مقصود ماست.

اتحادیه‌ی حق‌العمل کاران گمرکی آذربایجان شرقی را تاسیس نمودیم. به نظر تان دلیل این مقاومت چه بوده است؟

اگر از من بپرسید مساله‌ی اصلی این بود که اتاق باید به تشکلهای تحت پوشش خودش بهای معنوی و مادی می‌داد و این به مذاق برخی چندان خوش نمی‌آمد. بالاخره در صورتی که اتحادیه‌ی ما شکل نهایی به خود می‌گرفت دیگر تشکلهای هم تشکیل شده و انتظار حمایت از طرف اتاق را داشتند. اصلاً اتاقی که عضو نداشته باشد، اتاقی که اعضایش تشکل نداشته باشند معنایی ندارد. اتاقی که کسی به آن مراجعه نکند و از آن راهنمایی و کمک نگیرد، به چه کار می‌آید. متأسفانه در اتاق دیدگاه‌هایی کهنه وجود داشت که نسبت به تشکلهای دید چندان بازی نداشتند.

چطور شد که شما خواستید تشکلی صنفی ایجاد نمایید؟

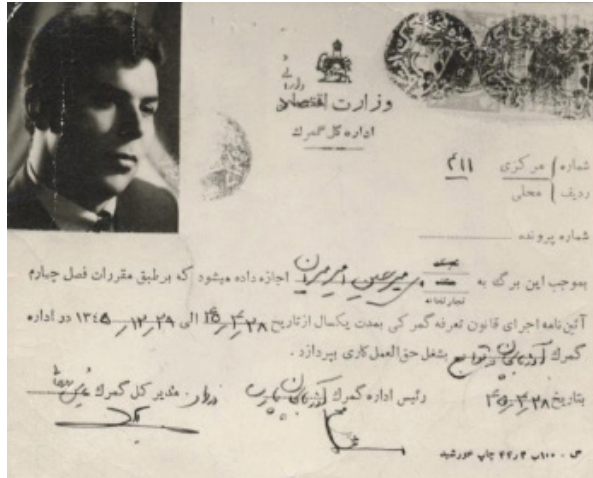
صنف ما مطالباتی داشت که مثل همه‌ی اصناف دیگر، نمی‌شد به صورت انفرادی پیگیری‌شان کرد. از جمله مطالباتی در حوزه‌های مالیاتی، بیمه‌ای و قانونی از جمله قانون مربوط به امور گمرکی که به نظر می‌رسید، دیگر کارکرد لازم را ندارد. اصلی‌ترین این خواسته‌ها این بود که حق‌العمل‌کاری مانند حرفه‌ی وکالت از حمایت قانونی برخوردار شود و همه شرکت‌ها اعم از حقیقی و حقوقی مکلف باشند انجام تشریفات گمرکی کالاهای وارداتی یا صادراتی متعلق به خود را به حق‌العمل کاران حرفه‌ای واگذار کنند. امری که می‌توانست امنیت کامل را در تمام گمرکات کشور و کالاهای تجار برقرار کند. طبیعتاً برای پیگیری این مسائل باید تشکلی ایجاد می‌کردیم که توان مطالبه‌ی این خواسته‌ها را داشته باشد. البته از همان ابتدای تشکیل اتحادیه‌های تبریز و تهران و بندرانزلی و خراسان و بندرعباس با همه‌ی همکاران هماهنگ بودیم که بتوانیم اتحادیه‌ای از اتحادیه‌های سراسر کشور را تشکیل دهیم که متأسفانه تا امروز چنین امری محقق نشده است اما همچنان پیگیر این مساله هستیم.

برآورد شما از وضعیت تجار تبریز از گذشته تا به امروز چیست؟

آقای امیرمیران اتحادیه‌ی حق‌العمل کاران از کی شروع به فعالیت کرده است؟

این اتحادیه سابقه‌ای بسیار طولانی دارد که حتی به قبل از وقوع انقلاب اسلامی باز می‌گردد. در واقع این سندیکا در سال ۱۳۴۸ به وسیله‌ی افرادی چون افرادی از صنف حق‌العمل کاران گمرکی غرب کشور از جمله مرحوم حاج حسن پیر بابائی، مرحوم حاج حسین پارسیانی، مرحوم حاج مصیب خانچی، مرحوم حاج میر علی اکبر امیر میران، مرحوم حاج علی جعفری، آقایان جعفر آذرخوا، احد قاسمیه، سید حسین امیرمیران، شهید حاج رسول رضائی، پایه‌گذاری و ثبت گردیده است. در سال ۱۳۵۰ اولین انتخابات سندیکای کارفرمایی حق‌العمل کاران گمرکی آذربایجان شرقی در تبریز برگزار شده و هیات مدیره‌ی آن انتخاب گردید. البته با توجه به از بین رفتن مدارک آن انتخابات در جریان رخدادهای انقلاب اسلامی فهرست منتخبان آن باقی نمانده است. اما بنده به یاد دارم که مرحوم حاج حسن پیربابائی، احد قاسمیه، آقای جعفر آذرخوا و تعدادی دیگر از آقایان به عنوان هیات رئیسه انتخاب شدند که از میان این افراد آقای محمد جعفر آذرخوا در انتخابات اتاق بازرگانی تبریز از طرف سندیکا شرکت و به عضویت اتاق انتخاب و با سمت خزانه‌دار عضو هیات رئیسه‌ی اتاق بازرگانی تبریز شدند. انقلاب که شد همه مشغول جنگ شدند. سیستم‌های تشکلهای صنفی متحول شد و فعالیت برخی از تشکلهای صنفی به حالت تعلیق در آمد. اصلاً کسی به فکر فعالیت‌های صنفی نبود. با این حال اینجانب به همراه همکاران در آن زمان هم این فکر را زنده نگه داشتیم و در نهایت پس از یک دوره‌ی فترت، اولین اتحادیه‌ی صنفی حق‌العمل کاران گمرکی را در اتاق بازرگانی تبریز در سال ۱۳۷۸ تاسیس کردیم. البته از همان ابتدای امر هم این مساله با مقاومت‌هایی روبه‌رو بود که اصلاً تازگی نداشت و در زمان فعالیت صنفی حق‌العمل کاران قدیم نیز عمدتاً چنین مقاومت‌هایی وجود داشت، اما به هر حال با پایداری همکاران با فاصله‌ی چهار پنج ماهه از اتحادیه‌ی تهران،





نمونه کارت های حق العمل کاری در اواسط دهه چهل

زنده بوده است. بازار هم همان نماد فعالیت تجاری و بازرگانی تبریز است. پس باید از آن الگو بگیریم و به روزهای خوش گذشته برگردیم.

به نظرتان اصلاح اتاق می تواند کل مسائل را حل کند؟

مسلم است که نه. اما این می تواند قدم بسیار بزرگی باشد. اتاق بازرگانی می تواند بانی برخی از گشایش ها در تجارت تبریز، آذربایجان شرقی و منطقه باشد. به عنوان مثال می تواند به مسئولان یادآوری کند که برخی از مسائلی را که در روابط با همسایگان کشورمان وجود دارد، چه تاثیر بزرگی بر زندگی مردم منطقه و تجارت آن و در نتیجه اشتغال و تولیدش دارد. گمرک جلفا را در نظر بگیرید، در دهه ی شصت روزانه چهارصد واگن بار در آن از طریق راه آهن شوروی وارد و تخلیه می شد. این میزان بار تاثیرات بسیار بزرگی بر اقتصاد منطقه از هر نظر داشت. فقط ششصد دستگاه کامیون باید روزانه از آذربایجان این بارها را به مقاصدشان می رساندند که تمام این ها به پشتیبانی نیاز داشتند. بخشی از این کالاها نیز در حمایت از رزمندگان به جبهه منتقل می شد. این فقط یک گوشه ی ماجراست. شما در نظر بگیرید که این کالاها چه رونقی را در منطقه ایجاد می کردند و در مقابل قطاری که کالاهای صادراتی کشورمان را از طریق خط آهن شوروی به اروپا می برد چه میزان تاثیر تجاری داشت. در حال حاضر تمام این مزایا تحت تاثیر اختلافات ارضی آذربایجان و ارمنستان قرار گرفته است و خط آهن شمال به جنوب که می توانست ما را از طریق خطوط آهن گسترده ی شوروی به همه جای این کشور و اروپا برساند، از دست رفته است. این در حالی است که انتقال بار از طریق خطوط راه آهن، با صرفه ترین روش انتقال بار در دنیاست، و مدت زمانی که برای رسیدن بار از این طریق نیز صرف می شود برای مسیرهای گوناگون کوتاه تر از مسیرهای کشتی رانی است. اگر اتاق بازرگانی آینده بتواند با روشن بینی اعضایش، چنین مسائلی را به مسئولان کشورمان گوشزد کند و آنها نیز بتوانند در راستای میانجی گری بین دو کشور همسایه ی درگیر وارد عمل شوند، بسیاری از منافع آذربایجان شرقی تامین خواهد شد. از این گونه تاثیرات بسیار می توان شمرد که همگی بستگی به انتخاب های اعضا اتاق بازرگانی و توان هیات نمایندگان آن دارد.

خوب تبریز را تجارش ساخته اند. اعتبار بین المللی تبریز و تجارش آنچنان بود که تجار سایر کشورها به سهولت و با اشتیاق به تبریز آمده و با تجار تبریزی داد و ستد می کردند. حتی می شود گفت که تبریز چهره ی جدیدش را مدیون تجارش است. درست است که در نتیجه ی تغییراتی که ایجاد شده است برخی از ابنیه ی تاریخی هم آسیب دیده و یا از بین رفته اند. البته این ساختن تنها شامل ساختمان ها نمی شود. شامل کل فرهنگی می شود که در تجارت تبریز بوده است و گاهی هم از میان رفته است. اما این روند باید با اصلاحاتی همچنان ادامه یابد و باز هم شاهد حضور پررنگ تجار در توسعه تبریز باشیم.

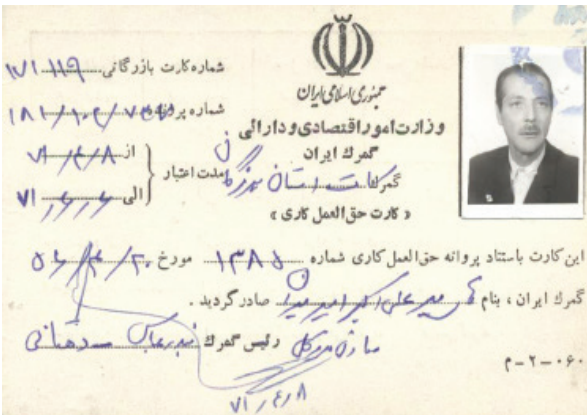
منظورتان از فرهنگ تجارتنی که در تبریز بوده است، چیست؟ فکر می کنید این فرهنگ را تاچه میزان می توان حفظ نمود؟

خیلی سخت است. بخش هایی از آن که کاملاً از بین رفته است. هیچ وقت یادم نمی رود. زمانی که مواد اولیه ی پتروشیمی وارد می کردیم معمولاً پیش می آمد که یکی از پالت های کالا در اثر جابجایی از بین می رفت و مواد داخل آن که پودر پی وی سی بودند، روی زمین ریخته و از بین می رفتند، یک بار که همین اتفاق افتاد مرحوم پدر هم بودند. در یک چشم به هم زدن پدرم را دیدم که مشغول جمع کردن مواد بیرون ریخته از پالت در کیسه های دیگر بودند. پرسیدم که مگر این یکی دو کیلو چه تفاوتی در کل بار ارسال برای کارخانه ی تولیدی دارد که این کار را می کنید؟! جواب دادند که اگر این مواد از بین بروند منافع ملت و مملکت به باد رفته است. پای ذره ذره ی این مواد دلار و مارک و فرانک این مردم رفته است. متأسفانه این تعهد را در فضای کسب و کار امروز کمتر می بینیم که در مراکز آموزشی کشورمان جای آن خالی است. تعهدی که جزء فرهنگ تجارت تبریز است. اما نمی شود از آن هایی که امروز از دانشگاه ها فارغ التحصیل می شوند این را انتظار داشت. البته که باید دانش روز و فن تجارت و اقتصاد به دانشجویان این رشته آموخته شود. اما در عین حال فرهنگ تجارت تبریز و تعهد هم باید در ریز دروس شان قرار بگیرد.

به عنوان یکی از کسانی که بانی یک تشکل صنفی پس از انقلاب بوده است آینده ی فعالیت های این تشکل ها را چطور می بینید؟

تا جایی که به نظرم می رسد فعالیت تشکل های صنفی تا اندازه ای وابسته به اتاق بازرگانی است. در واقع اتاق از تشکل های صنفی اش تشکیل شده است و تشکل های صنفی هم خواه ناخواه وابسته به اتاق بازرگانی اند. تشکل ها پال های پرواز اتاق اند. اتاق هم قانوناً وظیفه ی حمایت از تشکل ها را از نظر مادی و معنوی دارد. از یک سو باید بتواند امکانات مادی را از بودجه گرفته تا برخی حمایت ها در سفرهای تجاری را انجام بدهد و هم باید از نظر معنوی ضمن رسیدگی به مشکلات تشکل ها، اطلاعات لازم تجاری را برای آنها ارائه کند. این کارها را می توانید به راحتی در اتاق برخی از کشورهای صاحب تجارت ببینید که با عملکرد اتاق های بازرگانی در ایران و تبریز فاصله دارد. دقیقاً به همین خاطر است که اتاق باید درست اداره شود تا بتوانیم تجار و بازرگانانی فعال در اقتصاد کشور داشته باشیم. برای داشتن اتاق خوب باید بتوانیم اعضای قدرتمندی را برای هدایت آن انتخاب کنیم. اهمیت انتخابات اتاق هم درست در همین جااست. باید کسانی را انتخاب کرد که آنقدر روشن بین، آینده نگر، خلاق و به روز باشند که بتوانند مسائل تشکل ها و اعضا را حل کنند و تجارت را در تبریز به روزهای درخشان گذشته باز گردانند. باید بپذیریم که تبریز همیشه با بازاری

نمونه کارت های حق العمل کاری در اواسط دهه پنجاه



امید به صنعت با کاهش قیمت نفت

چند هفته‌ای صرف شد تا تلاش‌مان برای صحبت با آقای حسن‌زاده، رئیس خانه‌ی صنعت استان به نتیجه برسد. مدبری کارآفرین که نام تبریز را در اقصی نقاط کشور در سردرب بسیاری از مراکز فروش کاشی و سرامیک جای داده و بر افتخارات آذری زبانان افزوده است. متنی که در زیر می‌آید نتیجه‌ی این تلاش‌هاست.

جایگاه بخش خصوصی و تولید در کشور چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بخش خصوصی مخصوصاً در حوزه صنعت و تولید همواره مظلوم‌ترین قشر جامعه بوده است. در دوره‌های قبل سیاست‌ها و فضای خاصی بین دولتمردان و در کشور حاکم بود. در بسیاری موارد بخش خصوصی را با القابی خاص و سرمایه‌گذاری را معادل سرمایه‌داری در جامعه معرفی می‌کردند تا این که چند سال پیش مقام معظم رهبری «سرمایه‌ی ایرانی کار ایرانی» را به عنوان شعار سال اعلام فرموده و جایگاه والای سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را برای همه ملت ایران تبیین نمودند. واقعیت این است تا زمانی که دولت‌ها با درآمد آسان نفت نیازهای کشور را تأمین می‌نمایند چندان توجهی به بخش خصوصی نداشته و در تمامی سال‌های گذشته پیغام کلیه سیاست‌های دولت نیز همین بوده که آقایان تولید را جمع کنید. ورود کلیه کالاهای بی کیفیت با دلارهای ارزان ۷۰۰ تومان موجب تقویت اقتصاد کشورهای خارجی و تضعیف اقتصاد داخل شده است. تحولاتی که در سال‌های گذشته در ملک، دلار، سکه و... اتفاق افتاده است نشانگر این موضوع بود که دولت ناخواسته فقط به دنبال توسعه دلالی و سفته‌بازی است. واقعیت این است که هیچ گونه توجهی به نوسازی صنایع نشده و حمایت و یاری برنامه‌ریزی برای ارتقاء تکنولوژی صنایع کشور بعمل نیامده است. آمار پایش صنایع استان نیز موید این موضوع می‌باشد و نه‌ایست مشخص کرده که جایگاه صنعت و تولید استان در کجا قرار گرفته است. با پائین آمدن قیمت نفت و سیاست‌های دولت محترم آقای روحانی تولید و بخش خصوصی تا حدودی در کانون توجه قرار گرفته که حتماً در راستای توسعه اقتصاد کشور می‌باشد، امید داریم با تداوم این سیاست‌ها در آینده نزدیک شاهد رشد و شکوفایی اقتصاد کشور باشیم.

جناب آقای حسن زاده، جنابعالی در جایگاه صنعتگر و کارآفرین در دوره‌های پیشین اتاق تبریز به عنوان عضو هیئت نمایندگان حضوری فعال داشته‌اید، با توجه به این سوابق، اهمیت اتاق‌های بازرگانی را در چه چیزی خلاصه می‌نمایید؟

نخبگان اقتصادی و صنعتی کشور به نمایندگی از طرف جامعه اقتصادی در اتاق‌های بازرگانی کشور به عنوان پارلمان بخش خصوصی حضور دارند، لذا با به کارگیری استراتژی‌های مناسب و هم‌فکری بهتر بین اعضاء، این تشکل می‌تواند در کلیه امور اقتصادی استان و کشور نقشی به سزایی ایفاء نماید و از این رهگذر توسعه استان و کشور بسیار تأثیر گذار باشد.

آیا اتاق بازرگانی به معنای واقعی توانسته و می‌تواند به عنوان نماینده بخش خصوصی به ایفاء نقش بپردازد؟

واقعیت این است که در ۳۶ سال گذشته غالب اقتصاد کشور دولتی بوده و در چند سال گذشته نیز با اجراء ناموفق اصل ۴۴ قانون اساسی در حد بسیار کمی به ظاهر خصوصی سازی شده است. فعلاً در حد ۲۰ الی ۲۵ اقتصاد کشور ما خصوصی است که بیشتر آن‌ها نیز واحدهای کوچک و یا متوسط می‌باشند. همین باعث گردیده تا در تمامی نهادها و سازمان‌ها، سیاست‌های دولت غالب و حتی حاکم باشد و اتاق‌های بازرگانی نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند. بنابراین به نظر بنده نتوانسته‌اند به واقع به عنوان نماینده بخش خصوصی مسئولیت خود را به درستی انجام دهند، ولی در سال‌های اخیر مخصوصاً در دولت آقای دکتر روحانی توجه خاصی به بخش خصوصی نشان داده شده است. حضور نمایندگان بخش خصوصی در بیشتر مراجع قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری و در جریان تدوین آئین‌نامه‌ها که قبل‌تر در قانون بهبود توسعه کسب و کار به تصویب رسیده بود در این دولت شکل اجرایی به خود گرفته که حتماً می‌تواند برای کل جامعه مفید و کارساز باشد.

شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولت تجربه‌ای جدید در کشور است که به دلیل عدم توجه دولت قبل به مفاد قانون بهبود فضای کسب و کار، به ویژه در استان‌ها به صورت جدی شکل نگرفته بود که البته به نظر می‌رسد با اهتمام دولت آقای روحانی اخیراً جلسات این شورا به صورتی منظم برگزار می‌گردد. با توجه به حضور جنابعالی در جلسات مربوطه، لطفاً تجربه عملی خود را تشریح نمایید؟ این شورا چگونه و به چه میزان خواهد توانست در توسعه کشور ایفاء نقش نماید؟

شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی نهاد بسیار مهمی است که نمایندگان بخش خصوصی مستقیماً در مرکز استان‌ها با حضور عالی‌ترین مقام اجرائی استان و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و نیز سایر مسئولین محترم سازمان‌ها که متناسب با دستور جلسه حضور پیدا می‌کنند، تشکیل می‌گردد. موضوعات کارشناسی شده بسیاری توسط انجمن‌ها، تشکل‌ها و مدیران بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی در جلسات این شورا به صورت ماهانه مطرح می‌گردند. اغلب مسائلی که در حوزه اختیارات استانی است، با تصمیمات همان جلسه رفع می‌گردد و در موارد پیچیده‌تر نیز برنامه‌ریزی برای رفع موانع انجام می‌شود. در مسائلی که خارج از مسئولیت‌ها و اختیارات استانی است و نیاز به اقدام در سطح ملی دارد نیز آقای

استاندار و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی اقدامات و پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهند. حضور ریاست و هشت نفر از اعضاء هیئت نمایندگان اتاق، اصناف و تشکل‌ها به عنوان نمایندگان طیف‌های مختلف بخش خصوصی، موقعیتی بسیار خوب برای انتقال دغدغه‌ها و تجربیات بخش خصوصی به دولت و رفع موانع تولید و توسعه اقتصادی، فراهم می‌آورد و به همین موضوع کافی است تا به اهمیت و میزان تأثیر گذاری این شورایی ببریم.

اتاق چه برنامه‌هایی برای ارتباط با تشکل‌های صنفی اش داشته است؟ نظر شما در این خصوص چیست؟

اتاق ایران در دوره گذشته آئین‌نامه‌ای برای تشکل‌ها و انجمن‌های زیر مجموعه خود تدوین نمود و کمیسیون تشکل‌ها با برگزاری جلسات ماهانه جهت تقویت تشکل و ساماندهی انجمن‌های صنعتی، صنفی و خدماتی کارهای خوبی را انجام داده‌اند. در اتاق تبریز هم به تبع آن کارهایی انجام شده ولی به نظر کافی نیست و امیدوارم در دوره آینده توجه بیشتری به این موضوع عمل آید.

در گذشته به اعضاء هیئت نمایندگان اتاق امین‌التجار می‌گفتند، این لقب از چه روی مورد استفاده قرار می‌گرفته است؟

اتاق‌های بازرگانی و هیئت‌نمایندگان کلیه اتاق‌ها همیشه از افراد مومن، معتبر و از شخصیت‌هایی بوده‌اند که مورد قبول کل جامعه بوده و تمامی آن‌ها تا امروز، با هر چه که در توان داشتند در راستای تحقق اهداف برنامه‌های اقتصادی کشور تلاش نموده‌اند. واقعیت این است که در گذشته مردانی در تبریز و سراسر ایران زندگی می‌کردند که خدمات بزرگی با امکانات بسیار کم انجام داده‌اند که هیچ وقت امثال بنده نمی‌توانیم در حد و جایگاه آن‌ها باشیم. بنده به کلیه انسان‌هایی که در جامعه قبول مسئولیت می‌نمایند و خدماتی انجام می‌دهند احترام بسیاری قائلیم. به نظر سایر مردم نیز چنین حسی دارند و این لقب نتیجه طبیعی آن است.

نظرتان در مورد انتخابات پیش روی اتاق چیست؟

نفس موضوع انتخابات اتاق یک مسئله طبیعی است که هر چهار سال یک بار تکرار می‌گردد. البته من اعتقاد دارم این دوره نسبت به دوره‌های قبل بسیار متفاوت خواهد بود و حتماً مردم و جامعه اقتصادی و صنعتی استان آذربایجان شرقی و کشور با آگاهی و شعور فرهنگی بالاتری که دارند افرادی را به عنوان نمایندگان بخش خصوصی معرفی خواهند نمود که بتوانند در ایفاء مسئولیت خود توانایی و شایستگی بیشتری از خود نشان دهند.

به نظر شما چه شاخص‌ها معیارهایی بایستی در انتخاب اعضاء هیئت نمایندگان اتاق مورد توجه قرار گیرند؟ به چه کسانی باید رای داد و به چه کسانی نباید رای داد؟

نماینده بخش خصوصی باید از معتمدین حوزه اقتصاد باشد. چنین فردی حتماً بایستی تجربه‌ای عملی و مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی داشته و به سبب عملکردش مورد اعتماد و قبول جامعه باشد. افرادی که با سوابقی در بخش‌ها، در مسائل اقتصادی جامعه تأثیرگذار بوده‌اند. همچنین نماینده بخش خصوصی به هیچ وجه نباید به دنبال مسائل سیاسی یا جناح‌بندی‌های مرسوم باشد و هرگز سوداگر استفاده از جایگاه اتاق برای کسب موقعیت‌های شخصی را در سر نپرورداند. نباید جامعه ما اجازه ورود چنین افرادی را به هیئت نمایندگان اتاق بدهد.

به نظر شما آیا اتاق‌های کشور، موفق عمل کرده‌اند؟ در آینده چه نقشی را برای اتاق‌ها پیش‌بینی می‌کنید؟

نمایندگان محترم کلیه اتاق‌ها در زمان مسئولیت خودشان نهایت تلاش را انجام داده‌اند، ولی بایستی توجه داشت که محدودیت‌های بسیاری وجود داشته و امکان کمی برای ایفاء نقش قابل توجه اتاق‌ها در جهت پیشرفت اقتصادی کشور فراهم شده است. لذا، مقوله موفقیت اتاق‌ها را نباید بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها در نظر گرفت. به تصویب رساندن قانون بهبود فضای کسب و کار و رساندن مشکلات بخش خصوصی به گوش مسئولین و پیگیری بسیاری از مطالبات ایشان با وجود این محدودیت‌ها کار ساده‌ای نیستند. اما با این وجود، فاصله معنی‌داری با ایفاء نقش راهبر در اقتصاد کشور داریم. البته همان گونه که اشاره کردم در سال‌های اخیر در برنامه‌های دولت محترم دکتر روحانی توجه خاصی به بخش خصوصی به عمل آمده و به این اصل رسیده‌اند که تنها راه نجات کشور از مشکلات اقتصادی موجود، توسعه اقتصادی از طریق دستیابی به بازارهای صادراتی و حضور در بازارهای جهانی است که با ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی و ایجاد امکان رقابت در مقابل تولیدکنندگان خارجی توسط بخش خصوصی، قابل دستیابی است. به نظر می‌رسد با چنین دیدگاه و راهبردی است که ارتباط دولت با اتاق‌های بازرگانی تقویت گردیده و اختیاراتی به اتاق‌ها داده شده است و حتماً اتاق‌های بازرگانی با مسولیت‌پذیری بالایی که از خود نشان می‌دهند، با گسترش روابط تجاری کشور با آن سوی مرزها، نقشی تأثیرگذار در راستای توسعه اقتصادی کشور ایفاء خواهند نمود.

انتخابات اتاق بازرگانی از منظر نخبه گرایی

الناز علیزاده اشرفی

لزوماً ارثی نیست و فرزندان، تمام خصوصیات ممتاز والدین خود را ندارند. از دیگر اصول باورهای نخبه گرایان، اعتقاد به گردش ادواری نخبگان می باشد، بدین ترتیب که پیوسته نوعی جابجایی نخبگان قدیمی توسط نخبگان جدید صورت می گیرد که از قشرهای پست جامعه هستند. در حالی که این گردش بدون وقفه نخبگان تحقق می یابد، نوعی تعادل در سیستم اجتماعی پدیدار می شود و در موقعیتی که این جریان، تحرک فزاینده ای در افکار به وجود می آورد، همزمان باعث دگرگونی اجتماعی می گردد، زیرا گردش نخبگان به دنبال خود، گردش جریان ایده ها را نیز موجب می شود. نظریه ادواری تحول و گردش نخبگان بر این فرض استوار است که آن گروه و دسته از نخبگان که می توانند قدرت را به چنگ آورند، دارای وزنه سنگینی از عناصر شيرصفت هستند و شجاعت حمله به مناسبات پوسیده نظم کهن را دارند و

میان شان نوعی عصبيت و همدلی فوق العاده وجود دارد. اما پس از چندی به محض آن که رقبا را از صحنه خارج کردند، خود از درون به نزاع برخاسته و از آنجا که قدرت همواره میل به تمرکز، تک قطبی و انحصاری شدن دارد؛ دورانی از فجایع و تصفیه حساب های خونین میان گروه نخبه تازه به قدرت رسیده شروع می شود و سرانجام به حذف مولفین می انجامد. آن گاه رخوت و سستی یا تجمل گرایی و روباه صفتی که ناشی از نزدیکی مزدوران به قطب پیروز است، بر آن ها سایه می افکند و شرایط برای تکرار هر چرخش آماده می شود. گروه نخبه ای که در مقابل بحران های داخلی و خارجی احساس ضعف کند، مجبور است برای حفظ قدرت، افرادی را از طبقه محکوم توده ها به

دورن خویش بپذیرد که طرفدار اعمال زور باشند و بتوانند به مقابله با تهدیدات دورن جامعه ای و بیرونی بپردازند. بدین ترتیب به تدریج گروه جدیدی از نخبگان یعنی نخبگان محافظه کار شکل می گیرد و در نهایت گردش ادواری از نو شروع می شود. البته پاره تو برای تحقق این امر، گردش نخبگان و تحرک آزاد منشانه را شرط اصلی و ضروری می داند و می گوید اصولاً هر فرد برای دستیابی به درجه و مقام اجتماعی در جامعه از شانس مشابه و یکسانی برخوردار است، یعنی شانس که پاسخگوی مناسب به قابلیت رفتار، کردار و عمل اوست. به اعتقاد پاره تو، وجود تعارض منافع بین طبقات صدرنشین و پایینی، یا حرکت

بررسی نقش نخبگان و تاثیر آن ها در پویای توسعه جوامع از دیرباز مورد توجه اندیشمندان این حوزه قرار داشته است. این تفکر که جوامع بشری از نیروها و طبقات اجتماعی گوناگون تشکیل شده اند و حکومت می بایست در اختیار گروه های اجتماعی برتر قرار گیرد، حتی در اندیشه های سیاسی فلاسفه باستان و قرون وسطی نیز مطرح شده است.

واژه Elite که در انگلیسی به مفهوم نخبه به کار می رود، از کلمه Eligere به معنای «انتخاب» و یا «انتخاب کردن» مشتق شده است، در مفهوم ابتدایی برای بیان کیفیت کالاهایی به کار برده می شد که دارای مرغوبیت و برتری خاصی نسبت به سایر کالاهای مشابه بوده اند. در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی، نخبه به گروه هایی از افراد جامعه که جایگاه یا مقام و منزلت سیاسی، اجتماعی و یا روحانی ویژه ای داشتند، یعنی کشیشان والامقام، ماموران عالی رتبه دیوانی، اشراف زادگان و فرماندهان نظامی، اطلاق می شد. گروه نخبه از نظر سلسله مراتب در جامعه از بالاترین موقعیت ها برخوردار بودند و رهبری سیاسی را در اختیار داشتند. منظور از ارزش نخبگی نیز تمامی امتیازاتی بود، که طبقه حاکم یا هیات حاکمه پیش از پیدایش جامعه بورژوازی یا در ابتدای آن از آن ها بهره مند بوده است.

نظریه نخبه گرایی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در اروپا و ایالات متحده آمریکا در نوشته های سیاسی و اجتماعی محققان با گستردگی مطرح شد و در سال های بین دو جنگ جهانی متاثر از نظرات پاره تو

و موسکا، تسری یافت. در منظر نخبه گرایان، گروه نخبه به ویژه گروه نخبه سیاسی به مفهوم گروه های جمعیتی است که یا به صورت مستقیم اعمال قدرت می کنند و یا اینکه تلاش آن ها به نوعی و به نحوی تاثیر تعیین کننده ای بر پویای تصمیم گیری دارد. از این منظر نخبه حاکم یا گروه های حاکم در تشکیلات حکومتی و غیردولتی فی نفسه از گروه های مختلف اجتماعی تشکیل شده اند. نظریه پردازان نخبه گرایی که موسکا و پاره تو جزو مشهورترین آنان هستند، به برتری ذاتی میان افراد جامعه باور دارند و بر نقش شخصیت های فرهمند و ابرمرد معتقدند. همچنین به اعتقاد این افراد تعلق به طبقه نخبگان

در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی، نخبه به گروه هایی از افراد جامعه که جایگاه یا مقام و منزلت سیاسی، اجتماعی و یا روحانی ویژه ای داشتند، یعنی کشیشان والامقام، ماموران عالی رتبه دیوانی، اشراف زادگان و فرماندهان نظامی، اطلاق می شد. گروه نخبه از نظر سلسله مراتب در جامعه از بالاترین موقعیت ها برخوردار بودند و رهبری سیاسی را در اختیار داشتند. منظور از ارزش نخبگی نیز تمامی امتیازاتی بود، که طبقه حاکم یا هیات حاکمه پیش از پیدایش جامعه بورژوازی یا در ابتدای آن از آن ها بهره مند بوده است.



دائمی و متقابل از پایین به بالا و از بالا به پایین کاملاً ملازمت دارد. صدرنشین ها مجبورند برای ادامه حیات خویش از پایین نشینان نیرو بگیرند و در نهایت گروه نخبه مجبور است دیر یا زود شکست خود را بپذیرد. هر جامعه ای لزوماً گردش دائمی از پایین به بالا دارد، در نتیجه هیچ جامعه ای نمی تواند جاودانه باقی بماند.

این خلدون، جامعه شناس برجسته اسلامی نیز از منظری دیگر مساله گردش نخبگان را مورد توجه قرار می دهد. به اعتقاد وی می توان تضاد درونی در جامعه و چرخش و جابه جایی های قدرت را مشاهده کرد. به نظر وی، پیروزی قبیلله های بیابان گرد بر جوامع ساکن و بی حرکت، به خاطر هم بستگی و عصبیت بیشتر آنان بوده است. این پیروزی ها تا تأسیس دولت قوی، از نظر حفظ منافع و مسئولیت، ادامه داشت. آن گاه نخبگان حاکم، به تجمل پرستی روی می آوردند و این آسایش طلبی، ضعف و فساد به همراه می آورد. به کارگیری شیوه های خشونت آمیز، یا گسترش مالیات های فزاینده، تضعیف امید مردم از حاکمیت، به افزایش ناامیدی می انجامد و این، به پیدایش یک هجوم بیرونی و در نتیجه فروپاشی حکومت منجر می شود؛ گرچه بدون حمله خارجی نیز قدرت حاکمان همواره در حال کاهش است.

دیدگاه نخبه گرایی و مساله گردش نخبگان به ویژه از این منظر اهمیت مییابد که برخی اندیشمندان، رهیافت نخبه محور را برای تحقق توسعه در



این شکل فراهم آید و چنین فضایی در میان مدت و بلندمدت حفظ گردد، می توان امیدوار بود تا شان و جایگاه این نهاد نزد گروه های مختلف مردم و دولتمردان و در نتیجه تاثیر گذاری آن در توسعه بخش های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... با روندی صعودی ارتقاء یابد.

دکتر محمود سریع القلم حوزه توسعه معتقد است «دو رهیافت قابل تصور و اجرا برای کشوریکه در حال توسعه است یا برای کشور جهان سومی که به دنبال پیشرفت است، وجود دارد: رهیافت نخبگان محور و رهیافت جامعه محور». به زعم وی، تنها نمونه از نظام جامعه محور، کشور هند است که نمونه دومی هم ندارد. به این دلیل که در آن کشور مجموعه تشکل های حزبی، رسانه ها و سیستم قانونی، قویتر از مجموعه حاکمیت سیاسی و نظام اقتدار است. رهیافت نخبه محور از منظر این اندیشمندان نه به عنوان گزینه ای مطلوب یا معقول بلکه به عنوان تنها رهیافت جامع، کارآمد و علمی است.

ایران مناسب ترین انتخاب می دانند. به عنوان مثال، دکتر محمود سریع القلم از اندیشمندان حوزه توسعه معتقد است «دو رهیافت قابل تصور و اجرا برای کشوری که در حال توسعه است یا برای کشور جهان سومی که به دنبال پیشرفت است،

وجود دارد: رهیافت نخبگان محور و رهیافت جامعه محور». به زعم وی، تنها نمونه از نظام جامعه محور، کشور هند است که نمونه دومی هم ندارد. به این دلیل که در آن کشور مجموعه تشکل های حزبی، رسانه ها و سیستم قانونی، قوی تر از مجموعه حاکمیت سیاسی و نظام اقتدار است. رهیافت نخبه محور از منظر این اندیشمندان نه به عنوان گزینه ای مطلوب یا معقول بلکه به عنوان تنها رهیافت جامع، کارآمد و علمی است. کشورهایی مانند ایران با وجود این که همچنان فاقد تشکل های حزبی قدرتمند و فرهنگ فردی مثبت هستند، ولی ناگزیر در سیر تحولات جهانی قرار گرفته و نمی توانند توقف کنند. از این نگاه، مسئولیت توسعه یافتگی بر عهده ی نخبگان سیاسی، نخبگان اقتصادی و همچنین نخبگان فکری قرار می گیرد. با این وصف و به نظر نگارنده توجه به انتخابات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی از منظر نخبه گرایی و مساله گردش نخبگان لازم به نظر می رسد. و با حداقل با در نظر گرفتن ماهیت، کارکردها و ارتباطات این تشکل اقتصادی و مطالعه روند انتخابات، عملکردها و سیر تحول ۱۳۰ ساله آن به عنوان محلی برای تجمع نمایندگان بخش خصوصی و نخبگان اقتصادی، نگرستن به آن در قالب نخبه گرایی امری منطقی و موجه است. بدیهی است با این رویکرد انتخاب اعضاء هیئات نمایندگان اتاق و همچنین گردش ادواری آنان در یک سیر آزاد و روال مند اهمیت مضاعفی می یابد. با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون اخیراً تصویب شده بهبود فضای کسب و کار، این نهاد متشکل از نمایندگان نخبگان اقتصادی می بایست برای سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه نقش جدی مشورتی ایفاء نماید و در این مسیر از ظرفیت و توانایی نخبگان اقتصادی در اتاق های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، در جهت تغییر قوانین کسب و کار و در راستای توسعه بیش از پیش و افزایش روز افزون کارآمدی بهره گرفته شود. بنابراین از منظر نخبه گرایی، نقش و مسئولیت اتاق به عنوان عصاره بخش خصوصی و کانون فعالان اقتصادی در روند توسعه یافتگی ایران نیز بسیار تعیین کننده و پررنگ می باشد. با در نظر گرفتن تمامی این موارد، چنانچه فضای آزادتری در عرصه چرخش نخبگان در



سینار

استراتژی منا سرمایه گذاری در مسکن و بورس

بر اساس آخرین

سخنران

۲۲ آبان

۱۳۹۹

مدل ثبت نام
پنل ملی طرح
تیم ملی طرح
بشر آموزش عالی
سازمان مدیریت

۲۳۳۶۰۰



دوره معرفی
شرکت های

آذربایجان
Top Azerbaijan
۱۳۹۹
پهشت
دانشی طرح
۰۲۱-۳۳۳۳
WWW.IRANT

محمود سریع‌القلم، فوق دکترای روابط بین الملل از دانشگاه اوهایو و استاد گروه علوم سیاسی در دانشگاه شهید بهشتی می باشد. وی پژوهشگر حوزه توسعه، علوم سیاسی و تاریخ معاصر ایران و نائب رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه است. در سال‌های اخیر بیشتر شهرت وی مرهون قلم فرسایی و سخنرانی‌هایی است که در باب توسعه و توسعه یافتگی و ملزومات آن ایراد کرده است.

وی در بهمن ماه سال جاری به دعوت سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی، به عنوان اولین سخنران در «سلسله بحث‌های موفقیت، فرهنگ و کارآمدی» در سالن همایش این سازمان به ایراد سخنرانی پرداخت. او در این سخنرانی ۴ ساعته از فرهنگ به عنوان کانونی‌ترین علت توسعه کشورها یاد کرد. براساس نظر ایشان، منظور از فرهنگ، نظام باورهای فلسفی و تلفیقات از زندگی از یک طرف و روش تعامل و معاشرت شهروندان یک جامعه از طرف دیگر است. اشتراکات فرهنگی میان شهروندان زمینه‌های افزایش همکاری آنان را فراهم می‌کند و در قالب یک کشورمملت به مجموعه فعالیت‌های آنان جهت و هدف می‌بخشد. از طرفی کار اقتصادی، تولیدی در چرخه تولید ثروت یک کشور نیازمند چنین مقدمات فرهنگی است. کارآمدی کانون فعالیت اقتصادی است و مهم‌ترین خروجی مثبت اشتراکات فرهنگی است. کارآمدی کانونی است که به ثبات سیاسی، حیات معقول و جایگاه قابل اعتنا در سطح بین‌الملل می‌انجامد. آنچه می‌خوانید متن کامل سخنان وی در این نشست است:

فهم بیشتر با ذهن شکاک

اینجا نکته بسیار ظریفی وجود دارد و آن این است که ۹۵ درصد باورهای ما آگاهانه نیست.

به یاد دارم برای شرکت در کنفرانسی به آلمان مسافرت کرده بودم. در آغاز، دبیر کنفرانس پشت میکروفن قرار گرفت و گفت: از اینکه من کنفرانس را با ۳۵ ثانیه تاخیر شروع میکنم از شما پوزش می‌خواهم. این نشانه‌ای است از اینکه که چرا آلمان چنین توسعه یافته است، چون برای آن‌ها زمان مهم بلکه فوق العاده مقدس است. ملت‌های مختلف همه با افکار و رفتارهایی که دارند، زندگی می‌کنند. پول، سرمایه‌گذاری، فناوری، سیستم، تاسیسات و ... همه تابع است، اصل قضیه «باورها» است.

مثلاً یکی از نکات جدی این است که آیا اصلاً تولید ثروت در کشور ما اهمیت دارد یا ندارد؟ من فکر می‌کنم برای بسیاری از مردم در کشور ما این واژه‌ی «ثروت» بار منفی دارد در حالی که برای انجام هر کاری به «ثروت» نیاز وجود دارد. حتی برای رشد فرهنگی کشورها نیز ثروت مورد نیاز است. پس، باورها، فرهنگ و رفتارهاست که معنای توسعه یافته‌ی است. فرهنگ، ریشه توسعه یافته‌ی است. فرهنگ مشتقات بسیاری دارد اما آنچه در رابطه با توسعه به کار ما می‌آید «فرهنگ کار جمعی» است؛ یعنی زمانی که عده‌ای دور هم جمع شده‌اند، آیا توانایی تعریف یک هدف مشترک و مینا قرار دادن آن را دارند؟ آیا هرکسی توانایی ایفای سهم خود و پیشبرد هدف تعیین شده را دارد؟ یکی از نکات جالب در کشور ما «تعداد جلسات» است. به نظر من معاشرت‌های فکری ضعیف‌ها، دلیل تعدد بالای جلسات در کشور است.

کار آمدی

کار آمدی مقدس ترین واژه در حوزه توسعه اقتصادی و اجتماعی است. اولین مساله، «زمان حساس بودن» است. هم اکنون در کشورهای پیشرفته - بزرگترین پروژه‌ها حداکثر ۳ سال طول می‌کشد چون نه بانک‌ها اجازه می‌دهند بیش از این طول بکشد و نه اقتصاد کلان کشور این اجازه را می‌دهد. این نشان دهنده اهمیت زمان است. آیا برای من و شما نیز چنین است؟ چند نفر از ما برای ۲۰ سال آینده خود برنامه ریزی کرده ایم؟ و اما در اینجا بایستی بحثی مطرح گردد تحت عنوان: «مدیریت مکوس». زمانی که یک نفر به سن ۸۰ سالگی می‌رسد، بایستی از خود بپرسد آیا کارهایی که در نظر داشته‌ام در طول حیات خود انجام دهم، با موفقیت به انجام رسیده است؟ و اینکه فرد بدانند چنانچه قرار است در ۶۰ سالگی به اهداف معنی داری دست یابد، چه کارهایی را بایستی در ۳۰ سالگی انجام دهد؟

این‌ها مواردی هستند که مستلزم فکر کردن اند. کودکی که ۶ سال دارد متوجه نیست که باید در ۶ سالگی شنا یاد بگیرد. مساله، پدر و مادرند که او را مدیریت می‌کنند. کودک ۷ ساله نمی‌تواند درک کند که در سن مناسب یادگیری زبان خارجی قرار دارد. برنامه ریزی و فکر است که کارها را به پیش می‌راند و گرنه کودک ۶ یا ۷ ساله نمی‌داند باید چنانچه مهارت‌هایی را در زندگی به دست بیاورد. مساله تقسیم زمان، حساس بودن به آینده و برنامه ریزی از اهم مواردی است که کشورها، دولت‌ها و سازمان‌ها می‌توانند به سامان برسانند.

مساله بعدی «روش حساس بودن» است. اینکه ما چقدر در قبال روش‌هایی که به کار می‌گیریم حساس هستیم؟ بدین ترتیب که اگر نوجوان ۱۵ ساله‌ای درخواست دریافت مبلغی پول از والدین خود داشته باشد، چگونه بایستی این خواسته را مطرح نماید؟ آیا بایستی پدر خود را در جریان امر قرار دهد یا مادر خود را؟ آیا بایستی آنها را از طریق پیامک در جریان خواسته خود قرار دهد؟ آیا بایستی خواسته خود در صبحگاه مطرح کند یا شامگاه؟ آیا بایستی هنگام صرف شام مطلب خود را با والدین خود در میان بگذارد یا حین

من کل زندگی را در عرصه‌های مختلف مشتمل بر صنعت، زندگی اجتماعی، علم، هنر و سیاست به صورت «ورودی‌ها» و «خروجی‌ها» می‌بینم. ورودی‌ها وارد یک سیستم می‌شوند، آنجا پردازش می‌شوند و سپس ما خروجی‌هایی را به دست می‌آوریم. بدین ترتیب چنانچه من روزی ۴ بسته سیگار مصرف کنم، این مساله به عنوان ورودی وارد سیستم بدن می‌شود، پردازش می‌شود و نتیجه این خواهد بود که بعد از مدتی من دچار ناراحتی ریه، معده، پوست و حتی سرطان می‌شوم. بنابراین، آن ورودی‌ها و آن پردازش‌ها در نهایت این خروجی را به دست خواهند داد. آلودگی هوای تهران خیلی روشن، علمی و منطقی است. واجد دلایلی است و بدون علت نیست. ورودی‌هایی دارد که در یک سیستم پردازش می‌شود و آلودگی هوای تهران را به وجود می‌آورد. یکی از تخصص‌هایی که در رشته‌های مهندسی وجود دارد، مهندسی تاسیسات است. در مهندسی تاسیسات یک سیستم وجود دارد. شخصی که این رشته را دنبال می‌کند کل کارخانه، تمام ورودی‌ها و خروجی‌های آن را در قالب یک سیستم طراحی می‌کند و از این طریق است که پاسخ می‌گیرد. یکی از سوالات مهم این است که آیا من و شما توانسته‌ایم یک سیستم به وجود بیاوریم؟ آیا زندگی ما یک سیستم دارد یا نه؟ اگر من بخواهم به کسی محبت کنم، آیا این امر سیستم دارد یا ندارد؟ اگر انتقاد می‌کنم شامل یک سیستم محاسباتی است یا نه؟ یکی از نکاتی که در مورد فرهنگ ایرانی‌ها همیشه برای من جالب است و جذاب بوده، این است که ما مردمانی «واکنشی» هستیم. تقریباً برای بیشتر مردم کشور ما، واکنش خیلی سریع صورت می‌گیرد، در حالی که برخی از مردمان جهان را می‌بینید که ممکن است ۳ سال صبر کنند تا به موضوعی واکنش نشان دهند.

در همه مطالعات توسعه و همچنین کارهایی که طی ۴۰ سال گذشته انجام شده، مطالعات مفصلی در کشورهای مختلف صورت گرفته و نسبت به موارد آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و خاورمیانه، در قالب یک سیر تکاملی، متون توسعه به یک جمع بندی روشنی رسیده است. اگر ۴۰ سال پیش متون توسعه را مورد مطالعه قرار می‌دادید، عمده توصیه این متون تجهیز کشورها به فناوری و تکنولوژی بود. بعدها در دهه ۷۰ هفتاد میلادی، تمرکز متون مرتبط با توسعه بر روی سرمایه‌گذاری خارجی قرار گرفت. و اما تاکید متون کنونی و متاخر توسعه بر روی «فرهنگ» و نظام باورهای مردم است.

سنگاپور کشوری است که مساحت آن تقریباً برابر با مساحت تهران است. حدود ۵ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱/۵ میلیون نفر آن خارجی هستند. تولید ناخالص داخلی این کشور حدود ۲۳۰ میلیارد دلار است. این کشور به لحاظ ساختار، فرهنگ کار، انضباط اجتماعی، رعایت قانون و مقررات جزء ۱۰ کشور اول دنیاست.

باینکه که سنگاپور یک کشور دموکراتیک، به معنایی که در فرانسه و آلمان وجود دارد، نیست، اما به لحاظ محیط زیست، فضای کسب و کار و از نظر صنعتی شدن و غلظت در زندگی اجتماعی یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست. این که گفته می‌شود بین «توسعه» و «عقلانیت» رابطه مستقیمی وجود دارد بدین معنی است که یک فرد به چه میزان وقت خود را صرف تفکر نموده و از قوه عقلانی خود استفاده می‌نماید. اخیراً در مقاله‌ای مطالعه می‌کردم که تعداد سلول‌هایی که در مغز انسان هست را کنار هم بچینند، به اندازه مسافت میان فاصله بین آفریقا و نیویورک می‌شود. آیا من و شما از چنین قوه فکری و عقلانی استفاده میکنیم یا نه؟

فرهنگ به چه معناست؟ بدین معنا که من چه باورهایی دارم و بر اساس چه باورهایی زندگی می‌کنم. «توین بی» جمله بسیار مهمی دارد و می‌گوید: «مهمترین وظیفه یک حکومت، انتقال فرهنگ عقلانی به مردم است.» یعنی اینکه بایستی در هر ساعتی از شبانه روز پشت چراغ قرمز توقف نمود، بایستی به شهروندان آموزش داده شود. بنابراین، نظام باورهاست که اهمیت دارد.



قدم زدن در پارک؟

به نظر من نسبت به روش خیلی حساب نیستیم. بین «روش» و «کارآمدی» ارتباط فراوانی وجود دارد. اتفاقاً در آئین دینی ما مساله «روش» بسیار موضوعیت دارد. اینکه شما چگونه کاری را انجام می دهید، چگونه قضاوت می کنید و چقدر موضوع خویشتن داری برای شما واجد اهمیت است؟ تمامی این ها بخشی از مبحث کارآمدی است. اگر مدیری در محیط کار می خواهد نکته ای را به کسی تذکر دهد، روش خوب آن چیست؟ اگر پدر مادری می خواهد به فرزند خود نکته ای را منتقل کند در چه قالبی و با چه روشی می تواند این کار را انجام دهد تا نتیجه مثبت بگیرد؟ ما خیلی کم به این مسائل فکر می کنیم. کارآمدی ارتباط مستقیمی با روش و متدولوژی دارد. مساله بعدی «علاقه به یادگیری» است. گاهی در محافل بین المللی، افراد بسیار

صاحب نامی همچون «بیل گیتس» را دیده ام که سوال طرح می کنند و از نکات مبهم موضوع مدنظر می پرسند. متأسفانه حسی در ما وجود دارد که تصور می کنیم مسائل را خیلی خوب می دانیم و این باعث می شود که کار آمد نباشیم. حس و علاقه به یادگیری بسیار مهم است. ذهن شکاک باعث فهم بیشتر مسائل می شود.

مساله بعدی «توجه به علم و روش علمی» است. یعنی استفاده کردن از علم، متون علمی و افراد این حوزه تا چه اندازه ای برای ما واجد اهمیت است. مساله بعدی «تعهد به سازمان» است. یعنی فرد خود را

در قالب سازمان تعریف نماید، این باعث افزایش کارآمدی می شود.

مساله بعدی «تعهد به اهداف و دستور کار جدی» است. ما ایرانیان به خاطر تاریخ بسیار طولانی استبدادی خود، انسان های با درصد تفرّد بالا بار آمده ایم. یعنی من کمتر علاقه ای به تعریف خود به عنوان جزئی از یک کل و جمع دارم و بیشتر خود را «فردی» تعریف می کنم و دستور کار فردی دارم تا جمعی، و این ها همه ضد توسعه است.

مساله توسعه الان مساله بسیار روشنی است. اینکه چرا کشوری پیشرفت می کند و کشور دیگری نه. مثل این می ماند که بگوئیم چرا این شخص سالم است و دیگری نه. پس کارآمدی به اصولی بر می گردد که بایستی آن ها را رعایت کرد. ۵ درصدی شدن نرخ رشد اقتصادی، یک رقمی شدن نرخ تورم، افزایش درصد صادرات، همه در نتیجه یک ساختار فرهنگی و عملیاتی جواب می دهد. می گویند در آلمان، مقدس ترین واژه، واژه «ثبات» است. شما چه کسانی را بیشتر دوست دارید؟ به طور حتم، کسانی که قابل پیش بینی هستند. چون

هرکس قابل پیش بینی است با او می توان تجارت، دوستی و رفاقت کرد اما اگر من قابل پیش بینی نباشم مثلاً ۱۰ صبح یک حرفی بزنم و ۲ بعد از ظهر حرفی دیگر و ۱۰ شب سخنی دیگر، خوب با این وضع نمی شود یک سیستم ساخت. متأسفانه در جامعه ما استعدادی وجود دارد که من می توانم روزی ۴ بار جهان بینی خود را عوض کنم. با این تغییر نمی شود سیستم ساخت. ما استعداد عجیبی داریم که دائماً همه چیز را تغییر بدهیم. ثبات فکری و رفتاری باعث پیشرفت می شود. در نتیجه باید یک نگاه سیستمی موجود باشد و کل برنامه و رهیافت ما بر اساس اصول معینی صورت بگیرد.

دایره محدود اعتماد

به دلایل بسیار پیچیده تاریخی و روانشناسی اجتماعی، ما فکر می کنیم باید طوری رفتار کنیم که درک ما برای دیگران دشوار گردد در حالی که چنین چیزی برای پیشرفت یک جامعه، مضر است. شما اگر نصف روز یعنی پنج ساعت با یک ژاپنی یا آلمانی معاشرت کنید می توانید به افکار او پی ببرید، به اینکه چه رنگی، چه میوه ای و چه غذایی را بیشتر دوست دارد. در حالی که اگر با یک فرد ایرانی متوسط الحال، هر چه بیشتر معاشرت بکنید، بیشتر سردرگم می شوید.

برای همین است که امروزه بحث «فرهنگ» به مقوله ای بااهمیت تبدیل شده است. من قصد ورود به بحث های سیاسی را ندارم ولی یکی از بنیان هایی که دنیا در سیاست خارجی با ما مشکل دارد همین عدم پیش بینی پذیری ماست. شاید بدین دلیل

است که آن ها حصول توافقات با ما را مدام به عقب می اندازند، محکم کاری می کنند و می گویند زمان باید طولانی باشد تا ما همه چیز را مورد آزمون قرار دهیم. توانایی جلب اعتماد دیگران یک هنر است اینکه سبک زندگی من به گونه ای باشد که اعتماد دیگران را برانگیزد. این امر از نظر انسانی و اجتماعی بسیار مهم است. ناپیوستگی تصور کرد که رفتار های دوگانه و عدم پیش بینی پذیری به معنای زیرکی است. با این روحیه نمی توان به اصلاح جامعه فکر کرد. بعضی افعال هستند که اگر آدمی از آن ها استفاده نکند، حق مطلب به درستی ادا نمی شود. به نظر می آید گنج کردن دیگران برای ما خیلی اهمیت دارد به گونه ای که آن ها نفهمند ما داریم چه می کنیم، البته منظور من همه نیست، تمهیم نمی دهم بلکه دارم روند ها را می گویم و گرنه استثنا هم وجود دارد. یک مساله تاریخی و ریشه دار ما ایرانی ها اینجاست که به دلایل اجتماعی و روانی علاقه فراوانی به خود نمایی داریم و این خود را در مدیریت به صورت «ریاست» نشان می دهد. حتی ما به طور ناخودآگاه در تعامل با دیگران بسیار

این که گفته می شود بین «توسعه» و «عقلانیت» رابطه مستقیمی وجود دارد بدین معنی است که یک فرد به چه میزان وقت خود را صرف تفکر نموده و از قوه عقلانی خود استفاده می نماید.

علاقه داریم دیگران مثل ما فکر کنند و همه را به افکار خود دعوت کنیم. من تلویحاً و غیرمستقیم و با ادبیات ملایم در کتاب آخر خود تحت عنوان «اقتدار گرایی» گفته ام این مساله بسیار ریشه داری است که جنبه ژنتیک به خودش گرفته یعنی خودخواهی و خود را محور قرار دادن. وقتی افراد این خصلت را دارند و مدیر جایی می شوند، به طور طبیعی مساله ریاست مطرح می شود اما همه این ها قابل اصلاح است. ما در رابطه با مسائل ایران هنوز به این نتیجه نرسیده ایم که مشکل نخست ایران چیست؟ حداقل اینکه بگوئیم سه مشکل کلیدی ما چیست؟ هر سازمانی از منظر بخشی و سازمانی خود، مساله را می بیند و آن را با اهمیت تلقی می کند. اتفاق فکر ما در این کشور کجاست؟ اتفاق فکری که همه عوامل و متغیرها را روی کاغذ می آورد و بعد آن ها را رتبه بندی می نماید؟ ما بایستی در پی حل مسائل خود باشیم ولی این کار را نکرده ایم. اگر ما تشخیص دهیم که خودخواهی، خود محوری، ریاست طلبی معضلی فرهنگی است، در پی آن قادر خواهیم بود تا از طریق نظام آموزش و رسانه ها این معضلات را برطرف نماییم.

متاسفانه ما به صورت ملی و کلان به معضلات فرهنگی توجه لازم را نکرده ایم. به نظر من در کشور ما اساساً «زندگی» خیلی جدی نیست. تعریف ما از زندگی، بسیار «مادی» است. در آمریکا سه کانال تلویزیونی مسلط وجود دارد اما ۵ هزار کانال دیگر هم مشغول فعالیت هستند و مخاطب می تواند بسته به اولویت ها و سلیقه خود، هر کدام را انتخاب نماید. در آن جا به هر کتابفروشی که بروید می بینید یک قسمتی مربوط به کتاب های «نوام چامسکی» وجود دارد، متونی که ملو از تفکرات ضد سرمایه داری است. من فکر می کنم آن ها سیستمی درست کرده اند که اکثریت مردم از فرصت هایی که برایشان وجود دارد، راضی اند و چون رضایت دارند دولت مردان این توانایی را دارند تا با دو حزب، کشور را مدیریت کنند.

مساله بعدی این است که آیا زندگی جدی هست یا نه؟ بالاخره قرن ها به ما گفته اند: «دم را غنیمت شمار». این طرز تفکر به درد توسعه نمی خورد. توسعه، آینده محور و زمان محور بوده و مقدس است. باید برای ۴۰-۳۰ سال آینده فکر داشت و برنامه ریزی کرد.

قدرت خارق العاده در انطباق با هر شرایطی ما به سادگی خود را با شرایط متفاوت وفق می دهیم و این بسیار ضد توسعه است. من متوجه نیستم زمانی که زندگی کرده و برای دو هفته آینده چیزی را به دست می آورم اما برای ۶ ماه آینده بسیاری چیزها را از دست داده ام. این تفاوت بین زندگی های کوتاه مدت و دستاوردهای دراز مدت است. به هم زدن توافق ها و وارونه جلوه دادن واقعیت ها از مسائل دیگر

در این زمینه است. تغییر روش و مرام به تناسب شرایط و فرصت ها، از جمله رفتارها و گرایش هایی هستند که به درد توسعه یافتگی نمی خورد.

مساله بعدی این است که در دنیایی که در آن زندگی می کنیم مساله سازمان و چارچوب مهم است. دیگر فرد مهم نیست. باید از ابهت فرد به طرف جمع و به سمت توانایی های فردی برویم. از شوکت فرد بایستی به طرف ظرفیت های فکری فرد حرکت کنیم. خودنمایی فردی را کنار بگذاریم و به مهارت ها نزدیک شویم. در کشورهایی مثل کره یا سنگاپور با کسی که یک پست سیاسی دارد خیلی عادی برخورد می شود اما در ایران با فردی که مقام سیاسی دارد، بسیار رفتار متفاوتی صورت می گیرد. از طرفی فرد در ایران ضعیف هم هست، چون انسان به میزانی که روی خود کار کرده باشد برای خود شان و احترام قائل می گردد و تحت تاثیر این مسائل قرار نمی گیرد. ما بایستی به شوکت فرد کمتر توجه کنیم و بیشتر بر روی ظرفیت ها، توانایی ها و مهارت های فرد تمرکز نماییم. تبعیت از فرد خیلی اهمیت ندارد. آن چه مهم است تبعیت از قانون و مقررات می باشد. تا زمانی که در یک کشور وفاداری به فرد وجود دارد نمی توان رشد کرد.

به نظر من میان پزشکی، مهندسی و توسعه اقتصادی از جهت منطق تفاوتی وجود ندارد. همچنان که من بایستی برای سلامت خودم، مسائلی را مراعات نمایم توسعه اقتصادی در کشور نیز اصولی دارد که بایستی آن ها را رعایت کرد. در نتیجه ما باید از گزینه به طرف «فکر» برویم. گزینه یعنی احساسات؛ مثل کینه، حسد، دشمنی و غیره. اگرچه ما همه انسان هستیم و نمی توانیم بگوئیم این ها را در وجود خود به صفر رسانده ایم اما بسیار مهم است که میزان کینه در فردی ۸۰ درصد باشد و در دیگری ۵ درصد.

من معتقدم هر فردی باید در هفته ۲ نیم روز برای خود وقت بگذارد و کاملاً به خود اختصاص دهد. ما تا برای خود وقت نگذاریم، رشد نمی کنیم. من باید درون خودم را کشف کنم و باید ضعف های خود را بشناسم. خیلی خوب است دفترچه ای داشته باشم و ضعف های خود را یادداشت کرده و یکی یکی روی آن ها کار کنم.

مساله بعدی «قائل شدن به تفاوت های فکری» است. متاسفانه من، بین ایرانی ها خیلی کم دیده ام که تفاوت های فکری یکدیگر را قبول کنند. یعنی یک نفر به خود بگوید که این شخص حق دارد متفاوت از من فکر کند برای اینکه فرایند زندگی اش متفاوت است. برخی اوقات در رسانه ها دیده می شود که نقد می کنند چرا شخص این گونه فکر می کند. معنای چنین اظهارنظرهایی این است که ما یک فکر درست و صواب داریم، هرکس آن را قبول کند فرد مطلوبی است، و چنانچه آن را قبول نداشته باشد، منحرف است. برای جامعه با این تاریخ و پیشینه فلسفی و قدمت، این رفتار واقعاً ناپسند است. این که فکر کنیم یک مطلوبیت غائی وجود دارد و بعد همه را با آن مطلوبیت بسنجیم و بگوئیم این شخص باید خود را با آن وفق دهد، پس استنباط و فکر انسان چه معنایی می تواند پیدا کند؟

ایجاد و توجه به فرایند های اجماع سازی:

یعنی ما تا چه میزان می توانیم کنار هم جمع شویم، بحث کنیم و جمع بندی شده یا کوتاه سخن بگوئیم و به آن جمع بندی نیز پایبند باشیم. اجماع سازی هنر بزرگ مدیریت یک سازمان یا یک کشور است به گونه ای که بتوانید به اصولی پایبند باشید و آن ها را قبول نموده و عمل نمائید، ساختن فرهنگ مشترک از طریق شبکه سازی و مجموعه سازی میسر است و این در شرایطی محقق می گردد که فرهنگ کاری افراد یکی باشد.

پشت سر گذاشتن مشکل نقد و انتقاد پذیری:

ما بایستی با دیگران طوری رفتار نمائیم که افراد در طرح نظریاتشان احساس راحتی کنند و اگر در معرض انتقاد فردی قرار گرفتیم، از خود رفتارهای واکنشی و ناپسند نشان ندهیم.

آزمون و زیر مجموعه آن ها

یعنی فرد در شرایط اضطراری چگونه تصمیم می گیرد. هم اکنون در دنیا به شاخصی بسیار با اهمیت تر از تبدیل شده است. یعنی وقتی با فردی به منظور جذب و استخدام در سازمان های بزرگ دنیا مصاحبه کنند، مساله مهم تر از دانشگاهی است که فرد مورد نظر از آن فارغ التحصیل شده یا معدل تحصیلی اوست.

واژه ای در زبان انگلیسی هست به نام یعنی غیر قاعده مندی. یعنی قاعده مندی که از می آید. نکته جالبی در روانشناسی کار وجود دارد و آن اینکه افراد جالب کسانی هستند که در شرایط سخت، خوب عمل می کنند. چینی ها اصطلاحی دارند با این مضمون که کسانی که در جاده های سخت راه رفته اند، افراد جالب تری هستند. پس پذیرفتن تغییر در شرایط سخت بسیار اهمیت دارد و اینکه چگونه خود را با آن وفق بدهیم.

آخرین نکته سخنان من، گوشه هایی از کتاب «عقلانیت و توسعه یافتگی ایران» نوشته خودم می باشد که در ابتدای کتاب، تقدیمی دارد و من پنج خط آن را اینجا بازگو می کنم:

کسانی که برای تحمل آرای دیگران، تمرین می کنند، کسانی که برای هر سوال، چندین پاسخ متفاوت دارند، کسانی که در رفتار قابل پیش بینی هستند، کسانی که عصبانیت خود را به تاخیر می اندازند، کسانی که فرق بین ۸ و ۸/۱ دقیقه را می دانند.

متاسفانه من، بین ایرانی ها خیلی کم دیده ام که تفاوت های فکری یکدیگر را قبول کنند. یعنی یک نفر به خود بگوید که این شخص حق دارد متفاوت از من فکر کند برای اینکه فرایند زندگی اش متفاوت است. برخی اوقات در رسانه ها دیده می شود که نقد می کنند چرا شخص این گونه فکر می کنند. معنای چنین اظهارنظرهایی این است که ما یک فکر صواب داریم، هرکس آن را قبول کند فرد مطلوبی است، و چنانچه آن را قبول نداشته باشد، منحرف است.

جدال عقاب و خرس پیش چشم یوز

تشکیل میز اقتصادی روسیه در استان

پرونده: صادق پورصادق

کارشناس ارشد روابط بین الملل

به نظر اکثر تحلیل گران امور بین الملل ایران، علاوه بر ضعف نسبی قدرت در مدیریت صحیح سیستم حاکمیتی در سطح کشور، نداشتن درک و تحلیل صحیح از شرایط و پیچیدگی های محیط بین الملل و ناتوانی حاکمان ایران در بازی خوانی و پیش بینی روند تحولات جهانی، عمده ترین دلیل هزیمت ایران در عصر جدید بوده است. این وضعیت البته بعد از رویارویی غالب جوامع اسلامی با پدیده مدرنیسم بسیار پیچیده تر نمایان گردیده و در بسیاری موارد عکس العمل ها به تحولات جهانی و منطقه ای انفعالی و به دور از هر گونه راهبردموثری بوده است.

در شرایط موجود که نظم بین المللی تا حدود قابل توجهی به هم ریخته و رقابت های ژئوپلتیک در میان قدرت های منطقه ای و جهانی دوباره سر برآورده است، تدقیق و تحقیق علمی و به دور از هر گونه پیش داوری در شناخت پویای جهان خارج از محدوده مرزهای کشور در راستای تامین حداکثری منافع ملی، ضرورتی انکار ناپذیر است. رژیم های تحریم بین المللی بر علیه قدرت های منطقه ای و جهانی توسط بلوک اصلی قدرت در جهان از جمله پدیده هایی است که بایستی در چارچوب فوق الذکر به صورت کامل مورد توجه قرار گیرد.

به نظر می رسد تصائد بحران در روابط روسیه و غرب حول محور حوادث اکرین و مانور های دیپلماتیک روسیه در تجمیع شرکای پیرامونی و جهانی زمینه ساز برخی تحولات در نظم آتی جهان باشد. نظمی که می تواند دوباره بر محور اوراسیا شکل گیرد و روسیه در تلاش است بازیگر مرکزی آن باشد. در این پرونده صرف نظر از جنبه های مختلف سیاسی، استراتژیک و ... این رویدادها، موضوع اقتصاد که به عنوان ابزار کلیدی زور آزمایی طرفین به شمار می آید، مورد توجه قرار گرفته است. به صورت دقیق تر بررسی تحولات به وجود آمده در روابط اقتصادی ایران و روسیه در نتیجه تحریم های غرب علیه این قدرت مهم و شناسایی فرصت های واقعی موجود برای اقتصاد ایران و استان آذربایجان شرقی هدف اصلی این پرونده می باشد.

گفتگوی اختصاصی کارایی با دکتر صادق زیبا کلام

گفتگو: الناز عزیزاده اشرفی

که منافع بلند مدت خود در رابطه با مساله هسته ای را قربانی نزدیکی کوتاه مدت با روسیه ننماید.

بنابراین به زعم شما مساله فعلی روسیه با اوکراین بر روی مذاکرات هسته ای ایران تاثیر چندانی نخواهد داشت؟

نه، به نظر من تاثیر آنچنانی نخواهد داشت.

طی یک بازه زمانی ۵ ساله بحران روسیه را در نهایت چگونه ارزیابی می نمایید؟

من فکر می کنم که روسیه حداکثر می تواند روی الحاق شبه جزیره کریمه حساب کند. به نظر من روسیه نمی تواند در مورد سایر مناطق ادعاهای جدی داشته باشد. چون غرب از اوکراین حمایت می کند و اجازه نمی دهد روسیه به این سادگی ها بخش هایی از اوکراین را تصاحب بکند.

ایستادگی غرب در مقابل روسیه بر سر مساله اوکراین را تا چه حد جدی می انگارید؟

به نظر من غرب بر سر این موضع کاملاً جدی است.

با توجه به مسائلی که هم اکنون خاورمیانه بدان مبتلاست، امنیت خاورمیانه را تا چه میزان متأثر از این مناقشه می دانید؟

به نظر من امنیت خاورمیانه به هیچ روی ارتباطی با این مساله پیدا نمی کند و من می توانم بگویم که این مساله تقریباً هیچ تاثیری بر روی مسائل بغرنج خاورمیانه در مقطع زمانی فعلی ندارد.

جناب آقای دکتر زیبا کلام، به نظر شما مناقشه موجود در اوکراین که باعث تیره شدن روابط میان روسیه و غرب و تحریم روسیه شده است، تا چه میزان بر روی رابطه ایران و روسیه تاثیرگذار خواهد بود؟ من فکر می کنم باعث نزدیک تر شدن ایران و روسیه می شود چون هم روسیه و هم ایران دشمن مشترکی پیدا می کنند به اسم غرب بدین ترتیب که هم روسیه بر سر شرق اوکراین با غرب مشکل پیدا می کند و هم ایران که از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی چنین مشکلی داشته است. این باعث نزدیکی بیشتر ایران و روسیه می شود.

پس به نظر شما تحریم روسیه توسط غرب نزدیکی میان ایران و روسیه را بیش از پیش می نماید؟

قطعاً منجر به نزدیکی بیشتر روسیه با ایران بواسطه تشدید تحریم ها می شود، حجم مبادلات بین ایران و روسیه را افزایش می دهد و فعالیت های اقتصادی مشترک را بیشتر می کند.

آیا این نزدیکی بیشتر موضوعی کوتاه مدت است یا برعکس می توان به لحاظ استراتژیک هم موضوعیتی برای آن قائل شد؟

نه این نزدیکی به نظر من صرفاً موضوعی کوتاه مدت است و ایران منافع استراتژیک بلندمدت خود را فدای آن نخواهد کرد.

به نظر شما تاثیر این نزدیکی بر روی مذاکرات ایران با ۱+۵ چه خواهد بود؟

مذاکرات به خوبی پیش رفته است و فکر می کنم ایران متوجه شده است



میز روسیه با تکیه به ظرفیت های قانونی منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس فعال خواهد شد

محسن خادم عرب باغی

مدیر عامل منطقه آزاد ارس

زیبای آن امکان چنین کاری مهیاست. در کنار این فرصت ها ما محدودیت هایی هم داریم که در تلاش هستیم سریعاً آن ها را رفع نماییم. مهم ترین این مشکلات نبود فرودگاه ترانزیتی در منطقه است که قرارداد های اجرای آن در مراحل نهایی است وان شاءالله به زودی کار احداث آن با شرکت یک پیمانکار مطرح بین المللی آغاز خواهد شد. محدودیت بعدی خط آهنی است که چندین دهه است مورد بهره برداری قرار نمی گیرد. باید پروژه احداث خط آهن جلفا - نوردوز سریع تر با همکاری دولت آغاز شود. در صورت اجرای این پروژه و اتصال ما به خط آهن شوروی سابق از طریق ارمنستان و آذربایجان منطقه آزاد ارس از بن بست ارتباطی خارج می شود و دسترسی آن از غرب به سواحل دریای سیاه و از شمال به روسیه و اروپا ممکن خواهد شد. هر چند که با اتصال منطقه آزاد ارس به ارمنستان و عضویت این کشور در اتحادیه گمرکی اوراسیا توسعه تولید مشترک با ارمنستان، ما را قادر خواهد ساخت محصولات خود را با کمترین عوارض گمرکی در گسترده ۳۰۰ میلیونی این اتحادیه از جمله روسیه توزیع کنیم که فرصت بی نظیری می باشد.

در نهایت باید عنوان کنم که منطقه آزاد ارس با تکیه بر چنین بینش اقتصادی، میز روسیه را فعال خواهد کرد. و در این راه سعی خواهد شد با نهایت دقت و نگاه کارشناسانه حرکت کنیم و تلاش خواهیم کرد با برقراری ارتباط موثر و نزدیک با مسئولین استانی میز استان نیز به مرکزیت منطقه آزاد ارس شکل بگیرد تا امکانات قانونی منطقه آزاد ارس تسهیل کننده کار تجاری فعالین استانی نیز باشد. به هر حال هدف تشکیل میز چه در استان و چه در ارس استفاده حداکثری از فرصت پیش آمده است و امیدواریم بتوانیم با جمعیت توان و اراده های استان این کار را به بهترین نحو به انجام برسانیم.

شرایطی که در روابط سیاسی روسیه و کشور های غربی پیش آمده می تواند در صورت وجود نگاه کارشناسانه و اراده قوی، فرصتی برای توسعه روابط اقتصادی کشور با روسیه شود. روسیه کشوری بزرگ است و در سال های اخیر به جهت پیشرفت اقتصادی و افزایش جمعیت طبقه متوسط جامعه، بازار مصرف قدرتمندی ایجاد شده است. تحریم هایی که از طرف کشور های اروپایی و آمریکا بر علیه روسیه وضع شده و متقابلاً تحریم هایی که روسیه بر ورود محصولات کشاورزی و دامی اروپا وضع کرده است تامین نیاز این بازار مصرف را به نوعی دچار مشکل کرده است.

البته در این میان کشورهایی مانند ترکیه هستند که به جهت میدان دادن به بخش خصوصی فعال شان توانسته اند از این خلا بازار استفاده ببرند. تجربه سال های کار در زمینه های اقتصادی به همراهی شناختی که از اقتصاد و فعالان اقتصادی روسیه دارم این اجازه را به من می دهد که با جرات بگویم حقیقتاً آذربایجان شرقی و منطقه آزاد ارس هم اکنون درای یک فرصت تاریخی برای افزایش روابط اقتصادی و توسعه صادرات هستند. و باید از این فرصت بتوانیم نهایت بهره برداری را ببریم.

در این میان منطقه آزاد ارس می تواند با تکیه بر ظرفیت های قانونی خود در تسهیل فعالیت های اقتصادی- تجاری و نیز دارا بودن فرصت های بیکران در تولید به خصوص در تولید محصولات باغی و گلخانه ای- در خط اول تلاش برای ورود به بازار های روسیه باشد. ما در ارس بزرگترین سایت گلخانه ای کشور را داریم که زیرساخت های آن آماده شده و چندین واحد نیز به کار افتاده اند. در کنار آن منطقه آزاد ارس دارای دو سایت باغی کاملاً مکانیزه در گردیان و گلرچ است که قادرند با پشتیبانی از سرمایه گذاری در صنایع بسته بندی و فرآوری، ارز آوری بسیاری داشته باشند. البته نباید سواحل ارس را برای توسعه صنعت شیلات نادیده گرفت به ویژه در زون خدافرین منطقه آزاد ارس و در سد



ضرورت بهره برداری از فرصت تاریخی موجود و فعال سازی میز روسیه در ارس

مختار خوش پیمان

کارشناس ارشد امور رسانه



پول نفت ایران به این کشور کامیون، ریل راه آهن یا کالاهای دیگر صادر کند، یا برای این کشور پالایشگاه های کوچک بسازد، قرار داد فایناس طرح های و پروژه های صنعت برق به ویژه در حوزه نیروگاه سازی ایران (به گفته چیت چیان طبق این قرار داد همچنین با سنکرون شبکه برق بین ایران، برای جمهوری آذربایجان و روسیه امکان واردات ۵۰۰ مگاوات برق در فاز اول و ۷۰۰ مگاوات در فاز دوم فراهم می شود، قرار داد تسهیل همکاری های گمرکی و توسعه همکاری اقتصادی استان های جنوبی روسیه با محوریت آستاراخان و استان های شمالی ایران و توسعه همکاری های کشاورزی در کشور های دیگر نیز از جمله این موارد است.

طبیعی است در کنار فرصت های بیشتر، مسئولیت استان های همجوار در این بخش سنگین تر باشد. در این راستا اخیرا نمایشگاه تخصصی تجاری استان گیلان در آستاراخان روسیه برگزار شده است و سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه نیز طی پیامی با اشاره به این که نمایشگاه اختصاصی کالاها و محصولات ایرانی و همایش همکاری های اقتصادی ایران و روسیه امسال در شرایطی بسیار خاص و در یک مقطع مهم تاریخی در روابط دو جانبه ایران و روسیه برگزار می شود، ضمن تشریح مشخصه های این مقطع، به روند رو به رشد همکاری های اقتصادی دو کشور نیز اشاره کرده است. در نمایشگاه اختصاصی ایران در آستاراخان ۵۲ شرکت ایرانی انواع محصولات تولیدی خود شامل محصولات کشاورزی و صیفی جات، فرآورده های لبنی، خشکبار، مصالح ساختمانی و تجهیزات پزشکی و فرش های دست باف و ماشینی و گیاهان تزیینی را عرضه کرده اند.

استان آذربایجان شرقی در این بین لازم است به صورت جدی ورود پیدا کند. واقعیت این است که تجربه تاریخی همکاری های اقتصادی تجار و بازرگانان آذربایجانی با طرف های روسی بیشتر از سایر استان ها است. حوزه های مختلف صنعتی، کشاورزی، فناوری، صادرات محصولات کشاورزی و خشکبار از ایران، توسعه همکاری ها برای تسریع مکانیزاسیون تولید محصولات کشاورزی، همچنین در زمینه صنایع سنگین، استخراج مواد معدنی در استان آذربایجان شرقی، حمل و نقل به ویژه راه اندازی خط ریلی جلفا نوردوز و نوردوز اصلاندوز، از جمله بستر های توسعه روابط می باشد. به صورت ویژه وبا توجه به تحریم متقابل محصولات کشاورزی اتحادیه اروپا از طرف روسیه، استان آذربایجان شرقی می تواند با توسعه بسیار سریع تولید صنعتی و توسعه صنایع تبدیلی فرآوری به خوبی از این فرصت بوجود آمده در زمینه صادرات محصولات کشاورزی استفاده نماید.

منطقه آزاد ارس بهترین حوزه تمرکز و توسعه محصولات کشاورزی به خصوص محصولات باغی، گلخانه ای و گسترش صنایع تبدیلی است. این منطقه با داشتن بزرگ ترین سایت گلخانه ای کشور و هم چنین هزاران هکتار سایت باغی در منطقه گلرغ و گردیان می تواند سکوی صادرات به شمار آید. در این راستا عرب باغی مدیرعامل منطقه آزاد ارس در نشست صنعت گران و سرمایه گذاران این منطقه با اشاره به راهبرد اقتصاد مقاومتی عنوان کرده است که منطقه آزاد تجاری صنعتی

نادر انتصار رئیس دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا در مصاحبه ای با خبرنگاری مهر عنوان می کند: «خدادادها و اتفاقات سخت و غیرقابل انعطافی که در بحران اوکراین در حال شکل گیری است ممکن است تاثیراتی بسیار فراتر از روابط روسیه و اوکراین داشته باشد و به طور کلی روابط روسیه با غرب و به طور خاص روابط روسیه با آمریکا را تحت تاثیر خود قرار دهد.»

اصولا منطق حاکم بر روابط روسیه با غرب همیشه بر اساس رقابت ژئوپلیتیک استوار بوده است و هدف اصلی هم دور کردن غرب از کشور های پیرامونی یا خارج نزدیک روسیه می باشد. چنانچه در سند دکترین امنیتی روسیه، سندی که نقشه راه این کشور را تا سال ۲۰۲۰ در محیط بین الملل تعریف می کند، مصون سازی محیط پیرامونی از تهدیدات خارجی از اصول مسلم دانسته شده است. از این رو، روسیه نمی تواند در قبال تحولات اوکراین ساکت بنشیند. زیرا سکوت روسیه به معنای اجازه دادن این کشور برای ورود ناتو به حیات خلوت منافع روس ها و تضعیف موقعیت، اعتبار و جایگاه بین المللی روسیه و در نهایت ناکامی در تحقق مبانی سند دکترین امنیتی ملی روسیه است.

بر این اساس روسیه با حمایت های پنهان و پیدای خود از شورش های ایالت های شرقی اوکراین، کشور های غربی را به این نتیجه رسانده با تحریم های اقتصادی و اعمال فشار سیاسی رسانه ای مانع پشتیبانی روسیه از روس تباران اوکراینی شود. تحریم های اقتصادی که بعد از هر دور مذاکره طرفین، جدی تر و سخت می شود و حالا دیگر کاملا به یک جنگ اقتصادی تمام عیار تبدیل شده و مناسبات بین المللی اقتصاد سیاسی را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است. به صورتی که اجلاس گروه ۲۰ در استرالیا نیز مصون از تاثیرات روابط متشنج روسیه و غرب نماند و سردی روابط، فضای اجلاس را به یک گردهمایی تشریفاتی بدل کرده بود.

اما تحریم های اقتصادی روسیه و سردی روابط اقتصادی اتحادیه اروپا و روسیه فرصت مغتنم، تاریخی و زودگذر برای تجار و فعالین اقتصادی ایران است. البته به نظر می رسد وزارت امور خارجه و وزارت خانه های اموراتصادودارایی و صنعت، معدن و تجارت ایران در سطح مدیریت کلان به خوبی در این زمینه فعال هستند و با بستن قرار داد های متعدد اقتصادی عصر دیپلماتیک بسیار جالبی را در روابط ایران و روسیه ترسیم می کنند.

پس از آن که روسیه مورد تحریم های اقتصادی آمریکا و اروپا قرار گرفت، آقای سرگئی لاوروف وزیر خارجه ی روسیه اعلام کرد ما با این تحریم ها به دید بهتری از موقعیت و وضعیت ایران در قبال تحریم ها می رسیم و اکنون می فهمیم که ایران در چه وضعیتی بوده است. به همین جهت این دید واقع بینانه می تواند نشان دهنده ی عمق استراتژیک سیاست های روسیه در قبال ایران باشد. در واقع مجموع تحولاتی که در صحنه ی بین المللی و منطقه ای اتفاق افتاده، ممکن است باعث نگاه عمیق دو کشور نه به صورت لفظی و پروتکلی و تشریفاتی، بلکه به صورت عمیق تر از گذشته به توسعه ی روابط با یکدیگر باشد.

از همین روست که گسترش همکاری های ایران و روسیه به عنوان راهبرد مهم از طرف سران دو کشور ابلاغ شده است. در چند ماه اخیر هم قرار داد های زیادی بین طرفین امضا شده است مانند: قرارداد تهاتری نفت در ازای واردات (کالا) به ارزشی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار بین روسیه و تهران (آنتوان سیلوانف وزیر دارایی روسیه در ماه آوریل اعلام کرد که مسکو در این خصوص تنها از تحریم های سازمان ملل تبعیت می کند و به تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران توجهی ندارد.

اولیوکایف به زمان شروع تحویل غلات و تجهیزات به ایران اشاره نکرده اما گفت که مذاکرات در این زمینه در جریان است.

وی افزود: روسیه در حال مذاکره برای عرضه تجهیزات صنعت نفت و گاز، ماشین آلات کشاورزی، خودرو، هواپیما و ژنراتورهای تولید برق به ایران است. همچنین سنایی سفیر ایران در روسیه گفته است که روسیه می تواند در قبال پول نفت دومین راکتور نیروگاه بوشهر را بسازد ضمن آنکه روسیه می تواند برای پرداخت

ارس در نظر دارد با راه اندازی میز روسیه در ارس و با بهره گیری از نیرو های متخصص کشاورزی در سایت ۱۴۰ هکتاری گلخانه ای و توسعه صنایع تبدیلی قدم مهمی برای بهره گیری از موقعیت فراهم آمده در روابط روسیه و ایران بردارد. جبارزاده استاندار آذربایجان شرقی نیز در این خصوص ضمن درخواست تشکیل میز روسیه با محوریت بخش خصوصی استان آذربایجان شرقی عنوان نموده که با تجار استان مذاکراتی در این موضوع صورت گرفته است. وی با اشاره به این موضوع که استان از گذشته دور سابقه تجارت با روسیه را در کارنامه خود دارد و نیز جمعیت قابل توجه آذری زبانان در روسیه مطرح می سازد که استان آذربایجان شرقی می تواند به عنوان استان معین در این مسیر فعالانه وارد شود. و ما نباید این فرصت تاریخی را از دست بدهیم.

جبارزاده به درستی مهم ترین دغدغه را در این خصوص عدم حضور شرکت های بزرگ و قدرتمند در شکل دهی برند های صادراتی معتبر و نیز اعتماد سازی در بازارهای مصرف از طریق ارتقای کیفیت و کاهش قیمت تمام شده عنوان می کند. دغدغه ای که در صورت توجه و رفع آن از سوی فعالان بخش خصوصی می تواند در کوتاه مدت و بلند مدت سهم موثری از بازارهای مصرف روسیه و کشور های پیرامون آن را عاید اقتصاد کشور مان نماید و استراتژی توسعه صادرات غیر نفتی را به خوبی به پیش ببرد.

باید توجه داشت که در عرصه اقتصاد، کیفیت و میزان تعهد حرفه ای شرکا به ویژه در میان بخش خصوصی دو کشور همگام با ملاحظات سیاسی تاثیر به سزایی را در تداوم و گسترش روابط خواهد داشت. و این نکته ای است که فعالین اقتصادی و به خصوص تجار ایرانی در صورت علاقه به بهره برداری مستمر از این پنجره فرصت ، بایستی مورد توجه اهتمام ویژه قرار دهند.

اما مهم ترین مانع در توسعه روابط اقتصادی دو طرف، محدودیت جابجایی ارز و نبود ارتباطات گسترده هوایی و ریلی بین استان آذربایجان شرقی و روسیه است. نیاز اساسی برای صادرات محصولات، مانند میوه و سبزیجات، ارتباطات هوایی گسترده

گفتگوی اختصاصی کارایی با ایرج حاتمی معاون، امور زیر بنایی سازمان منطقه ی آزاد تجاری صنعتی ارس

ایجاد اپراتور سوم برای بازگشایی مجدد راه آهن ارمنستان – آذربایجان با مشارکت روسیه محور توسعه روابط اقتصادی منطقه آزاد ارس با روسیه قرار گیرد.

به نظر می رسد ساختار این تحریم ها نیز علاوه بر تحریم کالا و خدمات بر تحریم های پولی ، سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی استوار است. به جهت این که تحریم کالا و خدمات تاثیر گذاری اندکی در سیستم فشار اقتصادی دارد و کنترل آن سخت است اما در عوض تحریم های پولی و سرمایه گذاری به خاطر وجود نهاد های اصلی پول و سرمایه گذاری بین المللی در غرب قابلیت کنترل و تاثیر گذاری زیادی دارند. در سایه تحریم روسیه و البته بعد از روی کار آمدن دولت جدید در ایران ، تحرک دیپلماتیک ویژه ای بین دو کشور جریان داشته و به نظر می رسد کشور ما می خواهد روابط اقتصادی خود را با روسیه افزایش دهد. به نظر شما چه حوزه هایی قابلیت توسعه روابط دوجانبه را دارا هستند؟

بر اساس آمارهای گمرک کشور، حجم تجارت میان ایران و روسیه در سال ۱۳۹۲ فقط یک میلیارد دلار بوده است، یعنی ۱،۲۵ درصد از کل تجارت خارجی ایران. مجموع تجارت خارجی ایران (بدون احتساب صادرات نفت) در سال گذشته ۸۰ میلیارد دلار (۳۱ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی و ۴۹ میلیارد دلار واردات) بوده است. همین طور در سال گذشته صادرات ایران به روسیه ۳۱۶ میلیون دلار بوده و این کشور سیزدهمین واردکننده بزرگ از ایران بوده است. واردات کشورمان از روسیه نیز در سال گذشته ۷۵۸ میلیون دلار بوده و این کشور رتبه ۱۱ بزرگترین صادرکنندگان به ایران را به خود اختصاص داده است. همچنین در مقایسه با تجارت خارجی حدوداً ۸۵۰ میلیارد دلاری روسیه (۵۲۶ میلیارد دلار صادرات و ۳۱۸ میلیارد دلار واردات در سال ۲۰۱۳)، حجم تجارت خارجی ایران حدود ۰/۱ (یک دهم) حجم تجارت خارجی این کشور است. بر اساس آمارها، در حالی که صادرات ایران به روسیه در سال های اخیر روند کم نوسانی داشته و بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار بوده، اما صادرات روسیه به ایران پس از اوج گیری در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، در دو سال اخیر با سقوط شدید مواجه شده است.

اما در یک سال گذشته با وضع تحریم های گسترده از سوی آمریکا و اروپا علیه روسیه بر سر منازعه در اوکراین، روس ها به افزایش مراودات تجاری با ایران اقبال

تنظیم و توسعه روابط اقتصادی با روسیه هم اکنون به یکی از دغدغه های اصلی تصمیم گیران و فعالان اقتصادی تبدیل شده است. با توجه به این که مجموعه کشور های ، کشور های هدف در منطقه آزاد ارس به شمار می روند، روسیه در استراتژی توسعه ارتباطات بین المللی آن از نقش ویژه ای برخوردار است. با این وصف، شرایط موجود در روابط روسیه و غرب و مرکزیت روسیه در حوزه تمرکز ویژه منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس به منظور استفاده از موقعیت به وجود آمده -در راستای دست یابی به روابط اقتصادی پایدار- را ضروری می سازد.

در این ارتباط به سراغ ایرج حاتمی معاون امور زیربنایی واز کارشناسان با سابقه منطقه آزاد ارس رفتیم که به عنوان دانش آموخته دکتری تخصصی مدیریت از چهره های آکادمیک اقتصادی در استان به شمار می روند. ایشان از مراحل ابتدایی ایجاد این منطقه از فاز مطالعه و طراحی استراتژی ها گرفته تا مراحل مختلف اجرایی حضور عمده داشته و برآورد جامعی از مجموعه توانمندی ها و پتانسیل های ارس در دست دارند.

آقای دکتر به عنوان اولین سوال بفرمائید که ارزیابی شما از وضعیت موجود در روابط روسیه و غرب چیست؟

ببینید روابط روسیه و غرب اغلب در قالب رقابت های ژئوپلیتیک نمود پیدا کرده و در این میان هر طرف به فراخور قدرت سعی داشته طرف دیگر را از حوزه های خاص ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مانند شرق اروپا(اکراین)، بالکان و دریای سیاه عقب براند. اما با شروع بحران اکراین این روابط وارد مرحله تنش فزاینده شده است. این بار ظاهراً غرب تصمیم دارد ضمن عقب راندن روسیه از اکراین و داخل کردن این کشور(اکراین) در مجموعه های امنیتی یورواتلانتیک مانند ناتو، اقتصاد روسیه را مخصوصاً در حوزه تولید دچار فروپاشی نماید. با عنایت به آمار اکنون واردات روسیه ۵ برابر شده است و بدهی خارجی این کشور نیز افزایش پیدا کرده و با تصاعد بحران و تحمیل تحریم ها ارزش پول ملی روسیه یعنی روبل نیز بیش از ۴۰ درصد کاهش داشته است.

بی سابقه ای نشان داده اند. روس ها مایلند خلأهای ناشی از تحریم های غرب را با مبادلات تجاری با کشورهای شرقی چون ایران، ترکیه و چین پر کنند. اما همچنان مشکلات اداری و تجاری میان دو کشور مانع گسترش روابط بازرگانی دوجانبه است و این در حالی است که در همین مدت، مبادلات تجاری روسیه با ترکیه و چین به شدت افزایش پیدا کرده است.

در شرایط فعلی که امکان تنظیم روابط اقتصادی دو کشور برای ایران تا حدی فراهم شده است می بایست با دید بلند نگرانه ما از روس ها چیزهایی بخواهیم که برای مان ارزش افزوده بالا و تصاعدی دارد مثلا ترانزیت از راه هایی است که باید جایگزین اقتصاد نفتی شود. روس ها همیشه بر اساس استراتژی دست یابی به آب های گرم، در صدد رهایی از محدودیت های جغرافیایی خاص خود بودند در شرایط موجود نیز این محدودیت جغرافیایی با فشار های سیاسی و امنیتی تشدید شده است.

در استان آذربایجان شرقی هم ما شاهد تحرک مسئولین و فعالان اقتصادی در جهت افزایش حجم مبادلات اقتصادی استان با روسیه در قالب میز روسیه هستیم به نظر شما استان آذربایجان شرقی در چه زمینه هایی امکان توسعه روابط اقتصادی با روسیه را داراست؟

روسیه سالانه ۳۰ میلیارد دلار مواد غذایی و مواد خام کشاورزی وارد می کند و با توجه به فرمان ممنوعیت واردات برخی از محصولات کشاورزی، مواد خام و مواد غذایی از کشورهای اعمال کننده تحریم ها علیه روسیه که توسط رییس جمهور روسیه امضاء شده است صنایع غذایی ایران می تواند از این فرصت به نحو مطلوبی بهره برداری کند. روس ها مذاکرات خود را با ۱۶ کشور از جمله ایران برای جایگزینی واردات محصولات غذایی و کشاورزی آغاز کرده اند و در صورتی که برخی مسوولان پروتکل های معطل مانده در خصوص مسایل بهداشتی را هرچه زودتر نهایی کنند، می توانیم شاهد رشد صادرات صنایع غذایی ایران باشیم. میوه خام و آجیل، گوشت خام، لبنیات و تخم مرغ، نوشیدنی، آبمیوه و سرکه، سبزیجات خام، انواع ماهی، محصولات خام فرآوری شده، سبزیجات و میوه کنسروی، چای و قهوه و ادویه، بیسکویت و پاستا و کیک و انگور و کشمش عمده محصولات مورد نیاز روس ها هستند.

در واقع از حیث بازاریابی بهترین موقعیت جهت برندینگ و استفاده از استراتژی رخنه در بازار فراهم است، اما این شرط لازم است ولی کافی نیست؛ زیرا متأسفانه در خصوص تجارت با این کشور عمده صادرکنندگان ما از دیر باز به صورت فروش درب کارخانه یا مرزهای شمالی کشور انجام داده اند و در بیشتر اوقات عملا کار دست تاجر و پيله ورائی بوده که دانش و تجربه و قدرت لازم را نداشته اند. مسئله دیگر عدم وجود تشکل قوی در قالب کارگروه با هماهنگی مسوولین ذیربط است تا بتوانند با فیلتر کردن و پایش، باعث ایجاد وجهه قوی و مطمئن از تجار ایرانی شوند.

ولی در کنار تلاش برای توسعه مبادلات بازرگانی در شرایط فعلی ما باید با دید بلند مدت به این عرصه نگاه کنیم. استان آذربایجان شرقی می تواند هاب و کریدور اصلی رسیدن روسیه به خاورمیانه و جنوب غرب آسیا باشد در کنار آن صادرات محصولات صنعتی نیمه ساخته با توجه به ظرفیت های صنعتی استان مخصوصا در صنعت قطعات خودرو و ریخته گری می تواند منافع متقابل زیادی داشته و باعث تقویت بنیه صنعتی استان شود.

آقای عرب باغی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس با استقبال از تشکیل میز روسیه خواستار ایجاد میز اقتصادی روسیه با محوریت منطقه آزاد ارس در استان شده اند. منطقه آزاد ارس علاوه بر ظرفیت های قانونی برای توسعه صنعت و تجارت دارای چه پتانسیل هایی در راستای گسترش روابط اقتصادی با روسیه است؟

هر چند که مأموریت اصلی منطقه آزاد ارس توسعه صنعتی است اما در ارتباط با روسیه با توجه به نیاز بازار روسیه به محصولات کشاورزی و باغی و وجود دشت های بزرگ گردیان و گلرغج با امکانات آبیاری کاملا مکانیزه در ارس و وجود سواحل رودخانه ارس به عنوان پرآب ترین رودخانه مرزی ایران و دو سد ارس و خدافین در مسیر آن، دارای مزیت ویژه ای برای سرمایه گذاری مشترک در تولید میوه های گرمسیری و نیمه گرمسیری و همچنین شیلات (شاه میگو و انواع ماهی) جهت صادرات آن به روسیه است. در کنار آن فعال سازی کریدور ترانزیتی شمال جنوب و بالعکس است که روسیه می تواند به عنوان اپراتور سوم برای بازگشایی مجدد خط آهن آذربایجان و ارمنستان وارد شده و ضمن اتصال خود به بازار های خاورمیانه و جنوب غرب آسیا از این مسیر، باعث توسعه محور های ترانزیتی استان آذربایجان شرقی و منطقه آزاد ارس به روسیه و سواحل دریای سیاه و از آنجا به سواحل دریای بالتیک و بندر استراتژیک گالینگراد که تحت سیطره روسیه است را فراهم آورد. در این صورت انتقال تولیدات مشترک در حوزه کشاورزی نیز به سهولت انجام می پذیرد.

محور دیگر برای توسعه روابط ارس و روسیه ارائه خدمات پزشکی و پیراپزشکی از این منطقه به حوزه است. با توجه به سند آمایش سرزمینی جمهوری اسلامی ایران و مطالعات استراتژیک منطقه آزاد ارس، وجود بازار برای خدمات پزشکی ایران در کشور های شوروی سابق مورد تاکید قرار گرفته است و در حال حاضر هم سالیانه بیش از ۵۰ هزار نفر از این کشورها به منظور برخورداری از خدمات درمانی و پزشکی وارد ایران می شوند که اغلب مدیریت نشده و بدون برنامه ریزی انجام می گیرد. ایجاد واحد خدمات درمانی با رویکرد فراملی جهت پاسخگویی به نیاز های کشور های حوزه خود روسیه ضمن مدیریت و کنترل بیماری های خاص، می تواند درآمد قابل توجهی را نصیب منطقه نماید.

گفتگوی اختصاصی با احمد نعمتی رئیس دفتر وزارت امور خارجه در شمال غرب کشور

همه گزینه ها روی میز است اگر...

روابط روسیه و غرب با توجه به فضای رسانه ای موجود به نظر می رسد به خاطر بحران اکراین وارد مرحله حساسی شده است و شاید این شرایط طولانی باشد. زیرا که روسیه نخواهد پذیرفت نفوذ خود را در اکراین از دست بدهد و در این راه نهایت مقاومت را برای بدست آوردن حداکثر امتیازات خواهد داشت. در مقابل هم غرب با اصرار به حمایت از تغییر و تحولات صورت گرفته در اکراین عملا به مقابله با روسیه برخاسته و تحریم هایی را بر علیه روسیه وضع کرده است که در این رابطه می توان به تحریم های ورود محصولات کشاورزی از اروپا به روسیه اشاره نمود. آیا تحریم های روسیه مانند تحریم ایران با هدف تسلیم کامل مسکو طراحی شده است؟

باید به خاطر داشته باشیم که روسیه و ایران کشور های بزرگی هستند و دارای منابع استراتژیک فراوانی برای مقاومت در شرایط بحرانی می باشند. این که غربی ها فکر می کنند با وضع تحریم ها می توانند چنین کشور هایی را به تسلیم کامل وادار کنند نه از لحاظ علمی و منطقی قابل پذیرش است نه در جهان واقع چنین امری اتفاق می افتد. ممکن است در اثر تحریم ها فشارهای اقتصادی زیادی وارد شود اما نمی شود گفت تحریم ها عامل تسلیم کشور ها هستند.

روسیه نیز به خاطر در خطر بودن منافع راهبردی اش به این آسانی تسلیم غرب نخواهد شد و با مانور های دیپلماتیک و اقتصادی نشان می دهد که قصد دارد

در صبح یک روز زمستانی آفتابی در جاده زیبای اتل گلی وارد یک دفتر ویلایی می شوم. طبق هماهنگی انجام شده قرار است ساعت ۹ با رئیس دفتر وزارت خارجه در شمالغرب مصاحبه ای پیرامون تشکیل میز روسیه در استان آذربایجان شرقی داشته باشم. موضوعی که اولین بار توسط استاندار مطرح می شود و بعد از آن مدیرعامل منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس برای تشکیل آن در ارس پیشقدم می گردد. دقیقا راس ساعت به اتاق کار جناب رئیس دعوت می شوم و مصاحبه را شروع می کنیم.

احمد نعمتی، دیپلماتی با تجربه ده ساله در روابط خارجی و با سوابقی چون معاون نمایندگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان در حال حاضر مسئول دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در شمالغرب کشور است. اهم وظایف این دفتر توسعه و هماهنگی روابط خارجی استان، انجام امور کنسولی هموطنان در استان، تائید کلیه اسناد تجاری، هویتی، دانشجویی و پیگیری مشکلات اتباع ایرانی در خارج می باشد. که البته با وجود کنسولگری های کشور های مختلف در تبریز کار ارتباط سیستماتیک با این مراکز دیپلماسی را هم باید به آن افزود

جناب آقای نعمتی روابط روسیه و غرب بعد از جنگ سرد دوره پیچیده ای شده است و حتی گورباچف رهبر شوروی سابق می گوید صدای جنگ سرد جدید را می شنوم. تحلیل شما از وضعیت روابط روسیه و غرب به رهبری آمریکا چیست؟

تأثیر تحریم ها را به حداقل برساند. البته این وضعیت فرصتی تاریخی برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی ایران و روسیه نیز هم فراهم کرده است.

اخیراً موافقت نامه های همکاری اقتصادی-صنعتی متعددی بین ایران و روسیه بین وزیران صنعت، معدن و تجارت دو کشور امضا شده است و آقای نعمت زاده در جریان دیدار خود با الکسی الیوکایف وزیر صنعت روسیه اعلام کرد که صندوق های ضمانت از صادرات دو کشور از ظرفیت های قانونی خود برای توسعه تجارت و سرمایه گذاری استفاده خواهد کرد. به نظر شما این موافقت نامه ها تا چه حد با برطرف شدن فضای سیاسی موجود معتبر خواهند بود و ظرفیت های واقعی موجود برای گسترش روابط اقتصادی ایران و روسیه چیست؟

کشور روسیه کشور بزرگی در همسایگی شمالی ایران است و روابط ما با این کشور روابطی راهبردی در همه زمینه ها است. ایران و روسیه دارای دیدگاه های مشترک به امور بین الملل هستند و همچنین رویکرد های همسو در ارتباط با مسایل جهانی دارند. در سال های اخیر هم با روی کار آمدن دولت آقای روحانی تحولات گسترده ای در سطوح مختلف منطقه ای و جهانی در روابط خارجی ایران بوجود آمده است و در این میان، سیاست ایران توسعه حداکثری روابط با روسیه است. بنابراین روابط ما وابسته به شرایط تحریم نیست. دیدار های صورت گرفته در سطح سران در یک سال اخیر و برگزاری منظم جلسات کمیسیون های مشترک اقتصادی و سفر وزرای اقتصادی دو کشور و دیدارهای آنها همگی نشانه هایی از عمق روابط ایران و روسیه است. اما در ارتباط با ظرفیت های اصلی گسترش روابط اقتصادی به نظر می رسد با توجه به تحریم های متقابل روسیه در زمینه های ورود مواد غذایی و محصولات کشاورزی، فرصت بسیار مناسبی در این زمینه ها ایجاد شده است که امیدواریم بتوانیم از این فرصت نهایت بهره برداری را داشته باشیم.

استاندار آذربایجان شرقی جناب آقای دکتر جبارزاده فعالین اقتصادی استان را برای فعال نمودن میز روسیه در استان دعوت کرده است، تحلیل حضرت تعالی از پتانسیل های اقتصادی استان برای توسعه روابط با روسیه چیست؟

همان طور که گفتم در شرایط فعلی حوزه های کشاورزی و صنعتی فرصت بسیار مناسبی برای ارتقای روابط اقتصادی دو کشور است و استان آذربایجان شرقی هم در این حوزه ها ظرفیت های قابل توجهی دارد. این استان به لحاظ قدمت روابط تجاری خود و قربان جغرافیایی با کشورهای شمالی همسایه؛ می تواند به عنوان

هاب اقتصادی برای گسترش روابط تجاری-صنعتی با روسیه باشد.

حجم روابط اقتصادی دو کشور در حال حاضر نزدیک به یک میلیارد دلار است ولی حجم واقعی بسیار بیشتر است. هرچند برخی مشکلات در این میان وجود دارد. از جمله در زمینه زیرساخت های حمل و نقل که با مسدود شدن خط آهن جلفا نخجوان - ارمنستان طی جنگ قره باغ حد ترهم شده است. در کنار این، مسئله انتقال پول و محدودیت روابط پولی و بانکی است که در نبود سیستم سوئیفت جایگاهی ارز بسیار مشکل است. امیدوارم هرچه سریع تر راه حلی برای این مشکلات پیدا شود. اما برخی فعالیت ها نیز در راستای روان سازی ارتباطات صورت گرفته است از جمله این ها می توان به تلاش برای اخذ روادید بازرگانی طویل المدت برای تجار و بازرگانان ایرانی، انعقاد موافقت نامه تعرفه های ترجیحی، ایجاد حمل و نقل کارگو در فرودگاه تبریز، ایجاد دفتر پشتیبانی توسعه تجارت در روسیه، فعال سازی مسیر دریایی با مرکزیت بندر آستاراخان روسیه اشاره کرد.

ولی باید تجار و بازرگانان ما توجه داشته باشند که برخی از امور فقط توسط خودان ها قابل انجام است از جمله این که آنان باید فعالیت های تجاری خودشان را بر اساس ذائقه مصرفی مردم روسیه هماهنگ کنند و با شناسایی بازار های هدف طبق رویکرد های نوین بازاریابی در برگزاری نمایشگاه های عرصه محصولات ایرانی همت مضاعف داشته باشند. وزرات امور خارجه هم طبق وظیفه ذاتی خودش در تلاش است با روان سازی ارتباطات و ایجاد تفاهم های حداکثری از فعالیت های اقتصادی اتباع ایرانی پشتیبانی نماید.

منطقه آزاد ارس هم به عنوان صنعتی ترین منطقه آزاد کشور و با داشتن پتانسیل های فراوان در زمینه کشاورزی صنعتی و گلخانه ای در تلاش است میز روسیه را فعال کند، نظر شما در این ارتباط چیست؟

باید توجه داشته باشیم که هدف از تشکیل میز، ایجاد تمرکز در روابط و فعالیت ها، هم اندیشی و همگرایی بیشتر مسئولین و فعالین اقتصادی است. منطقه آزاد ارس هم با داشتن ظرفیت های بسیار در حوزه های صنعتی، کشاورزی و زیرساخت هایقانونی اش برای روان سازی روابط اقتصادی و حذف بروکراسی های زاید در فعالیتهای تجاری می تواند در این زمینه بسیار اثر گذار باشد. همه گزینه ها روی میز استاگر ما بتوانیم به درستی با شناسایی ظرفیت ها و محدودیت های خود از فرصت ایجادشده برای گرفتن سهمی از بازار بزرگ روسیه استفاده کنیم

توهمات لیبرال که پوتین را برافروخته

چرا غرب مقصر بحران اوکراین به شمار می آید

جان میبیرشیمر - فارین افیرز - استاد دانشگاه علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو

ترجمه: محمد حسن خیر آور



براساس استدلال رایج در غرب، مسئولیت بحران اوکراین را می توان کاملاً متوجه تجاوز روسیه به خاک این کشور دانست. براساس استدلالی که صورت می پذیرد، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، برای مدت زمان طولانی رویای زنده ساختن امپراطوری روسیه را در سر پرورانده و به همین دلیل نیز، کریمه را ضمیمه روسیه ساخته است. براساس این تحلیل در نهایت نیز امکان دارد پوتین پس از تازه کردن نفس، این یکه تازی را به سایر مناطق اوکراین و حتی سایر کشورهای اروپای شرقی نیز تسری دهد. از این دیدگاه، سقوط ویکتوریانکوویچ رئیس جمهوری اوکراین در فوریه ۲۰۱۴ برای پوتین بهانه ای به دست داد تا به نیروهای نظامی روسیه دستور اشغال بخشی از خاک اوکراین را صادر نماید.

اما این تحلیل، نادرست است: بیشتر مسولیت بحران را ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی اش به صورت مشترک برعهده دارند. ریشه اصلی مشکل، گسترش ناتوست، که می توان آن را در راستای استراتژی گسترده تر غرب در

جهت خارج کردن اوکراین از مدار روسیه و ادغام آن با غرب ارزیابی نمود. بدین ترتیب، گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق و حمایت غرب از جنبش طرفدار دموکراسی در اوکراین که با انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۴ آغاز گردید- از عوامل مهم در راستای ایجاد وضعیت کنونی به شمار می رود. رهبران روسیه، از اواسط دهه نود میلادی، به شدت با گسترش ناتو مخالفت ورزیده و در سال های اخیر، این موضوع را به روشنی ابراز نموده اند. روسیه بالطبع در مقابل تبدیل همسایه استراتژیک مهم روسیه به سنگر غرب، نظاره گری منفعل نخواهند ماند. برای پوتین، سرنگونی غیرقانونی رییس جمهوری منتخب و طرفدار روسیه اوکراین که در فرآیند دموکراتیک برگزیده شده بود، خط قرمز نهایی این دخالت ها بود. پوتین که از تبدیل شدن کریمه به پایگاه نیروی دریایی ناتو واهمه داشت، با اشغال این جزیره به تلاش غرب در جهت بی ثبات نمودن اوکراین پاسخ داد. بنابراین این واکنش پوتین نبایستی چندان تعجب آمیز باشد. غرب در حال حرکت به سوی حیاط خلوت روسیه و تهدید منافع اصلی استراتژیک آن است و این نگرانی از جانب پوتین بارها و بارها مطرح شده است. توانایی فهم حقیقت از جانب نخبگان ایالات متحده و اروپا بواسطه حوادث و رویدادهای متفاوت، مخدوش شده چراکه آنان دیدگاه ناقصی نسبت به سیاست های بین الملل دارند. به زعم آنان، منطق رئالیسم دفرقن بیست و یکم دیگر موضوعیتی ندارد و اروپا می تواند بر مبنای اصول لیبرالی از جمله حاکمیت قانون، وابستگی متقابل اقتصادی و دموکراسی به صورت یکپارچه و آزاد مورد محافظت قرار گیرد. اما طرح بزرگ غرب در اوکراین با بحران مواجه گردید. بحران موجود نشان می دهد که واقع گرایی سیاسی در عرصه روابط بین الملل همچنان موضوعیت دارد و کشورهای که آن را نادیده می گیرند، خود را در معرض ریسک و خطر بزرگتری قرار می دهند. رهبران آمریکا و اتحادیه اروپا در تلاش برای تبدیل اوکراین به سنگر غرب در مرز روسیه کورکوره و اشتباه رفتار نموده اند. و هم اکنون که عواقب این امر خود را به صورت عریان نمایان ساخته ، ادامه این سیاست نادرست، اشتباه بزرگتری خواهد بود.

بی حرمتی غرب

زمانی که جنگ سرد به پایان خود رسید، رهبران شوروی ترجیح دادند نیروهای نظامی ایالات متحده در اروپا باقی بمانند و ناتو نیز دست نخورده حفظ شود. تمهیدی که فکر می کردند آلمان دوباره متحد شده را آرام نگه می دارد. اما، آن ها و جانشینان روس ایشان نمی خواستند ناتو بزرگتر شود و فرض خود را بر این گذارده بودند که دیپلمات های غربی ملاحظاتی آن ها را درک خواهند نمود. اما دولت کلینتون آشکارا طرز تفکر متفاوتی داشت و بدین ترتیب در میانه دهه ۱۹۹۰، فشار برای گسترش ناتو را آغاز نمود.

مرحله اول گسترش در سال ۱۹۹۹ و در جمهوری چک، مجارستان و لهستان به اجرا درآمد. مرحله دوم در سال ۲۰۰۴ شروع گردید که شامل توسعه ناتو به کشورهایی شامل بلغارستان، استونی، لیتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی و اسلونی می شد. مسکو از همان ابتدا با تلخی شروع به گله و شکایت نمود. برای مثال بوریس یلتسین، رییس جمهور روسیه در طول بمباران صرب های بوسنی توسط ناتو گفت: « این نشانه ای است از آنچه که می تواند در صورت آمدن ناتو به مرزهای فدراسیون روسیه ، رخ دهد... شعله جنگ می تواند در سراسر اروپا گسترده گردد». اما روس ها در آن زمان برای ممانعت از حرکت ناتو به سمت شرق بسیار ضعیف بودند البته گسترده شدن دامنه ناتو در آن مقطع زمانی تنها کشورهای بسیار کوچک منطقه بالکان که مرز مشترکی با روسیه نداشتند را در بر می گرفت و این موضوع چندان هم تهدید آمیز به نظر نمی رسید.

اما، ناتو همچنان به دنبال گسترش بیشتر به شرق بود. در نشست سال ۲۰۰۸ این سازمان در بخارست ، پذیرش گرجستان و اوکراین به عنوان اعضای جدید آن در دستور کار قرار گرفت. دولت جرج بوش از این اقدام پشتیبانی می کرد، اما فرانسه و آلمان از ترس اینکه بی جهت خشم روسیه برانگیخته شود، مخالفت کردند. در پایان اعضای ناتو توافق نمودند تا فرایند رسمی برای عضویت گردد لازم بود را آغاز نمایند، اما بیانیه ای در حمایت از آرمان های گرجستان و اوکراین صادر شد که حاوی این عبارت بود: «این کشورها به عضویت ناتو خواهند درآمد.»

با این حال، به رغم توافق صورت گرفته، روسیه شاهد بود که در عمل اتفاق مشخصی نیفتاد. الکساندر گروشکو، وزیر امور خارجه وقت روسیه گفت: «عضویت گرجستان و اوکراین در ناتو اشتباه بزرگ استراتژیک است و عواقب جدی برای امنیت پان اروپایی ها به دنبال خواهد داشت.» پوتین نیز چراغ سبز دو کشور مزبور به اتحاد ناتو را «تهدید مستقیم» برای روسیه دانست. یک روزنامه روس گزارش داد که پوتین در گفتگو با بوش پسر «بسیار شفاف تذکر داده که در صورت

پذیرش عضویت اوکراین در ناتو، شرایط موجود دستخوش تغییر جدی خواهد.» حمله نظامی روسیه به گرجستان در آگوست ۲۰۰۸ علی القاعده می بایست تمام شک و شبهه ها را در خصوص تصمیم جدی پوتین برای ممانعت از پیوستن اوکراین و گرجستان به ناتو بر طرف می نمود. میکایل ساکاشویلی، رییس جمهور گرجستان که به صورت جدی متعهد به پیگیری عضویت کشورش در ناتو بود، در تابستان ۲۰۰۸ تصمیم گرفت دو منطقه جدایی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی را مجدداً به گرجستان اطلاق نماید. اما در عوض پوتین به دنبال گرجستان ضعیف و تجزیه شده بود- که خارج از پیمان ناتو نیز باشد. پس از آغاز جنگ میان دولت گرجستان و جدایی طلبان اوستیای جنوبی، نیروهای نظامی روس کنترل آبخازیا و اوستیا را در دست گرفتند. مسکو تصمیم خود را گرفته بود. هنوز و علیرغم این هشدار شفاف، ناتو هرگز هدف خود در افزودن گرجستان و اوکراین را خود را به صورت جدی رها نکرد و گسترش خود را با پیشروی رو به جلو ادامه داد تا آن که آلبانی و کرواسی در سال ۲۰۰۹ به عضویت آن درآمدند. اتحادیه اروپا نیز همچنان در حال پیشروی به سوی شرق بود. در می ۲۰۰۸، اتحادیه اروپایی از ابتکار مشارکت شرقی پرده برداری کرد، برنامه ای که برای ترویج پیشرفت و رفاه در کشورهایی همچون اوکراین و ادغام آن ها در اقتصاد اروپا تدوین شده بود. جای تعجب نبود که رهبران روسیه برنامه مذکور را بر ضد منافع کشورشان ارزیابی کنند. در ماه فوریه سال قبل، پیش از خروج اجباری یانکویچ از دفتر خود، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، اتحادیه اروپا را متهم به تلاش جهت ایجاد یک «حوزه نفوذ» در اروپای شرقی نمود. از دید رهبران روسیه، گسترش اتحادیه اروپا اسب تراوایی برای توسعه ناتو به شمار می آید.

آخرین ابزار غرب برای پوست اندازی و دور ساختن کیف از مسکو، تلاش های آنها در راستای اشاعه ارزش های غربی و ترویج دموکراسی در اوکراین و دیگر دولت های تازه تشکیل یافته پس از انحلال جماهیر شوروی بود، برنامه ای که اغلب مشتمل بر پشتیبانی مالی از افراد و سازمان های متمایل به غرب بود. بر اساس تخمین ویکتوریا نولاند، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور اروپا و اوراسیا که در دسامبر ۲۰۱۳ اعلام گردید، ایالات متحده از سال ۱۹۹۱ بیش از ۵ میلیارد دلار به منظور کمک به اوکراین جهت دستیابی به «آینده ای که سزاوار آن است». سرمایه گذاری نموده است. دولت ایالات متحده، به عنوان بخشی از این تلاش ها « بنیاد ملی آمریکا برای ترویج دموکراسی » که بیش از ۶۰ پروژه باهدف ترویج جامعه مدنی به سبک غربی در اوکراین در دست اجرا داشت را مورد حمایت مالی قرار می داد. رئیس این بنیاد، کارل گرشن، از اوکراین به عنوان «بزرگترین جایزه» یاد کرد. بعد از پیروزی یانکویچ در انتخابات ریاست جمهوری در فوریه ۲۰۱۰، موسسه مذکور در دستیابی به اهداف خود احساس ضعف جدی می نمود و پی از آن به تلاش خود برای حمایت از مخالفان و تقویت نهاد های دموکراتیک اوکراین شدت بخشید.

زمانی که رهبران روس به فرایندی که غربی ها در اوکراین آغاز کرده اند، این نگرانی ایجاد می گردد که کشور متبوعشان هدف بعدی خواهد باشد. این نگرانی بسیار جدی و اساسی است. در سپتامبر ۲۰۱۳، گرشن درواشنگ پست چنین نوشت: « انتخاب اوکراین جهت پیوستن به اتحادیه اروپا، نابودی ایدئولوژی امپراطوری روسیه که پوتین نمایندگی می کند را تسریع خواهد نمود.» وی افزود: «روس ها، بایستی انتخاب کنند، پوتین ممکن است کار خود را تمام یافته تلقی کند اما این بار نه در مرزهای نزدیک که در داخل خود روسیه.»

خلق بحران

خشم آمریکا زمانی که چین درصد ایجاد یک اتحاد نظامی چشمگیر و تلاش برای عضویت کانادا و مکزیک در آن است را تصور کنید. رویکرد سیاسی غرب در قابل اروپای شرقی که مشتمل بر گسترش ناتو، توسعه و گسترش اتحادیه اروپا و نیز ترویج دموکراسی است، به منزله ریختن بنزین بر روی آتشی است که آماده شعله ور شدن است. جرقه زمانی زده شد که در نوامبر ۲۰۱۳ یانکویچ در مذاکرات خود، معامله اقتصادی بزرگ با اتحادیه اروپا را در مقابل پیشنهاد ۱۵ میلیارد دلاری روس ها رد کرد. آن تصمیم موجب افزایش اعتراضات ضد دولتی گردید که در سه ماه بعدتر تشدید گردید و در اواسط فوریه منجر به مرگ صدها معترض گردید. فرستادگان غربی به منظور رفع بحران با عجله به سمت کیف پرواز کردند. در ۲۱ فوریه، دولت و مخالفان توافقی نمودند که به یانکویچ اجازه می داد تا زمان برگزاری انتخابات جدید در قدرت بماند. اما پس گذشت زمان اندکی، دولت سقوط کرد و یانکویچ در روز بعدی به روسیه گریخت. هسته دولت جدید، طرفدار غرب و ضد روسیه بود و در بین اعضاء آن چهار نفر قرار داشتند

که براساس قوانین می توان به آن ها برچسب نفوفاشیست زد. هرچند که ابعاد کامل دخالت آمریکا به وضوح روشن نیست اما حمایت ایالات متحده از کودتا شفاف و مشخص است. نولاند و جان مک کین سناتور جمهوری خواه، در اعتراضات ضد دولتی شرکت داشتند، وجفری پیات، سفیر آمریکا در اوکراین پس از سرنگونی یانکویچ اعلام کرد که این: «روزی در کتاب تاریخ» خواهد بود. مکالمه تلفنی فاش شده نولاند که در آن، وی از تغییر رژیم اوکراین حمایت می کند، و خواستار نخست وزیری آرسنی یاتسنیوک در دولت جدید است، نیز به وضوح مؤید این موضوع می باشد. جای تعجب نیست که تمامی روس ها فارغ از نوع تفکری که دارند عقیده دارند سقوط یانکویچ در نتیجه بازی غرب بوده است. برای پوتین، زمان واکنش بر ضد اوکراین و غرب فرارسید. در زمان کوتاهی بعد از ۲۲ فوریه، وی به نیروهای نظامی اش دستور داد تا کریمه را از اوکراین جدا کنند و بعد از آن به سرعت این شبه جزیره را به روسیه ضمیمه کرد. این کار به مدد هزاران سرباز روسی که در پایگاه دریایی در بندر سواستپول کریمه آماده بودند، کار چندان دشواری نبود. کریمه همچنین هدف ساده ای بود زیرا که ۶۰ درصد ساکنان آن را افراد متعلق به نژاد روس تشکیل می داد که غالب آن ها نیز خواستار جدایی از اوکراین بودند.

از طرفی، پوتین فشار گسترده ای را به دولت جدید کیف وارد ساخت تا آن را از جانبداری غرب در برابر مسکو دلسرد نماید و این موضوع را روشن ساخت که در مقابل تبدیل اوکراین به دژ مستحکم غرب در مرزهای روسیه به شدت ایستادگی خواهد نمود. در راستای این هدف، وی مشاوران، اسلحه و حمایت دیپلماتیک لازم برای جدایی طلبان شرق اوکراین فراهم نمود؛ امری که به نوبه خود کشور را به سمت جنگ داخلی سوق داد. او همچنین ارتشی بزرگ را در مرز اوکراین مستقر نموده و تهدید حمله را در صورت اقدام مهارکننده دولت علیه شورشیان زنده نگه می دارد. از طرفی نیز قیمت گاز طبیعی خود - که از طریق خطوط انتقال - در اوکراین به فروش می رسد را به صورت بسیار فزاینده ای افزایش می دهد و نیز برای صادرات انجام یافته در گذشته نیز درخواست پرداخت مابه التفاوت دارد. پوتین در حال بازی بیس بال است.

تشخیص

پیش بینی اقدامات پوتین نبایستی کار دشواری بوده باشد. بسط و توسعه عظیمی که فرانسه دوره ناپلئون، امپراطوری آلمان و آلمان نازی به دنبال آن بودند، همگی روسیه را متضرر نمود. بدین ترتیب اهمیت استراتژیک اوکراین برای روسیه به عنوان یک ضربه گیر مضاعف می گردید. هیچ رهبر

روسی حرکت اتحاد نظامی ناتو به سمت اوکراین را تحمل نمی کند. همچنین هیچ رهبر روسی در قبال استقرار حکومتی که برای الحاق اوکراین به غرب تعیین شده، بی حرکت نخواهد ایستاد.

ممکن است واکنشگتن از این موضع مسکو دل خوشی نداشته باشد اما بایستی منطقی که پشت این موضع نشسته است را درک نماید. این ژئوپلیتیک ۱۰۱ است: قدرت های بزرگ همیشه به تهدیدات بالقوه نزدیک مرزهای خود حساس هستند. بعلاوه، واکنشگتن هم هیچ قدرت بزرگ دوردستی که بخواهد نیروی نظامی خود در هر نقطه ای از نیمکره غربی مستقر نماید را تحمل نمی کند. طبیعی است چنین قدرتی هر چه اندازه به مرزهای این کشور نزدیک تر باشد، آستانه تحمل ایالات متحده آمریکا در قبال آن پایین تر خواهد بود. خشم آمریکارا در حالی که چین اتحاد نظامی گسترده و بااهمیتی ایجاد نموده و در تلاش برای عضوگیری از کانادا و مکزیک است را تصور کنید. براساس همان منطق، رهبران روس در بسیاری از موقعیت ها به مقامات اروپایی گفته اند که گسترش ناتو به گرجستان و اوکراین را همراه با هرگونه تلاش برای قراردادن این کشورها در مقابل روسیه، غیر قابل قبول می دانند. پیامی که در جریان جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ به صورتی کاملاً شفاف منتقل گردیده بود.

مقامات آمریکایی و متحدان اروپایی آن ها ادعا می کنند که سخت در تلاش اند تا ترس روسیه را مرتفع نمایند و مسکو بایستی درک کند که ناتو هیچ طرح و برنامه ای برای روسیه ندارد. علاوه بر انکار مستمر این موضوع که گسترش ناتو با هدف مهار روسیه صورت می پذیرد، این اتحاد هرگز به صورت دائمی در مرزهای اعضا جدید نیروی نظامی مستقر نکرده است. در سال ۲۰۰۲، آن

هاحتی سازمانی را با نام شورای ناتو-روسیه در تلاش برای تقویت همکاری ها ایجاد کردند. برای آرام کردن بیشتر روسیه، ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد که سیستم دفاع موشکی جدید خود را به جای استقرار در خاک جمهوری چک و یا لهستان در کشتی های جنگی حاضر در آب های اروپا مستقر می نماید. اما هیچ یک از این ملاحظات تأثیری نداشت؛ روس ها همچنان به صورت جدی و صریح مخالف گسترش ناتو به ویژه در اوکراین و گرجستان بودند. در نهایت این موضوع که چه چیزی برای روس ها تهدید به شمار می رود، براساس تصمیم آن ها و نه غرب معین می گردد.

برای درک این مسئله که چرا غرب و به ویژه آمریکا، از فهم این موضوع که سیاست شان در قبال اوکراین در حال آماده کردن زمینه برای برخورد بزرگ با اوکراین بود، بایستی به گذشته و اواسط دهه ۱۹۹۰ بازگردیم. زمانی که دولت کلینتون حمایت از گسترش ناتو را آغاز کرد. صاحب نظران انواع بحث ها و استدلال در دفاع و نفی گسترش ناتو مطرح ساختند اما هیچ اجماعی در خصوص آنچه که باید انجام شود، صورت نپذیرفت. برای مثال اکثر مهاجران اروپای شرقی در آمریکا و اعضا خانواده آنان گسترش اتحاد نظامی را به قوی ترین وجهی مورد حمایت می دادند، چون که از محافظت این دسته از کشورها از جمله مجارستان و لهستان توسط ناتو خوشنود بودند. واقع گرایان اندک شماری نیز به این سیاست علاقه نشان دادند زیرا که به زعم آنان نبایستی از روسیه غافل شد چرا که همچنان یک خطر بالقوه است. اما بیشتر واقع گرایان با این استدلال که ابرقدرت در حال نزولی که با جمعیت روبه پیری و اقتصادی تک محصولی مواجه است هیچ نیازی به توجه بی مورد ندارد، با گسترش اتحاد مخالفت کردند. آن ها هراس داشتند که چنین گسترشی صرفاً انگیزه هایی را برای ایجاد مشکل در اروپای شرقی توسط مسکو فراهم آورد. جرج کننن، دیپلمات آمریکایی در مصاحبه ای که اندکی پس از تصویب گسترش نخستین ناتو در مجلس سنا در سال ۱۹۹۸ انجام داد به تفصیل به این

ناتو همواره به افزودن اوکراین و گرجستان به تشکیلات خود، علاقه وافری نشان داده و پیشروی به سوی شرق اروپا را در دستور کار قرار داده است تا جایی که آلبانی و کروواسی نیز در سال ۲۰۰۹ به آن پیوستند.

موضوع پرداخت. وی گفت: «من فکر می کنم که روس ها به تدریج واکنشی کاملاً معکوس نشان خواهند داد و این سیاست های آن ها را متاثر خواهد نمود، من فکر می کنم این اشتباهی تراژیک است. هیچ دلیلی برای این اقدام وجود ندارد. هیچ کس دیگری را مورد تهدید قرار نخواهد داد.»

ایالات متحده و متحدانش باید طرح خود برای غربی سازی اوکراین را رها سازند و به جای آن تبدیل اوکراین به منطقه حائل و بی طرف را مورد هدف قرار دهند. از سوی دیگر ترجیح اغلب لیبرال ها از جمله بسیاری از اعضا کلیدی کابینه کلینتون، گسترش ناتو است. آن ها اعتقاد داشتند که پایان جنگ سرد، سیاست های بین المللی را به صورت بنیادینی تغییر داده و نظم جدید و پسمالی جایگزین منطق واقع گرایانه گردیده است. ایالات متحده نه تنها به قول مادالین آلبرایت، وزیر وقت خارجه آمریکا «ملت ضروری»، بلکه تنها یک هژمونی خوش خیم بود که نبایستی دراز جانب مسکو به عنوان تهدید تلقی می گردید. هدف دراصل این بود که کل قاره شبهه غرب اروپا گردد.

بنابراین ایالات متحده و متحدانش در پی ترویج دموکراسی در کشورهای اروپای شرقی، افزایش وابستگی و تعاملات اقتصادی میان آنان و عضو گیری از آنان در نهاد های بین المللی برآمدند. لیبرال های آمریکایی پس از پیروزی در مباحثات مرتبط، کار چندان دشواری در اقلانق و جلب حمایت متحدان اروپایی خود جهت گسترش ناتو نداشتند.

با توجه به دستاوردهای اتحادیه اروپا، اروپایی ها حتی بیش از آمریکایی ها به این ایده که دیگر جغرافیای سیاسی اهمیت چندانی ندارد و بسته کاملی از توصیه های لیبرال می تواند صلح را در اروپا نهادینه سازد، اقبال نشان داده و وفادار گشتند. بنابراین آنچه که لیبرال ها به صورت کامل انجام دادند در دهه اول قرن حاضر به گفتمان مسلط در خصوص امنیت اروپا تبدیل گردید و حتی اتحاد نظامی ناتو سیاست رشد درهای باز را تصویب و در پیش گرفت. بدین ترتیب گسترش ناتو با مخالفت اندکی از جانب واقع گرایان مواجه گردید. حال لیبرال های سراسر جهان اصول عقای دمقمامات آمریکایی را پذیرفته اند. برای مثال در ماه مارس، رئیس جمهور باراک اوباما درباره اوکراین سخنرانی نمود و در طول آن به صورت مکرر در خصوص «آرمان هایی» که سیاست های غرب را می انگیزانند و چگونه آن آرمان ها توسط دیدگاه قدیمی تر و سنتی تر قدرت مورد تهدید قرار می گیرد» صحبت نمود. پاسخ و واکنش جان کری، وزیر امور



خارجہ ایالات متحدہ در قبال بحران کریمہ نیز چنین اظہار نظر می کند: «شما نه فقط در قرن بیست و یکم و براساس بهانه ای کاملاً کاذب با حمله به کشوری دیگر همچون مدل قرن نوزده رفتار می کنید.»

دراصل، دوطرف براساس راهنما و منطق متفاوت عمل می کنند: پوتین و هموطنانش براساس رویکرد واقع گرایانه فکر و رفتار می کنند در حالی که همتایان غربی شان به ایده های لیبرالی در خصوص سیاست های بین المللی باور دارند. نتیجه آن شده که آمریکا و متحدانش نادانسته باعث به وقوع پیوستن بحرانی در اوکراین شده اند.

بازی سرزنش

در همان مصاحبه، کنان پیش بینی کرده بود که گسترش ناتو موجب بروز بحران خواهد گردید، بحرانی که بعد از آن طرفداران گسترش ناتو خواهند گفت: «دیدید، ما می دانستیم که روس ها اینگونه اند.» همان طور که در سخن بسیاری از مقامات اروپایی، پوتین به عنوان مقصر اصلی مخمصه اوکراین تصویر می گردد. در ماه مارس، براساس آنچه نیویورک تایمز منتشر کرده، صدراعظم آلمان، آنگلا مرکل با گفتن این جمله به او با ما که او «در دنیای دیگری است» به دنبال القای این مفهوم است که پوتین غیر منطقی است. اگرچه بدون هیچ شکی پوتین تمایلاتی استبدادی دارد، اما هیچ شاهدهی وجود ندارد که وی تعادل روانی ندارد. در مقابل به نظر می رسد او استراتژیست طراز اولی است که بایستی از جانب کسانی که وی را در سیاست خارجی به چالش می کشند مورد ترس و احترام باشد.

سایر تحلیل گران، ادعای موجه تری دارند: اینکه پوتین برای وضعیتی که برای اتحاد جماهیر شوروی رخ داد، افسوس می خورد و مصمم است که آن روند را با توسعه مرزهای روسیه معکوس نماید. براساس این تفسیر، پوتین، با گرفتن کریمه در حال محک زدن این است که آیا زمان برای اشغال اوکراین و یا حداقل بخش شرقی آن مناسب است یا نه؟ این موضع به زعم آنان، در نهایت برای روسیه رویکردی تهاجمی در قبال همسایگان خود پیش بینی می نماید. برای برخی از این تحلیل گران، رئیس جمهوری روسیه، آدولف هیتلر مدرن و امروزی را نمایندگی می کند که داشتن هرگونه معامله ای با وی در واقع تکرار اشتباه مونیخ است. بنابراین، ناتو باید گرجستان و اوکراین را به جهت مهار روسیه و قبل از غلبه آن بر همسایگان و مورد تهدید قرار دادن اروپای غربی، به عضویت خود درآورد.

اما بررسی دقیق تمام جوانب موضوع، این تحلیل را از درجه اعتبار ساقط می نماید. اگر پوتین به دنبال خلق روسیه ای بزرگتر بود، نشانه های آن می بایست قبل از ۲۲ فوریه نیز دیده می شد. اما عملاً هیچ سند و شاهدهی وجود ندارد که وی قبل از آن تاریخ به دنبال گرفتن کریمه، و در سطحی پایین تر هیچ نقطه دیگری در داخل مرزهای اوکراین بوده باشد. حتی رهبران غربی نیز که از گسترش ناتو حمایت کرده اند ترسی از اقدام نظامی روسیه نداشته اند. واکنش پوتین در کریمه آن ها را به صورت کامل متعجب نموده و بیشتر شبیه حرکتی غیرارادی در پاسخ به سقوط یانکویچ بوده باشد. بعلاوه، حتی در صورت وجود چنین تمایلی، روسیه قابلیت لازم جهت اشغال آسان و ضمیمه نمودن سایر مناطق اوکراین را به خاک خود ندارد. حدود ۱۵ میلیون نفر - یک سوم جمعیت اوکراین - بین رودخانه دنیپر که کشور را به دو نیم تقسیم می نماید و در مرز روسیه است، زندگی می کنند. بخش غالب جمعیت مذکور می خواهند بخشی از خاک اوکراین باقی بمانند و مطمئناً به صورت جدی در مقابل اشغال روسیه مقاومت می کنند. همچنین، ارتش متوسط روسیه که نشانه های اندکی از تبدیل خود به یک ارتش مدرن را نمایان ساخته، توان آرام نمودن و کنترل تمام اوکراین را ندارد. علاوه بر آن، مسکو وضعیت مالی مناسبی برای پرداخت یک اشغال پرهزینه را نیز ندارد، و اقتصاد ضعیف آن می تواند در مواجهه با تحریم های ناشی از چنین اقدامی آسیب بیشتری ببیند. اما حتی اگر روسیه واجد یک دستگاه نظامی قدرتمند و اقتصاد قدرتمند بود نیز، به دشواری می توان ثابت کرد که قادر به اشغال موفقیت آمیز اوکراین می بود. صرفاً لازم است تجربه های شوروی سابق و ایالات متحدہ در افغانستان، ویتنام و عراق و نیز تجربه روسیه در چچن را به یاد آورد تا تبعات و سرانجام شوم اشغال نظامی بار دیگر مرور گردد. مطمئناً پوتین می داند که تلاش برای به زانو در آوردن اوکراین همچون بلعیدن جوجه تیغی است. پاسخ او به اتفاقاتی که در آنجا رخ داده، دفاعی و نه تهاجمی بوده است.

راه خروج

با در نظر گرفتن این که بسیاری از کشورهای غربی به انکار این موضوع که رفتار پوتین ممکن است با ملاحظات مشروع امنیتی تشبیه گردد، ادامه می دهند. این تعجب آور نیست که آن ها تلاش نموده اند تا با پرنرنگ تر کردن سیاست های موجود خود، آن را اصلاح نمایند و برای جلوگیری از تجاوز بیشتر تنبیه هایی را اعمال نمایند. اگرچه جان کری می گوید «همه گزینه ها روی

میز است»، نه ایالات متحده و نه ناتو آمادگی استفاده از نیروی نظامی برای دفاع از اوکراین را ندارند. در عوض غربی‌ها با تکیه بر تحریم‌های اقتصادی در تلاش‌اند تا روسیه را مجبور پایان دادن از حمایت خود از قیام در شرق اوکراین نمایند. در ماه جولای، ایالات متحده و متحدانش در اروپا سومین مرحله از تحریم‌های محدود علیه روسیه را به اجرا درآوردند که مشتمل بر تحریم افراد رده بالایی است که در ارتباط نزدیک با دولت پوتین هستند و نیز برخی بانک‌های سودآور، شرکت‌های فعال در حوزه‌های انرژی و دفاعی را در بر می‌گرفت. آن‌ها همچنین تهدید نموده‌اند که مرحله سخت‌تری از تحریم‌ها که همه بخش‌های اقتصاد روسیه را هدف قرار دهد را اعمال خواهند کرد. این اقدامات اثر چندانی ندارد. تحریم‌های سخت به احتمال زیاد از روی میز حذف خواهند شد؛ کشورهای اروپای غربی به ویژه آلمان، ازبیم اینک روسیه ممکن است اقدامات تلافی‌جویانه‌ای در پیش گیرد و موجب آسیب‌های جدی برای اتحادیه اروپا گردد، در مقابل اعمال این تحریم‌ها مقاومت می‌کنند. اما حتی اگر آمریکا بتواند متحدانش را به تصویب اقدامات سخت متقاعد نماید، پوتین احتمالاً در تصمیم‌اش تغییری نخواهد داد. تاریخ نشان می‌دهد که کشورها میزان چشمگیری از مجازات‌ها را به منظور حفاظت از منافع استراتژیک اساسی خود پذیرفته و تحمل خواهند کرد. هیچ دلیلی برای فکر کردن به این که روسیه از این قاعده مستثنی است، وجود ندارد. رهبران غربی همچنین سیاست‌های تحریم آمیزی که بحران رادر خانه اول تسریع نماید، پیگیری می‌نمایند. در ماه آوریل، جو بایدن، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا با قانون‌گذاران اوکراینی دیدار کرد و به آن‌ها گفت: «این فرصتی دوباره برای تحقق خوب وعده اصلی انقلاب نارنجی است.» جان برنان، رئیس سازمان سیا، در همان ماه و در راستای دستور کاخ سفید برای توسعه همکاری‌های امنیتی با دولت اوکراین به کیف سفر کرد. اتحادیه اروپا نیز به صورت همزمان، فشارهای خود را در جهت گسترش مشارکت‌ها در شرق قاره ادامه داده است. در ماه مارچ، جو مانوئل باروسو، رئیس کمیسیون اروپا، با بیان این که «ما بدهی و یک وظیفه همبستگی نسبت به آن کشور داریم و تلاش خواهیم کرد تا آنجا که ممکن است آن‌ها را به خود نزدیک سازیم.» تفکر اتحادیه اروپا نسبت به اوکراین را خلاصه می‌سازد. وبا اطمینان کافی، در ۲۷ ماه جون، اتحادیه اروپا و اوکراین تفاهم‌نامه‌ای اقتصادی امضاء نمودند که بانک‌های هفت ماه قبل، آن‌ها را به صورت کامل رد کرده بود. همچنین در ماه جون، در اجلاس وزراء خارجه اعضا ناتو، آمادگی اتحاد نظامی جهت پذیرش اعضا جدید اعلام گردید. اگرچه وزیران خارجه از ذکر نام اوکراین خودداری نمودند، اما راموسون دبیرکل سازمان ملل گفت: «هیچ کشور ثالثی حق وتو در گسترش ناتو ندارد.» وزراء حاضر در اجلاس همچنین در خصوص حمایت از اقدامات مختلف برای بهبود قابلیت‌های نظامی اوکراین در حوزه‌هایی همچون فرماندهی، کنترل، تدارکات و دفاع مجازی توافق حاصل گردید. رهبران روسیه به صورت طبیعی در مقابل این اقدامات به جای نخستین خود بازمی‌گردند؛ پاسخ غرب به این بحران صرفاً وضعیت بد را به بدتر تبدیل خواهد نمود. به هرحال راهکاری برای بحران اوکراین وجود دارد، - اگرچه ممکن است به تفکر و نگاه جدید غربی‌ها به این کشور به شیوه‌ای اساسی باشد. ایالات متحده و متحدان آن بایستی طرح خود جهت غربی‌سازی اوکراین را رها نموده و به جای آن، تبدیل آن کشور را به منطقه بی طرف حائل بین روسیه و ناتو هدف گذاری نمایند. موقعیتی که تریش در طول جنگ سرد داشته است. رهبران غربی بایستی اذعان نمایند که اوکراین برای پوتین حائز اهمیت بسیار است و آن‌ها نمی‌توانند از رژیم ضد روسیه حمایت نمایند. این بدین معنی نیست که دولت آتی اوکراین بایستی حامی روسیه و یا ضد ناتو باشند. در مقابل، هدف بایستی اوکراینی متحد باشد که در هیچ یک از اردوگاه‌های روسیه و یا غرب بی‌توجه ننموده است.

برای دستیابی به این هدف، ایالات متحده و متحدانش بایستی گسترش ناتو را به اوکراین و گرجستان از اولویت خود خارج نمایند. غرب همچنین بایستی به تهیه طرح نجات اقتصادی اوکراین بپودجه مشترک اهدایی اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول، روسیه و ایالات متحده کمک نماید- پیشنهادی که بایستی توسط روسیه با توجه به منافع که از اوکراین موفق و پایدار در سمت غربی‌اش به دست می‌آورد با روی باز پذیرفته شود. و غرب باید به صورت قابل ملاحظه‌ای تلاش‌های مهندسی اجتماعی خود را در داخل اوکراین محدود سازد. زمان آن فرا رسیده است که به حمایت‌های غربی از انقلاب نارنجی دیگر پایان داده شود. با این حال، رهبران آمریکایی و اروپایی بایستی اوکراین را تشویق نمایند تا به حقوق اقلیت، به ویژه حقوق روس‌زبانان احترام بگذارد.

برخی ممکن است طرح نمایند که تغییر دیر هنگام سیاست در خصوص

اوکراین به ضربه‌ای جدی به اعتبار ایالات متحده در جهان باشد. بدون شک هزینه‌های معینی وجود خواهد داشت، اما هزینه‌های تداوم استراتژی اشتباه بیشتر خواهد بود. علاوه بر آن، کشورهای دیگر تمایل دارند به دولتی که از اشتباهاتش درس می‌گیرد و در نهایت سیاستی در راستای رفع موثر مشکل موجود قدم بر می‌دارد، احترام بگذارند. این گزینه به صورتی روشن در دسترس ایالات متحده قرار دارد.

این ادعا نیز ممکن است مطرح گردد که اوکراین حق دارد در خصوص اینکه با چه کسی متحد گردد، تصمیم بگیرد و روس‌ها هیچ حقی برای جلوگیری کیف از پیوستن به غرب ندارند. اندیشیدن به انتخاب‌های سیاست خارجی برای اوکراین روشی خطرناک است. حقیقت غم‌انگیز در زمانی که سیاست ابر قدرت‌ها در بازی با یکدیگرند، ممکن است درست باشد. چکیده حقوقی همچون حق تعیین سرنوشت در مقطعی که دولتی قدرتمند در مقابل دولتی ضعیف تر قرار می‌گیرد، تا حد زیادی بی‌معنی است. آیا کوبا در طول جنگ سرد حق داشته که اتحادی نظامی با شوروی سابق داشته باشد. مطمئناً ایالات متحده به چنین چیزی فکر نکرده‌اند و روس‌ها نیز با چنین شیوه‌ای در مواجهه با پیوستن اوکراین به غرب می‌اندیشند. این به نفع اوکراین است که این واقعیت‌های زندگی را درک نماید و در رابطه با همسایه بسیار قدرتمند تر خود با احتیاط گام بردارد. حتی اگر کسی این تحلیل را نپذیرد و به هرحال معتقد باشد که اوکراین حق درخواست پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو دارد، واقعیتی که باقی می‌ماند این است که ایالات متحده و متحدان اروپایی اش حق دارند که این درخواست‌ها را رد نمایند. زمانی که اوکراین به سمت یک سیاست خارجی اشتباه تمایل دارد، هیچ دلیلی وجود ندارد که غرب آن را بپذیرد، به ویژه اگر دفاع از آن جزو منافع حیاتی نیست. غرق شدن برخی از اوکراینی‌ها در دروینا، ارزش خصوصیت و نزاعی را که موجد آن است را به ویژه برای مردم اوکراین ندارد.

البته برخی از تحلیل‌گران ممکن است بپذیرند که ناتو در به کار بردن روابط با اوکراین عملکرد ضعیفی داشته و هنوز روسیه را به منزله دشمنی به شمار آورند که در طول زمان صرفاً رشدی برای قدرتمند تر و ترسناک تر شدن خواهد داشت- و بنابراین در آن صورت غرب انتخابی جز ادامه سیاست فعلی ندارد. اما این دیدگان به صورت فاجعه‌ای اشتباه است. روسیه قدرت رو به نزولی است، و در طول زمان فقط ضعیف‌تر خواهد شد. حتی اگر روسیه قدرت فزاینده‌ای داشت، باز هم پیوستن اوکراین به ناتو معنی دار نبود. دلیل ساده است: ایالات متحده و متحدانش اوکراین را در زمره هسته اصلی منافع استراتژیک خود مورد ملاحظه قرار نمی‌دهند، که با عدم تمایل آن‌ها به استفاده از نیروی نظامی در کمک به آن کشور ثابت گردیده است. و بنابراین این نهایت حماقت است که عضو جدیدی برای ناتو خلق شود که سایر اعضا هیچ عزمی برای دفاع از آن ندارند. ناتو در گذشته گسترش یافته است زیرا که لیبرال‌ها فرض نموده بودند اتحاد نظامی هرگز نیاز به اقدام ویژه برای تضمین‌های جدید امنیتی نخواهد داشت، اما بازی قدرت اخیر روسیه نشان داد که تضمین عضویت اوکراین در ناتو می‌تواند روسیه و غرب را در معرض برخورد قرار دهد.

همچنین اصرار بر سیاست جاری، روابط غربی‌ها با روسیه را در سایر موارد نیز پیچیده می‌نماید. ایالات متحده به کمک روسیه برای برچیدن تجهیزات خود از افغانستان از طریق خاک روسیه، دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران و پایدار سازی شرایط درسوریه نیاز دارد. در واقع، مسکو در گذشته در همه این سه مورد به واشنگتن کمک کرده است؛ در تابستان ۲۰۱۳ این پوتین بود که با ایجاد معامله‌ای که طی آن سوریه سلاح‌های شیمیایی‌اش را با موافقت خود نابود نمود، ایالات متحده را یاری کرد و بنابراین از مداخله نظامی ارتش آمریکا که اوپاما تهدید کرده بود، جلوگیری شد. آمریکا همچنین روزی به کمک روسیه جهت محدود ساختن چین در حال رشد نیاز خواهد داشت، با این حال، سیاست کنونی واشنگتن، صرفاً مسکو و پکن را به یکدیگر نزدیک تر می‌سازد.

حال، ایالات متحده و متحدان اروپایی آن با یک انتخاب درباره اوکراین مواجه هستند. آن‌ها می‌توانند سیاست جاری خود را ادامه دهند، که خصوصیت با روسیه را تشدید خواهد کرد و اوکراین را طی فرآیندی تدریجی به نابودی خواهد کشاند- سناریویی که در آن همه طرف‌ها بازنده خواهند بود. یا آنکه می‌توانند جهت حرکت چرخ دنده‌ها را تغییر داده و برای ساختن اوکراینی پیشرفته‌ای بی طرف تلاش نمایند، کشوری که روسیه را تهدید نکند و این امکان را برای غرب فراهم نماید تا روابط خود با مسکو را ترمیم نماید. با این رویکرد همه طرف‌ها برنده خواهند بود.

تکبانک

شارژ سیم کارت با یه حرکت

خدمتی جدید در همراه بانک تجارت



نسخه جدید همراه بانک تجارت را از
سایت اینترنتی www.tejaratbank.ir دریافت نمایید



بانک تجارت

روابط عمومی

مرکز ارتباط مشتریان ۱۵۵۴



سومین دوره معرفی
برترین شرکت های
منطقه آذربایجان
Top Azerbaijan Companies

۱۳۹۴
اردیبهشت



کاشی

فارس

[پرونده: شهروز تهامی]

WWW.IRANTAC.IR
دفتر خانه دائمی طرح
۰۴۱-۳۳۳۳۳۶۰۰



انجمن ملی تولیدکنندگان صنعتی و
صنایع دستی ایران

وزن کشی اقتصاد آذربایجان

شرقی انتخاب شدند شرکت صنایع قوطی تبریز در صدر قرار گرفت. شایان ذکر است که انتخاب شرکت ها در شاخص کیفیت خدمات و محصولات از میان شرکت های سهامی عام و خاص به صورت مشترک انجام گرفت.

پیشخوان اقتصاد آذربایجان

زمانی که نگاهی دقیق تر به اقتصاد منطقه می اندازیم، گذشته از مشکلاتی که طبیعتاً به دلایل گوناگون دامن گیر بنگاه های اقتصادی شده است، به این نتیجه می رسیم که این واحدها به نتایجی چنان درخشان در عرصه تولید، اشتغال و صادرات منطقه ای و حتی ملی رسیده اند که شاید در گذشته ای نه چندان دور غیرممکن به نظر می رسید. آذربایجان غیرتمند همواره در عرصه های گوناگون همتی از خود نشان داده است که همگان را به شگفتی واداشته. اما موفقیت های درخشان و افتخارآمیز برترین شرکت های منطقه بی تردید تنها با فداکاری و آمادگی برای کار و فعالیت به دست آمده اند. پیشرفت هایی که به ویژه توسط بخش خصوصی منطقه در حوزه اقتصاد رخ داده، مقطعی یا اتفاقی نیست. آذربایجان به عنوان منطقه ای با ریشه در تجارت و تولید، همواره در تکاپوی توسعه و پیشرفت بوده و تمام فاکتورهای توسعه پایدار را در خود دارد. فقط بایستی به مردمانش اعتماد نمود تا ده ها برابر آنچه تاکنون تجربه گردیده، انجام دهند. اما واقعیتی که ظرفیت های عظیم و دستاوردهای مردان بزرگ این منطقه را کم فروغ می کند عدم معرفی درست توانمندی های منطقه و ایشان است. توانمندی هایی که در صورت توجه کافی می تواند چهره ای بسیار درخشان تر از تصورات ما را به منطقه ببخشد. طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان، در تلاش است در کنار دیگر اهداف خود این موضوع را در کانون توجه خود قرار دهد. اما آنچه که بیش از هر چیز دست اندرکاران این طرح را برای ادامه قدرتمندتر مسیر تشویق می نماید، اعتمادی است که صاحبان بنگاه های اقتصادی استان به ایشان نموده اند و جزئی ترین اطلاعات مالی خود را در اختیار کارشناسان سازمان مدیریت صنعتی قرار داده اند تا در طرح IRANTAC حضوری پر فروغ داشته باشند. به هر حال مجموع آمارها و اطلاعات ارائه شده به سازمان مدیریت صنعتی حکایت از حرکات مثبت در اقتصاد منطقه دارد. اما چندان تعادلی در توزیع میزان صادرات میان شرکت های مختلف سهامی عام وجود ندارد. به عنوان مثال مجموع صادرات این شرکت ها در سال مالی ۱۳۹۱، ۳۰۵،۴۲۹،۵۵۶ دلار بوده است که ۲۱ درصد آن به شرکت اول اختصاص دارد. میزان صادرات ۵ شرکت اول این گروه از شرکت ها با رقمی معادل ۲۱۲،۰۰۵،۳۰۱ دلار، ۹۳،۵ برابر میزان صادرات ۵ شرکت آخر لیست با رقم صادرات معادل ۲،۲۶۸،۱۷۳ دلار می باشد. همین عدم توازن در میزان صادرات شرکت های سهامی خاص نیز مشهود است. مجموع صادرات برترین شرکت های سهامی خاص منطقه آذربایجان معادل ۲۰۲،۶۸۸،۸۸۰ دلار می باشد که ۲۷،۴ درصد آن را شرکت اول به خود اختصاص داده است. مجموع صادرات ۵ شرکت اول نیز با رقمی معادل ۲۰۲،۶۸۸،۸۸۰ دلار قریب به ۴۰۰ برابر مجموع صادرات ۵ شرکت آخر جدول با رقمی معادل ۲۷۹،۴۰۸ دلار می باشد.

آمار مجموع اشتغال ایجاد شده توسط شرکت های سهامی خاص نیز با ۴/۵ درصد، بیش از اشتغال ایجاد شده یک درصدی توسط شرکت های سهامی عام است که همین امر حکایت از این دارد که در صورت اتخاذ سیاست های مناسب برای ایجاد بستر مناسب تر برای توسعه کسب کارهای بخش خصوصی، نتایج چشمگیری در اشتغال زایی را شاهد خواهیم بود.

در مجموع وبا توجه به مستندات مالی شرکت های حاضر در طرح، می توان به تحلیلی جامع از روند اقتصاد منطقه دست یافت، فهرست صد و پنجاه شرکت برتر منطقه در سال ۱۳۹۳ دروب سایت www.irantac.ir در دسترس است.

حرفتی که دو دوره است با حمایت و مشارکت همه نهاد های اقتصادی استان انجام می شود، می تواند نفسی تازه را در کالبد کسب و کار منطقه ی آذربایجان بدمد. درست زمانی که صنعت و تجارت کشور و به تبع آنض منطقه درگیر مشکلات بسیاری همچون تحریم های ظالمانه اقتصادی غرب می باشند، استقبال بنگاه های اقتصادی منطقه از ارائه ی اطلاعات خودو شرکت در طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان نشان از وجود امیدواری و اعتماد در میان صنعتگران، تولیدکنندگان و کارآفرینان کشورمان دارد. این موضوع روزهای سختی را به ما یادآوری می نماید که در کنار هم پشت سر گذاشته و به روزهای بهتر اندیشیده و دست یافته ایم.

در اردیبهشت ماه سال جاری که برای دومین بار همایش معرفی برترین شرکت های منطقه ی آذربایجان، با حمایت استانداری، سازمان صنعت، معدن و تجارت، اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی، شرکت شهرک های صنعتی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی و خانه صنعت و معدن، با حضور نمایندگان محترم تبریز در مجلس شورای اسلامی و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مدیران شرکت های بزرگ منطقه و همت دبیرخانه دائمی مستقر در نمایندگی های سازمان مدیریت صنعتی در شمالغرب کشور برگزار شد. در این مراسم برترین های حوزه اقتصاد این منطقه ی آذربایجان از دیدگاه های گوناگون معرفی گردیدند. نکته قابل توجه این است که کلیه شرکت های حاضر در این طرح، صرف نظر از جایگاه کسب شده، جزو برترین شرکت های منطقه آذربایجان بوده که از میان حداقل ده هزار واحد صنعتی شمالغرب کشور، برگزیده شده اند و تحسین کلیه این شرکت ها از اهداف اولیه و مهم طرح بوده است. در این دور ه طرح مذکور، پنج شاخص برای رتبه بندی شرکت های برتر مورد توجه قرار گرفت که عبارت بودند از حوزه رشد و بازدهی، حوزه اثربخشی در بازارهای بین المللی، حوزه ه اشتغال، حوزه استفاده ه هوشمندانه از دارایی ها، و

در نهایت حوزه ی کیفیت خدمات و محصول. در هر یک از این حوزه ها نیز گزینش از میان شرکت های سهامی خاص و عام به طور جداگانه انجام گرفته است. در بخش معرفی برترین شرکت های سهامی عام در حوزه رشد و بازدهی سی و نه شرکت براساس شاخص های نرخ رشد فروش، سود آوری، بازده فروش، و ارزش دارایی ها به مرحله نهایی گزینش راه یافتند که شرکت شهرسازی و خانه سازی باغمیشه آذربایجان شرقی در صدر قرار گرفت. در همین حوزه از میان شرکت های سهامی خاص نیز از میان صد شرکتی که در رتبه بندی اصلی قرار گرفتند شرکت صنایع غذایی آر اس مهر در جایگاه اول قرار گرفت. در شاخص اثربخشی در بازارهای بین المللی با در نظر گرفتن تنوع بازار های صادراتی در ۳ سال اخیر، میزان صادرات خالص در سال اخیر، سرانه صادرات در سال ۱۳۹۱ و رشد صادرات در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰، از میان بیست و سه شرکت راه یافته به جدول نهایی شرکت های سهامی عام شرکت کالسیمین در صدر قرار گرفت. در میان شرکت های سهامی خاص نیز شرکت شیرین عسل بالاتر از چهل و شش شرکت فهرست نهایی قرار گرفت. در حوزه ه اشتغال در میان سی و هفت شرکت جدول نهایی شرکت های سهامی عام با در نظر گرفتن تعداد کارکنان در سال ۹۰ و ۹۱ و خالص ایجاد اشتغال در سال ۹۱ شرکت صنعتی مینو بالاتر از سایر سی و هفت شرکت قرار گرفت. در میان شرکت های سهامی خاص نیز شرکت شیرین عسل بالاتر از صد شرکت دیگر قرار گرفت. در حوزه ه اشتغال هی هوشمندانه از دارایی ها با در نظر گرفتن معیارهای هزینه های مالی، هزینه مالیات، هزینه های نیروی انسانی، هزینه استهلاک، و سود خالص، شرکت کالسیمین از میان سی و هفت شرکت سهامی عام بالاترین رتبه را به دست آورد. در این حوزه شرکت صنایع خالص سازان روی زنجان نیز از میان صد شرکت نهایی سهامی خاص در ردیف اول قرار گرفت. در آخرین شاخص که حوزه کیفیت خدمات و محصولات را شامل می شود نیز در میان هجده شرکتی که با همکاری سازمان استاندارد آذربایجان



«در آستانه برگزاری سومین دوره»

- تسهیل شرایط تصمیم گیری سرمایه گذاران در خصوص راه اندازی کسب و کار جدید
- ایجاد زمینه تحقیقات پژوهشگران در جهت شناخت فضای کسب و کار از زوایای تازه
- جلب توجه سیاست گذاران و سرمایه گذاران به مزیت های منطقه در بخش های مختلف اقتصادی
- ارائه اطلاعات شفاف و قابل اعتماد برای تصمیم گیران و سیاست گذاران دولتی در خصوص فضای کسب و کار منطقه
- ایجاد انگیزه در کارکنان و مدیران از بابت کار کردن در برترین شرکت های منطقه
- ایجاد و افزایش شهرت منطقه ای، ملی و بین المللی بنگاه های اقتصادی منطقه و محصولات آنها
- مشارکت فعال سازمان مدیریت صنعتی به عنوان شریک اجتماعی دولت
- محک زدن مستمر شاخص های مختلف رشد شرکت ها با یکدیگر و همچنین با مقیاس ملی و جهانی
- توسعه سرمایه اجتماعی در سطح منطقه و کشور
- افزایش میزان مشارکت در فعالیت ها و مبادلات منطقه ای و بین المللی
- ارائه اطلاعات ارزشمند به نهاد های حاکمیتی در خصوص تأمین منابع مورد نیاز طرح های مختلف شرکت های بزرگ و تأثیر گذار

اهمیت طرح

اهمیت طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان برای بنگاه های اقتصادی - شناسایی وضعیت رقابتی
این طرح به بنگاه ها کمک می کند تا درباره وضعیت خود در مقایسه با رقبایان - در صنعت و کل بنگاه ها - شناخت شفاف و دقیقی پیدا کنند و آثار فعالیت شان را بر وضعیت رقابتی خود مشاهده نمایند.
- تدوین برنامه استراتژی (راهنماها)
فهرست انتشار یافته، به خصوص روند آن در سال های مختلف، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار تحلیل گران مالی و استراتژیک شرکت قرار می دهد. این اطلاعات منابع موثق و مستندی در جهت تدوین استراتژی های شرکت در آینده خواهند بود.
- جلب نظر سهامداران و ذی نفعان
همچنین این طرح می تواند اطلاعات مفیدی در مورد وضعیت بنگاه در مقایسه با رقبایان خود در اختیار ذی نفعان از قبیل مدیران، سهام داران و سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و بانک ها، مشتریان و دیگر نهاد هایی که به نحوی در فعالیت اقتصادی بنگاه مرتبط هستند، قرار دهد. بنابراین بنگاه هایی که از عملکرد مثبتی برخوردارند، می توانند با نمایش فعالیت های خود در قالب شاخص های مختلف طرح، در جذب سرمایه، جلب کمک های دولتی، مشارکت یا هر گونه فعالیت مطلوب اقتصادی با دیگر بنگاه ها یا نهادهای داخلی و خارجی موفق تر عمل کنند.

تشویق کارآفرینان

این طرح با تلاش در جهت ارائه اطلاعاتی شفاف در خصوص وضعیت کسب و کار در منطقه و همچنین قدردانی از برترین شرکت های منطقه باعث افزایش انگیزه در کارآفرینان خواهد شد تا نسبت به توسعه کسب و کار و کارآفرینی خود اقدامات بیشتری را انجام دهند.
- جذب و نگهداری افراد با استعداد
این طرح اطلاعات ارزشمندی در خصوص فرهنگ کاری و میزان توجه شرکت ها به اصلی ترین سرمایه های خود یعنی نیروی انسانی، در اختیار کارکنان شرکت به عنوان یکی از ذی نفعان مهم و افراد جوای کار قرار می دهد. بنابراین شرکت هایی که

بر اساس آنچه مورد تأکید کلیه کارشناسان و سیاست گذاران اقتصادی می باشد، دستیابی به اهداف چشم انداز بیست ساله توسعه کشور در حوزه اقتصادی به ویژه کسب جایگاه اول اقتصادی در آسیای جنوب غربی در سال ۱۴۰۴ و ایجاد بهبود روز افزون در فضای کسب و کار، امری ضروری به نظر می رسد. در این راستا لازم است کلیه طرح ها و برنامه های کلان کشور نیز با در نظر گرفتن این ضرورت و همسو با چشم انداز ۲۰ ساله تنظیم و اجرا شود. بدیهی است محیط کسب و کار منطقه آذربایجان به عنوان یکی از قطب های بزرگ صنعتی کشور از این قاعده مستثنی نبوده و ایجاد بهبود بیش از پیش در آن در راستای تحقق اهداف اقتصادی چشم انداز کشور، امری مهم و حیاتی می باشد. این منطقه که همواره با اتکال به قدرت لایزال الهی، ایمان، عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده به عنوان یکی از پیشکوتستان عرصه صنعت کشور مطرح بوده است، در سال های اخیر نیز در بسیاری از جنبه ها مانند رشد صنعتی، سهم از تولید ناخالص داخلی، صادرات محصولات صنعتی، معدنی و صنایع دستی، اشتغال، میزان سرمایه گذاری و ... در رتبه های بالای کشوری قرار داشته و این امر نقش و اهمیت آن را در مسیر توسعه کشور و رسیدن به اهداف چشم انداز ۲۰ ساله نمایان تر می سازد.

با عنایت به آنچه بیان گردید سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان با الهام از رسالت سازمان و در راستای بسط و گسترش تجربیات و خدمات سازمان مرکزی با همکاری نهاد های حاکمیتی و تشکل های بخش خصوصی ذیربط، با هدف فراهم نمودن آمار و اطلاعات شفاف و مفید در مورد بنگاه های اقتصادی منطقه، این طرح را تحت عنوان معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان در سطح حوزه جغرافیایی منطقه شمالغرب کشور، به اجرا درمی آورد.
انتظار می رود پس از اجرای این طرح، آمار و اطلاعات شفاف و مفید در مورد بنگاه های اقتصادی منطقه بیش از پیش فراهم شده، فضای روشنتری از کسب و کار اقتصادی منطقه ارائه گردد. بر همین اساس شرکت های منتخب از زوایای مختلف با شاخص های متعددی که در ادامه اشاره می شود، مورد بررسی قرار گرفته اند.

اهداف طرح و مزایای اجرای آن

هدف اصلی طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان، شفاف سازی فضای کسب و کار و جایگاه اقتصادی شرکت های استانی و منطقه ای و رتبه بندی آنها از نظر میزان تأثیر گذاری در اقتصاد استانی، منطقه ای و ملی با هدف گسترش رقابت میان بنگاه های اقتصادی و در نتیجه ایجاد بهبود در محیط کسب و کار می باشد. در کنار این هدف مزایای ذیل نیز در اجرای طرح مورد بحث متصور است:

- شناسایی آرایش بنگاه های بزرگ منطقه شمال غرب کشور در کنار یکدیگر و نحوه تغییر آن در طول زمان
- افزایش رضایت بنگاه های اقتصادی و ایجاد انگیزه فعالیت و توسعه در محیط کسب و کار
- ایجاد سیستم پاداش اجتماعی برای کارآفرینان و شرکت های مولد
- ایجاد بستر های مناسب برای تعامل مؤثر شرکت های بزرگ منطقه با نهاد های دولتی، اجتماعی و مالی
- افزایش رقابت پذیری شرکت های بزرگ منطقه در تعامل با اقتصاد ملی و جهانی
- جلب مشارکت فعال عموم مردم به عنوان شرکای اجتماعی در توسعه شرکت های بزرگ و متوسط منطقه
- کاهش هزینه های جذب نیروی متخصص برای شرکت های بزرگ منطقه از طریق شناساندن آنها به عنوان شرکت های برتر
- آسان تر نمودن تصمیم گیری برای افراد متخصص و نخبگان جویای کار در انتخاب محل اشتغال خود



از عملکرد مثبتی برخوردارند، می‌توانند در جذب و نگهداری افراد نخبه و با استعداد در مقایسه با رقبای خود موفق‌تر عمل نمایند.

اهمیت طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان برای سیاست‌گذاران اقتصادی

- تحلیل روند اقتصادی منطقه

با مشاهده فهرست شرکت‌ها و به خصوص روند تغییرات آن در سال‌های مختلف، تحولات عرصه اقتصاد بنگاهی از منظری شفاف‌تر قابل مشاهده خواهد بود. با بررسی مداوم تحولات فهرست بررسی شده بنگاه‌ها، تشخیص جهت حرکت در کسب و کارهای اقتصادی و شناسایی دورنمای رونق و رکود در صنایع مختلف بر اساس اطلاعات معتبر و مستند میسر خواهد بود و این امر، دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و صنعتی را جهت اخذ تصمیمات متناسب در راستای اهداف بلندمدت اقتصادی یاری خواهد داد.

- تدوین سیاست‌های اصلاحی

با بررسی و تحلیل تغییر رتبه بنگاه‌ها در فهرست برترین شرکت‌های منطقه، سیاست‌گذاران اقتصادی می‌توانند میزان اثر بخشی سیاست‌های اصلاحی اعمال شده خود را در سطح کلان و یا در سطح صنعت، به صورت مستقیم بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، تغییرات وضعیت صنعت و نیز تغییرات صنایع نسبت به یکدیگر و در نهایت آثار بلندمدت بر آرایش بنگاه‌های اقتصادی منطقه شمالغرب کشور پیگیری نمایند.

اهمیت طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان برای مردم

- افراد جامعه به عنوان مصرف‌کنندگان کالا و خدمات بنگاه‌های اقتصادی با آگاهی از فهرست برترین شرکت‌ها، آنها را مورد تحسین قرار داده و در تصمیم‌گیری برای خرید و همچنین تصمیم‌گیری برای اشتغال، این فهرست را مد نظر قرار می‌دهند.

اهمیت طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی

- تحلیل بازار سرمایه

فهرست منتشر شده می‌تواند به فعالان اقتصادی به خصوص سهام‌داران و فعالان بازار سرمایه - اطلاعات تحلیلی دقیق‌تری ارائه دهد. این اطلاعات در کنار اطلاعات معتبر دیگر، به شناسایی روند شرکت و پیش‌بینی روند آینده آن کمک می‌نماید. - شناسایی فرصت‌های همکاری اقتصادی

اطلاعات مندرج در فهرست طرح حاضر می‌تواند به شرکت‌های داخلی و خارجی در یافتن فرصت‌های همکاری و مشارکت اقتصادی با بنگاه‌های مستعد یاری نماید.

- تشویق رقابت در بخش دولتی و خصوصی
این طرح می‌تواند به گسترش و تشویق رقابت، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی کمک کند.

روش شناسی فهرست برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان

معرفی شرکت‌ها در محیط کسب و کار تلاشی علمی برای تلخیص بسیاری از اطلاعات پیرامونی محیط کسب و کار در قالب سنجه‌های ساده و قابل درک است. رتبه‌بندی می‌تواند اطلاعات مفیدی در مورد وضعیت شرکت‌ها در مقایسه با رقبای خود در اختیار ذی‌نفعان از قبیل مدیران، سهام‌داران و سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و بانک‌ها، مشتریان، دولت و سازمان‌های دولتی و ... قرار دهد.

با کمک بررسی مداوم تحولات در فهرست برترین شرکت‌ها، تشخیص جهت حرکت در کسب و کارهای اقتصادی و شناسایی دورنمای رونق و رکود در صنایع مختلف و حتی ارزیابی میزان اثربخشی سیاست‌های اصلاحی اعمال شده، قابل پیگیری است. باید توجه داشت که در روش کلی برای ارزیابی بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد:

روش اول، روش ارزیابی جایگاه و نتیجه عملکرد شرکت‌ها است. بسیاری از فهرست‌های رتبه‌بندی متعارف در جهان از قبیل فورچون ۵۰۰، هزار شرکت برتر آمریکا، (رتبه‌بندی ۵۰۰ شرکت برتر ایران، سازمان مدیریت صنعتی) و ... بر اساس یک یا مجموعه‌ای از شاخص‌های خروجی‌گرا به رتبه‌بندی شرکت‌ها می‌پردازند. در واقع، مبنای ارزیابی از جایگاه و عملکرد شرکت‌ها در این فهرست‌ها، بر اساس یک یا مجموعه‌ای از شاخص‌ها یا ماهیت ارائه خروجی و عملکرد شرکت است که در آن فقط خروجی و نتیجه، مورد نظر قرار می‌گیرد و فرآیند کسب این خروجی مد نظر نخواهد بود. البته استدلال این گروه از رتبه‌بندی‌ها این است که در یک مجموعه، خروجی بالا به شرطی حاصل می‌شود که فرآیند‌های پیشین و پسین آن مجموعه، از استاندارد و کیفیت حداکثر برخوردار باشد و به عبارتی برای شرکت‌های دارای

خروجی ایده‌آل این فرض حاکم خواهد بود که فرآیند‌های قبلی آنها دارای حداکثر امتیازهای کیفی می‌باشد.

روش دوم، روش ارزیابی فرآیندی عملکرد شرکت یا روش‌های فرآیندگرا است. در این رتبه‌بندی، معیار ارزیابی شرکت‌ها بر فرآیند کار تمرکز بیشتری دارد. این مدل بر مجموعه گسترده‌تری از شاخص‌ها اعم از کیفی و کمی، بر دامنه وسیع‌تری از متغیرها که ورودی‌ها، فرآیندها و خروجی‌ها را در برمی‌گیرد، تکیه دارند. بدیهی است این مدل‌ها نیز اطلاعات ارزشمندی را در خصوص فرآیند کار شرکت‌ها در اختیار مدیران و ذی‌نفعان شرکت قرار می‌دهند که می‌توان به جایزه‌تعالی مرکز مطالعات بهره‌وری سازمان مدیریت صنعتی در این زمینه اشاره کرد.

در روش‌های فرآیندگرا، اطلاعات زیادی برای محاسبه معیارهای ارزیابی مورد نیاز است و در بسیاری از مواقع انجام بخش‌هایی از کار نیز بر خود ارزیابی، استوار می‌باشد. هرچند این روش زمانی که قصد رتبه‌بندی میان شرکت‌های زیادی را داریم، چندان قابل اتکا نخواهد بود، ولی نظر به ارائه اطلاعات ارزشمند در مورد فرآیند‌های شرکت، نمی‌توان این نوع ارزیابی را نادیده گرفت.

در طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان، بر اساس نیاز سنجی و نظر سنجی صورت گرفته از ذینفعان طرح، علاوه بر استفاده از شاخص‌های نتیجه‌گرا مانند فروش سالانه، سود آوری و ... از شاخص‌های فرآیندگرا از قبیل کیفیت محصولات و خدمات و ... استفاده می‌شود.

شاخص‌های مورد استفاده در طرح معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان در این طرح، برترین شرکت‌ها بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های مالی و غیر مالی در ۵ حوزه زیر معرفی می‌شوند.

۱) رشد و بازدهی

این حوزه نشان‌دهنده میزان رشد شرکت و بازگشت مالی سرمایه‌گذاری است. شاخص‌های مورد استفاده برای معرفی برترین شرکت‌های منطقه آذربایجان در حوزه رشد و سودآوری شرکت عبارتند از:

- نرخ رشد

- میزان سود خالص

- بازده فروش

- ارزش‌داری‌های شرکت

۲) اثر بخشی در بازارهای بین‌المللی

این حوزه نشان‌دهنده میزان بین‌المللی شدن شرکت و توفیق آن در بازارهای بین‌المللی می‌باشد. شاخص مورد استفاده برای تعیین شرکت‌های اثر بخش در بازارهای بین‌المللی به شرح زیر می‌باشد:

- تنوع بازارهای صادراتی

- سرانه صادرات

- رشد صادرات

- میانگین صادرات سه سال اخیر

۳) استفاده هوشمندانه از دارایی‌های شرکت

استفاده هوشمندانه از دارایی‌ها نشان‌دهنده استفاده بهینه از منابع انسانی، سرمایه، انرژی، ... و ترکیب بهینه آن‌ها در جهت تولید محصول و ارائه خدمات می‌باشد. شاخص بهره‌وری کل معیار مورد استفاده برای تعیین و معرفی شرکت‌های هوشمند در بهره‌گیری از دارایی‌ها می‌باشد.

۴) اشتغال‌زایی

این حوزه نشان‌دهنده میزان ایجاد و حفظ اشتغال توسط شرکت‌ها می‌باشد و با استفاده از شاخص‌های زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد:

- تعداد کارکنان شرکت

- خالص ایجاد اشتغال سالانه

۵) کیفیت محصول

کیفیت محصول نشان‌دهنده میزان انطباق محصولات و خدمات شرکت‌ها با استانداردهای سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی است و با استفاده از شاخص‌های این سازمان مشخص می‌شود.

لازم به ذکر است نمایندگی‌های سازمان مدیریت صنعتی در منطقه آذربایجان تلاش خواهند کرد که شاخص‌هایی از جمله بهترین محل برای کار کردن، رهبری سازمانی، ارزش‌برند، مسئولیت اجتماعی، تعالی سازمانی و ... نیز در دوره‌های آینده این طرح مورد ارزیابی قرار گیرند.

شایان ذکر است دارا بودن حداقل ۴۰ میلیارد ریال فروش یا درآمد سالانه شرط لازم جهت حضور شرکت‌ها در این طرح می‌باشد. همچنین از باب حضور شرکت‌ها در طرح هیچ‌گونه هزینه‌ای دریافت نمی‌گردد.

به تبریز که نگاه می کنیم کلاهمان می افتد



تدبیر برای امنیت شاغلین، مجموعه‌ی تدابیری است که ما به امید خدا باید دنبال کنیم و امید داریم مسیرهای درستی برای حرکت دولت‌های آینده هم بنا کنیم. اما در مورد این همایش، من حضور در این همایش را با اشتیاق قبول کردم. اگر ما بخواهیم ایران را به یک وضعیت اقتصاد رقابتی برسانیم، اگر بخواهیم مصرف داخل را به سمت کالای ایرانی ببریم، باید به تولید و صنعت داخلی بها بدهیم. ما باید به برندهای مان ارزش بدهیم. برندها را اگر حفظ نکنید می‌میرند. کفش ملی یک برند ایرانی بوده است. در بخشی از منطقه‌ی آسیا آرزوی کسانی بوده است که کفش ملی بپوشند. طعم چای ما در ترکمنستان یک برند بوده است. متاسفانه برندهای بسیاری در کشور ما مرده‌اند. پارس الکترونیک برند خیلی خوبی بود. می‌توانست با شرکت‌های بزرگی رقابت کند. پنجاه برند در کشور ما از بین رفته است. ایجاد یک برند بسیار مشکل است. برند دو بخش مادی و معنوی دارد. بسیاری از اتفاقات باید در فرایند یک شرکت بیفتد که یک برند در ذهن مصرف کننده بنشیند. حتی اقتصاد مقاومتی ما هم باید بر اساس برند، شکل بگیرد. به هر حال ما چه بخواهیم و چه نخواهیم جهانی شدن ارتباطات برندی شدن مصرف کننده‌ها را به دنبال دارد. این اتفاقی است که در تمام کشورهای جهان هم افتاده است. بالاخره نسل جدید با برند زندگی می‌کند. و با برندها هویت خودشان را نشان می‌دهند. این یک واقعیت است. اگر ما خواهان اقتصاد مقاومتی هستیم حتما باید برندهای بزرگ را داشته باشیم و از برندهای بزرگی هم که ایجاد شده باید محافظت کنیم. من خیلی خوشحالم که برخی از شرکت‌های شکلات سازی ما آنقدر بزرگ شده‌اند که امروز در ترکیه به اسم این‌ها تولید می‌کنند. ما حتما باید در این جهت حرکت کنیم. البته ما باید بتوانیم عناصر مادی برند را هم مثل کیفیت و قیمت داشته باشیم.

همین مسأله‌ی کیفیت بسیاری از برندهای ما را خراب کرد. امروز در اسپانیا زعفران ما را با برند دیگری به کل دنیا می‌فروشند. یکی از مسایلی که برندها را رشد داده است تعهدات اخلاقی و سرمایه‌ی اجتماعی آن‌ها بوده است. ما هنوز هم وقتی می‌خواهیم خرما بخیریم دولا به از رویش برمی‌داریم و این همان نقطه ضعف برند ایرانی است. برند باید همراه با اعتماد باشد. من اعتقاد دارم که ما باید تلاش بکنیم برندهای ایرانی بسازیم، باید تلاش کنیم ذائقه‌ی ایرانی را با برندهای ایرانی آشتی بدهیم، باید تلاش بکنیم برندهای ایرانی را در بازارهای بین المللی قابل توجه بکنیم، و برای این کار باید برندهای ما در زنجیره‌ی تولید بین المللی وارد بشوند که این هم کار خوبی است. اما آن قدرت و قوت و بنیان داخلی بسیار می‌تواند کمک بکند. آرزو می‌کنم که بتوانیم هر روز و هر لحظه کشور را بیشتر از گذشته بسازیم و خداوند خیر و برکتش را برای ساختن ایرانی برتر بر کشور ما جاری کند.

به نظرم می‌رسد که ما بیش از این باید در مورد جایگاه و شایستگی تبریز، و ارتقای استان به جایگاه شایسته‌ی خودش تلاش داشته باشیم. تبریز و آذربایجان شرقی برای ما یک استان نیست، بلکه یک هویت ملی ایرانی است. بر همین اساس است که باید یک دیدگاه هویتی ایرانی به جایگاه و ارتقای تبریز و آذربایجان شرقی داشته باشیم. شهریار می‌گفت «آرخبین اول منیم گوزوم سنده دیر فارسلاز دیریر جوینده یابنده دیر». این بدین معناست که چشم امید منطقه به تبریز دوخته شده است. می‌گویند «تبریزه باخاندا بورکوموز دوشر» یعنی وقتی به تبریز نگاه می‌کنیم کلاهمان می‌افتد و این کنایه از بزرگی تبریز است. و این باید یک مسأله‌ی استراتژی ملی برای ما باشد. ما نباید چین را ببینیم و افسوس بخوریم. مالزی را و ژاپن را ببینیم و افسوس بخوریم. البته منابع انسانی و ظرفیت‌های ما چیزی است که خیلی‌ها آرزوی آن را دارند. مسأله‌ی ما کار و تلاش کمیابی است که باید در خلاقیت بسیار زیاد ایرانی ضرب شود. ما باید اینهمه منابع و امکانات را به قدرت ملی تبدیل کنیم و به اعتقاد من تبریز جایگاه ویژه‌ای در ارتقای قدرت ملی ما باید ایفا کند.

اگر نگاهی اجمالی به فرمایشات مقام معظم رهبری داشته باشیم می‌بینیم که ایشان مدتی است که بر مقوله‌ی اقتصاد تاکید ویژه دارند. به اعتقاد من این نگرانی بسیار به جاست. ما در دولت هم همین اعتقاد را داریم که جامعه‌ی سعادت‌مند، جامعه‌ی تولید محور است. ثروت ما پول حاصل از نفت نیست. ما در هشت سال گذشته چقدر پول در کشور ریختیم. با این پول می‌شد یکی دو کشور کوچک را بنا کرد. با پاشیدن پول رشد و توسعه به وجود نمی‌آید. در کشور ما حدود بیست و سه میلیون شغل وجود دارد. ساعات کاری این شغل‌هاست که ثروت ماست. میزان کاری که چه در صنعت، چه در کشاورزی و چه در خدمات به وجود می‌آید. این است که یک کشور را می‌سازد. این مشاغل ضرب در یک مدیریت جهادی تدبیری، امید ایرانیان را به ثمر خواهد نشاند. دلواپسی همه‌ی ایرانی‌ها رشد و توسعه است. دلواپسی ایرانی‌ها ارتقای جایگاه ایران و ایرانی در جهان است. دلواپسی ایرانی، سفره‌های رنگین و بی‌دغدغه و کیفیت زندگی است. و این تنها کار و تلاش است که می‌تواند این دلواپسی‌نخبگان را پاسخ دهد. این فکر و ایده‌ی خلاقانه در پیوند با کارآفرین و همراه با تلاش کارگران است که می‌تواند این دلواپسی‌ها را رفع کند و کشور را به صورت جهشی پیش ببرد. پس چرا این جهش اتفاق نمی‌افتد. چون اینها در کنار هم قرار نمی‌گیرند و در یک پیوند درست نیستند. به عنوان یک فردی که هم در جامعه‌ی کارگری بوده‌ام و هم در کنار کارآفرینان بوده‌ام و هم در دانشگاه دغدغه‌ام همین مسأله بوده است عرض می‌کنم که ما هیچ راهی جز کار و تلاش بیشتر و تولید محور کردن جامعه نداریم. اگر جامعه تولید محور شود اخلاق مان هم درست می‌شود. کارگر به جایگاه واقعی می‌رسد. کارآفرین در چنین جامعه‌ای ارزشمند می‌شود.

کتاب‌های دبستان نباید با آب و نان دادن به کودک شروع بشود. با تلاش برای به دست آوردن نان باید شروع بشود. ما وقتی وضع مان، درست می‌شود که لایه‌ی‌های و آرزوهای مادران مان بر اساس آرزو برای تلاشگری‌شان باشد. خداوند متعال هرگاه در قرآن به ایمان می‌رسد از عمل صالح هم صحبت می‌کند و این عمل صالح، چیزی بجز همان کار و تلاش نیست. هر ایرانی اگر خواهان ارتقای جایگاه ایران در جهان است، هر ایرانی اگر دلواپس آینده‌ی فرزندان و بچه‌های آینده‌ی ایران است، باید بداند که باید ایرانی پر تلاش بسازیم. ایران تولید محور را ایجاد کنیم. ایران خلاق را ایجاد بکنیم. من امیدوارم که با برنامه‌هایی که دولت تدبیر و امید، اجرا می‌کند به این نتایج برسیم. تدبیر برای کار موثر، تدبیر برای تلاش موثر، تدبیر برای به کار گیری سرمایه‌ی موثر، تدبیر برای امنیت سرمایه،

تولید و صنعت یک ارزش اجتماعی

در پایان همایش دومین دوره طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان میزگردی با حضور آقایان کلینی نایب رئیس اتاق بازرگانی تبریز، دکتر شریفزاده رئیس انجمن مدیران استان، دکتر بهشتی عضو هیات علمی دانشگاه تبریز و معاون وقت برنامه ریزی استانداری اردبیل، دکتر مسجدی قائم مقام و مشاور اجرایی منطقه آزاد ارس، و معاون وقت برنامه ریزی استانداری آذربایجان شرقی، مهندس عصفوری معاون برنامه ریزی استانداری زنجان، دکتر عسکری مدیر عامل شرکت شهرک های صنعتی آذربایجان شرقی و سرکار خانم باغشمالی مدیر شبکه نمایندگی های سازمان مدیریت صنعتی کشور برگزار شد. در این میزگرد که با حضور دکتر حیدری تاحدی شکل مناظره نیز به خود گرفته بود، حاضران به بررسی مشکلات بخش خصوصی و تولیدکنندگان و کارآفرینان پرداختند.

در ابتدای این مراسم دکتر حیدری با ارائه توضیحاتی در خصوص نحوه اجرای طرح، موضوع میزگرد را چگونگی بهره گیری بهتر از ظرفیت های برترین بنگاه های اقتصادی منطقه و نحوه حمایت و اختصاص مشوق هایی برای آنها اعلام کرد. مشروح سخنان شرکت کنندگان در میزگرد از نظر تان می گذرد.



شیرین باغشمالی

مدیر شبکه ای نمایندگی های سازمان مدیریت صنعتی

واقعیت این است که وقتی جراید را مطالعه می کنید و در جریان اخبار کشور در حوزه بیمه و بانکداری قرار می گیرید، اغلب اخبار درباره ی مطالبات بالایی است که نظام بانکی کشور از بدهکاران اقتصادی دارد. این در حالی است که شرکت های برتر همواره در ردیف بهترین مشتریان نظام بانکی قرار دارند. من معتقدم که نظام بانکی باید تسهیلات مناسب تری را در اختیار شرکت های برتر قرار دهد که این شرکت ها بتوانند مسیر رشد و تعالی شان را هموارتر طی نمایند و در نتیجه منابع و نقدینگی کافی را در اختیار داشته باشند. به نظر می رسد با تمام مشکلاتی که ممکن است در روند شکل گیری یک صنعت، تولید و یا خدمات وجود داشته باشد، و با همه ی موانعی که در تشکیل یک واحد بزرگ تولیدی پیش می آید، این شرکت ها توانسته اند خودشان را بالا بکشند و به جایی برسانند. ما باید از خود این شرکت ها بپرسیم که موانعی که بر سرشان است کدام موارد است. دولت و مسئولین همه باید تلاش کنیم که در جهت منویاتی که رهبر معظم انقلاب در باب اقتصاد مقاومتی فرموده اند بتوانیم کمکی را به این گوهای صنعت و تولید کشور انجام دهیم.



محمد باقر بهشتی عضویت علمی دانشگاه تبریز و معاون وقت برنامه ریزی استانداری اردبیل



واقعی. اساس اقتصاد مقاومتی هم همین مقاوم کردن اقتصاد است. یعنی اقتصادی که روی پای خودش بایستد. متأسفانه به دلایلی، سیاست‌های ما در کل صد سال گذشته سیاست‌های تقویت‌کننده‌ی بخش خصوصی نبوده است. مخصوصاً در کشوری که صد و سیزده سال سابقه‌ی استخراج نفت وجود دارد و مینا رسیدن به رفاه سریع‌الوصول است. در حالی که به سمت یک اقتصاد ساده‌ای نرفته‌ایم که مینایش بر تولید باشد و برخورداری از نتایج تولید. در ایران ما مینا را بر تولید و تقویت تولید نگذاشته‌ایم. اگر مینای ما تولید باشد آن موقع برخورداری از امکانات هم باید بر مینای میزان مشارکت در تولید باشد. قانون کار ما باید قانونی باشد که هم کارگر از آن منتفع بشود و هم کارفرما و هم جامعه. یعنی بنگاه‌های تولیدی باید بنگاه‌هایی باشند که تمام مشارکت‌کنندگان در روند تولید از آن منتفع شوند. خوشبختانه با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، بستری لازم برای تقویت بخش خصوصی فراهم شده است. به شرط این‌که ما این سیاست‌ها را درست اجرا کنیم و در این ابلاغیه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم، با اجرای تمام بیست و چهار بندش، به اجرا درآوریم.

در اقتصاد مقاومتی موارد بسیار زیادی برای گفتن هست اما من به دو نکته اشاره می‌کنم. در تعریف اقتصاد مقاومتی به دو نکته‌ی مهم اشاره‌ی اساسی می‌شود. اقتصاد درون‌زا و برون‌نگر. معنی اقتصاد درون‌زا با اقتصاد درون‌گرا خیلی فرق دارد. اقتصاد درون‌گرایی یعنی اقتصاد به لاک خود فرو رفتن. یعنی این‌که ما برگردیم به دور کشورمان دیواری بکشیم، بعد نیازهای خودمان را خودمان تامین کنیم. اقتصاد درون‌زا یعنی این‌که ما بینیم در جامعه‌ی ما چه توانایی‌هایی داریم. همه‌ی آن توانایی‌ها را به بالفعل تبدیل کنیم. اما اقتصاد برون‌نگر یعنی این‌که ما تولیداتمان را برای اقتصاد جهانی انجام دهیم. یعنی هم کیفیت کالا در سطح جهانی باشد و هم قابل رقابت با کالاهای خارجی از نظر قیمت باشد. متأسفانه در شرایط فعلی ایران اغلب قیمت‌ها مصنوعیند. یعنی دولت از طریق یارانه یا تعیین قیمت‌های غیر واقعی در معلوم کردن قیمت‌ها دخالت کرده است و قیمت تمام شده‌ای که ما برای کالاها داریم قیمت تمام شده‌ی واقعی نیست. وقتی که می‌گوییم تعامل با جهان و وقتی می‌گوییم اقتصاد برون‌نگر، یعنی باید برگردیم همه‌ی اقتصاد را از حالت مصنوعی خارج کنیم. اقتصاد بشود اقتصاد

رحیم عصفوری معاون برنامه‌ریزی استانداری استان زنجان



ما باید بخش خصوصی را باور کنیم. بر اساس سیاست‌های اصل چهل و چهار اعتقاد به توانمندسازی بخش خصوصی باشیم. اگر سهمی را که صندوق توسعه‌ی ملی از ابتدای برنامه‌ی سوم توسعه از درآمدهای نفتی دارد و تا به حال با افزایش سالانه سه درصد به بیست و نه درصد رسیده است به تقویت بخش خصوصی اختصاص دهیم، می‌توانیم اقتصادی بسازیم که در آن بخش خصوصی تعیین‌کننده‌ی اصلی باشد و دولت هم بسترساز فعالیت‌های اقتصادی باشد و نه دولت مداخله‌گر. همین همایش انتخاب برترین شرکت‌های منطقه‌ی آذربایجان هم یکی از اقداماتی است که در تقویت بخش خصوصی می‌تواند تاثیرگذار باشد.

محمد علی عسگری مدیر عامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان



من دو سه نکته در جهت حمایت از تولید و صنعت عرض می‌کنم. درست است که واحدهای بزرگ اقتصادی از جهت تولید و ارزش افزوده‌ای که ایجاد می‌کنند از اهمیت بسیاری در اقتصاد برخوردارند اما همین واحدهای بزرگ همان واحدهایی هستند که روزی جزو واحدهای کوچک و متوسط بوده‌اند. به همین دلیل بیش از نود درصد از واحدهای تولیدی کشور را واحدهای کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند. باید توجه به این واحدها را هم در نظر داشت تا این واحدها نیز روزی تبدیل به واحدهای بزرگ شوند. در این راستا باید در زمینه‌ی تکمیل زیرساخت‌های شهرک‌های صنعتی اقدامات لازم و ضروری صورت گیرد. اما چند بند وجود دارند که مورد مطالبه‌ی واحدهای صنعتی‌اند و بنده وظیفه دارم که به آنها اشاره کنم. اول این‌که واحدهای صنعتی انتظار پرداخت سهم سی درصدی از محل هدفمندی یارانه‌ها را دارند. بحث تصویب لایحه‌ی حمایت از واحدهای صنعتی که متأسفانه در صحن مجلس در سال گذشته رای نیاورد و باعث شد که واحدهای تولیدی همچنان با مشکلات بیمه‌ای و مالیات و بانکی دست و پنجه نرم کنند. مورد دیگری هم که مطرح است بحث اجرای ماده‌ی صد و پنجاه و هشتم قانون پنج ساله‌ی سوم توسعه است که با اینکه به آخر برنامه رسیده‌ایم همچنان به اجرا در نیامده است. طبیعتاً

اگر به این خواست‌های واحدهای تولیدی توجه کافی شود هزینه‌های سرمایه‌گذاری پایین خواهد آمد و به این ترتیب زمینه‌های لازم برای توسعه و اشتغال پایدار به وجود خواهد آمد.

فرخ مسجدی

قائم مقام مشاور اجرایی منطقه آزاد ارس و معاون وقت برنامه ریزی استانداری آذربایجان شرقی



این شرکت‌ها مشغول کارند بررسی می‌کردیم شاید شاخص بهتری می‌بود. به هر حال باید کم کم جامعه‌ی مان را آماده کنیم که موسسات بزرگ تاسیس شوند و جایگاه پیدا کنند. وقتی که برندی از کشورمان در کشورهای دیگر نفوذ پیدا می‌کند ما به این اتفاق افتخار می‌کنیم. این همان مطلبی است که باید آن را اول به عنوان یک موضوع فرهنگی جا بیندازیم و بعد به صورت قانونی هم در بیاوریم. این کار البته الزامات و مقدماتی دارد که ما باید بتوانیم برای بخش خصوصی امکانات و امتیازات بیشتری را بدهیم. جامعه باید ببیند که وقتی مدیر یک واحد صنعتی و تولیدی و یا خدماتی به منی که در حال حاضر مسئولیتی در دولت به عهده دارم مراجعه می‌کند، کسی که هزار نفر کارگر دارد طبیعتاً باید نسبت به کسی که ده نفر کارگر دارد اولویت داشته باشد. کسی که ده نفر کارگر دارد اولویت بیشتری نسبت به کسی دارد که خودش دارد کار می‌کند. این طبیعی است که منی که به کاری رسیدگی می‌کنم و قتم بیشتر برای کسانی اختصاص پیدا می‌کند که تولید و اشتغال بیشتری ایجاد می‌کند و کمک بیشتری به اقتصاد کشور می‌کند. حتی در خود این همایش نیز دخالت و نظر دهی بخش خصوصی باید بیشتر دخیل باشد. در گذشته اینگونه بوده است که شاید کسانی که تلاش می‌کردند چندان موفق نبودند و بیشتر کسانی موفق بوده‌اند که رانت و محل رانت را بهتر می‌شناختند. البته نه رانت را بلکه فرصت‌ها را به ویژه در بخش خصوصی باید به خوبی شناخت. اما مقررات کشور باید به گونه‌ای باشد که این فرصت‌ها برای همه برابر باشد. فرصت‌ها باید به هیچ وجه رانتهی و حتی دولتی نباشند. هیچ دلیلی ندارد که شرکت‌های بزرگ ما حتماً دولتی و یا شبه دولتی باشند. امیدواریم که حمایت‌های لازم از بخش خصوصی انجام گیرد و ما خدمتگذار خوبی در این زمینه باشیم.

در مورد پیشنهادی که در مورد برگزاری نشست‌های منطقه‌ای داده شد، ما از استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان متشکریم که خوشبختانه با همدلی و همکاری‌ای که پیش آمده این نشست در حال شکل‌گیری است. امیدواریم در ادامه‌ی جلسات معاونین استاندار و استانداران، قدم‌هایی در این زمینه برداشته شود که به نفع توسعه‌ی کل منطقه باشد. دومین مطلبی که باید اشاره کنم و در سال گذشته نیز با سازمان مدیریت صنعتی در این مورد صحبت‌هایی شده بود که این کار را به عهده بگیرد، این امر است که در عمل ما قانون مناسبی برای حمایت از بنگاه‌های بزرگ نداریم. نه تنها قانون مناسب نداریم بلکه فرهنگ مناسب را هم در جامعه نداریم. الان در مجلس هر طرحی را که نام محرومیت‌زدایی و روستایی بر آن باشد به سادگی به تصویب می‌رسانید و به نتیجه می‌رسانید. اما اگر بخواهید کار بزرگی به انجام برسانید، و کار صنعتی‌ای را به نتیجه برسانید معمولاً با مقاومت‌هایی روبه‌رو می‌شوید. ما باید بتوانیم ابتدا در کشور فرهنگ را اصلاح بکنیم. چه در خود بنگاه‌ها که خودشان را باور کنند و خودشان را مطرح بکنند. می‌دانید که تا مدت‌ها در همین شهر تبریز عده‌ای خودشان را از داشتن خانه‌ی بزرگ و ماشین خوب محروم می‌کردند به خاطر این که پشت سرشان شایعات در نیاید. به نظر من امروز تبدیل کلمه‌ی سرمایه‌دار به سرمایه‌گذار و کارآفرین ارزش آفرین است و بادی در مسیر این تحولات فرهنگی نهایت همت را به کار بگیریم تا بتوانیم واحدهای بزرگ ایجاد کنیم و از آنها بهره‌برداری کنیم. مثلاً من از این لفظ بدهکاران بانکی اصلاً خوشم نمی‌آید. هیچ چیز را نباید به صورت مطلق باهم مقایسه کنیم. وقتی یک فرد وام خردی را گرفته و پس ندهد این همانقدر اشکال دارد که یک شرکت بزرگ وامی را می‌گیرد و پس نمی‌دهد. اگر وام گرفته شده را بر اساس نیروی کاری که در

پرویز کلینی

نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تبریز



شده‌اند. بهره‌ی بانکی فوق‌العاده رفته بالا. همه‌ی این‌ها را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که این امید به آینده چگونه می‌تواند در تولید کننده ایجاد شود. بخش خصوصی با چنگ و دندان خودش را اداره می‌کند که زمین نخورد. تولید اگر خوابید دیگر بیدار شدنش خیلی مشکل است. ما وقتی از تدبیر صحبت می‌کنیم، از امید صحبت می‌کنیم، باید واقعیت‌ها را در نظر داشته باشیم. ما از دولت محترم درخواست کردیم که حداقل امسال ارزش افزوده را دست نزنیم. گفتند چون در بهداشت مشکلی بوده دو درصد به ارزش افزوده اضافه بشود تا آن مشکل حل شود. شما می‌دانید که ارزش افزوده را ما تولید کننده‌ها پرداخت می‌کنیم. از مصرف کننده‌ها نمی‌گیریم. این واقعیت‌های ماست. وزرای اقتصادی‌ای که در دولت جدید آمده‌اند مورد تایید بخش خصوصی‌اند و ما به وجود آن‌ها مباحثات می‌کنیم. ولی مشکلات آن قدر زیاد است که هنوز که هنوز است برای تولید کاری انجام نشده است. بلکه تولید در حال احتضار است. اگر خدای نکرده تولید بیش از این آسیب ببیند اثراتش را در سال‌های آینده خواهیم دید.

باید تاکید نمایم که واقعیت‌های اقتصادی ما در چارچوب این سالن نمی‌گذرد. ما از آرمان‌ها صحبت می‌کنیم و نه از واقعیت‌ها. همانطور که فرمودند نود درصد واحدهای تولیدی مربوط به واحدهای کوچک و متوسط هستند. در حال حاضر شصت درصد آنها تعطیل مطلق‌اند و بقیه گرفتارند. ایجاد اعتماد و اطمینان در تولیدکنندگان مساله‌ی اساسی است که البته ما می‌بینیم که دولت‌مردان ما همواره تلاش دارند که این امر را محقق کنند. ولی آنچه که برای تولید در چند ماه گذشته رخ داده است این نبوده است. الان اقتصاد و تولید ما در چنبره‌ی رکود تومی است. واقعیت این است که خانم‌ها و آقایان تولید کننده کالای‌شان را به دشواری می‌فروشند. برای اینکه قدرت خرید مردم کم شده. هیچ افزایش قیمتی الان معقول نیست. اما در مقابل چه اتفاقی می‌افتد. حقوق گمرکی مواد اولیه‌ی ما را که وارداتی است دو برابر یا سه برابر و یا بیشتر کرده‌اند. قیمت حامل‌های انرژی را چند برابر کرده‌اند. حتی قبوضی که مربوط به ماه‌های گذشته می‌شد صادر کردند که عطف به ما سبق

سید باقر شریفزاده رئیس انجمن مدیران صنایع آذربایجان شرقی



عنوان یک ارزش مطرح کنند. بر اساس گزارش بانک مرکزی الان هجده میلیارد دلار پول در خانه‌های مردم است. نترسیم. اجازه بدهیم کسی که در شهرک صنعتی سرمایه‌گذاری کرده است، اشکالی ندارد، پول بیشتری در بیورد. معافیت مالیاتی داشته باشد. بگذارید پول از خانه‌ها برود به آنجا و اشتغال ایجاد بکند. و ما نترسیم. بگوییم یارانه به کسی داده می‌شود که کار کند. می‌توانیم پنجاه هزار تومان را بدهیم. اما بگوییم از حق بیمه‌ای که کارفرما می‌پردازد کم خواهد شد. ما با این بهره‌وری صفر نیروهای کاری مفیدمان را از دست داده‌ایم. به همین خاطر استدعای من این است که واقعا دست در دست هم بدهیم. جایگاه کدام مدیر اقتصادی و صنعتی ما با دیگرانی که از مسیرهای رانت و کارهای دیگر کاذب ارتزاق می‌کنند یکی هست. مالیات بر ارزش افزوده را صنعتگر و تولید کننده می‌دهد، قوانین شفاف را اینها می‌خواهند، با اعتماد تمام اسناد و مدارکشان را در اختیار سازمان مدیریت صنعتی قرار داده‌اند. حالا هر قدر هم که اصل رازداری رعایت شود باز هم این ریسکی که کرده‌اند نشان می‌دهد که شفاف کار می‌کنند. اینها

معتقدند که اگر بخواهیم این مملکت درست بشود باید رانت‌ها برچیده شود، شفاف کار کنیم، و ارزش را به تولید بدهیم. این خواهش ما از دولت است. صنعتگری که سی چهل سال در کشور کار کرده است کمتر از یک اقتصاد دان نمی‌داند. در متالوژی می‌گویند که اگر کسی در این زمینه به طور مستقیم هفت سال کار کرد دکترای متالوژی دارد. از این بخش خصوصی با تجربه ما مطلب بگیریم و ببریم مجلس. پیشنهادی هم برای سازمان مدیریت صنعتی دارم. اکثر مدیران کشور دانش‌آموخته‌ی شما هستند. تحت پوشش شما هستند. در کنار شما هستند. بیایید یک کارگروه قوی در حد یک اتاق فکر تشکیل بدهیم و این افکار مدیریتی را منعکس کنیم به عزیزانمان در بخش دولتی و همینطور عزیزانمان در مجلس. سازمان مدیریت صنعتی بیاید به کمک دولت‌مردان. یک موزه‌ی کارآفرینان را از این استان شروع کنیم و تأسیس کنیم. کجاست کفش ملی آقای تقی ابروانی که به قول وزیر محترم کار برنش از بین رفته است. نیست برای این‌که ما خود ابروانی را نداریم. من الگویی ندارم که به بچه‌ام بگویم که شما می‌توانید از اینجا شروع بکنید، کفش تولید بکنید و بشوید تقی ابروانی. تبریز مهد کبریت سازی در ایران است. ما واقعا یک عکسی از مرحوم خوبی‌ها کجا داریم و زده‌ایم. من واقعا تقاضا دارم که این فرهنگ‌سازی‌ها را انجام بدهیم و به بچه‌هایمان منتقل کنیم. به آنهایی هم که پولها را در خانه‌هایشان نگه داشته‌اند بگوییم که سرمایه‌ی‌شان را ببرند به تولید و شهرک‌های صنعتی، اشکالی ندارد نوش جان‌شان، درآمد بیشتری هم داشته باشند. اگر درآمد نداشته باشد که طبیعتا می‌روند به بانک و همان سود بیست و چهار درصد را می‌گیرند. ما باید مسیر تقدینگی‌ها و حمایت‌ها را عوض کنیم.

کار کسی که آخر از همه صحبت می‌کند خیلی سخت است. جمع‌بندی فرمایشات دولت‌مردان و عزیزان بخش خصوصی برای من خیلی سخت است. در همین ابتدا برای روشن شدن گفتارم مثالی می‌زنم. کشاورزی بوده است که چند سال پشت سر هم کشاورز نمونه می‌شده است. همسایگانش از سر کنجکاو به تکاپو می‌افتند که ببینند قضیه از چه قرار است. نهایتا می‌بینند که این کشاورز دانه‌های بهتر را هم به همسایه‌هایش می‌دهد. سوال دو تا می‌شود. چون مخصوصا با این کاری که این کشاورز می‌کند همسایه‌ها باید اول بشوند نه این کشاورز. بعد از تحقیق بسیار به جایی نمی‌رسند و ناچار سراغ خود پیرمرد می‌روند و از او تقاضا می‌کنند رمز موفقیتش را بگوید. پیرمرد به آنها می‌گوید که چون حیوانات از طریق باد بارور می‌شوند، من دانه‌های بهتر را که به همسایه‌هایم می‌دهم محصولم هر سال بهتر از همسایه‌هایم می‌شود. من فکر می‌کنم که ما نمی‌دانیم دانه را به چه کسی باید بدهیم و جهت باد کجاست. از نظر استراتژی نمی‌دانیم به کجا می‌رویم. وقتی که مقصد را ندانیم هیچ راهی برایمان فرقی ندارد. هر

جایی که برویم فقط در حال رفتنیم. مشکل ما این است که هفتصد میلیارد دلار را به صورت نقدی و مستقیم به مردم پرداخت کرده‌ایم و الان از نظر بهره‌وری نزدیک به صفریم. واقعا هشتصد ساعت کار مفید در کشورمان برایمان باعث سرفاکنندگی نیست در برابر چهار هزار و هشتصد و شصت ساعت کار مفید ژاپنی‌ها. مقایسه‌ی اینها نتایجش را هم نشان می‌دهد که پنجاه و یک هزار دلار درآمد سرانه‌ی ژاپنی‌ها و یک عدد دو سه رقمی درآمد سرانه‌ی ما. اختلاف این دو عدد یعنی همان رانت و فساد و تمام موارد دیگری که خدای نکرده در جامعه هر روز با آن مواجهیم. بنا بر این من از سازمان مدیریت صنعتی و به ویژه سازمان مدیریت صنعتی استان که ارزش را به سمت شرکت‌های تولیدی می‌برد، خیلی جای تقدیر دارد که در این کویری که صنعتگران با تحریم و تورم و رکود و کمبود نقدینگی و هزار و یک مساله‌ی دیگر مواجه‌اند، اما اعتقاد دارند به کیفیت، اعتقاد دارند به کار خوب، اعتقاد دارند به تعامل مشتریان‌شان، کارکنان‌شان، سهام‌داران‌شان، اعتقاد دارند به برند سازی در دراز مدت و برنامه‌ی طولانی مدت دارند، واقعا تشکر می‌کنم.

اما باید پرسید که تعریف شرکت بزرگ چیست؟ همین چند وقت پیش شرکت مایکروسافت یک نرم‌افزاری را به مبلغ نوزده میلیارد دلار خرید و فروش کرد. آیا این معامله از نظر فیزیکی، ماشین‌آلات و خواب پول بزرگ است؟ ما نباید دنبال این باشیم که شرکت‌ها از نظر فیزیکی چگونه‌اند و چقدر پرسنل دارند. شرکتی به برای مملکت سود سرشاری دارد آن شرکت از دید ما بزرگ است. سنگاپور اندازه‌ی شهر تبریز ما نیست اما هشتمین قطب برتر اقتصادی دنیاست. استدعای ما از دولت و مجلس این است که تولید و صنعت را به



نیروی انسانی متعهد، نعمت است.

شرکت کلر پارس به عنوان زیر مجموعه یکی از هلدینگ های شستا به نام هلدینگ داروی تامین در راستای وظایف تعیین شده خود، بسیاری از پروژه ها و طرح های توسعه جدید را به طور دقیق کارشناسی نموده و طرح های فنی، توجیهی اقتصادی را پس از تصویب در هیئت مدیره شرکت، هیئت مدیره هلدینگ داروی تامین و در نهایت هیئت مدیره شستا با موفقیت به مرحله اجرا گذارده است.

مدیر عامل این شرکت با ۳۰ سال تجربه در این صنعت طی چندین سال گذشته در کنار پرسنل کلر پارس افتخارات زیادی را کسب نموده اند. از جمله این افتخارات انتخاب محصول هیدروژن این شرکت به عنوان محصول نمونه کشوری، واحد نمونه کشوری، صادر کننده نمونه و ... می باشد.

آنچه که در ادامه آمده است حاصل گفتگوی کارایی با جناب آقای مهندس بدیعی مدیر عامل شرکت کلر پارس است که به بررسی وضعیت و استراتژی موفق این شرکت در زمینه های مختلف پرداخته است.

کارایی : لطفا، برای آشنایی بیشتر مخاطبان کارایی، کلر پارس را معرفی بفرمایید.

مهندس بدیعی : شرکت کلر پارس یک مجموعه شیمیایی است که در زمینه تولید کلر جهت تصفیه آب شرب فعالیت دارد. این شرکت توسط وزارت نیرو با مشارکت شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) تاسیس گردیده و از سال ۱۳۷۷ مورد بهره برداری قرار گرفته است که بعدها سهام آن به صورت کامل به شستا واگذار گردید که یک واحد عمومی غیر دولتی ولی با مدیریت دولتی است. با توجه به نیاز کشور، ۲ واحد کلر سازی در کشور راه اندازی گردیده است که کلر پارس در تبریز و نیرو کلر در اصفهان می باشند.

کلر که محصول اصلی کلر پارس می باشد از ماده اولیه نمک طعام (NaCl) و آب نمک به دست می آید. سایر محصولاتی که در این شرکت از کلر بدست می آیند پرکلرین (کلسیم هیپو کلرید)، آب ژاول (سدیم هیپو کلرید)، کلر فریک و از تجزیه آب نمک، سود سوزآور و هیدروژن می باشند.

کارایی : همانطور که اشاره فرمودید شرکت کلر پارس یک شرکت نیمه دولتی، نیمه خصوصی می باشد. طی چند سال گذشته که مشکلات زیادی گریبان گیر صنایع کشور بوده و هست، شرکت کلر پارس با چه مشکلاتی مواجه گردیده است؟ مهم ترین مطالبه ای که از دولت جدید دارید چیست؟

مهندس بدیعی : همان طور که بیان گردید صنعت کلر به عنوان یک صنعت مادر ایفای نقش می کند چرا که صدها محصول پایین دستی از کلر قابل تولید می باشند. به همین جهت شرکت کلر پارس مطالعات اجرایی زیادی را در جهت توسعه شرکت هم در صنایع بالا دستی و هم پایین دستی کلر انجام داده است و متأسفانه در طی چند سال گذشته روند اجرای این مطالعات متوقف و با بسیار کند گردیده است. برخی از مشکلات از جمله تحریم ها و کاهش نقدینگی در جامعه شامل همه صنایع بودند ولی عمده مشکلات کلر پارس از زمان شروع قانون هدفمند کردن یارانه ها در دو بخش تشدید شد. یک بخش، افزایش تعرفه حامل های انرژی از جمله برق بود که لازم به ذکر است این صنعت یکی از صنایع انرژی بر بوده به طوری که برق به عنوان ماده اولیه تلقی و ۱۰ درصد از قیمت تمام شده محصول را شامل می شود و بخش دیگر ناتوانی مشتریان کلر پارس در بازپرداخت بدهی های خود بود که عمدتاً نیز واحد های دولتی هستند.

مهمترین خواسته از دولت روحانی، اجرا و تحقق وعده بهبود فضای کسب و کار است تا نه تنها صنعت ما بلکه چرخه صنعتی کشور رو به بهبود رفته و به تدریج از بار مشکلات کاسته شود. چرا که بیم آن داریم در صورت تکرار شرایط مشابه مرز های خطی که قبلاً تجربه کردیم را رد کرده و آسیب های جبران نشدنی به صنعت کشور وارد گردد.

کارایی : به نظر شما فضای رقابت در این صنعت چگونه است؟ دلیل



برخی از مشکلات از جمله تحریم ها و کاهش نقدینگی در جامعه شامل همه صنایع بودند ولی عمده مشکلات کلر پارس از زمان شروع قانون هدفمند کردن یارانه ها در دو بخش تشدید شد. یک بخش، افزایش تعرفه حامل های انرژی از جمله برق بود و بخش دیگر ناتوانی مشتریان کلر پارس که عمدتاً واحد های دولتی هستند، در بازپرداخت بدهی های خود بود.

عدم ورود رقبای جدید و عدم سرمایه گذاری جدید در این صنعت چیست؟ آیا فقط دو شرکت کلر پارس و نیرو کلر برای این حوزه کافی است؟

مهندس بدیعی : همان گونه که می دانید در دوران بعد از انقلاب و در دوره سازندگی، وجه اشتغال پررنگ تر و جدی تر از وجه سود دهی در واحد های صنعتی تحت مدیریت دولت (که بخش عمده صنعت کشور را شامل می شد) در نظر گرفته می شدند. اما به مرور زمان و طی سال های اخیر مدیران به نفع و سود شرکت های اقتصادی اهمیت بیشتری داده اند و بر همین اساس مطالعات دقیق تری برای بررسی مزیت ها و مشکلات صنایع صورت می گیرند. در این صنعت نیاز برای ایجاد صنایع پایین دستی به شدت احساس می شود چرا که از محصولات کلر می توان به عنوان ماده اولیه در صدها محصول پایین دستی استفاده کرد. در اغلب کشور های بزرگ در کنار واحد های صنعتی کلر، چندین

و همچنین در کنار این موضوع متعهد به حفظ و نگهداری جزئیات شرکت ها می باشد توانسته است طی دو دوره گذشته مقبولیت نسبی را بین مدیران به دست آورد. این طرح به مدیران و سرمایه گذاران از جهت مقایسه وضعیت و جایگاه خود طی دوره های متوالی، وضعیت واحد ها و میزان فعالیت، سنجش بازار صادرات محصولات و ... کمک خواهد کرد تا تصمیم گیری بهتری را داشته باشند.

در نظر گرفتن شاخص هایی مانند بهره وری و ایجاد حوزه هایی ترکیبی از شاخص ها که شرکت ها را مورد ارزیابی قرار داده است تغییر بسیار خوبی بود که دبیرخانه این طرح اقدام به اعمال آنها نموده است. چرا که صرف معرفی شرکت ها بر اساس میزان درآمد و فروش آن ها چندان عادلانه نبود. به همین جهت طی دوره های آتی اگر بتوانید دامنه بررسی ها و شاخص های مورد ارزیابی برای شرکت ها را گسترده تر نمایید، در این صورت میزان مقبولیت این طرح بیشتر خواهد گردید.

کارایی : توصیه شما برای جوانانی که قصد ورود به صنعت را دارند چیست؟

مهندس بدیعی : بزرگترین آفتی که کل جوامع از جمله جامعه ما را تهدید خواهد کرد، بیکاری و نداشتن میل و رغبت به کار است. جوانان باید به این مهم باور داشته باشند که بدون تلاش و زحمت موفق نخواهند بود و از طرفی صنعتگران بایستی به جوانان فضای بیشتری برای فعالیت و ایده پردازی بدهند و در انتقال تجربه و دانش خود به جوانان اهتمام ورزند.



واحد بزرگ و کوچک برای تولید محصولات پایین دستی تاسیس شده و در حال فعالیت هستند. لذا در استان ما و در شهر تبریز این ظرفیت کاملاً وجود دارد که نیازمند مطالعات استراتژیک کامل و جامعی است. علی الخصوص در صورت سرمایه گذاری مناسب در پایین دست این صنعت می توان علاوه بر تامین نیاز داخل، در حوزه صادرات نیز بسیار موفق بود چرا که در منطقه این نیاز وجود دارد.

از طرفی لازم به یادآوری است که طی سال های اخیر به دلیل بروز مشکلات عمده در صنعت و اعمال تحریم های بین المللی امکان راه اندازی واحد صنعتی جدید بسیار دشوار گردیده است. این خود یکی از دلایل عدم سرمایه گذاری جدید در این حوزه بوده است.

کارایی : شرکت کلر پارس در رتبه بندی های مختلف کیفی، صادراتی و ... همیشه حضور موفق داشته است. چه راهبردی این موفقیت ها را به ارمغان آورده است؟

مهندس بدیعی : از جمله مهمترین استراتژی های شرکت کلر پارس در راستای ایفای نقش مسئولیت اجتماعی خود، حفظ، نگهداری و آموزش نیروی انسانی می باشد. در کنار نوع صنعت کلر پارس که یک صنعت کاملاً توسعه پذیری است، توجه به سرمایه انسانی با وجود مشکلات اقتصادی بسیار جدی، باعث گردیده تا انگیزه و تعهد پرسنل به این مجموعه هر روز بیشتر گردد و لذا هر آنچه که کلر پارس تا به امروز به دست آورده حاصل تلاش تک به تک پرسنل این شرکت است.

حضور موفق در رتبه بندی های ملی و بین المللی کلر پارس از جمله صادر کننده نمونه در سال ۹۱، واحد نمونه کیفی در سال ۸۹، ۷ بار واحد نمونه صنعتی در بخش صنایع شیمیایی و سلولزی، اخذ گواهینامه از کشور آلمان، گواهینامه اهتمام محصولات، جزو برترین شرکت های منطقه آذربایجان در سال ۹۱ و ۹۲ و ... به همت تمامی پرسنل متعهد این شرکت و از طرفی ثبات مدیریت، محقق گردیده است.

کارایی : طرح برترین شرکت های منطقه آذربایجان با هدف ارتقاء فضای رقابتی و همچنین افزایش شفافیت در کسب و کار دو دوره برگزار گردیده و سومین دوره آن نیز ان شاءالله به زودی اجرا خواهد گردید. نظر شما در مورد این طرح چیست؟ و چه پیشنهادهاتی برای ارتقاء کمی و کیفی این طرح ارائه می نماید؟

مهندس بدیعی : یکی از مهمترین پارامتر هایی که در آنالیز و تحلیل وضعیت شرکت ها در هر رتبه بندی مطرح است، در اختیار داشتن داده و اطلاعات مستند و معتبر است. طرح برترین شرکت های آذربایجان از آن جهت که از صورت های مالی حسابرسی شده شرکت ها برای استخراج اطلاعات خود استفاده می کند



تعیین قیمت قیر در منطقه

شرکت نفت پاسارگاد به عنوان یکی از زیر مجموعه های شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی از اوایل سال ۱۳۸۱ فعالیت خود را آغاز نموده است و به عنوان یکی از برندهای معتبر تولید قیر در منطقه و در سطح بین المللی مطرح می باشد. برندی که باعث گردیده تانکر حامل قیر با در دست داشتن Certificate شرکت نفت پاسارگاد بدون بازرسی و نمونه برداری از گمرکات وارد مقصد شود.

آنچه که امروزه همگان به آن اهمیت می دهند کیفیت می باشد که در حال حاضر در صنعت قیر سازی کشور، تبدیل به یک چالش اساسی گردیده است. مدیریت کلان کشور در گذشته و در شرایط فعلی چه تأییراتی بر این صنعت گذاشته است و آینده این صنعت به کدام سو تمایل دارد؟ ورود تولید کنندگان غیر متخصص به این حوزه چه چالش هایی را برای این صنعت به وجود آورده است؟ این ها سوالاتی است که مدیر کارخانه نفت پاسارگاد تبریز ذیلا پاسخ داده است.



مهمترین خواسته ما به عنوان یکی از فعالان در حوزه صنعت قیر سازی از دولت آقای روحانی، تعیین یک متولی مشخص برای صنعت قیر کشور است. متولی که اولاً ناظر بر کیفیت تولید و دوماً ناظر بر توزیع عادلانه خوراک VB بین تولید کنندگان باشد.

کارایی: برند نفت پاسارگاد را تقریباً همه شنیده ایم و با نام آن آشنا هستیم. اما برای آشنایی بیشتر با شرکت نفت پاسارگاد، این شرکت را معرفی بفرمایید؟

مهندس اسمعیلی: شرکت نفت پاسارگاد به عنوان یکی از شرکت های زیر مجموعه شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) از اوایل سال ۱۳۸۱ فعالیت مستقل خود را در زمینه تولید قیر شروع کرد. در واقع قبل از شروع فعالیت این شرکت، واحد های قیر سازی در پالایشگاه ها فعال بودند و در همان سال ها به دلیل عدم فعالیت این واحد ها، دولت تصمیم گرفت تا این واحد ها را در ازای بخشی از دیون خود به شستا واگذار کند. بر همین اساس ۶ واحد از ۷ واحد قیر سازی پالایشگاه های کشور واگذار شده و متعاقب آن شرکت نفت پاسارگاد برای مدیریت مستقل این واحد ها تاسیس گردید.

واحد تبریز نیز به عنوان یکی از واحد های قیر سازی با سیستم مالی و سیستم تولید مستقل از سال ۱۳۸۴ شروع به تولید نموده است. ظرفیت تولید واحد تبریز ۳۵۰ هزار تن در سال و در گریدهای مختلف و حسب نیاز مشتری می باشد و در حال حاضر تقریباً ۱۰۰ نفر در بخش های مختلف این واحد در حال فعالیت می باشند. بخشی از قیر تولیدی توسط واحد تبریز در داخل مصرف و بخشی از آن نیز به خارج از کشور صادر می گردد.

کارایی: همان طور که مستحضر می باشید در شرایط فعلی در کشور مشکلاتی در صنعت وجود دارد. مشکلات خاص نفت پاسارگاد علی الخصوص واحد تبریز به نظر شما چه مواردی هستند؟

مهندس اسمعیلی: خوشبختانه صنعت قیر کشور زیاد متاثر از تحریم ها و شرایط آن نبوده و نیست. اما متأسفانه این صنعت جهت نحوه مدیریتی که در این صنعت اعمال گردیده، دچار نوعی خود تحریمی شده است. مهمترین مشکلی که این صنعت در حال حاضر با آن روبرو می باشد، نداشتن متولی مشخص علی الخصوص در حوزه صادرات است. به جهت تکنولوژی تقریباً ساده ای که این صنعت دارد، ورود به آن برای سرمایه داران راحت است. متأسفانه قیر سازهای زیادی در چند سال گذشته وارد این بازار شدند که دارای تخصص لازم و کافی نبوده و همین امر باعث گردیده تا محصولاتی بدون کیفیت و استاندارد تولید و روانه بازار نمایند. در حوزه صادرات در حال حاضر دچار مشکلات جدی هستیم و به دلیل کیفیت پایین تولیدات در حوزه صادرات، ایران در حال از دست دادن جایگاه خود در منطقه می باشد و با ادامه این روند چه بسا کشور هایی مانند روسیه که کیفیت محصولات آن ها از کیفیت ما پایین تر است به راحتی بتوانند از ما پیشی بگیرند.

با توجه به رشد استفاده از قیر در دنیا و طبق بررسی ها، میزان مصرف قیر در دنیا ۱۰۰ میلیون تن در سال برآورد شده است و کشور ایران در حال حاضر نزدیک به ۴ میلیون تن یا به عبارتی ۴ درصد از این مقدار را تامین می کند.

چشم انداز بلند مدت ما افزایش سهم ایران در تامین قیر دنیا می باشد که پاشنه آشیل آن تولید قیر بی کیفیت و عدم توجه به نیاز مشتریان می باشد. نفت پاسارگاد با حفظ کیفیت قیر تولیدی خود تا به امروز توانسته است علاوه بر حفظ جایگاه خود، برند معتبری در منطقه و دنیا ایجاد کند به گونه ای که مشتریان حاضرند قیر نفت پاسارگاد را با قیمت بالاتر نیز خریداری کنند، ولی عدم توجه به کیفیت توسط رقبای در بلند مدت قطعاً باعث از بین رفتن جایگاه ایران خواهد شد.

کارایی: تاثیر تغییر مدیریت کلان کشور را بر صنایع نفتی به ویژه صنعت قیر کشور چگونه می بینید؟ بر همین اساس مهمترین خواسته و مطالبه شما از مجموعه حاکمیت چیست؟

مهندس اسمعیلی: خوشبختانه دولت آقای روحانی با توجه به شرایط کشور و زیربنای را معرفی کردند که در حوزه های تخصصی خود صاحب نظر بوده و تجربه کافی را داشتند. جناب آقای زنگنه از زمانی که معرفی شدند به طور جدی به مسائل و مشکلات موجود در صنعت نفت، هم در صنایع بالا دستی و هم در صنایع پایین دستی پرداختند. در صنعت قیر سازی خیلی سریع مشکل مشخص شد. کمبود خوراک برای تولید قیر به ویژه در واحد های واگذار شده پالایشگاه ها، اصلی ترین چالشی بود که قیر سازی های پاسارگاد با آن روبرو بوده و باعث

شده بود با ظرفیت پایین تری به نسبت توان خودفعالیت کنند. زمانی که این واحد ها از پالایشگاه ها منفک شدند طبق قرارداد، موظف بودند خوراک مورد نیاز واحد های قیر سازی همجوار خودشان را تامین کنند. اما بعد از خصوصی شدن پالایشگاه ها، آن ها دیگر به قرارداد قبلی پایبند نبوده و حتی در بعضی موارد اقدام به راه اندازی واحد قیر سازی در داخل خود پالایشگاه نمودند. از طرفی خوراک را به عموم عرضه نموده و گاهی در بازار بورس این خوراک چندین بار خرید و فروش می شد. اقدام مثبت آقای زنگنه صدور بخشنامه ای مبنی بر اجرای تعهد پالایشگاه ها با شرکت های طرف قرارداد از جمله نفت پاسارگاد، نفت ایرانول و ... بود.

آنچه که ما به آن امیدواریم، حل و فصل چالش های موجود بین دولت و واحد های خصوصی پالایش نفت است. به عنوان واحد قیر سازی تنها منبع ورودی خوراک برای ما از طریق پالایشگاه تعریف شده است. حال یکی دیگر از چالش های اساسی ما با پالایشگاه، ورود پالایشگاه به حوزه قیر سازی و راه اندازی واحد قیر سازی در جوار نفت پاسارگاد است. ۱۵۰ میلیارد ریال آهن آلات که باعث گردیده هم واحد تولید قیر نفت پاسارگاد و هم واحد پالایشگاه سال ها زیر ظرفیت فعالیت کنند.

مهمترین خواسته ما به عنوان یکی از فعالان در حوزه صنعت قیر سازی از دولت آقای روحانی، تعیین یک متولی مشخص برای صنعت قیر کشور است. متولی که اولاً ناظر بر کیفیت تولید و دوماً ناظر بر توزیع عادلانه خوراک VB بین تولید کنندگان باشد.

کارایی : با توجه به آنچه فرمودید و با در نظر گرفتن شرایط پیش رو، آیا این صنعت ظرفیت سرمایه گذاری داخلی و خارجی را دارا می باشد؟
 مهندس اسمعیلی : اگر واقعیت را در نظر بگیریم در منطقه تولید قیر در گرید های عمومی مثلاً ۶۰-۷۰، ۸۵-۱۰۰ و ... که قیر معمولی بر پایه نفت است، اشباع شده است ولی برای تولید قیرهای خاص که مورد نیاز آینده کشور و دنیا می باشد، یک خلاء احساس می شود. مانند تولید قیر های پلیمری یا قیر های اومولسیون به جای قیر های MC. زیرا که استفاده از قیر MC از نظر آلودگی خاک و تبخیر نفت آن و آلودگی هوا آسیب های زیست محیطی جدی به دنبال دارد. در قیر های اومولسیون به جای استفاده از نفت، از آب استفاده شده است. تولید قیر های پلیمری که مقاومت بالاتری دارند و به طور مثال می توانند عمر آسفالت جاده های کشور را از ۴ سال فعلی به ۱۰ سال و بیشتر برسانند. قیر های رنگی نیز زمینه دیگری است که در فرودگاه ها، جاده های و ... می تواند کاربرد داشته باشد. از آنجا که آینده صنعت قیر به سمت تغییر است، در زمینه راه اندازی تکنولوژی های جدید، قطعاً دارای ظرفیت های زیادی است. یکی از جذابترین زمینه ها برای ورود به این صنعت استفاده از استاندارد (PG) (performance Grade) است به این معنی که برای هر نوع شرایط آب و هوایی قیرمختص به آن تولید و عرضه شود که نفت پاسارگاد در این زمینه سرمایه گذاری های لازم را انجام داده است و به این سمت حرکت می کنیم.

کارایی : نفت پاسارگاد در حال حاضر چه جایگاهی در کشور و منطقه دارد؟

مهندس اسمعیلی : این شرکت ایرانی با ۴ میلیون تن تولید در سال، بزرگترین

تولید کننده قیر در منطقه است اما قیمت قیر در منطقه توسط بحرین با ۶۰۰ هزار تن تولید در سال، تعیین می شود. هدف شرکت نفت پاسارگاد که همراهی شرکت نفت جی (وابسته به صندوق رفاه بازنشستگان) را هم جلب نموده، این است که قیمت قیر در منطقه توسط ایران تعیین شود.

نفت پاسارگاد در راستای ایفای مسئولیت اجتماعی خود اقدام به راه اندازی واحد هایی نمود که به تولید قیر های اومولسیوني بپردازند. به همین منظور و برای معرفی این محصول و مزایای استفاده از آن اقدام به برگزاری سمینار و همایش هایی نمود تا این محصول به مصرف کنندگان معرفی شود.

کارایی : شرکت نفت پاسارگاد در دو دوره اخیر طرح برترین شرکت های منطقه آذربایجان حضور داشته است. نظر شما در خصوص این طرح چیست و چه پیشنهاد هایی برای ارتقاء سطح کیفی این طرح دارید؟

مهندس اسمعیلی : ما در ادبیات مدیریت اصطلاحی داریم به عنوان Benchmarking یا الگو برداری، که متأسفانه سازمان ها و شرکت ها در ایران به این مسئله کمتر می پردازند. یکی از دلایل این امر عدم دسترسی به اطلاعاتی است که بتوانند خودشان را با رقیب داخلی مقایسه کنند. طرحی که سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی شروع کرده است از این منظر بسیار ارزشمند است که طی یک دوره زمانی خاص اطلاعات و داده هایی را در اختیار شرکت ها قرار می دهد که می توانند در زمینه های مختلف به مقایسه خودشان با رقیب بپردازند.

یکی دیگر از اقدامات ارزشمند و کارشناسی شده ای که انجام گرفته است تغییر روش اجرایی این طرح است که نگاه به شرکت ها در حوزه های مختلف بر اساس ترکیبی از شاخص ها انجام می شود و این امر به نظر بنده بسیار ارزشمند است.

در خصوص ارتقاء این طرح به نظر می رسد، هماهنگی با نهاد های حاکمیتی از جمله استانداری به طوری که شرکت های معرفی شده در این طرح برای این نهادها به عنوان یکی از database های مورد استفاده قرار گیرد، باعث خواهد شد تا شرکت ها نگاهی جدی تر به حضور در این طرح داشته باشند.

کارایی : به عنوان کلام آخر پیش بینی شما از آینده صنعت منطقه چیست؟

مهندس اسمعیلی : متأسفانه یک واقعیت تلخی که باید به آن اشاره شود، سقوط جایگاه استان آذربایجان شرقی در خیلی از شاخص ها از جمله اشتغال، کشاورزی، تولید و ... در رتبه بندی استان ها می باشد به طوری که وضعیت این استان چندان خوشایند نیست. این امر نشان دهنده این مهم است که ما باید با امید به آینده، تلاش جدی تر و بیشتری را داشته باشیم. این پتانسیل در منطقه و در استان وجود دارد که با استفاده از همه ظرفیت ها و زیر نظر مدیریت مناسب و معقول جایگاه از دست رفته و بالاتر از آن را به دست آوریم.

در انتها از سازمان مدیریت صنعتی و دبیرخانه طرح معرفی برترین شرکت های منطقه آذربایجان و همچنین ماهنامه کارایی تشکر ویژه ای می نمایم که در راستای توسعه فرهنگ مدیریت در منطقه اقدامات ارزنده ای انجام داده اند.



آرد سالم، نان سالم، زندگی سالم

آرد و نان باهم گره خورده اند. گره ای که به این راحتی ها از هم جدا نمی شوند. نان خوب به آرد خوب وابسته است. آسیاب های قدیمی را فراموش نکرده ایم. روش سنتی در تهیه آرد. به دلیل اینکه سرمایه گذاری قابل توجهی در این بخش صورت نپذیرفته، چندان با آسیاب های قدیمی فاصله نگرفته ایم. اگر هم فاصله ای وجود دارد، استثناست. ارس مهر کارخانه تولید آردی است که جزو همین واحدهای استثنایی است. بادیدن این کارخانه نگاه ما نیز به صنعت آرد و نان عوض می شود. بامدیر این مجموعه به گفتگو می نشینیم تا از این صنعت برای ما بگوید. قادر چنگیزی فرزند خانواده ای است که زندگی خانوادگی آن ها با آرد و گندم گره خورده است. حتی نوه های این خانواده نیز گندم خوب و آرد خوب را از بد تشخیص می دهند. در ادامه ما حاصل این گفتگو را مرور می کنیم.



سهمیه گندم به واحدها بدون در نظر گرفتن سطح تکنولوژی و کیفیت آرد تولیدی است که حاصل حجم سرمایه گذاری در واحدهای جدید می باشد. خوراک: پیش بینی شما از وضعیت صنعت آرد و نان در سال ۹۳ چیست و این صنعت به کدام سمت خواهد رفت؟

چنگیزی: صحبت ها از این است که امسال آزاد سازی نرخ گندم شکل بگیرد و راه حل پیشنهادی ما نیز رهاسازی قیمت ها و کاهش کنترل های دولتی جهت ایجاد بازار رقابتی بر پایه

عرضه و تقاضا و مشتری مداری و بازار محوری با تاکید بر ارتقاء کیفیت و کاهش قیمت تمام شده می باشد که لازمه این امر نیز بازسازی و نوسازی واحدهای موجود و مجهز نمودن آن ها به تکنولوژی روز برای پاسخگویی به نیازهای جامعه می باشد، در غیر این صورت رکود حاکم بر واحدهای آرد استان منجر به ورشکستگی و تعطیلی آنها خواهد گردید.

گندم از زمانی که از مزرعه برداشت می شود تا به کارخانه آردسازی می رسد در پیچ و خم های متعدد طی طریق می کند. حال این برکت الهی را ما باید دانه به دانه تمیز کنیم که محصول پاک و مرغوب به مصرف کننده برسد. متأسفانه در صنعت ما بیشتر از توجه به دانه بندی و کیفیت، به تناژ و ظرفیت توجه می شود. گندم و آرد حاصل از آن را باید به روز نگه داشت. در این شرایط مشکلی پیش نمی آید و کیفیت خوب می شود که البته بیشتر به وجدان صنعتگر و تولیدکننده بستگی دارد و عدم توجه به آن مشکل ساز خواهد بود. |

خوراک: لطفا در پایان بفرمایید شکل گیری مجموعه ارس مهر از چه سالی و به چه نحوی صورت گرفته است؟
چنگیزی: فعالیت حاج آقا چنگیزی که از بنیانگذاران صنعت آرد با تکنولوژی مدرن می باشد از دهه ۴۰ در این صنعت آغاز شده و شکل گیری و فعالیت تمام مجموعه ها بانظارت و همیاری ایشان صورت گرفته

کارایی: اگر اجازه دهید در ابتدا گفتگویی در ارتباط با صنعت غذای آذربایجان داشته باشیم. پیشرفت این صنعت در این منطقه به چه عواملی وابسته بوده است؟

چنگیزی: مردم آذربایجان جزو مردمی هستند که طعم دهان شان را می دانند و این جای خوشبختی است. برای آن ها مهم است که چه چیزی را باچه کیفیتی می خورند. از زمان های قدیم دقت در این بخش بالا بوده است. به نظرم رشد و پیشرفت صنعت شیری و شکلات در این منطقه را می توان از خروجی های این مسئله دانست. در صنعت آرد نیز، که خروجی آن نان است مادر مقایسه با سایر استان ها موقعیت ممتازی به لحاظ کیفیت داریم و نان ما می تواند الگوی مناسبی در کشور باشد. زیرا همان گونه که عرض کردم به دلیل وجود چنین فرهنگی، دقت در حوزه کیفیت برای کارخانجات این منطقه در اولویت بالایی قرار گرفته است.

خوراک: صنعت آرد در بخش صنایع غذایی این منطقه چه جایگاهی دارد؟ آیا این بخش نیز توانسته است به موازات سایر بخش های آن رشد و توسعه مناسبی داشته باشد؟

چنگیزی: سرمایه گذاری های لازم در این بخش از صنعت انجام نشده است. عمر همه سرمایه گذاری ها در این بخش بالای ۱۰ سال است و به دلیل اینکه تجهیزات مرتبط با آردسازی استهلاک بالایی دارند، به مرور پیرمی شوند. اگر با حمایت های دولتی سرمایه گذاری های لازم در این بخش شکل می گرفت و چندین مجموعه مشابه مجموعه ارس مهر ایجاد می شد، اکنون مشکلی در این صنعت نداشتیم. متأسفانه حمایت های لازم از این صنعت در منطقه انجام نگرفته است. اشاره بنده به نقش حمایت های دولتی در شکل گیری و ثمردهی سرمایه گذاری ها است. با توجه به وجود استهلاک بالادر صنعت آرد، بازگشت سرمایه بایستی طی ۸ تا ۱۰ سال صورت پذیرد و لازمه این مهم استفاده از تکنولوژی بالا و روز می باشد. اما، سنگ اندازی ها و تنگ نظری ها باعث می شود طول مدت اجرای پروژه ها طولانی گردیده و طرح ها توجیه اقتصادی خود را از دست بدهند.

خوراک: عدم سرمایه گذاری بلند مدت و یا به عبارتی عدم تمایل به سرمایه گذاری در این صنعت چه دلایلی داشته است؟ موانع و محدودیت ها بر سر راه فعالان و سرمایه گذاران این صنعت چیست؟

چنگیزی: وابستگی شدید موضوع آرد و نان به سیستم دولتی و سهمیه بندی و محدودیت تولید و قدرت مانور سرمایه گذار در این بخش باعث گردیده که تلاش و توان بیشتر، سود بیشتری نداشته باشد و نهایتاً سهمیه محدود گندم و دستمزد ثابت آسیابانی در چندین سال اخیر در کنار افزایش هزینه های تولید، عدم توجیه اقتصادی و رغبت کم سرمایه گذاران را جهت ایجاد و توسعه این صنعت به دنبال داشته است. به عبارت دیگر، دلیل عدم تمایل سرمایه گذاران این صنعت به تکنولوژی جدید و کارآمد، برخورد یکسان مدیران دولتی در ارائه





IMIILA
I.M.I. LANGUAGE ACADEMY

imiazar.ir

Aim Higher

آکادمی زبان

☎ 041-33333600

مقاله فشرده

IELTS , TOEFL , MCHE/MSRT , MHLE

انگلیسی برای پزشکان و مهندسين

انگلیسی تجاری

انگلیسی در سفر

زبان فرانسه



سازمان مدیریت صنعتی

تهران - میدان آزادی - پلاک ۱۰۰

دفتر آموزش های تخصصی

سازمان مدیریت صنعتی

آدرس: جنب هتل تبریز کوچه پناهی

دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی

www.imilazar.ir



مرکز آموزش های
کاربردی مدیریت



مرکز آموزش های
تخصصی فناوری
اطلاعات و ارتباطات



مرکز تخصصی
سینارها و مراسمات

IMILA

آکادمی زبان
سازمان مدیریت صنعتی



سازمان مدیریت صنعتی

نماینده گسی آذربایجان شرقی

آدرس: آبرسان-جنب هتل تبریز-کوی پتاهن-شیش کویه فروردین
دفتر آموزش های تخصصی سازمان مدیریت صنعتی آذربایجان شرقی

فکس: ۳۳۳۷۹۹۵۵

تلفن تماس: ۹ - ۳۳۳۷۹۹۵۴
۳۳۳۳۳۶۰۰